



Copyright © King Saud University

Handwritten text in white ink at the top of the page, possibly a title or header.



Small, faint text at the bottom of the page, likely a page number or a reference.

کتاب فی الوعد والایمان
باللغة البرلینة

الرقم العام : ۶۷۸۴

۷/۱۷۶۴

۱۱/۱۱۷۶/۱۴۱۷

فرصتی فرموده ایته ای دل سینه ز غنایه بک
و شمعک بکسول غمی کن حکم غم الفقه بک

بد ریح من افروضو بر بر
اسرافون خیر او طاز و بر
خیر و اسراف او طاز

مکتبه عیالیه الملك سعود قسم النظمیات

الترقيم:	7784	7764	7764
الكتاب:	-----	-----	-----
المؤلف:	-----	-----	-----
العدد:	-----	-----	-----
عدد الاوراق:	-----	-----	-----
ملاحظات:	-----	-----	-----

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محمد نامعدود و ثنا نامحدود و اول حضرت سزاوار در که هر ذره موجود
و هر داخل دایره وجود اول حضرت و جوب وجود و لیل قاطع دور
و منت بن قیاس و شکر و سپاس ستول جنابه شارد که ترتیب ممکنات
و نظام موجودات اول جنابک و حدایت ذاتیه بر باسطع دور
سلطاندر که جمیع عالم سلطنته سلطای قایم بر جهان در که هر موجود
تسبیح قوی و دائم بر ملکات که عالم ملک و ملکوت ملکتن
بر خطه بر باد مده که سخن سرای عزتند عرش و سماوات بر قبه
بر مبدع در که عدم خزانه ابداع در بر موجود در که بوقلق و سیمه
اضراع در و عقل دور بین افق زرو و کمالینی کورمز و هم نیز
پر دامن سراق جلدن ابر منظر طاز خاطر انسانی که هر وقت
موجودات علوی و سفلی شکار محمل و منقار در بر نفس ربوبیت
هواستند بر آجوب او جرم و طاموس عقل و فکر آدمی که روز و شب
فضای ملکوت و صحای جبروتند جلوه ایدر بر قدم الوهیتی سایه

سیاحت ایدر مزه عقول مغایره که الطیف مخلوقات و اکمل موجودات در
لطف و کمالی صفت رنگت احصا سنده متخیر و بی هوش نغوس ناطفه که
وسایط عالم ارواح و وسایل معالمتی استیاج و عزت و جلای
کونیکت فاسنده و الهه هوش که فیتون که کانیاته سرور موجودات
مخترک کلامی پسننده قومشدر آنک قولنی کمرنی جان میمانت
بفتم سردر و درو حانیون که علایق ارتباطات جسمانی و قیود سلسله
ایولانیدن پاک آزا دله در آنک رقیقنی طوقنی وجوداری جنیدنه
طیف لدر و نواقح خیم و کواکب نجوم که مناکب مرکب افلاک سوار
اولی سیر در زینت و عظمتی نطقنده بر قج خور و ضعیف بیاده لرد
هو الید سفلی و تنایج عنصری که سخن طبیعتند قید سخن جهت ایل
محصور لردر جلال و قدری زنداننده بر نیچه محسوس افتاده لردر
بر علیم در که علمت غایت یوق بر قدر لردر که قدرته نهایت یوق
قدیم در که عقول متقدمین و متاخرین دایره قدیمه بقصر حکیم در که حکما
اولین و آخرین حکمتی معرفتند دم او رف بر معسوقه که عشقی هواستند
گفتوز فکرت جرحه کبر و سب او بنر بر مجبور بد که هوقی در دندون کون
استیای جرحه اکل بر حاکم در که قضای محک سنده عقل کل کاتب و امین
بر حافظ در که حفظی خزانه سنده بر نقطه کتاب مبین بر فادر در که قدر
تخریرندن عاجز قلم اعلی بر عالم در که معلوما احاطه سنده قاصد لوح عقلی
علم قدیمی کلی به و جزئی به محیط لطف عمیق مرکت و بسبب اسبط و رحیم در

Copyright © King Saud University

که دو عالم در حقیقت نیستند بر نفعی که در کرم که یکی جهان کرمی و دیگری بر قطره
غفور در که مغفرتی زلالی صحائف جراحی میاید بر غفور که بر قطره عاقلست
بنیچ کما حای عفواید بر بر قه و س که زمره ارواح متذکره سادات
بر قدم کجیز بر غریز در که هزاران جان عزیزان سرا برده و نماندن بر ذره
کستف اید مز بر قهار در که جلاله اسطوتیله هر موجود مغفور و رحمانه که
جمالی کجا سید هر ذره مسرور سمیع در که سمع آلت بوق بصیر در که
بصره آفت بوق مرید در که اراده علت بوق خالی در که مخلوقه
نهایت بوق جواد در که بخشش غرض بوق حسی در که حیاته
مرض بوق موجود در که امکان بوق دایم در که امکان بوق
سویستور ولی سوزی جسدن دکل وصل اولر انا و صلیتی فرقه دن دکل
هر شبه قریب بر قرنی مکانی دکل هر موجود له بله در معنی زمانی دکل
قبولم در که عالم آنو کله قایم فیاضه که جهان فیضیه دایم و تا بدر که
کینت خستی و ایلو رزاقدر که خزینه سنده بوق بوقن غنی در که
هیچ فقر کورمز کامله که انانغصالی ایبرمز و ارب در که اول دخی
اول مالک باقیدر که باقیستی مالک واجب در که انان واجب بوق
اولودر در که هنده حاج بوق مخطی در که هر کس چایبش با در که
هر مؤمنه ایمان نیست مانع در که نوله و بر مالک الله مفضل در نواصل
ملکنده فنا در بغیر دلتری و دود در اوینق کولکتری کبیر در کبری
اصح دکل صادف و عدی خفا دکل ستار در قولتر نوک کن حنی

مجید در مظلوم که آهنی قاضیه بلوا رنگ حاجاتی سمیع در فقیر ک
مناجاتی کافیه هر منتهی دافع در هر منتهی جبار در که سنگت کاجری
بوق قهار در که قهرنده لطف چون قاضی در سبطنده غرور ادنی
بسط در قرضنده شکر ایلمنی حافظ در تر قرض ایلمنی رافع در تر قرض
ایلمنی نزل در متعز زینی مخزدر متذللنی عادل در ملکند ظلمی بوق
صبور در قولترینه حلی چون خیر در هر کولوستری حسبب خیر و ستری
لطیف در که لطیفی عد منعم در که نعمتی حد واسعد در هر سینه و سحت
اندر کرم در عالمه مکرمت اندن مصور در هر صورتی محسند هر
مسیرل علی در علوی فو خانی دکل عظیم در عظمتی جسمه دکل شکور
شکری اول قولترینه رؤف در رحمت ایدر مجر ملنه واحب در چای
باعث در امانی حمید در هر دله شجید در هر کولکده جابعد در خرد
حاضر در هر وقتده سفیندر هر غنی اندن جلیقدر جلال ذاتندن
رستاده منبری مرستدر ایما بولندری مقسط در الله منتقم در اهلن
دالی در ملکند متعالی در عزتند بدیع در که ابدی نظیر و مثال کر کمر
بدیع در که اختراع صورت و مثال کر که هم محبت در هم محب هم
طالب در هم مطلوب هم و دود در هم مودود هم ساه در هم شهود
بر قیوب حاضر قریب در ناظر حلق در ماجد محیی در واجد سلا
آفادن مؤمن عابادن متکبر در نولا بر سر منجبر در نولا بستیور
مجید در مجیدی حقیقی قوی در قوتی تحقیقی منین در متن حکم حکیم در حکمی بر هم

مبدی در زود بنیاده معبد در عقباوه . مینب در رابدانی . مجبی در رکنه آنی
 بارعی در خلقی . فاسم در وزقی . مقدم در اوک کجی . مؤخر در صوکت
 قلنی و لیدر اوکیست . و کنیدر اصفیاست ضار و مضری حکمتدن . نافع و مضعی
 قدردن . مرتب در مکناتک . نور در موجوداتک اولدر **رایت**
 عابقه سالدر ججهانه قدم . مرسله چونند کلوی قلم .
 لعل طراز کمر آفتاب . حد کوی خاک و خلی بناب .
 پرورش آموز درون پروران . روزی برارند . روزی خوران .
 داغ نینهامیه داران پاک . تاج ده تخت نسبت خاک .
 خام کنی بخت تدبیرها . عذر پذیرنده تقصیرها .
 دیده کف کور دلان خیال . سر مکتی دیده دران کمال .
 پرده کس جلوه کران بنیاز . جلوه کوی پرده سیمیناراز .
 مونس اندیش بیچاره کاه . خانه بر انداز ستمکاره کاه .
 بجزه ساز حرم کس در پی . نفس طراز طبع جنبزی .
 مجمر کردن نسیم بهار . خلقی . سوزی همین کله غدار .
 رنگ زری و فرزی آفتاب . ناله کتای نفس سنگ تاب .
 جبهه نامی منو خستید روی . غایب ساری سب ز بجزه موی .
 نقش نگارنده نیل تنق . خرد و فسانده زرین افق .
 دهد جان مرغ سیلیماندر . طوطی دل بلب لب سیمندر .
 خلقه بکوس در راه نو . لشکر در باد جهان بیکر نو .

مرغ روان فاخته طون در . پیر خرد طفلی ره سون در .
 کوه کاه گرم کن فکان . غرقه بحری نسیمی انس و جان .
 سکه حکمی متغیر و کل . عصه ملکی متقدر و کول .
 مجلس جهان فانی بقایس آنک . ملک تعالی و تقدیس آنک .
 چرخه روست قطبه نبات اولک . جانه صفار و جبهه جانا اول و برر .
 غایت مقصود و امانی دل . واقف اسرار و نمانی دل .
 جلوه ده ساه کل روی مظهر . مستول افروز روان سپهر .
 جوی دله آب روان اول و برر . درج ننه کوه جانا اول و برر .
 اولسدی قدرتی آنک منزه . کافور بوسه بدی حرف نون .
 کسج او در باقیسی دیرانه سی . شمع او در مجلسی پروازی .
 واحد در که سرادقات لم زلیله . فردا نیست موصوف احد در که سریر .
 لایزالیده و جدا نیست معروف . فردا صدم بدم بولد ولم کن لکنوا احد .
 ججهه پادشاه خدالی سنکت . ازل تا ابد پادشاه سنکت .
 سن اولدک خداوند بالا پست . وجود کل اولدی نه والیست .
 دیر و حد تنده خبر کانیات . رواند رسیده کل آب حیات .
 نه ساکا عدیل و نه ساکا علل . مغیب الوری خالق لم یزل .
 خدایا . سکا در بوستان خلق سزا . که ایشکو که جبهه سینه کدا .
 چو کوه بتر حاجت مور و مار . در موکله سینه شعیه نور و نار .
 عنادل رخو کله تر تم سزای . کل لطفک به ایلر نسیم نمای .

دکلسونک جهانده جمانه طلوه دکلسون مکانده مکانه طلوه
 الها ملکا پادشاه باسن اول اول سن که سکا ابتدا بون سن اول آخسن
 که سکا انتها بون سن اول ظاهر سن که کسند بند و لوک بلمه سن اول
 باطن سن که کسند دن کز نمز بر حسی سن که جمیع جلد حیات سندن
 اولونه بر قبضه سن که جمیع محتاج حاجتن سنده بولور بر جبار سن
 که **انا جعلنا فی اعناقهم اعداء** ز بجزیره جبار لروک بوینی
 بغلب سن در بر قمار سن که **وقطعت الودین** بغنزه قاهر لروک
 جانی طر لروک کسسن در بر سبوح و قدوس سن که سبج کچو
 هزاران هزار جوهر و زواجر ارواح مجزده معارج علوی و طارم نابالو
 مراقی سماوات علاده موج موج و فوج فوج بحر سبجده سبج و
 جفا تو سبده سبج اولوب صبح جباری **سبح بحمده** بقو قلمی و
تذلل بر واحد سن واحد سن که توجید کچو هر ذره بر دهر قطره
 حال و دلالت احوالده بلب کویا اولوب ایدر لر که **لا اله الا الله**
وحد لا شریک له له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدير دریا
 ای مقلد وار کبدر تعلید سن روزیت قفل غلظ توجید سن
 که سفر قلم دلرکت راه دین صدق رهبر مکی ایله یقین
 آج خود حسن نظر فل پیش و پس عقل فرزانه سکا استاد بس
 سر کوزینک کور می دانستدر سر کوزینوک نیت کم بنیشدر
 چشم سر غماز جسم دل درر چشم دل بیرون آب و کل درر

چون یقین اولاکه وار در بر خدا
 حضرتنده یون بحال قیل و قال
 بی سب داننده حق و کامل اول
 هیچ موجود انکا همنا اولمز
 نبیث بالا و نجان و آشکار
 ماه و نهد و انجم و لوح و قلم
 جمله سی خودندن آنوک بر اثر
 سر اجدن بونله تابان اولور
 جمله استیبا سجد در کاح در
 عقل کار افتاده چاد دل داده سی
 دو جهانک اول و اخی
 بی تغییر نعم و قهار اول
 قسمت امر بل اولور چون پیش و کم
 آفتاب روح کم تابان ایدر
 کلبه روح القدس قلبی قلور
 چون حرمده حر به پیل آغاز اور
 حکم ایدر اول عنکبوتیه دام ایدر
 آب بحری استیجاک پیل ایدر
 کاه برد بوسه لیمانن و برر
 ذات پاکنده و چه چون و چرا
 ایرمزد در کاهنه دهم و حیا
 بی حجت فتنه بزمک حاصل اول
 کمال است و بالا بولمز
 جمله سی انما رضع کرد کار
 بحر و بز و خشک و بز و بز و بوم
 آفرینش هر نه وار سه سهر
 قاماندن زنده و جنبنا اولور
 هر بری قدر بجه آنوک اکا حدر
 آسمان کردان زمین استاده سی
 جزو کلوک باطنی و ظاهری
 بی تفاوت فاعل مختار اول
 کردش افلاک بنجون متقسم
 بیننده آمده اول بجه ایدر
 روح قدسی و چند کلبی قلور
 حکمیب مرغ سنک انداز ایدر
 فخر بی عالم تا وار ب آرام ایدر
 آتش سوزنده اول کل ایدر
 کاه بر مور و سخن دانلق و برر

بر عصادون در در زبان اول
 رعد و بر که کسی تسبیح جوش
 هر چرخ خرقه بویشی کوی در
 که بشنید ز کسکست قور تاج ذر
 طوطنگ بو بنده طوق زر فلور
 پاره پاره خاک اجنه خون پدر
 المسیدی زکن آنک لاله زار
 هر چینه کرده آذن زنگ و بو
 قلمس بر مانده اثبات دوست
 اول وجود پاک وحی ذوالجمال
 اول ضای حق سلطان ازل
 اول خردمند خردمندان در ز
 بوندن او کدین کم بوغیدی پوج
 بلکه او کدینک دخی بوغیدی هم
 جسم جانان ز با دیداری آنک
 بر تو لطفی میجوید پیر صور
 آستی سوتی جھانی او د ایدر
 سو بورت دکن بلور بلکل خدا
 طاعتو که بو قدرانند اجتناب
 بر تنوردن کوستر طوقا اول
 ابره سوتی اندر برق خروش
 جمله عالم مست و پای دوی در
 که دوزر سینه تاجیه کوه
 هدیه بنی بره رجه فلور
 تا عقین لعین اول بیرون ایدر
 بلبل انزوی همینه آه و زار
 رنگ بودن یو قدر آند تار مو
 جمله ذرات جھان مرات دوست
 ایز ذنی جوه قدیم لایزال
 فاعل مطلق حکیم لم یزل
 اول خداوند خداوندان در
 نزمین و ایدر نه خود آسمان
 کم و ایدر اول خداوند قدم
 عقل و حسد او کدین کار آنک
 صولت قهری فلور زیروز بر
 ذره سی آنک عالمی خستند ایدر
 اول دکل بر مو قدر سندن جدا
 که ج طاعت بندک بهشتی تاج

کوز

کفر و ایمان عصبه میدان در
 که چه توحیدک او قور هر دل آنک
 دلد اولان حرف و کولکده خیال
 که چه بر غوغا سید بازار دل
 سول کسی کم اول اول اصل نظر
 علم و دانش که انج بو قدر
 لیک شونم کم کولکده آه در
 ره روان ممکن معنی آنک
 سول که حقدن بغر در نانی کوزر
 هرند و اریسه جھانده آزد و چون
 جان عاشق دوستی طالب اولور
 نوزج قیلر و جود غم تمام
 تیغ و حدت بر لب جگر
 تیغ وحدت هر کولک بیلن بجر
 بز می مردم کلشن معنی اولور
 زمره ارواح محرم اولور
 هر دمنده عالمی سپران ایدر
 کاهی خستید و کبی در یا اولور
 هفت یا ختر هفت زین هفت آما
 دلزی طوب ایلمن جوکان در
 لیک بلک سزنی شکل آنک
 پاک دایک سندن ده ملک لایزال
 حیرت و سواد ادا تا کار دل
 عقل و فکر یله و پرر دایم خبر
 دستر آنک کم قلا بوندن گذر
 عشق النده جا کولکده ماه در
 کستگان حجب الا التهی
 هرینه باقر آن کوزر
 نوزج قاتنده کوزر حسد بون
 نوزج وارفتی غالب اولور
 کوزر اندن غیر سینی اول ایمان
 باشی قلمر هر کولک کم سر جگر
 اول هوای لایمکان بجره او جگر
 سبری هر وقت عالم کبری اولور
 سالکان قیاسی عهدهم اولور
 سیر و کوی هر نفس جلال ایدر
 کاهی کوه و قاف و که عنقا اولور
 هیچ برینی کند و دن بولمز جدا

انس و جن و خلق عالم تحت و فوق
 کثرت اینجند بقر اول و حدت
 یکدیگر کثرت اول صکره بوندن ده بحر
 بحر و حدت طلب فانی اولور
 و اینی بر عوذب یکتا اولور
 هوسیار سوت و کویا و موس
 بر تو ذات حجاب کبریا
 کرجه دور بر بوقلمنی آرتی مدام
 خم و حدتدن بویستن در نیک
 نوره غرق و نورا چند مضحک
 چون مرید ابره آکا بولور مراد
 قول قول اولور حق حق اولور کفعل
 کبیر ز رمد و م اول موجود اید
 واروار اولور بوق بوق اولور و ایما
 اصل کارکت بونی بیلوب انلبیا
 بر و ابتدر همین بز قیلور ز
 یوحس بز فانی و قندن بوقال
 سز توحید اول نفس اولور عیان
 قاله بونده کلکن طبع حواس

آمدن اول کند وی فانی اید
 دو جبهه نده و ارشادی غم
 چونکه ذاتنده بو حالی بوله سن
 عارف اسرار توحید اولک سن

اشارات معرفت

کیم بلخ شرح عالی معرفت
 معرفت شمس و ذره جهان
 بو چند کیم ابر ز بر کل
 کار عالم حیرت و عبرت درر
 از نما آکا بو خیالات و کمال
 شو که حق بلدی بلز کند و بی
 معرفت در با و عارف غرق اولور
 یکمک غما در در با اولور
 سله الیم کیم کینج و حدت هدنی
 شمع بز م اولور آکا نور صفت
 کور مش و بلمش و بی نادان اولور
الحی ملک علم و وای مالک از منة انام سن اول موجود سن که کل
 رضای الیام ار حامده تقدیر کلمه پیدا الیک سن و سن اول مبعث سن
 که رضای کلجی ار حاکم اکامده تدبیر کلمه هویدا الیک سن سن اول حکیم سن
 زکسک مکز لرن زکس کوز لور کجی حکمتک اتار یله بنیا الیک سن

و سن اول کریم سن که سو منک ز با بلر کبی نمک از کارید کو با کین
سن اول مجوس سن که بلبل زبان کلین نهال انسانده سو فاکت نو
نغمه ساز و خوش اولی ایدر و سن اول معنوق سن که ز با بلبل نهال
کلین بوستانده عشقک هوسنه تر تم کوی و دستا سر الو ایدر سن
اول حکیم که اینست معرفتکده اسرار خانی و مینبات دو و چاه چهره
رو ز رو سن کبی لایح در و سن اول رحیم سن که نسیم رحمتک در داغ
جانسوز و جامه ارواح عالمیانده را بجز غیر اشعشع کبی فایح در سن
اول جواد سن که سوال مسائل آسمان و زمین و افاضه مواهب موجودات
عالمین تکز ایام و تعاقب نهور و اعوامه نمک خزانده سنک بر ذره
قدر کسز و سن اول غفور سن که عفو جمیع جرم بندگا و محو جسد
تفسیرات کنه کاران هر نه قدر که فی عدولی انصاف و هر نه مقدار که لایحه
و ولا یحیی اول مغفرتک بجزند بر قطره به نقصان کنور رفو الهی سن
اول قادر قدیم و صانع حکیم سن که ازل از الده جلا سبب استار صفات
و محب صفت ذالک مستور اول سن بر کز مخفی ایکن دلک که خزینة انعام
و سخا جلوت و ابرایاد و رحمت مجلوب خستید جرخ لم بزل سز و
ازلدن طالع و فیض نوار قدم عرصه ابد و لامع استغی لول مع ذلک
در یکج سزای وجود دن و شعشع عکوس استرافات سطح دریای وجود
عدم اقلینوک اجند منسط و لایح و بوتلن آینه سنک یوزنده جلی
و واضح اول یعنی دلک که جمال فی مسالک ستهدی ظاهر و مجلی و کمال

بی نهایت شاهدی روشن و آشکاره او میجوون بجا بر صورت تلونیده
بر نقش عجب جسم و کارگاه ایجاد کونیده بر غریب طلسم ابداع ابدین
که کسنت کز آنجینا حاجت ان اوفی قنلت المخلع لان
لوف پس بد قدرت قاهره و عین حکمت با هر که ارادت قلین الو لوف
ایداغ و تخت اضرا عده جمیع مکونات سابقه و لاحقه نوک جمله موجودات
متعاقب و متلاحقه نوک سواد عدم دن بیاض وجوده کلکات صورت
حالی و کیفیت احوالینی بر سلوبه تصویر و بر مثالده بحر بر اندک وقت
ایجاد دن ابدالاباد و کن هر موجود اول وجود تقدیره مطابق و هر
صورت اول مثالده موافق هر جز ذی نکت صورت علم کده کابن و هر ذره
نوک مثال اول لوحه کامن بر احدک زهره سی یوق انده بر حرف
آرتوره و کبرنک قدرتی یوق که اندن بر نقطه کده سن اول حاکم اول
و قاضی لایزال سن که قدم اقلینده و هنوز بر مخلوق پیدا کو کن و قضاک
حکمه سنده هنوز ممکن هویدا کو کن سوا حد علمت و مینبات حکیه کلک
اجرام اسیریه علویه به عناصر اربعه سفلیت تزویج و نکاح اندک که اندر
سجک و ند سیر رحمانی سببیه مجسم صورتنده و عالم نهادنده اول آباء
کرامت بو اتحات غطایله از دواج واسطه سببیه جوی عادت حق و
قانون نظام خلق اوزرنده پرده رحم عدمده موالیدتک ظهور کلک
کم کم مولوده کند و استعدادی لسانیه تسبیح و تمجیدده و هر موجود
کلیه زبانیله تقدیس و توحیدده اول بر صورت سنی کو ستر میجوون بر نهانه

وهر آنکه سندن برت نه برتیند بر بوزدن لطف و کمال و هر خفته بر بولو
تجلی جمال هر ذره و در حدیثی که برینست قاطعه و هر ممکنه قدر تو که
بر حجت ساطعه ظاهر اولاد **فمن کل شیء لایة تبدل علی لایة و اصلها**

دو عالم که دلیل و برهان تو حیدر و فرحماد و حیوان
هر ذره که هواده مست اول هر نقیصه که حسیضین است اول
عمله آنی جایسته طلب کار لیکن برسی ذکل خبر و ار
ایند که حس بریم نی نیازی اندیشه اول خصال بازی **شتر**
لحمی سن اول مذکور سن که ذکر کردیم که موزن اوله متوق اقبال و سن اول
سنکوسن که شکر که هر که من اوله منیر **آمال ابیات**

بنده اولن مولکند شکر کرک خیر و شردن خیر که ذکر کرد
علم اولورسه اول آن نعمت بله ریخ اولورسه اول آنی راحت بله
شکر بر نعمت رر حسنی بدید شکر نعمت موجب جلب مزید
شکری دافنی نعمتی شکری آنک عجز کنی بله هین اینجی سنک
عجز سنک اولور حقیقت شکر بیل مجز درک اولور کمال درک بیل
ای خالق بر هر چه وجود دای و اهب هر کرم وجود ای فتح ابواب سرت
و ارتیلح ای بیخ طرزه مطر ای شام و غرزه غرای صلیح ای زمین و
آسمان نور کله روشن که **اند نود السوات والارض مثل نور کسکاه**

فیما صلیح قلوب عاشقان سجات جلالو کله منور اناس مشتاق
نغمات موصافه موطار و ارج عارفین زلال حالو کله عطش اسرار و العین

جمال کماله حیران دل صد تقان بکلیات عنایت و جلالو کدن بی حوش
موتی باسطوان غطیته و کماله کده مدیه سن فروع ملوک جھانیه بنده در کمال
الغنیه بر جوش ترغم بیل بو سکا منار سنجار و نه تبار قدر کچون سبک کلبان
کلتا فصل هار و نه تجر حکمتی کچون هر محصله که بر جمع وار سوخته غشوق کدر
و هر محلبده که بر ستم و ارا فر و خسته سو قو کدر بار استیر غلام سنا انعام
تسنگا و کرسنه گاز مره انشا لطف و انعام کدر سب باران سنا دانده

عاجده زهان طفلان باغبستان عین فضل و اگر امو کدر **هر الذی یقبل**

الغیب من بعد ما قسط او یستره و هو الوالی الحمید سخاوت بر باره
قطرات امطار صیحات اقطار او زرت لیل و نهار بفرود غنی سنو ک تقدیر کله
و غوامس بر بهار عقود و ما و رید آبداری قعر بجار ز خار دهن کتور باز
چمن و گلزاره عرض اندکی سنو ک تدبیر و کله جرح و کمال کمال قدر تو کله
روز سن کزدان ایدرسن و بر کوزه زرین رجه سبین کوب اول جوی
بر لاندن سلق و سرگردان ایدرسن تا اول حرکات تو ک غایب اوضاع و حالانی
و اول اوضاع مکمل غایب اربنا طاقی واسطه سیله جوی عاده نخلوات
دقانون نظام ممکنات او زرت جها باغنده کانیات انطباع نباتات و حیوانات
و عالم کون فضا و اصناف متجدده ذات موجود است هر فصله اول مزاج
مطابق و هر وقت که انما موافق السنو ک اولابوب دایما اول باغ زیب
زینندن اول کلتا حسن و بهجت خالی دلیده الهی ای پادشاه عالم و موجد
جن و آدم ای صنایع دانا و ای فاعل توانا و ای مظهر بر اربع حکم و کما

بسبع لوح قلم ای خالق بار و نور و ای رازق مار و مور و ای گنجینه ابواب
 رحمت و ای نایب اسباب مغفرت و ای مهدی معبد ای قاهر جناب
 عین **ایات** ای برانده همه و خستید نقش بند جها بهم امبد
 بی قلم صورت بدیع اندک بی ستون خیمه رفیع اندک
 مایه بخش عقول اولی سن فاطمه صورت مهولاسن
 ذات بیچو که بدایت یون با دشنا هینو که نهایت یون
بشر سن اول ملک سن که ملکت که عدل یون و سن اول عزیز سن
 که عزت که ذل یون سن اول سلطان که سلطنت که خیل و خشم که کمر
 و سن اول پادشاه سن که شهنشاه که جبر و علم که کمر سن اول قهار سن که
 سطوات قهر که ادب **لمن الملک الیوم** دید و ملک و وقت زوایای
 علوی و سفلیه بر احدک جوابه طاقی اول که جلال احد توکل **مد**
الاحد التما و بوجاوی بر جگت کسنت نوک معارضه استطاعتی اول که قنی
 اول لاف جباری و مهابت جهانزاری اول که بنحو اول کوند اول لاف
 دم اور منزل و قنی اول دعوی منصب و تقدح رفعت بار کا ایدنم
 بخون اول دمه اول دعویه قدم بصیرت سن اول قدوس که ذات
 مقدس سوک تقدیس مقدس و تسبیح سبحانده بی نیاز در که **ان حسنم**
فکم جماله وان ساء تم فکم و بانه و سن اول واحد سن که متر احدیت
 و حقیقت صمدیت که توحید پاکان و شرک پاکان دن منزه که **حقیقه**
الصمدیه منزله عن جمالکم و و بالکم الم سن اول که ایم سن که

منار ب

منار ب که موک ذواخ و صافی و سن اول نعم سن که روایت لغز و افز
 ذواقی بلقیس سباه سما که جرح ممد و قواریر قصر مینا دره طور رخنه درگاه
 قدیرت عجیب که در قنبل مرتفع بر منیا که طاق خواب پیروزه فلک معناده
 بنر شعله انوار حکمت غریب که در طارم قبه بالا و عرصه ساحت بسنی
 وجود که نور بله روشن اولی سنده هفت سنه کلس علو تایت و حجار کونیه
 بسنا سفلیات حکمت انار بله کلس اولی سنده غیب جزیند لرنک
 آلمی قیضه قدر تو که در کز لوسر لک دو بیلمی دست ارا دکنده علم و
 حکمت که صحرای بلدر دن سن سن و اقبال سعادت بولقنه بلدر دن
 سن سن هر سمت که نفسده اول او هر سمت که کوه کله اوله علم قدیم که جمعی
 موجود و کتاب مبین که جمعی معده و در دانه که جوابات بسط خاکه
 مکتوم اوله و در نقش که زوایای محیط افلاک که مرقوم اوله هر ذره
 دایره علو کله داخل و هر نقطه سی نه محیط حکمت که مثل سواد سیر
 دیده امون صحرا و بیاض کوه مردان ماهیان در پای علو کله و تلمسند
 که **و یعلم فی البین و البین** و برک رزان فضل خزان
 و شکوفه هر باغ و در شاخ کتاب که باز لمسند که **و ما شفق طم**
و رقه الا یعلمها ولا حینه فی ظلمات ولا رطب ولا یابسن الا فی
کتاب مبین موق و در حق حضرت که در خنده جدا اوله بلور سن که انجمنه
 قج کزه و وز و قنی بوزی اذره بره انرا اول بر دغور رکید رمی و یا
 بر جوان آتی بود رمی اول جوان اندمی کله و باخو زاول اکامی وار که

اول حیوان عالمه موجود مدبر پوخته هنوز کم عدده مفقود میدر مشرقه
 بی اوله کرک مغرب می کجه می پوخته کوندز می آنک تننده نازرا کرک
 انک اصی زبان زور سه کرک همس مازله بلورس و ملک کده وارد اوله
 اوزر نه طورس نبلد و کله احتمال زوال وارونه ملک کده تغیر و انتقال
 وار. الهی سن اول عالم اسرار ازل وابد و کردار هر نیک و بد سن که هر
 جزئی که خیالات او ماهه کلور و هر نه کلی که عقول آنها مده بلنور سن
 عالم سن و دلد و کله کبی حکم سن هر مولود که آثار حنه دوسر ازلد بلورس
 که ذکر می نجه انبی تام اخلق می پوخته جینی خوب اولور پوخته زشت
 اهل دوزخ می اولور نجه اهل بهشت عاقبتی اولور به دیوانه استانی بطور
 به بیگان عالم می اولور نجه جاهل ناقصی اولور نجه کامل غنی اولور به خود
 فقیر سیرینی اولور نجه حقیر عمری اوزمنی اولور به قصیر جسمی کبری اولور
 یا صغیر جمعی علم غیب مطلق کده موجود و جسمه سی لوح نفس کله مضبوط
 در پرواز عقاب عقول انب بالای الای استانه اسرار غیب قدر تو که
 بیست که **وعنده مفاتیح الغیب لا یعلم الا هو** و طول و عرض ذفری
 خیال محاسبه ارقام اعداد اجناد و جلال عزت تو که وفات تو که **و ما یعلم جنود**
بکن الا هو کا ما حی میدان فضایی طاق فکله اعداد برکوی **و ما یعلم**
 ایدرس و کا که آنی دست سپهر کرده معنی ده بر سیمین جوهان کبریا
 کا بو اوراق بینی کتاب آسمانده النونیه بازمسن بر نوه تابان ایدرس
 و کا بوسفره بیروزه خوان اصانکده بر قطعه نان ایدرس کا زین

اورب

اورب خنک کرد و نه سوار ایدرس کا دینت ایچو ساعد زهره به
 سوار ایدرس الهی مهر و ماه ایکی شمع در فراق قدرتک خلیفه زاده کان
اما جعلناک فی الارض خلیفه نوک مجلس حضور ایچو بقیت در
 ویدی قات سوات برقه در که صانع حکمتک اوله نده داده لک سرور
 ایچو بیست در ماه مینر کار سن حنکده بر کسوبند سیمین زلف زتاب
 جرح برین حکمت تجانه عشق کده بر خلق ذرین کوش تیان تار و الهی
 سن اول قادر سن که جنود قضاک منصور و سن اول جواد سن که دفر
 عطایاک موفور سن اول عظیم سن که عزت و عظمت که معتف اولون آخو
 و سن اول کبریا که کبریا می جبر و نوک منصف متعده منون و متاخرون و سن
 اول حاکم سن که هر نه امر که قضا و حکم اشک همین کن فیکون **انما امر اذا**

اراد سنیان بقول که کن فیکون ابیات

قدیمی که توانا جان و جهان آنو کله بولور جمله نام و نشانی
 عطاسی فراوان و بی انتقا له احمد و الملک و الکبریا
 مطرا اگر جسمه کل او در کرده بند کبری سنیل او در
 شراب ججه کلبه ستونی در همای خرد قمری طوقی در
 منابع کنایه شراب جهان و در باغ جسد اول آب روان
 شاکسته و مبدع کاینات زبان حماد و روان نبات
 الهی سن اول موجود سن که مهرک هوا سنک شعا عنده بروزه سبیل
 وجود ککشنوک بر نوندن برسته سبله هزاران هزار صورت و کربانچو

جان فرای کیم تمدن صحای وجود کتورسن . وس اول معبودس که
 جلال و انک و کمال صفا تک بسببکه هر موجود ممکن و هر حرکت و ساکنی
 هر نفسه قولفد وجود کتورسن . سن اول جناسن که پنج جنار کردن
 کت نری بر نرود کبی نصیب شه . نام ایدرسن و هزار فرغذ بی امان
 فرعون موسی کبی بر آغ باز بسبب زبون و رام ایدرسن . اگر مور بخیف جمل
 منین عنایتو که تمسک اده دید : ماری که سندن جکه . و اگر و باه
 ضعیف چرا کما جمایتو که بول بوله ار صلا ز محکم پنج دونه . الهی سن اول رحما
 سن کلت سن فرعون رحمتو که حدایتو که کم کلزار ایدرسن . وس اول قهار سن
 که طبقات جستم غفرتو که انشوک ادنی ستر ادر . **ابیات**
 هست جنت لعه انوار در هفت دوزخ تاب ستوقی نارور
 سن اول حکیم که علوک کتاب خای سندن بر نقطه تک اجاز بچون طقوز
 فکر بر آید بو کلوب در صوم و مستدر وس اول منور سن که زبا حال عقل کل
 شرا لا و بسط نما کده : اخرس و ابکم اول مستدر عقل و در بین و فکر پیش
 اندیش ذات بچونک اورا کنده حیران و تیز کام حبال حجاب نور و صفا
 سپرنده سر کردن اعداد رحمتو که تنگنای احصا و قضیون شمارده برود
 و طبقات آسمان زمین بدایع حکمت و صنایع قدر تک ابر کون **ابیات**
 هرینه بافتک دلیل ذات در جمیع استیا مصحف ایا ندر
 عین فرس افطار منشی خاک در جزو کل برها ذات پاک در
 اولین و آخرین رهنمون اندنی ظاهر جمود بر کاف و نون

روز شب جرمی دور بگردان ایدرسن روز محصر و سبب متا با ایدرسن
 ذات پاک هر جسدن در برون فاعل دانادر ربی چند و چون
 بو جهان عقل و جاحیر اندرسن کوی دلتز جمیل سرگردان در
 فرغ جاندر و امید پای بندر مکه کم سوداسی وار در سر بلند
 صیغی چونکم لطفی اظهار ایدرسن آب و کلدن قابل دینار ایدرسن
 مبدع بی عون و بی التدر اول خالق بی غایت و علتدر اول
 ای که سنس باطن و هم آشکارا رحم در حمان و حی و کرد کار
 الهی سن اول قادر حکیم سن که رضای کلمه سنول طراوتی و پردک که آنی
 کورد که کل دل آخلوب بر صفا اولور و کل رضایه سنول رضایتی و پردک
 که انکار سنول کل اوتنوب فرغ حیا اولور الهی سن اول قادر سن که
 نخل ندر قدر توک ترتیب نظام موجودات و تولید مولد کائنات
 و اعیان شرف و داران دوران و اعلان اعلام سجده حیران حجاب
 قنادیل معلقه اجرام اکبر و مصباح سنوز : نجوم ثواب الی مشرفات شماره
 قبه افلاک و درجات طاق سزای املا که هر دمه بر وضع غریب پیدا
 و هر ساعت بر نقش عجیب پیدا ایدرسن که منجمان عالم اول اوضاع
 ارتقا کما حکمتند حیران و موفقان بنی آدم اول در جاتو که وقایع اول کنده
 سرگرداندر فراتسان حکمتو که قیام قدر توک عبادات عبادان سگاه
 ارضین و صلوات معتکفان روی زمین ایچون بر طاق حجاب سوز
 کردون و درون فضای قبه جرح بکلوند سببجا و سببیاکی روی

مسجد خاک اوزره بسط ایدوب دوشلر و توکل متالید رحمت کبدان
 خزاین نعمتک صاع مضع زمینی فضل بهارده انواع در کوهله وزمان خزانده
 صنوف سیم وزله دولدوب جهانة نعمت ایچون عالمه قسمت ایدوب
 که خون سالار شینوک سفره بساط پامون و صحن بسیط ربع مسکون اوزر
 مواید موالید کانیات و صنوف اطعمه حیوانات و نباتات دن بر خون
 ساجانه و ترتیب پادشاهانه در زکرم عالمک ساپهر ویدی قیلمک با دایم
 اول خوانک نواله سنگ کم کداسی در وارزاق اولین و آخون و مواید
 متقدمین و متاخرین اول سفره انعامک اونی عطاسی در الهی سن اول مقدر
 ازلی سن و مدبر لایزال سن که هر موجودی موجودات عالم سفری و کبرون
 و هر ذرات جهان بست و بالادنی حکمت اعلا و بی فایده عزا
 بر تیر طوبی سن اول خالق سن که برشت تیره خاکدن و بر آوج غنا
 ناپاکدن ایچی عالمی بر آرای جمع اندک آدنی آدم قودک بری عالم جسم
 احکامی بری عالم روح ناپیدا بری عالم ظاهر و کشف و بری عالم باطن
 و لطیف و برسی کنج خانه عصمت برسی کارنامه حکمت مشاطه قدر
 بر قطره آیدن بر و سن بزوب او سکزینک عالمه جلوه اندردی که
 آنوک حقتند خطیب منبر ابداده بر خطبه حمد اندی **فتبارک الله احسن**
انخالقین و موف عقول محفل که و بیده بو فضل اوقدی **لقد خلقنا الانسان**
فی احسن تقویم بر ترک عیب و بر صورت غیب بید اندک که هر کوه
 صنوبر که برمه یرد لستد که مستک ساسی اولاو بر مستک یرد لست که مر

خوشا

نرسای اوله بر شکر و زلمتس کمی فروتن اوله بر غمی ذر منس که شکر نوس اوله بر
 قدر در که سرور اندر بر بیکر در که همین جا و روان در بر بوز در که
 اچل کولم بکنز بر ولد در که سولسبه بلبله بکنز بر دین در که در خون اچل کولم
 بر طوطی قدر که لعل نابه بکنز بر چشم در که عجمه بکنز بر زلف در که غنچه
 بکنز بر آلت در که بید اولمش آید و منس بر قاسم در که مستک نوز لو پابه
 دو منس بر دهن در که حقه یا قوت اولمش بر سخن در که جانه غذا و قوت
 اولمش بر شهباز عقل در که حواس قوسنر نه ریش اولمش بر طوطی در که
 تن نفسانه انس اولمش بر ذات در که آینه وجود مطلق اولمش بر کولدر

ابیات که همین غرض گاه حق اولمش

عقل در بر نور پاک ذوالجمال عالم آنو کله بولور حمبله کمال
 شعله سیل خانه سن روشن قلور تازه و خوب و کل کلشن قلور
 عقل فرزانه جوادله همنشین اسوک اولم نکتة علم البیقین
 روحی سن بلکل که امر کرد کار عقل و دلده اولم آنسوز هیچ کار
 نش و عقل و دل دخی سمع و بصر اولم سبه روح اولور ز بروز بر
 جبالک سبر سر چون جا اولور لایق و سائیه جانان اولور
 الهی حمبله نقاش عالم و مصوران بنی آدم بر نقش تصویر و بر صورت
 بجز بر انک استنار و بر واسع و روشن مقامه بر کن نشونک استنده
 ادر لر سن اول مصورا زلس که بر قطره متحرک آب اوزرنده رم سکم
 تنک و نار بکنده بر صورت آدم تصویر اندک که حمبله نقاش جانین و صور

کران روی زمین که خامه چسبیده کنایه و صورت عین فالری چنان آزری
 غیره بر غور و عقل زنگ آمیز و طبع صورت انکیز لری خاطرمانی خیزنده
 قوره صیچ اول صورتک تصور کبفتند صورت تصور و وجدان اول فرکر
 و اول نقش نگار و حسن زیباشنده خیران و نکران قدر و جمیع و فان
 جفا و مبهتان دوران آنک تشبیه شده عاجز و سرگردان اول در الهی اول
 حکیم که بجز مخلوقا همین ساجد برترند که ما و ما می امثال کبی و بیچین را که
 برترند بهایم مثالی کبی و بیچین قاعد برترند جبال رسای کبی و بیچین
 قائم برترند اسبجار و نباتات کبی آدم که خلاصه موجودات و زبده مخلوقات
 هم را که هم ساجد هم قائم هم قاعد برترند که برهیتی برهیتی دافع و برشکلی
 برشکلی مانع و کل الهی سنگ بنی آدم را نمک بی عدد و الهی سنگ انسان
 اگر آنک بی حد در **و لغت کر منبانی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و فقلنا**
علی کبر من خلقنا تفضیلاً الهی مخلوقات نوک بعضی که زمره ملائکه گرام
 شویله برترند که محضار روح مقدس و عقل مجرد در و وجود لری در و
 شعوت و غضب و مبراه و صفات لری ضد و ضد و جلد و معراج خوف جلا
 بیست سجانی لاندیم حالت لری که **یخافون ربهم من فوقهم و یفعلون ما یؤمرون**
 و ذکر عظمتی کبرای رحمانی متارک و اتلری که **یستجرون النیل و النهار لایغزو**
 خصمت لری جیبی در هیچ الوده طغان و معصیت اوله که **لا یعصون الله ما**
امرهم و طاعت لری طبعی در اصلا اینخته استکبار و غنلت اوله و **من**
عنده لا یستکبرون عن عبادته هر بری بر حذمت او زرت و قلمش در

آنک طاعتی در دهر بری بر مصلحت موکل او مستدر که اول آنک عبادتی در دهر
 بر نوک خدمتی ذاتی لازمه در دهر بر نوک عبادتی وجودی در ملازمه آنکه
 قدرتی بود در ترک آنکه طاعتی بود خلقی خلقی در وجود لری جیبی
 و بعضی که طایف بهایم جوانان در شویله برترند که ترکیب لری همین و عا
 شعوات حسیه و مقصود لری لذات جسمیه در همت لری خلق و فرط لری
 ایسته مقصود و فکر لری آجلین و طوق خلق تشویش محصور زات لری دوای
 لذات روحانیه و بواعث همت معارف ربانیه قوت لری و خلق لری
 اول قابلیت و برلمستدر که عجایب قدرتی العید عبرت الاله و جلیقند
 اول استعداد قوت لری در که اسرار حرکت با وسایط معرفتی اول دهر بری
 رزایل اخلاق برتر نوک برصفتند تمام غایت و بر خلقند طرف نهایت
 در کی حرصه اعلای حاکمه در کی شهوتند غایت کماله در کی غضبند
 مفرط در کی حسد معروف کسی بخله موصوف کسی جیله و تبیین الیه مشهور در
 تمام تفاسیل عجایب مخلوقات مذکور و اما موجودات آراسته شویله
 برترند که وجودی هم خیر هم شره قابل و هم نفع و هم ضره قابل صلاح
 استعداد و ارفساد و ضلالت و قابلیتی و ارشاد و جلیقند استعداد
 کمال و نقص و خلقی قابل طاعت و عصیا اگر چه طایع و شعوات حیوانیه
 جمیع آنک و بیست لیکن اطلاع اسرار معارف الهیه در خنی تمام استعداد و
 استطاعت قوت لری اگر چه لذات جسمانیه حوش ذوقی اما لذایذ روحانیه
 در خنی تمام شوقی و ارایکی عالمه در خنی نصیب و حصه سی و ایکی طایفه ایله در خنی

۱۸

و قضی و ابر بر نیک واسطه سید جاوادی در بر نیک آتی آب و کلی در
اگر شوی که مزبله طبیعتی قلب کتبه و کلین حواسند طسره جفیه بونک
منزل سی بایدن ادنی اولی که آنرا بزم کن قلدر بولوب اول مقامی اختیار
اید راندر عاجز اولوب ایل اندیز بوقدر تی وارکن انده قرار ایدر **اولینک**
کالانعام بل هم اضل سبیلاً و اگر سبیل که معارف روحانیه بله موصوف
واصلاح ربانیه بله معروف اولابونوک مرتبه سی ملامت که اول اولور که
آنر و ک خلقتم نه اول و بر سید اندر و اندر که جبلت مند اول تو نمندی
کتور در خلافتی است که اختیار بله بونچ لذات ترک اندی و قدر تی وارکن
بوقدر شهواتی کجی بوسیدن او تورو در که بوطایفه نوک کتی و بوزیر
نوک اکی حنده کاه کلور که **فکان قاب و بین اوانی** و کاه ذلور که **بی**
مع الله وقت لایسعه فیه ملک مقرب و لانی مرسل و حضرت ابریم
خطیب صلوات الله علیه و سلمه سنهور در که های ایتی سولقد عالی قدر ایدی که
طلاس رسالت و وحی و عنقای موزب امر و نهی حضرت جبریل ام آتش نمود
ده کلدی وقت **اما الیک فلا ددی** و خام نکیسه و در صد ف قوت
کل باغ رسالتن صلتم منقولدر که رموز مقطعات او اینل سوره حضرت
رسالت علیه افضل التحیات ایچ اسرار بلور در که جبریل حضرت بزم دی حتی
بعضی اندر کی وقت حضرت رب العالمین **عفت ددی** و حضرت جبریل
دم نجیب اندی که بن خود سکا بلدر مردم سن ندن بلدک ددی بونچ ذمی بونک
کی قرابن احوال و ستمادت اقوال و دلال ایدر که کل بر مقام ملامت که بجر

اگر

اگر چه زمره حکما نیک اعتقاد لر زده بودر کم بشر عقول مرتبه سندن کج
وانت نقد کامل اولور سه بجزات مقامه وارمز لیکن بوقصور نظر لر ندن
و نقص فکر لر ندن در که انسانک مرتبه سن ایچ کلد فکر بلور لر و کونوک
مقامی همین عقلا وارلن صنور لر اندن خبر لر بی بوقلم بونک که های اول
ایشانم نوک و ایره عقلا خارج قضای مقدس عالم غیب مطلق و بطلان
اولور و طلاس کلز ارباغ روانم نوک محوطه فکر و طسره کلک صفا جبر
احدیت حقه جولانم ی اولور زمره حواض اعلی و کمل ملامت علی حمله عرض
صورتش بونچ کله عرض حقیقت در که **قل المؤمنین عرض الرحمن** انصحن کما
نک بر قح صفتی منظر اولدر سه انسانک کامل جمیع اسماء الهیه به مظهر در
ان الله خلق آدم علی صورته اول تنزیه و تجرید و قلم لر در
تیشل و تشبیه دن خبری بون انسانک کامل اکیسه منظر اولدر سه در هیچ بر نه
در غی نظری بون اندر و ک هر بری بر مقامه متوله قولمدر که بازی سکار
موتیری اول تمامک نفس سندن بر قدم ایدر و او جیبه و انسانک کونک
های محنت روحانیه سنده بر مرتبه بوقدر که اندن کار و کجیه و هر حاله
اکار و بر حالی و اسدرو هر مقامی بر مقامه انتقالی وار در مر ایتونک
عدی بوقدر و مقاماتونک حدی بوقدر سیر فی الله غایت اولدر و در
الهی به نهایت اولدر و ایچ جمیع ارباب کسوف ظاهره و اصحاب قلب
طاهره که توفیق حتی رفیق و فداوز ایمانی بطرقه طریق امتلدر بونک
اوزر نه الطباغ و بوسله دما تفاق امتلدر در کم موامم ملامت که ذوقی

خواصند افضل واکل در سوره که اول صدر انبیا و بیستوی اصفیا نور حسین
 آدم سرور بر عالم بلبل خوش نوای **و ما نطق عن الهوی** شماره
 مسعود لقاب **والنجم اذ هو ی** رسول عرب وسم بعوت هر فصیح و اعجم حضرت
 رسالت صلعم جمیع نفوس مقدسه دن افضل و جبر عقول مجزده دن اکمل
 در جبر ملکوت بر مقام دارد در کم اندک بر نفس الیه و دم او در مقام استغنی
 یوقدر اما باز عالی مقام دل نبوی و طاق و دل خوش فرام جام مصطفوی اول
 مرآتیک جمیع حسنه کج روی و اول مقاصد یوکسکه او چودی اول سبب
 در که روح مطهری در روان منوری مظهر اول اصل موجود اول که صورت
 صورت معینه اول اولدی وجود و متاخره مرتبه در افضل ابدی جمیع
 عالم بر او حکمت آنک وجودی و جبر جنانک طاعتند مراد آنک
 سجودیدی آنک وجودی و جبر جنانک طاعتند مراد آنک
 ذب فرکلدی آنک بر کتله بوزعک کمالانی نامعده و اولدی
 و آنک فضل انسانی فضائلی نامعده و اولدی **و لقد کرمنا نسی آدم و**
حملنا هم الی البر و رزقنا هم الطیب و فضلنا هم علی کل من خلقنا تفصیلا
ایات بجز آفریده آدم در **مصحف** بر کزید آدم در
 هر نظره اولیدر الطیف **هم کمالند** جمله دن سرف
 نعتک مثل نفس بندازل **هیچ صورت** بر تدی اول
 اختر آسمان معرفت اول **زبده** جابر طبع **سجده** اول
 کامل کلفت مجاهده اول **قابل لذت** مشاهده اول

خلقت

خلقتی مستعد استکمال
 آنوکل در راز لده خطاب
 طارم اسماں روی زمین
 فرس اغرب سا طمیدانی
 حکمت نطق کباست علم
 جمع ایدوب جمیع لاند فودی خدا
 خالق خلق ایزد بیچو
 هر نه کم اول بر تدی و در وجود
 خاک ایدک اول مکرم اند سنی
 کابنانی غلام قلدی سکا
 قلبکی عرش ایدندی کند و بیچو
 بس سکا و شدی **خلقت**
 بیس کیدک سن **هیچ**
 بوج عز و شرف ویره سکا
 قیمتی کو هر یکک ایکی جها
 وار در شکل که با سنی اجه سن
 نفس قهر اید که نفس اول سن
 سنده هم د بود و ار همه ملک
 دیوه اوینه سکا اول سن ملکی
 طینت تو نطق استلال
 آنوکل در حسنه حساب
 آنوکل چو خدا بر تدی همین
 جرح بیچو وزه کوی چو کانی
 همت عالی و درون حلم
 حفظ کلدی علم الاسما
 فاعل کارگاه کن فیکو
 جمدون ایدی سنی مقصود
 خلقی بچند معظمت ایدی سنی
 بوج مخلوقی رام قلدی سکا
 کوکلک کعبه قلدی آنوکل چو
 روز کارک کج بوسه تل
 ینه کلدول بندک سن **هیچ**
 بیس آنی عظیم خطا
 ایدک آن بلجفیل نهان
 جوهر وکی اوله که باک اید سن
 اگا او بار سکت حسنی اول سن
 سنده در هم زمین داخ فلک
 قدر رفعت کج سن **فلک**

دیو اولاسکا رهنمای اگر
 کرسکا عقل ایدرسس بل بلفتن
 جمدایدوب نفسکی بجزد قل
 کوه عشقی زبور جان ایت
 سعی فل جرح مرقد اوله سکا
 سن که ن کبرونی ریالو کسن
 طالب شحوة محال اوله
 خوب روین ترش زواوله
 اول مجالسده ناز روی و طریف
 مسکن کیم بویمینه اول
 خاک راه اول که شرط راه بودر
 قل هیت حقه ضوع و بکا
 مقصودک عالم الهی در
 بی باره حقه کوسن بای
 طمع و حرص سن مرید اوله
 هر نه وار سه نعمت دینی
 وارد در حقه سرفراز اوله کسن
 عزتک حضرت خذاون اوله
 پنج بیدک طوان کعبه کل
 اسفل سافلین سکا مقدر
 منزلت کارگاه علیین
 طلب دولت موند قل
 قصد آب حیا ایمان ایت
 وارد رس عش سن اوله سکا
 خاص در سکا کبریا اوله کسن
 ساکن خانه خیال اوله
 راست خورشک دروغ کواوله
 ناسی تمسک خلق دونه شریف
 سنده اوله قبول صیج عمل
 جاه عزت کوزت که جا بودر
 روز شب اول بی خوف ورجا
 بی تناهی و بی تباهی در
 خالصا مخلصا برای خدای
 بایزید اول یوری یزید اوله
 وار برو که اوله عزت عقبی
 قودر خلقی نیاز اوله کسن
 منصب جا بک اول سرادن اوله
 بر نفس است طوان کعبه بدل

صاحب عاشقان صادق اول
 طلب صحبت خست ائمه
 اتمکل التفات بدکاران
 اوله اول که ایدر حیل و بیس
 یار ایدر صفتی که نادا بی
 بو منسلد ر عجمده کی روسن
 جمدایدوب سن رفیق عالم اوله
 عدله طوت زاتسکک اینو کت
 اعتدالی قوم سن الدن صیج
 عدل برستم در ججه افروز
 عدله دست سه قوی کورنور
 ظلم ایدر بناهی ملک خراب
 هر نه وار سه ججه انده عار بی
 ملک تندر که ملک جستانی
 عاقبت ملک اچره بو فردنان
 دولت اول که ایدر بر بو حقه مقام
 بو ججهانی قویب پنجاه بی
 هر که بو غرض میسر در
 سه خواج غلام اولر لر آکا
 حمزه و بهدم موافق بول
 طمع عهد ناگسان ائمه
 دایم اوله رفیق دینداران
 بد مزاج اولی عزیز و بیس
 محرم ائمه سکا قتی آبی
 دوست نادان برتر ز صد دشمن
 پخته کردش اول و خام اوله
 عدله قل جمیع جنسکک
 که کور مرز زبان او بولدن صیج
 ظلم نه آتش ممالک سوز
 قامت ملک سنوی کورنور
 ظلم خرد عقله بیخ حجاب
 الو نعمت کسبه عاقبتی
 عاقبت ملک تسلیمانی
 و مرز اول ذوقی ملک خاقان
 آردنه اده کفایت کوی تمام
 دایما فکر ایدر ججه بنا بی
 ملک بیله عمین برابر در
 جرحه خوران جام اولر لر آکا

هر کیم خدایه توفیق
 ذوقی شکر کن شکر کیمی سیرین
 بسکه تنن کیم بری کوزد در
 روحی بسکه که جای نورانی
 روح جو در مجرد و پاک
 بر تویی نور فیض رتایی
 اولدی اول بونده عاجز و حیران
 اولدر محرم حضور احد
 سن آنی کلبه هشتین ائمه
 کردرس که اولکس مقبول
 حق بولنده بلا و محنت علم
 اول خدا حق باک بی عیب اول
 علم دیندن کم اولمبا اکا
 علم دین قولینه بازی دکول
 علم دین بلکه سر فرازی سکا
 علم ایتیمز همین فرد تبیس
 بچه بر حبس نوع و فضل اول
 حکمت او کرن حکیم صادق اول
 حکمت اول صنما که آنی خلق اکمل

بلکه هر که درون بیرون در
 و ترقی و س کرد کار احد
 کیم بمنز آنی که نذر کنه او
 ممالک مهک قادر بی عیب
 آفریننده زمان و مکان
 صنع آداب خاک آتش باد
 تیره خاکی چون اندی طبیعتن
 همه خلق ناقص او تمام
 یوقدر اولک ساجده هیا و هیاک
 اول بر تندی جهانی کون فساد
 هادی دو جهان عنایتی در
 دافع حلبه بلایات او
 زکری آنک زبان بسته در در
 دو جهان عاشق جمال در در
 انرفیض اولدی نامحصور
 استنک سندن عنایت آنوک
 ای خداوند اشکار و نهان
 منشا فیض رحمت ازلی
 باسط نور آفتاب سمحود

صنایع اول خدای بی چون در
 و صفدر لم بلد و لم بولد
 الذی لا اله الا هو
 صنایع عالم تعادوت غیب
 کار بخش طبایع ارکان
 و در بزراندی جامع الاضداد
 اندی جانیده آنی اولی روستن
 ابد آفریننده لال و الا کرام
 ساجده قدسی هر چند ن پاک
 کانیایه او سید او معاد
 رهبر راه دین هدایتی در
 عالم السر و الخفیات او
 در دآنوک دل شکسته در در
 روز شب طالب و صالی در در
 جان و دل اندن اولدی قابل نور
 جسد سندن کرک هدایت آنوک
 کل فرمای کردش دوران
 مالک لایزال و لم یزیل
 قابض خلق امتداد و جود

وصف الایک زبان عقل اده مز
 جانی جان ایلمین وجودک در
 جمله ذرات کون ذاکر در
 هر کیم کیم سن اندک ارزانی
 ایستد ز جان قول غیب مدام
 هر دو لک بشقه بشقه وزدی اولر
 هر بری ز کرا بچنده بر صفتوکت
 سر بر حسب ذکر ان صفات
 بر دل اوله مگر که رحمانی
 دل کوزی کرا اولور سه بینا
 دل آینه سنی اگر سن اجسن
 نور خورشید در جهانده فاش
 سکت روح ایچره پادشاه دلک
 منظر نقش کفر و دین اول در
 سوبلین دله جام جسم دل در
 قابل تابش بنونت اودر
 روحیچو مرکب ثنایت اودر
 عقل آنک بر دوزیری کامی در
 تحت نقش ملک امر اولدر

مبدأ

مبدأ کائنات جوهری در
 حاکم حکمت وجود اولدر
 مدد اندن لایر جسمانه تمام
 عقل دستور حسن حاجب در
 قلند جنبش دوقوف اولدر
 عقل کلدر که لوح نقشه بزرگ
 نقش بر نقشه ریوع انده سواد
 انده یوق قسمت مانت الوق
 بزرگی خط بی سبب زود در
 ابتداء نتیجه قدم اول
 مبدأ بوسرا بوقرئس اول
 ملک انی حدی تناهی در
 دایم نطق کانت مستور
 عقل خرد اول عقل بر توکل در
 عقل بل که ملک مقام در
 اولی بر در دلک فلکی
 ملک بو تخمه فریب هوس
 ره روا اولان اولدر منزل
 دود کور کل طریق تنوایه

مرجع روح پاک کسوری در
 سایه راحت و دود اولدر
 نتواندن بولور خواص غوام
 سحر تند دیترو نایب در
 نشاء عالم حروف اولدر
 اولمش و اولمقده مهرنگه وار
 خط بر خط در یوع انده مراد
 انده یوق رحمت حد حروف
 اثر رنگ زاج و کما زود در
 آفتاب سپیده عدم اول
 منظر استوا علی العرش اول
 نامی آنک خامه الاهی در
 مبدأ امر و مبدع مأمور
 راه حقه همینه ره رود در
 وهم شیطانت اوز که دام در
 تادرونک که اولی ملک
 لوح نقش مزجوف اولر بس
 که انده معلوم اول حقیقت دل
 تا ابد بس صلاح عقبایه

حاصل عمر بلکه برد مدد ر
 جهد اید که سنی اول قادر
 راضی اول هر که دیر سا که اول
 نیک و بد نفع ضرورت رنج
 جمله اندن بل و دکت جوش دوت
 بوشندر جهانده بل معروف
 اید مزج کعبه تخمین
 سوز سردغای روحا بنی
 نظم و نری کانه امثال
 بوستاند که کل دسربن
 مونس مانفان حضرت حق
 قابل فوسوزنه قل نظری
 سخن کوز خوب دسیر بن در
 شردن کرجه بی نوایم بن
 بن و ن اول عند لب کلشن کن
 سخن دل شردن اولوردور
 او کد کوم بن سوز و ملاف کل
 قصه تخصیض طالبین ادرم
 بود کل انده دخی بلکه مراد

بله

بلکه یاد اولاد عاید مسب
 اولاکه برسانی قتلوا و لا
 اول قولینده خدای شفقت اید
 بر قوی عاجز و فتاده و لم
 مسکنده بنم رباط خراب
 بر عجب خط در هوا سی عفن
 بسته عقد حسن وار کا عم
 روز شب طور موبکران بارم
 کا توبیشن جرح قوت عیال
 کا فکر ایدرم نولور حالوم
 کردی حاله اولر ایسم بن
 وار شکا بترم زمانه دن جون
 کیم دیم که بولترم همد م
 اولدی کر بور باط منزلمنز
 جانکی مرده و بر تمام اولرم
 ای که در دکله زنده جان ولم
 اندی سونک معلمی کو با

الهی سونک لطف که غایت بوق . الهی کر که کما نهایت بوق . الهی ای نماینده
 طریق تخمین . و ای کسانیده در تو فینق . ای بخشنده دیده بینا . و ای

او قین با کار حمت اید طلب
 کندوسی خوب سوزی طنتلوا
 بوزی صوبینه بکار حمت اید
 وادی جرت ایچره مانده ولم
 منز لوم در بنم رنج سیداب
 ساکن در سنگسته پای زمین
 قید بند چهار با پا عم
 عفتنه فکر که فتار کم
 کا انکار کسب علم و کمال
 ینه وار سر آخرا حوالوم
 روح مسکنه بنجه اول مسکن
 وار حکا بنترم جهانده جون
 کیم عرض اید بن که بوق فخرم
 حرم قدس میل ایدر دلنر
 کم بصحن سن اول سواد قدم
 بن نه اولام یا بنوم نولا سخنم
 پرده دن طوطی ولی کو با

برکننده کسب مینا قدر تک اسرار فضا سده یکی در پیر سیم و بصیر حکمیک
انوار ضیاء سنده یکی طلوع سوس قمر غزنگ تصور بر نه بر نه عن سنی
علمک احاطه سندن بر نشانه قلم علی حکمیک نقاشی سده مواد صورت

ابیات

تعالی اللہ کہ بر می مثل مانند که انکا در لر خداوندان خداوند
غیر و شادی نگار و بیم امید سب روز آفرین و ما خرسید
عذار افروز اجرام تو اقب ممالک بخش سلطان کواکب
غیر آمیز انفاس بحساری زبور آموز کبک کوهساری
کوه بخشنده لیل تنق بند زرافشانند صبح سحر خند
چمن پیرای باغ آفرینش لیل بهران کوی بنفش
نکه دارنده بالا و پستی طوف قدر وار لغین جمیع هستی
وجود جسم موجود قاهر نشانی هر کور و نکرده ظاهر
زمان اندن ولی انده زمان یوق مکان اندن ولی انده مکان یوق
قدیم در اولین ابتدا یوق کریم در آخرین انتخا یوق
جهان داری که ملک لایزال در جلال کبریا سی لایزال در
خزادندی که نامی حوز جاندر آنوک زکری دله کام زبان در
جهان بر بر توی خرسید جودی ایستگنده ایدر عالم سجود ی
کواکب قدر تبلیه کار فرمای طابع صنعتی که هر امای
و برده هر سینه لایق اول زبانی که ادر هر ذره تسبیح خوانی

دله او گردن اول علم آلا هستی کوه کوله و در صدر باد سنا هستی
الهی بن سنی نه دله او کم که دل حقیقتک بچند بر قطره الهی بن سنی
نه وجود له وصف ایدم که وجودم هم که شعا عندن بر ذره هر نقل
دراک جلالک ادر کنده خیره هر رای روشن جلالک و سفند تیره

اصحاب منون و سروح غزک حواسی سنده متلاشی ارباب قلوب
کتوف جبروتک حرمنده بر بولک بیگانه و ناشی و بصایر اصحاب
عقل متین بصیرت عظمتک بحار نوک بر قطره سنده غزین حواطر ارباب
رای خطیر و فکرت جلالک آتشوک بر سحر بدو حرم الهی لطف
مهنوک ز زهره سی و حما مسنونک نه لیاقتی اوله سنوک عظمتوک
در یا سنوک حوال سنده جگر نه و یا ذات منزله و صفات مقدسک
و صفاتک پوره سنده دگر نه مور ضعیفک نه قدرتی اولاک افلاک
اوجه بله بنه و حقیقتک نه طاقی اولاک ضرر جلاله معادمت اید
الهی سن اول غز بر سن که عزتک جمیع غز بر لک الله رقم ذل بکستد
وسن اول اولوسن که جمیع اولو لک یوز نه عظمتک داغ حوری تو سندر
وسن اول کامل سن که جمیع کامل لک کوز نه کمال نی نهایتک خاک نقصا
اکشدر الهی سن اول عظیم سلطان سن که میدان عظمتوک نه متلا و لمسدر
که بر طوب زر زینی غلطا ایدوب در رسن بر احدک زهره سی یوقدر که کما
بر جوکان اوره وسن اول قادر سبحان سن که جهانک مسفقند زمان
بکشد که بر کنبد عال کردان ادب طور سن بر کستوک طاقی یوقدر که آنی

برخط طوفان برآینه زدند که در دخی گوگرد عالمی روشن آید و بر جوهر
 برتک که جخانه نظر اندک کلس آید و بیلک اولی که بر شاهازی زین
 بالی استیاق شرفه پرواز آید و با اظهار آید بر احدی قدرتی بود
 که بر کون آنی و کر مغربین طوفان دورانگین که بر صحرای مصر میزی به چشم
 حقه خاورون چغروب آشکاره آید بر کس نکند مجال بود
 که بر صبح آنی جانب باختر دن کنوره **ابیات**
 یعنی اول ذات نیز اعظم اول حضرت کسوت و سیجا دم
 روشنی بخش دیده بینا شمس سقف کسب مینا
 حسنه صورت ملیح اولدر جوهر همدم مسج اولدر
 یوسف مصر آسمان اولدر ساد مسج اولدر
 اول فریدون خطه اعلی صر و هفت کسوری بالا
 دل سرق نوب هفت اقلیم باد شاه ممالک تخم
 گوستره چون صباح بر تونور جبل ختی کسب اولور مغرور
 بستن کور نوز یک سر اختر مسج منظر اخضر
 جمله مابیات مغروری اول امیر و قلانی ناموری
 ماهر برده دار ابوالیهم عطار و دبیر دیوانی
 بزنجون اولدی یعنی خینا کسب قمر اچو زهر از هر
 کچه گویند ز دورب اور مرتج دشمنیکت و لبینه خنج مسج
 سعدا کبر عالی انعامی راهب پیر حارس باسینه

نیشا

منزلی اول چون سرای حمل بشلیب هزار درو عمل
 و بر راول حسن ب دورانه نقش زیبا و بر هر کلمه ستانه
 مین و سینه تاز و روی اولور بوستان طلوع نکست و بوی اولور
 قدح لاله بر شراب اولور عارض از فواخ خضاب اولور
 غنچه نکت صبح بر فعی آجلور چهره با سمن دایمی سچلور
 هم دخی بنجه در لو میوه ارر پتور بر یوزنده دایمی نهر
 مدح اکا پس که صانع عالم باد آید و ب ایلی آدینه قسم
 الهی سن قادیسن که بر سنه مقدر توکل بر ادرسن بی واسطه معین آلت
 و میرده حکمت کله اشک سن بی سبب غرض و علت کارگاه نابودن
 بونجه عالمی ادع اندک و بر پاره دو ددن پیدی قات سواتی اضراع آلت
 کمال صنع کله بر تقدیم افلاک زرنکار و بر صغی دو ایر بر کار بر کار و بر
 اسطراب سوات نجوم دار ترتیب آید و ب انده او ایلی بر جی پیدا
 و هر بر هر حد الشمس در جوا و هر درجه پنجه کوه سب چراغ و کوه
 لالا اظهار و بداندک **بسم الله الذی جعل الشمس و جواد**
 قدر توکل ایلی مایه دریای معلنی و کی ذوقی بجازرقی بری هم کوه نما و دریا
 در انماده خلق انشا اندک که **و جعل فلما سراجا و قمر امیرا الهی سنک**
 زانوکت علمه عقول و ادبام خلق بر سنه الهی سنک صفا توکل اور که
 ضایر آب و کل ستمز این الام و الطین و حدیث رب العالمین النبی نزم
 عقلم بر نه مقدار که بلور بر معرفت خود نمایی در غنکسوت نه قدر حکم

پیر بر خانه هوایی در المعی بزیم سنوک ذائقه نه بلد و مکر و صفا کنده
 نه اکلده و غمزه اولاکم کلیمو کاک کلام مقام قرب عزنده سجانک رتبت
 ایلیک و نذیمو کاک نذاسی مجلس اش و حدتده لاصحی نمانه علیک
 الهی هر که لفظ و عبارته صغرفه و اسم در سن اذن بر او مهزده که
 میزان عفت که بر و عادت و رسم در سن اذن معزاه و هر نه که ذائقه
 فکر اولنور سلو اضافات و هر نه که صفا تو کنه ادران اولنور و جو اعتبارا
 عقل عقلا که کنه که ایریز بدن مجابیده که و صلیکی بولمزه دو کون
 کجینو بولمزه ایلی مجانی صلیکی سکار مزه دوست بولنده نینک کرک
 یار او کنده بستک کرک تن چینی جاک کرک کوکل اوی پاک کرک
ابیات توحید و کلام آب و خاکو کرک اولدر در دل صافی جان پاکو کرک
 اسلام صفتن دلیل صنف قانع اولین اکان طینت
 بلکل که حکایت زبانی اول تیغ محمدک اما سینه
 ایلیک دشمن قدیمک هر کوشه زنده اول مقیمک
 بل هر بری بیک حجابک ای دنیا اول حسن که اولور درون بیرون
 هر بری سکا بر هوا در هر از زو که وارده خذادر
 کرسن دلوکی که پاک ایلیک دیو بریدن نه پاک ایلیک
 انده که مقام ره روان در دیوله فرشته دن اما نذر
 چون اول حرم اوجه خیر و شرف پس دیو فرشته کذر بوج
 اندیشه پیش و کم بوج انده بوجور زمانه غم بوج اند

انده که نشانی نه نشانی جاز که کند و سی کتر لای
 اول عالم نه دلال سیدانی نام و نشان لا و لا
 اوراده کمال حال مردان شیران مبارزان میدان
 کیم بوبولک اول راه بینی نغزین خلابون آفرینه
 مکه که اول عادت تکلف دیک اورسون اول دم تصوف
 انده که هوای رنگ و بود درویش دمه کدای کور
 اکانکه خذ اغنایت الشمس دولت کشتی حمایت الشمس
 ملک و وجه اولور طغیلا بون هیچ برینه دلده بیلی
 امر نه آنک تکلف اولمز بوا بویوز تصرف اولمز
 خلقیده اولور سه صورتیه کند و یله خود ضرورتیه
 هر قوسی صانکه نافه مستک بیکی دم نافه نغزادر خستک
 طریقی کولور درون پرورد بوا اولدی علامت خردمند
 الهی سیدی و مولای سن اول پادشاه سن که شمسو که زوال بوج اول
 سلطان که ملک و اختدال بوج هر ذره نوک صداسی قل اللهم
 مالک الملک هر ملک نذاسی کل سی مالک جلاو کاک ایلیک
 ردایی جلاو کاک صفتی لایسعنی ارضی و سمائی الهی هر نه قدر که کار
 سازسک کنه اول خذرنی نیار سن و هر نه قدرنی نیار سگ اول قدر
 کار ساز سن هر ممکنه منزه سن کمال نیار نغزدرن و هر موجود له
 بیس تمام بنده نوار نغزده الهی بن نذیم که بوج مطیع و عامی انی

و قاضی بر درس اظهار کار ساز لنگ قدرت تو کجوه و بوجه سموات و ارضین
 اذین و آفرین یوغ ای رس بیان بی نیاز لنگ و عز تو کجوه و کله
 حکمتک معماری بو خواب آباد سمور ایدوب کی او بنا در افر از کمال ^{لنگ}
 بر نه جنت دیدک مظهر حمت و جمالک اندک و بر نه جنت دیدک
 الت سلطون جلالک اندوک هر که زاووه نصیب اندو کت تقدیر کند
 و هر کیمی نه بلو که قلد و کت تدبیر سنو کدر سعید نه اولز غنا تو کت
 اولیج جالتس فایده ایله هدایتک اولیج طلبه اولز جنت بک اولیج
 استمک اولز سن استمیج

ابیات

هر سعید و هر شقی اندن در در
 خور لغ و زلت جهاند اولز بر
 جزو شرو نیک و بد هم پیش و کم
 حمل تقدیر حقک اظهاری در
 هر کیم کیم رزق اولز انده غسل
 کیمینه رزق اولز خوامانک
 کیمینه نعمت منیر ایله اول
 لعنتی اولدن اولور لعنت
 عالم معینه اول تقدیر له
 ابر کره قلب کولز جمن
 حق بلور دی کم سعید و کم شیخ
 هر خلیل و هر سخی اندن در در
 عزت و دولت هم اندن اولور
 عیش و شادی راحت وهم ریخ غم
 هر نه وار اول کرد کارک کارهای
 ممکن اولز کیم بیه بوند بصل
 کیمینه رزق اولور سلیمانک
 کیمینه زحمت مقدر ایله اول
 جنتی اولدن اولور جنت
 صورت کله اولور تدبیر له
 هم معینه اجملا مز باسن
 کم در اکا عاصی و کیم مشفق

عالم معینه و ایددی ازل
 لیک صورتده وجود کل اول
 دینه دعوت امتیج اول خدا
 اختیارده ابراندی هر ایستی
 تا که عدلی ظاهر اول عالم
 جبرلس اختیار ای کفعل
 عالم معینه یوق جبره همان
 کرد ریسک اصل معینر تمام
 بلکه عالم باطن و کر ظاهر اول
 نیجه صورت معینکدر طایعی
 کر بصیرت کوزنی سن آج سن
 حاشا که حق جبراده قوللار نه
 اختیار بله سعید اول جفن
 جبرلس بلدی ازلده اول خدا
 تنک یوق انده کم قضای کن فکا
 قالب قبو که حاکم دست دوست
 سزا اولورسن چونکه دیباکت اول
 الهی سن اول نی نیاز سن که اگر جمده و لنگ کباب و جمیع دیده لر بر آج
 کوتر و عالم خراب اولوب جدال استغناک سبیل انقعات تنسک

۱۰۰

کمال ذاتی که بر ذره نفی کل که ان یثاب و ینذ بهکم و بانه خلق جلد
وما ذلک علی الله بحسب و سن اول کار ساز سن که اگر جمیع عالم
 عاصی و هر ذره طغی و هر موجود باغی اولوب کمال رحمت کن جمیع عفو
 است که بجز کر مکن بر قطا کس بجز **قل یا عبادی الذین اسرفوا علی**
انفسکم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً ان الله الغفور الرحیم
 الهی سول جاو که مشتاق اولن کو کلاری بو خاکدان داغز و درون ساحت
 سراسر و در که سن هدایت ایت و سول و صالو که مستط اولن لاری بود
 بوادی منالند زلال سبزه زار رحمت که دلالت ایت بقا استین
 چاندن وجو و آفت زنی سن دفع ایت در لک و من کو کلده و الی
 مجانبی سن دفع ایت جاسیر استینا شرع بولنی طریق ایت بو قلی تو
 کیدنه توفیق کوکی رضی ایت سالکم و ک عنایت آنه سوار ایت بو کلده
 فنا بولنی کینه سوز که وار ایت عشق ک شخصه ربی کینه سن بو بو کلده
 اولن لاری سینه سن قوسنی سوزک درون آرتور ذکر ک ابد نوک و در
 آرتور قالدن قلانی قالدن کجور حال استینی حاله کجور قابو که صنوف
 کو کلاری لطف کلایه ایت بو کلده آنن قولاری توفیقک ابد الی و
 عشقند که با کوز لاری سوزک بر نور قل در و کل و یران و لاری وصله
 معور قل بو صیغه قلمش اداره لری ارباب قلوب ایل است ایت و بود
 قلمش بچاره لری خاص قولر و کل امد ایت ظلمت قلمش دلزنی آنرا که
 سوز قلمش تا بند ایت و مرده اولمش کو کلاری نفع اید زنده ایت

شارت

اشارت و جوب شیخ باید

ای هسولی دامی بچه صیدا اولان
 پاکیز خط ناسوتی اول
 صوفیا صافی و مساز قل
 بز مکاره کی قلند و او ار قل
 چار سوی بنستی آباد قل
 حقه صاف اول سن نه و اشکار
 علم تحقیق دن دلوک اگاه قل
 کرد لرسک کیم بلنده اولاسروک
 اوله کور مکت تصوف محرمی
 ساکده رشذ کرک بلکل آن
 رهبر اولاد کدر سن راه سن
 هر نهال باغبان دلک کرک
 پیر دریا و مریدان حسن اولور
 کرد لرسک سن سلوک راه دین
 اختیار ایت و اری بوری شیخ سن
 رهبر و دان اولاد سر بلند
 ظاهر نده علم کسبیدن صفا
 پیر زه کبریت احمد رحمن
 رسم عادت بندیدله قید اولان
 شاه پادشاهی حضرت لاهوتی اول
 و تیب عسید بر و از قل
 خلق تو کئی پاک بی اختیار قل
 نفسکی وار هسندن آزاد قل
 حق بولنده مرد سگ ای مردگار
 شارع شرع رسول الله قل
 خاک دبابی صوفی ایت افسوس
 بولس مهر نیکینی عالی
 مرشد اولینجه آزر بوسینه
 که دو سرین بلجفه که چاب سن
 هر کینوک تخمینی انک کرک
 عاقله بوندن اشارت بر اولور
 استر سیک کیم عیان اولایقین
 انکات سلیم ایلد و لدن جا و تن
 ظاهر و باطن بوزندن بجه میند
 باطنی میرا ش دار مصطفی
 سینه سی بز خرافه در رحمن

بر سر من محمد و اخی اولور
 صوفینک اوج ۹۹ اولور نسبی
 اقل صدق و وسط اولور وفا
 تا که بند تن طور مشکل اولور
 چون مصنف و مذهب اولور اول
 صوفی اولور بسته حکم خدا
 خیر و شر همه اولور سر بر اولور
 علم دینده صنک بر در با اولور
 در وجود هر که بر اولور معدنی
 که با سن چون آنکه جه اولور
 پاک و پاکیزه اولور دینار آنکه
 جمیع خلقی کور را اول صاحب کمال
 پاک اولور آینه سی است نظیر
 ناقص اولور نقصی کور را ایم اول
 کند و نقصی عیبی در ایله کور
 نیک و نامردن صوفی اولور بل خدای
 نور حق ره بر کلوب فرس اولور
 بر تلور کوی سلامتده مقام
 مرد معنی فارغ بالا و مست

صوفی

صورتی صوفی و معنی بی و فا
 بر بلند او از دست افتاد اول
 کی صفق فریندن آنک فل حذر
 کرد ریست قانی برایشه برار
 سوز دکل بولار کلور سه خاطره
 نیچو اولور بر عالمه بکیت
 اهل دلسوز اولور بی بو جهان
 هیچ صحیحی قط اولور مایه بیدار
 که بو نمانه بدی ارباب دم
 صنع اولور چه حکمت معرفت
 کرد ریست بر یوقدر آشکار
 دقت استک بود بیطانی کلام
 حاشا حقد استیانه و بریب
 صوح بر سردر یوقدر بر بند طلب
 درد اولور نه حاید در دما بید
 درد مز یوق کیم بنزه در ما اولور
 درد اولور حوشن تیر در مانده
 دینه ایستنده نه حوشن جالب سر
 حق ایستنده سولبر زولد قنور
 غاوی مغوی راه مصطفی
 دین بولنده خود بیت افتاد اول
 که آتش خسته دور جارد یعتر
 وار سن استه که هزار اندر هزار
 بود بیطاندن در بر خاطره
 حاجتو که وارنی استا یو کیت
 نه زمین فالور دی انده نه زمان
 استی قطبیل بولت در قرار
 نار و مار اولور دی عالم اولور دم
 اولور ادم اولور نیه بو صفت
 بولم طالب اگر بیک کزار ار
 بولین اول کیم طلبده نام تمام
 کیم کوندر حوی دینه ارمیه
 حق بولنده چکنر قلب تقیب
 فضل در دینه بدید اولر کلید
 جان کر که در کم آنجا جانان اولور
 جا ورن تن وصل اولور جانلینه
 بر واده طور بیوت بیلیم سر
 بو طلبیدر بونو کیمه نولور

استنکب و بیه دکلدر بیلور ز حق یولنده بزنگاسل قیلور ز
 یکت بیزی کینه اولدر بویله ایله اولدر ربل استینه استند
 اول غیابت اینتیجه اولمز اولدنی هدایت کسه بولمز هیچ یول
 یلوار لوم که بیزی طالب ایله جلا و دلون حضرته راغب ایله
 تانیس قیوت بد اول خدا بنیزه خاک پای پیرر همتا
 هر که که اندن غیابت ایرشور بر طرفدن پیرر همتا
 الهی کوکل کوزنی حکمت روضه سنک انوار ازهار بیلونور و جادمانی
 معرفت بوستان نوک نسیم استجار بیل معطر قل خلوت شب روانان هوا
 شجوات ظلماته کلاه و ریاضت مسافر لرنی سحاری خبرتده بی راه ایله
 الهی جو جاقوشنی دام و دانه محسوسانک تن قفسده مجوس ایله کت و دل
 طغنی شیرغدا ای شجواتله بوخانه حاکیه مانوس ایله کت که اول اول طوطی بو
 اوجوب و اول مسافر خاندن کوچوب جوار رحمتکه واصل ولدوغنی وقت
 هوای فضای فوسده پرواز حیم سرای نسه آشیاناز قل **ایات**
 روح اول شاهد دیدار دی وصلت یار یله بر خور و اربدی
 چونکه بصدی عالم سفله قدم ایله دی مجوس آنی حکم قدم
 اول سبب دن طفل اناسدن جزا قلسه قیلور اول جذ الفدن بکا
 اول بکا تاثیر خزن یاردر مانتی مهران حسن یاردر
 قلدی چون ناچار جس آب و کل اولدی اولدجه اینس عقل و دل
 کور عقل داغی مرد قدس در کندی کلنج آنوک انس در

هر کیم کیم عقل اولور بل بینه منزلی اولور ز میندن آسما
 دلده خی بر خانه معمور روح قابل اشراق عکس نور روح
 محزون اسرار زبانی دلوک منظر انوار سبحانی دلوک
 وای سکا و بران ایله یک سن آنی نیجه اولر میسین رو و کل منسک
 دل خواب و عقل مغلوب ایله سن بلزم کیم رو و کل سن بنده سن
 کیم بساط نفع تنده روحنی فیل بند نفسله صقلا آت
 قنیم عالم رحمن جو نیکیم جتر فیل بندی طور ریکن مان ادر
 الهی لطفک خزینده سی نی پایان کر حرکت در باسی می کران جوادک سخا
 قائم فیضوک باران دایم رحمتوک انعامت مل قدر تک آثار کامل
 جودک دگر ننده دو عالم بر قطره محرک هواسنده ایکی جھان بر ذره
 الهی اگر خلق اولسن و آفرین جمیع اولوب اطباق اسما اوراق و دفتر اشتم
 بردمده آند دلوک الطاف و انعامکی بوز بیکده بز نوک حسابی کو میتر
 و اگر بنی آدموک هر قلی دل و هر امتی کول اولسه بر نفسده قلذنگ احسا
 و اگر مک بگردن قهسره سنک زمیندن ذره سنک شکر ادا اوله
 الهی چون اول بیزدن سوابق طاعت و لواحق خدمت اولدن کند و
 لطف عظیم و خلق کر میگردن تو حید ملکنه مالک و تفرید سلک مالک
 ایوب قالوا علی محمدن الوب تاج لقد کرمتنا ایله مزین و مکرتم ایله کر
 کنده اول لطف بی عوض و کرم نی غرضک دن بوجوم عاصیلوک توفیق
 و کفران النور لری بسبیله قهر تاراجی مسلط ایله و بیامانا جی بکتمزدن آله

لطیف
 بخت کز تاج سلیمان با نطفه
 که کیم لاین دکل سلطان و برین آله

شول شراب انزل كالت كونه: ابرو كذا ابدی الكوكب اتمه الی عامیة
عذاب اتمك عدله عفو اتمك دخی محمد كذا الی مجمله عقاب حفت
بغشتم دخی وعدو كذا **استاد خوف رجا**

صغ در امان بری خوف و رجا	مغ بی بر قاج اولایم او چا
یاره حقه کیدانه ایکی با	سیری الكوكب اوله اوله نول روا
باخو طاعت اهلته در ایکی ال	بس بر نوز اوله طاعته خل
ادمی اینه قلوبی ادب	نی ادب اولن وریمز راه رب
تخم غفلته ن بر سناخ امید	بار کاهلک اولراندن بدید
بیم اگر اندازه دن بیرون اوله	آدمک دایم بوراکی خون اوله
تور قوسدن چونکه طوکه ابد کل	و صت اید بر برندن جا اول
بس کک امید بید	اوردیند تا کتی کیم یول بوله
کورا و کند کوره خوف و رجا	قیل برندن برین انجا
بوسیدن در کلامنده خدا	ایکس آندی تکلیف بنا
عدلی کوره کستی نه حوس اولور	عقونه بسته کنه عقلی کلور
قدره فکر ایله ب خاک اولور	کیچ کوندر طور سیوب غناک اولور
کینه لطف کوز لیک سدا اولور	لطفیله جان و دل آباد اولور
قدری اچه لطفی بل سن مکن	بودر امیدار باب یقین
مکدر نومید اولاندن تمام	اول خذ الا لفظ اولر کن مرام
لیک فکر اولد قی بطس تنگی	عقله دیر اول تمام خیرتی

حکایت بمناس حال

واریدی بر مرد و انا اهل حال	دیر انکار ابدی سجوده قال
کیم سنی بن نیت خندان کوزم	روز شب بر خط خندان کوزم
دیدي کولمک قانی صاحب مغم	اولم فکر ایلیون بر غم
وارا کومد منزلی دور دراز	هر آومده بیک نیت و بیک فراز
بلزم حالوم ندر نول کرک	باستوم اول بولده نه کله کرک
بور کوم خون دور و غم خار خار	بلزم کیم بخو لیس ختم کار
هر قیویه بو امیده وار ورم	هر استگدن بن بونی یلوار ورم
اول سبدن در شسم بنده بونی	در و مکنون کیمی لطف و نثرنی
تا که بولطفیل چون انسا ایدم	هر عزیزک سمع القا ایدم
دکلیار شوقی چون کیم بونی	یا دار البرود عاییل بنی
هر کولکدن کم اولاح الکی	جان دلدلم ایدرم تنی بیتی
اسمک بزدن ولی دیر مک حقت	لطف واحسا اول جواد مطلقک
المی مجتک اودنده کباب اولن جگر جمعیتون	فراقک اود بید ابدی مغم
بقه الی مشفق لشکر بله دیران اولن کولکلر	حرمیتون روزک البله
کولکوم اوین بقه الی ای چاره کز بچاره	کان وای بناه اواره کان
بو بچاره قولور که دایما لطفک ساپسید	سرفراز ایت و بو ضعیف
بنده لردکی گاه ذنی گاه ذکر کله	دساز ایت الی حمید جها بندک
و جها باد ساری سرفاکنک	قاهران آسمان و زمین مفهورک

نیزات سموات و ارضین کدای نورک. ایکی جهانک ملوک و اموات مع لینی
زکوة خوار و دولتک ایکی عالمک. سلاطین و ارباب عیسی نمونہ و اعراف نورک
ہر وجود وجود کتنبت عدم ہر موجود صنعت کار کا ہندہ ہر رقم
ہر وارلق و ارفوک کتندہ برتاب و ہر ممکن جبر و کت ہو اسندہ برتاب

ایات

نور حق بخشد ممکن ظنی و در ظل کشندہ محواید و کی بلتی در
افتاب اولدجی ظاہر ظنل کدر حق کرکسہ و ارفوک کی آل کیدر
کیم یونع انزیرہ وجودی ظننی کور مسدور حکت اول نورینہ
اول سبیدن حضرت پیغمبرک دشندی ظنی برہ اول سرورک
سایسی یوغندی کر ج کیم آنوک سایدندہ راجح اولد دینہ آنوک
ساید معنی کرکد رسایدہ جی صورت سایسی نہ فاندہ
الہی بن اول قادر سلطان و رازق سبحی سن کہ مغانج ارزان ہستادین
و مقالید کنوز سموات و ارضین قبضتہ قدر نورک و میں حکمت کلمہ
محفوظ در کیم براحدک زہرہ سی بودہ کہ سنک بقد و غلک آجہ و بر
کسنہ تک مجال بودہ کہ سن آجد و غلک بقلکہ **ما ینبج الله لئن منہ حجة**
فلا مسک لہا و ما یسک فلا مسل لہ من بعدہ لاما نعل ما عیت
ولا موطعہ ما منعت و لا ساد لانا تحت و لا راد
لنا تحت الہی رباب دنیا قاتندہ حاجت قبول اول مغزنی و صورت
و منعت کرکسہ سنوک قاتوکدہ دل حسہ و کند و سکت کرکسہ اہل دنیا اعتبار

سلب و منظرہ سبہ سنوک اعتبارک کمال و مجزہ در اہل دنیا مالہ میل و
صورتہ نظر اندر سن مالہ اعتبار و سیرتہ بقدرن اہل دنیا قاتندہ کس
کرکسہ سنوک قاتوکدہ بلاس کرک اتل و کت بانندہ قبا و تاج کرک سنک
یا توکدہ یا بختن و آج کرک ای نیجہ خوب کلت نامہ و لطیف بوستانا کہ فیس
فصلندہ برکتیف خار و بر بخت دل آزار کوز کوز ایا بہار جلوہ بہ و غنچندہ بہ
کلدکی وقت ظاہر اولو کیم اول خار و خوب حریر و دیبا و اول مرغزار کوز اول
رسک ہزار چھسہ زیبا و اول دل آزارہ جوس نمک و عاشقانہ سیکلیش
ہجیان اول درویش بلاس پوش حسن جامہ کس عمامہ لی خانہ و دیوانہ
کوزدہ حور و فقیر نظر دہ ضعیف و حقیر اما روز آخرتہ و متوقف قاتندہ
بہر میرتا جدار اولو کہ چھا پوسا ہلری کداسی و بر پوسا نامدار کوز کوز
عالم طلوصیت و صداسی بر بہتت جمالہ بور کمال اول دیندہ خورقہ ایدہ
بوزنہ بقیہ بوزنہ بقیمار و بر عزت و جلالہ کوز کوز بوندہ آنی آت توزنہ
غرف اندام غلطی غبار نورک بر کردنہ ار مزل الہی سنوک حکمتک سنک
اوزرنہ در کہ صورت کسک و کسہ اولسہ معنی تمام و درت اولر ظاہر
و ویران اولسہ باطن سمور و آبادان اولور منظر معتبر اولسہ مجزہ اعتبار
اولور مجزہ ذی قدر اولسہ منظر معتبر اولور فقور سلطان مسک
پوست پوسدن پایلور نفخہ لرا طیبی عنبر سیاہ روی دہ بلور و طلور
حور کرم خیفوک تحفہ سی در عسلہ نظر زینور ضعیفک منہ سید
بلال صورتہ جسی سبہ معیندہ قریب اعتباری حکم دلہ ربینہ کمال دکل در

نظر باطن صالحو در ظاهر جوارحه دکله صورت زیبا و جامه و باینه کرک
 کل شکسته و درون حرکت **ان الله لا ينظر الى صوركم و اعمالكم**
ولكن ينظر الى قلوبكم و تبا تکم صد هزاران ربع سکون پادشاهی
 هوا جو بیدای محبت و سرگردان گزارد و آنچه بیک بود جوازک مفلس
 کدالری اول کونده سر برده عزت التند فرج و خوامان صلنور لر

ایات

عالم صورت ندر بل گفت و گو	عالم معنی همیست و شو
صورت ظاهر نظر اولور همان	عالم معنی در بل جاودان
نیچه صورت آخرای صورت پرست	دامن معنی به اور غل وار دست
نیچه به دل عسوق نفسی پویبو	یوری و اسن عاشق اولغل آب جو
صورت قوسنی به قفل نظر	دزی کور کل سن صد فدن قفل کذر
بوصد فایم طلواندن جهان	کرچه جسم زنده در پای جان
بیک اولمز هر صد فده بل کوه	سن بصیرت کوزله قفل نظر
سول صد فایم و زوار تکل کزین	بل آن کیم یارب لور دزی مین
ای که اولدک سن جهان افکنده سی	بوهوای نفسک اولدک تبه سی
جصدیده کور نفسکی ازاد قفل	بوغم ابا و اچه آنی ساد قفل
آج کوزک انت عبرت اسرار کار	اولدک سب سن جهانده هوسبار
فکرایت آنی کیم بخون اولدک برون	بو عجب طایف رواق نینگون
کده کیم عقل اولدی اولر آدم اول	اولمز سبه کده اول خوردن کیم اول

آدمی عقیده اولور بل لطیف اول سبدن همه حیواندن تشریف
 عقل قدری بل مشرف آدمی آدمی قدری خدا نوزک محمی
 الهی ملکا برورد کار اینه نواز ا بوخته جانمی وضعیف بدنی دایه
 رهنوک و دست شفقتک ایله دایما غلای روحا و خوان صمدانی ایله
 سبله کراول دوست وصالن سستین مقبل قولور ک تغذاسیدر علف
 جسمانی دولت تحو اینی حرص و آزن کدر که اول کوست و دوست
 جبال دن مدبر لرت صفا سیدر بو قوا و حواس قوسانی علم و عمل
 لر بله معرفت کلارنده سن سبله و بودول و جابلدننی حکمت یقینسند

ایات

قوت اصلی ستر نور خدا	قوت جوانی دکل اکاسرا
بیک معلول اولدک چون میکن دل	روزن اولدک غذای آب و کل
حس اولور کور کل آنوک کل در	خسته لکده نه کر که دل در
سول غذا کم بار اولدک استغز	سول یکت کم نی دیار اول میز
چون مزاجت فاسد اوله ایل اولور	بس مزاجی فاسدک قوتی نوز
ماشا بو کدر غذای نور عرس	مار و ماهونک همیست دود فرش
برزقودن اولدی جاننه قوت حق	اول طعمه نه دمان و نه طبع
هر نه صورت کیم ایدیم سن نظر	وار غذا الفل وله اندن اگر
باقربیکت سن بصیرت کوزله	کور ریکت سن حقیقت یوزله
صورت هر آدمیدر بر طبع	ایچی طلور در غذای نور حق

اول غذا اولور بل صاحب دولت اول
 اول غذا اولور بل کلا اولور بل اول

کوز لری بر ساقیدر بچک کرک
بهری میدر یوری نوش ابلکل
هرینه باقرسه بو چشم دل
نور حقدن غیر سنی کور من اول
نور حقدن رهبری جانود لوک
نور حقدن ابلکل سن قوتکی
آلی کر بدن خالی مجرم است جان قدسی مطیع در و اگر قول کنایه کار ابلکه موک
شغیر در آلی بو تن غلیظت که در تنای روح لطیفک مناسبت
سن مصفی قل بو بدن خاکینوک کنا قدر فی جان پاکوک لطافتیک سن
مزکی قل روح مجرذک اسراق ضایع بدن ملکتنی منور است و
جان مقدسوک نسیم و دلک سبیل تن هواسنی معط است بو هینات پرنی
آنی مطر و پاک قل بو اولاین هبولانته دن آن آزاد و بی پاک قل

تمثيل مناسب

کار بر کون تن بر در و مجروح
سن اول غفای قاف لامکان
سن اول طوطی که جنتن برون سن
همان اکتز بردامه دوس
ایرس دمدم بیک کرتانف
کلای آب روان بو ستانم
خطاب ایدوب روانه دیر که باروح
سن اول مرغ هوای قدسیاسن
طتولوب بر قفس اچوه دیون سن
ایسه دب استنه هنگامه آتش
کرفقار اندی سینی جا یوسف
کلای محصر میر آسمانم

همین دم سن و بن قور و اسم
نذرج دلد سینگ کی کوه
بونی بکل که ای جا و محبا علم
شکله اولدی باکا استنالون
وصالک خوش بکا ایکی محاندن
بکا بارغ افوک سخت بار اول
ولا کوم بود در بنی این است
اشتهی بونی چون اول جان ممکن
قود عوی بکل سن عشق بازی
قوس عاشق دکل سن باک لیکن
سنکون بن کلوب محند قلم
بکانتنگ عداوت قدی پیست
اوروب بر کزانی دفع اندک سن
بنی بر کافک و بردک الین
هوایسینه سر بر بنی بانج
همینه طور میوب اندام ساعی
اگر کر جک بنی سا وار سگ سن
ایدر سن اگر لاف ارادت
قونفسی بن سن آرا ایستینه
همین سن کنج و بن سکا طلم
نذره می تنده مستک کی اختر
بو بیچاره تنه روح روانم
کی کونند ز همین قورم جدالون
همین سنسن بنوم کون و مکاندن
که جا ایرلسی در صعب کار اول
بنی محسوده سکا طلب است
جوابنده در برای محبوب دیرین
سنگ مهر کدر بر بکا مجازی
سنوک مهر دک بنم کو کلمه ساکن
وطن ترک ایلوب غزنده قلم
که سگ خصم غیب اولر همیت
بکایار اولدنگ بو میدر ای تن
کیج کونند بر قمش در او کینت
مرا دیکه یلارم بن او کخب
که خوی و خلق اخلاق سباعی
بنی قور ترا و ملعونک النذن
بو اخلاق بری سن انه عادت
کوکل وزمه آنک آلا یستینه

که یارن آتش اولی سر مکانک
 یسروک جو کیم اولاشک جهنم
 سن اولورن اودوم بیزار بندن
 النذن عاجز اولم بندن خم
 بوالاستدن اولر سگ آکر پاک
 اکیموزده اولاقوز راحت وستاد
 سکا از اولور چون باکا آزار
 که چکایسین آخون عنده ایله
 بو معیندن ایدین برحکایت

حکایت

نهال سبز بوستان محبت
 سرافرازی جهان عشق بازی
 قدح نوش شراب سون لیلی
 اسیر بند غم مجنون آزاد
 صبر برده اسیر لیلی
 کوزی لعلی کبی بر کوه افشان
 دماغی ره کزاری خیل سودا
 ولی کیوی لیلیدن مستوش
 خیال روی لیلی همیشینی

کل بلوغ و ذرکان محبت
 گرفتار کندی دلنوازی
 جواب چاشنی ذوق لیلی
 بولوب کرسندی بر کج غم آباد
 دل و دینی فدای کار لیلی
 درونی طره سی یکی بر پناه
 نشان مخمک چهره پید ا
 غدارندن بیزا بچنده آتش
 غمی صدرنده اولمشدر میکنی

صحنی سودا سی آتش شویله بجهنم
 ننگ غم بونی چکنس دمانه
 بخر خلقک کورنمز کوز لرینده
 اگر اولمایدی کسوت تنی زار
 مرض کور دیر آکا غالب اولدی
 دل لر کم علاجه قصدا اید لر
 چو جراحی کور رنی حال مجنون
 بنم دستم البیدر دست لیلی
 کیم اولاد کینه آنک اوره ال

که قلنس دو ججانی اول فراموش
 قر بر اولمش هلاک ابریه جان
 یقین اولمکنه ننگ بوزینه
 اولوروی کوزدن اول بجهنم ازار
 هلاکینه تمام اول طالب اولدی
 علاج صبحون درون قصدا اید لر
 طوروب بربینده الزک کسوف
 اجوم طاسم اولبدر مست لیلی
 بوفک ی آتمکل سن بوری واز کل

رجوع سخن

کوی تن سنده کیم بو عشق بازی
 وارینه کرسنگه اتحاد و ک
 که یارین جوه سکا میتی نفعت
 بونی استدی و افلا دی بو تن
 بنوم صو جوم نداری ملتو جانم
 او نفسو ک بند بر افتاد سیم
 خلاقودی ارامزده بر الفت
 ز چارم دار که قور تلم اوزندن
 بجا اولمشد اول لالی غالب

بجا اولورمش بود لنوازی
 طلب تمه دروب هر دم مرادک
 سنگ او چکون ایره باک محنت
 جواننده دیر انجینوب اوسوزدن
 که بو طغنی ایدرسن باک خانوم
 النذن عاجز دور مانده سیم
 تینله نغف و بر دی اول وحدت
 نه خود جیقه بیلورم بن سوزندن
 مرادی نه ایه اول انکا طالب

ضد احتی سنی دلدن سوزون
 دلرون کیم مراد کجی اولم بن
 ولی دو تر بنم سوز می نفسم
 بنی تو ز کیم اولام سا که محوم
 بو حاله مناسب قصه فحش
 ولا مزون جزا بر خط سندن
 نکیم سکا بر رسه آتی قلم بن
 بنوم داخی کس لماندن ایشکم
 سنگله اولوز بر خط هدم
 حکا بندر که اول بلی مهوش

حکایت

انور دیده بیدار مجنون
 شناسایی رموزی دلربایی
 چراغ مجلس صحبت شبنان
 کل سیراب بستان لطافت
 بت کز لب و شیرین شمائل
 طیب ریخ و ریخوران عشق اول
 دها بندر نمک آن صاحت
 بوزندند در چراغ دل منور
 حدید شمع جمع عشق باوان
 قوماست ما هر دلق روی آنوک
 کمان کونده کیران ابرو سیدر
 کوزی خون دله اولمش سحر خیز
 قلو سبیلای عنبر فانیلق
 مداواته دل بیمار مجنون
 طلبکاری نشانی آشنایی
 نوای بردهای ناز نینایان
 سواری چست میدان ظرافت
 جمال عالم و نور قبا نعل
 دوا ی در دنی در ما عشق اول
 رحی کلرک بستان صاحت
 صحنن در مقام جا معوط
 قدیر سه و باغ و لسنوازان
 صمغ مشک بهلن موی آنوک
 مجانبه سگاس کبوس سیدر
 بی دین حکر اوزره نمک ریز
 ایدر لعلی کبی کوه فانیلق

کل اوزره اول در مسکین کلاله
 حیسنن مهمک شکلی هلاسه
 رخ نازک ال برک سمنن
 قلو بر کجی مجنون کذا اول
 خور خرم جوام حوز مهوش
 چوناکه کم ایدر مجنون اول یار
 بهت آیین ایدر اول خانی بنی
 نوری سو فند اولر خانه بستان
 کور مجنون که اول محبوب عالم
 دیرای نور چراغ دیده جان
 بلوکلر جان هم جانانه دل
 جملک چشم جان چشمه نور
 نیچو بندن جذالی بیت قدک
 یوسن سا که نیچو عاشقم بن
 اوزکن اوز که رایوم بوی جانانه
 کواکل لولو نشانی وصالوک
 ولم بر جوش تن بر تاب اولو پدر
 دو شرمی سا که کیم بو یار قناس
 اسیر زلف مسکین که اولب ون
 دولر ریجانده اطراف لاله
 هلال اول طایق ابرونک مثال
 قدر غنا بدسر و جمنن
 ایدر حالینه واروبن نظر اول
 بهت نازک مزاج و سر و کوش
 حباب آبادن ایدر حرم آباد
 طلوا ایدر نوزله گلشنه سینی
 رحی عکسینه ناز و گلستان
 طودر بر سر و بیکی خوب و خرم
 که سنسن حسن انده شاه حویا
 غمک سلطان خلوت خانه اول
 جمالکین بهت چشم بدور
 هلاکوم طوب اندیشه اقلوک
 یولکده بر محبت صادق بن
 بکنده مغزی جابم بون جانانه
 دماغ آدی سودای خیا لوک
 کوزم بهر کل خوناب اولو پدر
 کجی کوندر هلاکومده اوله سن
 اسیر کاکل که مسکینک اولب ون

۱۲۱

اكن قصداً تکمل بنوم هلاکوم
 صفتن ارما به آهی سوزنا کم
 صحت بیکی بن اوش آشفته کالم
 سب رومی و بر بستان روز کارم
 نردم کم سن ایدرس آشنالو
 وره ستم و صالوک رهنالو
 ویرم پروانه ووش با یکده بن جا
 اولم فدو که فر شوست و خیران
 جوانده و دیکم ای و خادار
 دیل و دم بن سنک صحت اتک
 بلور صینی در دم قلدی بهار
 اسر کردم سنی بن دانی و ایم
 او نورب کچه کونز خلوت اتک
 اول آتندن که سن بقدرک جوانی
 بنده سا که واردل بستلک
 غمندن سنده وارسه حسنگلک
 بنومده عشقندن یا قن هلاکوم
 سینک بر محبت دردناکوم
 کیمسی اتم و کیمی قرنداس
 ولیکن بر جماعت اولدی بولدش
 ایدر هربری با که منع وصلت
 قومز انکه قبلیم سا که الفت
 قویا مازن اولاری الغم وار
 بنومده انکه بنشتم وار

رجوع سخن

خدا که قور ترا بینی اولردن
 خدا اولایم ابرق خذ متکدن
 اگر بولرسم انردن رهایی
 ادم سنیو که خوش آشنایی
 بوخنده بوخندان بلکه ای جان
 بلجی وار هو او نفس سیطان
 قور بولردن آنچه خصلت بد
 که هربری آرا مزده اولرسد
 بولرسم که بولردن بن خلاصی
 دکل و ن امر که بر لحظ عامی

دوی جانکم شجاعت بود رای تن
 که بونداری بعضاسن اکی سن
 قوما کیم ملکات ایچره حکم ایدر
 بنجه دیلاریه ایلیا لر
 وز برایت عقل سنی بر عسک
 قوای رومی بینه جمله لشکر
 بصالوم انلری جمله فرالوم
 وجودم ملکشدن طاعتالوم
 ایدر سکت کبر بولاره مرحمت سن
 اسر کیمچی اولرسن عاقبت سن
 بصیلوب بونلره مغلوب اولرسن
 حقه مطلوب کین مهر و ب اولرسن
 اگر بونداری سن کم با صداسن
 بونی او تا بولردن قور تلسن
 بنوک اوزره اولورسن و کدرسن
 بیمازم که مسکزه بیخه ایدرسن
 سنوک بد اسلر و کندن بزه آخر
 خدا بیلورنه زحمت ابره آخر

نشر الی سن صغده جمع بلاردن الی سن قورری و بر ابتلاردن

الی هدایتوک رفیق ایب الی غنا بتک شفیق ایب الی سن استیج
 کسه سنی بولنزه و سندن اولمیچ کسه و صلو که ارا فر الی اگر سن انبساطک
 بساطنی بسط ایتمیدک بوبر آوج خاک ناباکت نه زهره سی واردی که
 ملک الملوک بساطی حوالسینه قدم بصیدی و اگر سنک جذبوک حاجت
 جذب ایتمیدی بوسیا کلیم کلنه ادبارک زلیا قتی واردی که تبه قرب

بیت

جبر و تنبیل بولیدی ره
 بر جده که ایره سا که بر دم
 بل فرغ عبادت دوه عالم
 الی غران او غلی بندجی لطفک ابروب موسی دیدک ابو طالب بیته
 کیمدی جذبک چکوب مصطفی اندک الی سنک غنا بتوک جاوشی سعادت

۵۹

مظله

آنکه سوار اولوب از منہ آرزو بت براس او غلی کیمی که خلیل الله خلقی
کیه بلیدی الهی باران الطافک رشتاشی رحمتک نسیمید ایستیم
یعقوب کیم اولوردی کیم آنک فطرتی بوستانده هزار کل رسالت آجلدی
سنوک رباح لوانه کرم الطافک در که ذکر نایتمه سنک رحمتی صدق
در نبوت و جلال اندک و سنک آثار انوار اص و اعطافک در که
بر بولک بت برستلمی خاندان خاتم رسالت اندک الهی سن لول بی نیاز
سن که نیچه پیر مناجاتی که بیاض روز جریده طاعات و سواد تب
خمیره آب دیده مناجات ایدوب سرفس اناره تیغ مجاهد ایله قطع
و فلوات سکر و صحوده نیچه منازل قطع امت کن آخر عمر ریتت سی بار کن
وصیوه روز تار یک اولوح قول اغنه بوندای ار کوردک که الطلک رفته
والطری سده دون که سنی مردود و پول مسدود و روس اول کار ساز
سن که نیچه جوانی خرابانی که در رکاسته دورد و اربوزنه و کوزنه سوب
وزا و پنجم خانه رند و اردون و کون مسکن ایدوب روز کارنی زمره
خمر و عیش و نوش الی کچو مسکن ناکاه هدایتک رسولی ایدوب و قبول
قبولی اسوب غنایتک جذب سنی مستوب مغرب حضرت ایلدک الهی
سنی استمکه طاعت و نشانه کر که الهی سنی استمکه عذر و بهانه کر که
دل و کلی صومعه دن سورب بیحانه ایدرسن و استه وکی منجانه دن جکوب
آشنا ایدرسن الهی ایلرس تولدی که منایکه آرا سنده زندیح اندک ابوا
نیلدی که بتجانه اجنده صدیق اندک محسنة عالم و رسول بی آدم

صورت

حضرت رسالتدن صلی الله علیه و سلم منقولدر که حضرت جبرائیل دن هم صورت
که یا اخی جبرائیل صیحه سنر کده خطایر قدسه و منازل انده که اولر سنر سنر
وارمیدریدی جبرائیل هم ایندی یابتی الله شول میرموزی آرا مژدن لیدن
صیحه بر بیز هنوز امین و ساکن اوتر میوب طور رز و بدی الهی سنک
الطفک علت استر الهی سنک فکر که تسب کر که کاه بر اوده سیاب و
کتوب غنایتوک زلالیده پاک ایدوب یوزن آغدر سن کاه بر ظاهر پاک
روی سروب دو و حجر انله طوت ایدوب فار در سن هزار هزار طالب ار که
عالم اربنده تینی ترابه و جانینی بیکه و بر سندر یلر و هزار هزار عاشق و ار که
هوای حیرتد حریق آتش دل و غزین آب دیده اولوب کزر هنوز زلف
مجدودن بر تاره و کوی محبوبنده بر غباره ایرتسمتدر و بی غافل وار
که طلک نیند در بلر و عشق نیند و کن الکلمه عمر فی لذات نفسده و روزگار
هوا و هوسه کچو مشدر ناکهانی غنایت نسبی اسوب و هدایت بدر قسی
اروب ظلمات وادی غوا بندن رشتنای صحابی سلامت جعوب دیندار محبوب
بیاد افر روی معشوق هویدا اولوب نفس واحد ده غزور ناد ایچی
وصل نمانه تبدیل ایدر نیچه لروار که بوجنه بتخانه محبده و بی مجود
ایدنشد و کزر بلر که رقم سعادت ده جبرین معامله سنده چکلمتدر
و نیچه لروار کیم عرش قبله و رب العرش مسجود ایدنشد پورر خبری یوق
که داغ شقاوت السنده قولمشد کاه و لکه بر شقیقوت بلندق بر نبی
کتور سن کاه بر سنوک خاندانندن بر شقی جفارسن کاه اولور که کوا

۲۵

معصیتی عنوائیدرسن کاه اولور که برکاه قدر جریبیدر زاید رسن الهی میکن
 آدم او غلنی نیلسون که بر بولک جماعت طور سنی استرزه هر لحظه زمان
 حاله قولقلند بوند اکلور که **لا طریق لکم فاذا جبو اسرزه** بول یوقد کیدو
 و بر بولک جماعت سندن یوزد و ندر سکر و در کز لر مردم بوسالنی کوندر
 که **انا لکم وانکم لیه فاقبلوا** بن سز و کم سز نوم سز کلور که الهی پنج
 ریاضت خلوت خاندری وار کیم آتش فقر کواوده اوروب طور رسن و پنجه
 عبادت جرمندی وار کیم با دستغنا کله ییلد و زوب کلور رسن الهی بوند
 حکمند که عمر بر یکاده قلبس جکوب کز لالت عزایه اندا جکه البتہ
 محمد م پشن کسرم اگا اویندی فرارم و بر یکادان هدایتک چاوی
 او کتجه سکر دستر و عنایتوک منا دیلری یا پنجه جفر شور لکه **طر قوالبعده**
رب العالمین کیدوک قولومک یولند ار لوک اوکند الهی پوزیلد
 در که کس بونک سرنی بلز الهی بو بر معاد در که کمنش **ارضا بیت**
 ای دل کلرسن قلندری اول بوخت جسمند بری اول
 پنجه طلب امتیز مقصود پنجه سفر و مضررت و سود
 بیک بل یلسن دو کام اولور بل فوسعی همین تمام اولور بل
 وار غل سن استوکی مختصر قل او ترده در و نکه سفر قل
 سن کندوکی بیم ناک قلمه الله معی دی باک قلمه
 کیمسی سعید اولور کور رسن کیمسی سعید اولور کور رسن
 کیمسی بولور جمال دینی کیمسی بولور جمال سعیدی

کیمسی

کیمسی بولور علو عا جسل کیمسی بولور ثواب آجل
 سعید د کلدر بونی میل وار پوری امینکی اگا قل
 بله بونی دانش و عملده بلکل که عنایت از لدن
 مقدور سعادت و شقاوت نفسک کور رانی بی ارادت
 مجدی ده قوم علی الو کندن صغی دخی قوتهم دکندن
 جده ایله که بر کسنتی ریخ بودینه طورالی بولدی کینج
 لیکن اگا قلمه انعام دکت بل ایله توکلنی وار عمار دکت
 کل قولانه بورا حد کتمه کل مسجد و خانقاه کتمه
 کرد حرمی طواف ائمه حج عبت و کزاف ائمه
 پاک ایله دلوک قوما محصل کیم شرط بودر بویولده اول
 بس ایله طواف عرش و کرسی همراه مغربان قدسی
 شرطی قلبند در طهارت کیم که اید نماز چون اقامت
 کلبی نیه صقلدک اچو کده دونب ملک او بدو نکل سن آند
 هی بولن مقین خیال قلمه اولزامل مجال قلمه
 کلبیلد ملک بر او ده صغیر برر یله ایکسی آسنر
 وار کلبی کدر ملک بدل قل هر عقده که وار پور حل قل
 الهی هر کس سندن قور قبرین بندن سندن ایلمدن مغرب سندن یوق
 هر بریزلق بندن الهی هر برده حاضر سن سنی قنده استیم و هر حاله ناظر سن
 سکا ز دیم الهی بن ضعیف بنیابن که محبتوک تقاضاسی کل در بریده نکل

۲۷

کبریا سی و زاید رحماکت تجلیسی جذب ایدر سه جلا لوک سطوتی قدر ایدر
 الهی **کرم طلبی وجدنی** لطف و بشارتی قبولی فرج و کرم ایدر سه
الکبریا در دانی سهمی استی کند بر طرفین و در هم ایدر **و هو معکم ایما**
کنتم مزدوسی خبری تند روح آرزو سه **فتعالی الله الملك الحق** یک
 بدن جان که در اگر توتبای بشارت **و جو به یومئذ** کوز سه سر سه
 روشن ایدر سه تند باد غزت **لا تدركه الابصار** که طریق صوب تبره
 و کور ایدر **هو الاول** معنای شمایر ده مفر زا لور سه **هو الآخر** کور
 و اگر هو الظاهر فو اسی خواطر ده بزا ایدر سه هو الباطن بنه محو ایدر و اگر مدنگ
 باقی ستان ایدر سه کند و عیدک تمدیداتی آنی خیران ایدر سه و اگر و صدوک
 جذب سهی و سینه لری فرجا ایدر سه کند هرک سهی و شورید به لکری
 سر کردان ایدر و اگر عفو و کرموک خصومنه با فر سه بلا و فکر عطا
 بخیه ایدر سه و اگر رحم منفر تک نصوضنی کور سه غضبک و بطسوک
 آیاتی نیلیا بن الهی تافند بونده طاق که دل اهل دعوی بر نفاق و جا
 اهل بیخه پر استیاق بس دست سزده اولاد نفاق الهی اگر جابوک
 ساری اولییدی انساب استیاق جهانی بفر دی و اگر شرک و سیاستی
 اولاییدی اصحاب دعوی عالمی طور دی الهی کور ستانه خانه محرت
 و کلسانه جایگا عبرت بر کشوک که حال کا عبرت و کا حضرت اولاد اگا
 اراده حضرت اولاد الهی بومسافر قولر که سزعت و ایدر سه ط
 ایدر سهی سن مترایت و حقیقت دگر زنده غنایت نسیمی سن رحمت

عبادت خانه لر نی زهد نورید منزایت و طاعتی اولر نی محرف نسیمی
 معطرایت **استارت زهد**
 ای کوکل دوستی کا عیش و طرب حتی تکلی حتی فضل سن طلب
 عقله اول سن نسا و آشکار بود در شرط دل سپر هیز کار
 زاهد اولد ر کیم اول کسیرانه مرد ایکی عالم دن فدا کو کلینی سرد
 زهد و شمع و مرغ دل پروانه در زهد اساس کار هر مفر زانه در
 زهد که انده اختیار نفس اولور اول فنا اهل قننده بس اولور
 چو که ترک اختیار اولور مقام زهد و اخنی زاهد اولور مردم ام
 کی که بوسید انده اول جولان اولور وار لغ و یوقلق اگا یکس اولور
 ره و اولور بونده قطب استوار اختیارن ابلیس حق اختیار
 بوسه هر کوکل یاری اولور دینه آنک بر پرستاری اولور
 جا اولر اول جسم جانم زنده سی شاه اولور اول ایکی عالم بنده سی
 الهی شکوفه امان دینی کلشن ست دمانی یقینده سن مستم ایدر الهی بلبل
 باغ شریعتی اغصا شجره طریقتده سن مترنم ایدر الهی ابا بناسنی سید حکم
 ایدر که صر و سوسه سلطانن اصلا منزل اولمیه و اسلام قاعده سینی
 سوزید مستحکم ایدر که منجین ابلیس نشانن بر ذره متخلل اولمیه اساس استیاق
 دین کبی استوار و اقطاب فکر سزعت کبی بایدار اول الهی برور لک بسزاید
 که سب حیوة ایدر و موجب بقا سر مد و طراز حله زنده کان طریقت
 و فراست امان و امانی حقیقت اول الهی بر اخلاص و بر که فاخته اولر اولر و زبور

۲

البحار ذکرت صحیفه بقول اعمال و عنان نامه استقامت احوال و نهال
باغ کامرانی زندگان و مفتاح درسا و دمانی دو جهان اولی بر خلوص عقیده اولی
که کرد تغییر آنوک کمال بساطنوک جوابی تو نمید و بر حسن طوبیت اولی که نشانی
تکدر آنوک صفاسی زلالنوک منبعه فرسجه بر بابک نیت اولی که نمایان
عاقبت کبیری فنون محاسن اله آری است و بر خوب عزیمت اولی که قدود
دلبران کبیری راستی و استقامت بر است اولی الهی شول همت که مستعدی
حصول معرفت عالم عزت و مستوجب اعزاز هدایت سبیل آخرت اولی
آنی سن سیرایت الهی شول توفیق که جالب مراضی و مباحث رحمانی و قاف
عواطف و مراسم سبحانی اولی آنی سن متد راییت الهی شول بصیرت کوزنی
سن آج که نتایج عواقب امور دنیا بی هنوز بهما و بسند است کتب تمام کور
و شول عقل خانه سنی سن حکم اب که مستقبلات جزئیات احوال عقیبی به
هنوز وقوع بولد پس ذوق یقین بولا الهی شول فراغت دل و ارتباط
حق که آنوک جمعیتی فضا سنده با درستی انسیه و شول انتظام خاطر و نظای
خلق که آنوک اطراف و کثافت عوایق الی پیش میه او مرز آنی کند و کرکون
که بر ضعیف و که تن سیراید سن و شول عزیمت صادق که اما بطل خانه
مژور و مزخرفات کاشودند سردر یعنی تویلات نفس افاره و متهو بیست
قوای مکاره آنوک حرمی ساه سنده نزول و حرمی جوارندن فضل امتی
لطفکندن امیز منرا اولی که قولند که سن تقدیراید سن الهی شول کواکلم
غزوات دریای استیا نوک اولی است که وصلوک بحر بی آنی ساحل

بخانه ایر کور می و شول قالب که مرده هواجر بودی استواکت اولی است
که غایتنوک زلالی افکار تازه حیوة و یر میه الهی سن بخا بندن یقین سن و دریم
اگر بن نبی بلبرسم معذورم الهی بندن عبادت کر که سندن غنایت کرک
قولدن طلعت کر که حدن هدایت کرک الهی بریز لعدن بخه فور فر رسم
بدا اولی د بوالیو که اولعدت فور فرم ابتدا اولی الهی صو جم بلیم قولی
کلمه رذایه الهی نه نیاز لثک دیوارنی سدا میه الهی اجل و منده بریز
حال امه الهی الوم اجم برده با یال امه الهی نبی روز محشر در خلق آری
رسوایه الهی نبی روز بر ز خده تن حسرتانده ماوی امه الهی بریز طلعت
دایم ایله الهی بریز کج کرده قائم ایله بومرود و ندری لطفکند زنده ایست
و سب طلعتانده کوکل تمنی تا بنده ایست نه که اول نور دیده عالم و سرور
سینه آدم در صدف رسالت و در کاس سما جلال ختم سوره نبوت
و خاتم تکلیف فنوت حضرت رسالتن صلعم منقولند که الی کوز جنیم اودنی
کور و بر زمین آید که ظلمات و اوی سنده بیست جلال خفیه از حیوة
کبیری اول چشمه چشمندن باشم روان اولور و بر چشم بیدار که طلیعه
رحمت خدایه منتظر اولوب صبا طاره دکن دورب دیده بان اولور
الهی احیای لیا لی بر دولت دکه دکه قوله مقدر اتمز سن الهی یا زینم نب
بر سعادت دکه که کوکل میسر اتمز سن سب مقام خلوت عاشقانند
سب خبام دولت مشتاقانند ز نور صبح سعادت و کامرانی مقاسات
ظلماتی سب مجاهد دن صکر مطو غر که **بجعل الله بعدی سیرا وها**

۲۹

سعادت و دجانی بال اقبال ضاح بخاجی سب روانان او زرنه صلح کند الضاح
 محل القوم الشری جمیع ارباب قلوب تو جملانی کعبه زیاده بولرله و جلاصحا
 کشف کشف غیبی سپیده از دیاده بولرله سلوک ابرهیم علی الله و سید
 که فتم جن علی اللیل زای کو کبا قال هنار تی فها اقل قال احب الافلین فوج
 یوشن بنی اندم دخی ظلمت و ظلمت که و نادینی الظلمات ان لا الاله الا انت سبحانک
 ان کنست من الظالمین و و عد حضرت موسی م دخی متقا طور لبالی ایلد اولمستر
 که فتم مقارنه اربعین لیل و و رایت دولت محمدی دخی فیه افلاک که کجا ایلد حضرت
 که سبجی الذی اسری عبده لیل قران قدیم دخی کجی و نازل اولمستر که انا انزلنا
 فی لیل مبارکه و قدر زنی قدر دخی سبده مقدر اولمستر که ای منی مطلق
 سبب سبب نک خود سترنی مذکور و مسطور و و بیجه کجا یک دخی قدر معروف
 و مشهور و و دولت اول کشید که کجی کرده منول مراد سبب اسما و دلیران
 صف صیبا کجی شمع مجاهد ایلد نفس ناره زبون اید و زور کر ز تو ایلد ایلد
 ملعون سسکون اید و منول زبان ضعیف دل و زرم کو کلر که ارتره
 دکن زار و نیاز ایدوب حقه خجع دیده دن دزن و زنا بیری و باره باره
 اسل ضابری کوز بی برنه سیما ایدوب علی اروم و دکل و سحاب
 خون باران دن کلر از خسارت تاب او زرنه باران غمخس و و کزین روز
 قیامتی غمخس کجی طور میوب یعد و رله الی بزوم سکانه زار فر اول الی بزوم
 شکسته بازار مر اول الی ضعیفاری رذائک که ملک نشانی دکل الی اقبال
 بر صلیق و صلیق نشانی دکل الی سنگ آدوک و محسن و جواد در بزوم ایستر جمل غناد

در سن آدو که لایق است بزوم حاله کوره اتمه الی سنگ ذاتوک رحمانه
 و بزوم فعله عصبانه رسن زانکه مناسب است بزوم فعله کوره اتمه الی اگر
 تا کتب مسرا و لکن کر که تا ببولنمز و اگر توبه و بیمانق تیرد که برده
 عاصی کورنمز نمرود پهلوان اولور که هیچ نفس هوا سنده او یز و و صاحب
 طیف اولر که صکره تمام است کما یز علی بیمانق فرو زبانه کر که و و دست
 همالساند کر که بردخی انمکه غایت کر که و بالکلنه و از کلر همت کر که

انبارت و جوب توبه

ای طینی معوی بیج ویران کو نکل نفسه قول و عالمه سلطه کو نکل
 نکل جصلیل دولمشد ایچوکت بحر حیرت قبلت او کلک بیچوکت
 کرد رسک کیم عمارت اولسن طبطلو نور عبادت اولسن
 کل دوز نکل سن بو طاعت خانه و ارمات ایلد بودیرانه
 کوی دبنده خانه کی آباد قل واردر و نده توبیه بنیاد قل
 مرتبک استرسک اولابر قرار اولین بنیاد نوک استوار
 کربناسی خانه نک محکم اول چون کهن اولاج ابی کم اول
 توبه اولدر سن بیمان اولسن حقی بیلوت نع مسلمان اولسن
 دل کتوره حضرت عجز و نیاز قلبه قلب ایلامیه بازار زار
 دیده کربا و درون آتش اول جگه دل اول آتشیل خوش اول
 بنده حق اول و غیرنی تو یا نفسنی ترک ایدوبن حقه او یا
 در دن اکتفجه بورا کن طفلیا عمر ضایع کجی کین اغلبا

۲۹

بن بکانتدم دیو حسرت ایدہ
 کیجی کونڈز طور میون بلور ا
 سیر کافر کیشما اولہ اول
 توبہ اول کرکٹ بویلا ایدہ
 رخ صکرہ در بویولہ پیسوا
 ہر کشتی نکت توبہ سی بردر لوالور
 آدم اولور توبہ اکابر کمال
 کہ کنا ہر اعلیٰ قربت ویرر
 حضرت حق پر عطا در پر کرم
 کفر و ایما عاشق اول کبریا
 الہی معرفت رسیبہ نہ اعتضاد الہی عبادت عادت بی نہ اعتقاد الہی حسن عملونہ
 اعتبار سوز قبول از لہ و الہی کونکلی ایلو کہ برز لطف نہ حساب ایشان عاقبت
 اجلہ و الہی معذور اولندہ نہ قدرت فضل نظر بر کلدہ الہی ممکن اولندہ
 مکتب کار تدبیر کلدہ الہی ہر ایم اول طاعتہ کہ عجب ویر یا کتورہ خستونم
 اول معصیتہ کہ زاری و بکا کتورہ الہی ہر ایم اول نمازی کہ نیازی یوق
 الہی ہر ایم اول دروہ کیم راز یوق **ابیات در بیجا صلوة**
 عبادت شرع دین بلکل نمازی نمازی کہ اول آنکے نیازی
 قوطاعت کرکے اول تاجدر بل صلوتی مومنک و مواعیدر بل
 جو خلق خدا یو کھ ملا نکت خودی ہر برنی ہر یولہ سالک

کمی

کمی ساجد کمی خدمندہ قائم
 کمی قاعدہ ناسندہ خدا نکت
 بر نیک خدمتندہ ہیری اولمز
 صلوتندہ مصلی اولہ خاشع
 جن کیم ایدہ سن اللہ تکبیر
 حضوری ایدہ مزین دایم ای دل
 کو کلدہ قل توجہ حضرتینہ
 کوزت دایم او کلدہ سجدہ کاحی
 فرا یضدہ اولانی قل رعایت
 سن اول استغفر ایات از کار
 کمی رکع کمی قاری تا دا بیم
 کمی ایدہ صلوتن مصطفیانک
 بر نیک طاعتنی ہیری بلمز
 اولو را اول نمبکہ طاعت جامع
 دروندہ طاعت اسن ایدہ تصفیہ
 جو وقت نیت اول ایل حاصل
 دل و جانہ قیام ایت خدمتینہ
 قوس اطرافو کہ میل و نکاح
 سنن ترکن و فی الکلا جنابیت
 جعفر ولدن حنوکہ غیری نکیم دار

حکایت

مگر کیم بر غریز ایدر دی طاعت
 بقیہ کور سجدت بعضی جداری
 بو حالتدن دکل آکاہ درویش
 قلو ریک کر نمازی بویلا سن قل
 کو کل جو کیم نماز اجرہ دکل اول
 دار سکت سر کوزی کورہ اچکدن
 الہی ہر ایم اول ستر کی کیم اسرار یوق
 اول دردی کہ در دستنی یوق
 دورب سجدہ بجز اول عبادت
 طول مسجد انجی غوغا و زاری
 کہ و برش کند و بی حیران ولی خویش
 قو آن کیم فرو زحمت چکدن
 بلورمی اول نمازیہ حقت یوق
 کہ ز طاهر حجابن سن کوز کدن
 الہی ہر ایم اول روحی کہ انواری یوق
 نیلیم اول ذکر ی کہ سوز ستونی یوق
 نیلیم

اول رکوعی که ضوئی بون . بندرم اول سجودی که ضوئی بون . بندرم اول تکبیری
که تکبیر سزاوار است اول قیامی که تعظیم سزاوار است اول بندرم اول وضوئی که نور سزاوار است
اولا بندرم اول طاعتی که حضور سزاوار است **۱۰ آیات**

وضو در ریل سلاح اهل ایمان و وضو بیله قلینو قهر سنیان
صفادق یکمک بولسندفت اول وضو یور میز اسد بر آن اول
وضو در هر نه و ار قانوس ستمی که که رکیم تمامت اول امرعی
حضور قلبی و اخفی سن بنجابت وضو یاجره و خفی اتکل رعایت
که سطر طبر وضو جو یکم نماز که بوا اول اولی حقه بنا زو کت
نجاسته جو ظاهر پاک ایدرس بخون ایچون طلو خاشاک ایدرس
طهارت ظاهری واجب لیکن که که در هم دخی تطهیر باطن
ایچو کده اولان اخلاق ذمیده که هر بری اولور ساکنا جو بجه
دورس کیم هر سنده پاک اولان ره حقه قوی جلالک اولکسن
بنوم بیگی اولر سکت سنده باپ دنوکوه اولکسن در دیل غمناک
بیلورم ایچکت مردارنی بن و ایکن اردیمازم آنی بن
الهی ایستم بیلورم هیچ بدو غم بای و دستم بیلم هیچ
کوکل جو یکم ملوت پر نجاست نه و بر بکه بونظا هر طهارت
الهی نماز دیو قلو رم همین صورتند . بدتم نماز قلو رو کلم معصیده است
دیو طو ترزم قرونت و عادتی عبادت دیو استلم همین آدی عبادت
قران او قرم همین سنده طاعت ایده رم کوکل با باند . مذکره ایدرم غم

هو ایچون مطالعه ایدرم نفسک صفا ایچون علم او قرم دنیا ایچون عمری کچورم
هو ایچون تسبیح ایدرم نه باندن دعا او قرم سنده . هر نه علم که صافی
صم کوررم بر جان بندن که ریاق تمس و هر نه فعلی خالص صم بقرم بر طرد
هو اگر تمس صفوتم آغودی او صلتم فرق سبل اولدی او برم او بندرم هر
درم ارته اصلاصه کلمه مزای او مر م کلسی ن صلاصه کلمه بولده دیو کونم خدی
اوش او ش دیو عمرم کندی کو کلمه هر علوه نفسم هر سفله بن بیچاره روحم
طلبه حقه بدوزم او کندی خلف اولدم آزاده او آره بیلورم تمنا کرک
اما ادمزم بخایده بن عهد باری بلدو کیم برایدنه بلد این **آیات**
که صورت سکت با که سطر را سن . یور فکایت جا هدوانی الله سن
دار لغو کتی بوغ ایدب دی لاله . تا اولکسن ملک دینده پشاه

آیات اسلام

قدرت حق کبر و اقرار قتل . هر که عجزی در آنوک انکار قتل
کندو کتی بر طفل دوت تعلیمده . هر نه درسه انبیا تسلیمده .
بکده طفل سته کسواره اول . نبی تصرف بنده بیچاره اول

آیات وضوء

نفس در آلوده حرص و هوا . و اندر سش پاک دایده در یابی فنا .
بس بوغل ایکی جهان دن دست رو . جایز اول حقل تا کنت و کو .

آیات صلوة

خلوت ایست بر خا نه امیند و بیم . اول مصلاهی قنا عتده مقسیم

بخت خلوت خانه کم سنده وار
زورن بو خانه نوک چون با پس
قبله چون بولس تکبیر قل
کنش کی ایت محمود ریای وجود

اشعارت صوم

تا که سنسن بسته مهر بیج تاب
صوم صوم سن شکم بوش اولغی
روزه وای آکا دمش اهل خود
کیم درون دلدن ابد غیرسد

اشعارت حج

کیم سوار مرکب توفیق اولور
توب دیندن جتوب اجرام قل
سؤل مقامی سعی کیم ویر صفای
بور ترک دوی پندار قل
چون بدید اولاجویم بارگاه
نی جهنم رانده بیت کبریا

اشعارت علم

ای کرامی کو هر و عالی نب
جمله چون مرده در آج کلک
مه کی عالمه تا با اوله سن
علم نیچون ایلمز سن طلب
علم او قی که حتی اولاجا و دلک
کل کی هر مدد خندان اوله سن

علم اوله عمل بر کنج اولور
علم در بنیاد طاعت خانه سی
علم سن سؤل اصطلاحی صنفل
قبله و قایلده بو نمره راه حق

علم ظاهر ده بلی اولغل امیر
علم کبی اوله زبیه حاصلوک
لیک قالمه انده کجکل ایلو
وار بجار قدرته غواض اول

کر قداس علم ظاهر اجمه پس
کر ره معینه دانا اوله سن
اولکه اولور علم دینده بهره مند
علم صورت بسته تن درهما

نقش صورتد رفوسن نقاش کور
بندگی طاعتد در پندار قو
عشق اینوک بل هواسی بیز اولور
طبعه بر الهام ربانی در اول

بو نیوم حالوم دکل در سیلرم
سن نبی قود بیکومی دکل کلکل
بندخی بر عاجوز بیچاره ام
اوله زبیه علم قور و رنج اولور
استی اوله زبیه نولر کانه سی
علم او قدیم دیو آکا قمنغل
قاله قائلده اولور کمره حق
کم غذای طفل اولور اوله بستیر
علم ذوقی حاصل اتمز هم دلوک
نیجه بر طفل اوله سن سن کبیر جو
وار تنور حکمت اجمه خاص اول
سن لب باده اوله سن مکس
طبطلکوس در دریا اوله سن
دو مجانده سر فراز و سر بلند
علم معنی صنعت جان و روان
مالک فرشتن قوسن فرشتن کور
علم بل بلکلدر کفتار قو
بلبل جانوک نواسی بیز اولور
جان بر تلقین روحانید اول
اهل حالک سوزور نقل ایلمرم
استی قوسوزنی کل کلغل
بو هوایک در در اوله آواره ام

نه بلورم نیلیم نیجه ایده م
 حیرت آدی ایچوم و کاشم بنوم
 نقله طورت بیلریم نمک کرک
 در در چون وارلوم مقصوده بز
 اولکم لطف ایلیوب غفران ایده
 دینده آجه کونکل کوزوینی اول
 دیدنه باطن اگر بینا اول
 سر و حدت ظاهر اولور بیکمان
 کبج حقه جای محزون هم امین
 چون حقیقت بکرنه اولره بلور
 ای کل خندان قوم سن منک بو
 مرغ کبی بسته دانه اوله سن
 نقشکی محو ایلا اذن آج و رو
 سول کونکل کیم اولدی عشق دست
 مرغ و حدت که کبی دلد اوچر
 بلب چاکه کبی بزبان اولور
 که جمال یار کشف ایله نقاب
 دونه قلف اول کونکل طالب اولر
 اولک صاحب حال اولور نامی آنک
 نه بلورم قنده وارم نه ایده م
 بلور اولدم بن بنوم نیدا جکوم
 لیکت بر جبهه کلوب کجک کرک
 یوار اولوم یعنی اول معبوده بز
 راه حق بن قوله آسان ایده
 تا آجیل انده دانی طغری یول
 نیجه سر لکوز کوره پیدا اول
 عین عمل اول وقت اولور بلکل عین
 بو اولور د بیا جده حق الیقین
 کوه مقصودنی ناکه بلور
 کر اولرک سن تجرد آرزو
 مستلای خویشن بیگانه اوله سن
 تا اوقیت ایست اثبات حق
 که قوی اولور که اولر بنه ست
 برق و شن بکن قرار تمیز کج
 که کلر دل که یه کریم اولور
 که جدالی عشق قیلور حجاب
 کا مخلوب و کبی غالب اولور
 حقله در هر دم آرامی آنک

شکر

شوکلک این اولور آنک اول خدا
 الهی هر قدر جمد ایوب ظاهر مسمو ایدرسم باطنم و بران ظاهرده هر قدر
 سکا فوسلم مجده هوای سلطانی الهی محالست کردی بوزم دوتدی الهی محالست
 کردی بوزم دوتدی الهی صرناک دردی بلوم بوکدی الهی ایجا تخمین که
 قلم مزعنه کند و لطفک ادرک و سلام نهانی کونکل روضه سنده کال کرک
 دکک دایما باران رحمت و نسیم عاطفتو کله سن ننو نما و بر هر دهه دل
 کت زارنده مجنونک تخمده غیری نسنده که در روح کشتی سنی و حدت
 بخندن طهره صلیه چون توحید بنیادنی سن اوردرک حجاب ایتمه و چو
 ایما باغنی سن دکک بی آب اتمه الهی هر نیه محبت ایدرسم سنک جاکت
 مراتی و هر نیه که کولکم و یرم صفا تک آباتی الهی هر نیه تبرکسم سن انده
 الهی هر نیه کورسم سن انکا ناظر الهی کز لوسن غایت ظهور کدن الهی
 کورغمز سن زیاده نور کدن الهی سیدی و مولای هر نیه کنا هکارسم
 کر مکدن نامیند کولم و هر مقدار مجربسم غفوکدن نویند کلم عطا بای

نظم

ای سرمد کس بلند بینان در بار کفی دسوه نشینان
 ای مقصد هست بلند ان مقصود دل نیاز مندان
 ای صانع جسم و خالق روح مرصده سینهای حج و ح
 ای آفریده کارستان جهمت و جبار غنصرای بیدارنده دوازده برنج
 برد رای مصور استباح و ای منور ارواح ای روشن کننده اطباق

آسمان وزمین وی کلشن کننده قلوب اولیا و عارفین ای دازنده ناله اولیا
 وی شنونده نوحه یعقوبی ای کت بنده ابواب الهی دای نماید اسباب دعا
 ای خشنده اموال ناعوض وی دهنده آمال غرض ای هست مطلق و
 ای پاستا حق ای باری باران دای رومی دمی کاران ای آفریننده مهر و ماه
 و ماهی ای در گذارنده جسم و کتاهی و تنهایی ای پیدا کننده حق و محو کننده
 باطل ای نصرت دهنده محی و خوار کننده مطلق ای داری جفا ای دانای
 نیا ای دستگیر انزل و ابدا ای عطا بخش عطا مای نه عد دای جهاندار و کف
 بخشایی ای فضل کتر و عدل فر مای **ابیات**
 ای کت بنده خزان وجود نقش چونده کار کا و وجود
 گوگب آرای آسمان بلند هم زمین ساز و هم فکب پیوند
 خالق اخلق باعث الاموات عالم الغیب سامع الاصوات
 حی و قیوم و قاهر و قاهر اول اول و آخر آخر
 پادشاه قوی مالک حق منشی نفس و فاعل مطلق
 علم افروز عالم ملکوت شعل افروز طارم جبروت
 مرفق مالکان ملک و ملک مرشد سالکان فکب فکب
 سخدا نه کوا مع فتوک و حد لا شریک له صفک
 ابتدا کت سنک برایت یون انتها کت سنک نهایت یون
 نقشند وجود یون فیک مستحق سجود یون غیر و کت
 آفرینش زخم کتبد کتدر هر که غیر کتد آفریدند ر

روزن دیده به صبا سندن روضه سینه به صفا سندن
 شاه صبح زینب و فرسندن خسرو تا سرتاج زر سندن
 ابر نور و زید حیا سندن سبزه به فتی قبا سندن
 کرجی ای دبی مکان سندن ساکن دل شکستگان سندن
 قبله روح استا نکدر دل مجروح ستر خزانک در
 کار سازن و کار سازنک یون دهنده کاروان در از کت یون
 بی نواجم بکا نو اسندن در دمندم بکا دو اسندن
 خسته جانته نجانی سن و بر کل مرده کو کله جیانی سن و بر کل
 مشربم چشمه سار دین ایله میوه می میوه یقین ایله
 مست جام شراب شوق ایله لب لب شوق ذوق ایله
 ای خداوند عالم و ای خالق جن و آدم ای آفریننده زهر و برودن ای پیدا
 آورنده آسمان و زمین بر خالق اخلق سن که کن دیدک آدم صغی اولدی
 بر مالک الملک سن که کت دیدک ابلیس شیعه اولدی بر جهاندار سن که خزینه
 واردن مستغنی بر ملک شمس سن که تاج ناراجدن غنی الی سن اول وارث
 باقی سن که شول دمه که مدت مملت عالم بشه واره و او ان خرا محوطه
 دنیا یقین اولاعصه زمین مالکان مجازی و میراث خواران عاریت
 عاری اولا و اقالیم ارمنین ملوک کا کار و سلطانین جهاندار لردن خالی قلا
 مالک مملو کندن رعیت ملوک کندن فزع اولوب ملوک تاج و تخت رعیت
 فاش و رخت بیانه سلا انا کن نزل الارض من علیها و الینا رجوعه

حکیمه من الملک الیوم صدای جهانی دو تاوزبان رمز و لسان حاله نذالو
 القمار جوانی هر دوزه دن ظاهر اول هر کوزه دن بو آواز کله کیم قنی اول ملوک
 عالم و اول سلطین بنی آدم اول صاحب قران جهان اول پادشاه دورانه
 اول خسرو این جهان اول گردن کسان کردون حمله قنی اول دست
 استظمار ری قنی اول ملک و اقتدار ری قنی اول امین شاهانه ری
 قنی اول ارکان بادشاهانه ری قنی اول سروری سرور قنی اول مجلس صوری
 قنی اول نصرت و فتوح ری قنی اول غنوم و صیو صری قنی اول کوب و جلای
 قنی اول اہنت مجازی قنی اول مطیع و ستر بخانه ری قنی اول علم طلب خانہ ری
 قنی بجزان مسیح و کلیم **آدم و نوح و سبت و ابراهیم**
 یونس و لوط و یوسف و یعقوب **صالح و ہود و یوشع و ایوب**
 با قنی حواجه سراجہ کل **خاتم انبیا جواع رسل**
 قانی ابوبکر و عمر و عثمان **یا علی شیر صفدر دوران**
 بتر حانی و بانیرید قنی **انہدی و شیخ بو سعید قنی**
 قانی سنجین حضرت مولا **کندر کنندی قلدی صبت و صدا**
 قانی ارسطود جانوس حکیم **باقد لہون بحس علم قدیم**
 قانی یکاوس جم و ہوشنگ **با فریدون با فرو فرہنگ**
 خسرو و کیقباد و اسکندر **یا بہادر را بجرہ با ہمن**
 یا منوچہر دابرج و نوذر **کیکو درس و طوس ہم پشیرن**
 حمزہ بہلوان شیر جہا **سام و ہم ذال و رسم و دستار**

جمہ سینک متقری زیر خاک **کیمسبی حرم و کیمسبی غمناک**
 قنی اول قبصر قصر کہ کنکرہ ابوانی **اوج کیواند ایرمندی قنی سنول ملک انور و**
 کہ شوکت و عدلیہ جهانی و متندی **قنی کوس ککاووس کہ طنین صدای ملک**
 کوشنی کزائمتدی و طنط و آوازہ سی اطراف عالم ایرمندی **قنی جبر و قیاس**
 کہ تہ سے سہارمندی و ہمای واقعی سہ طاری کچندی **قنی شوکت**
 سیکما کہ بیلکہ امرایردی **مختنی بل کتورب عالمی کزردی قنی حمت و تقنین**
 کہ سرف و غب اندہ ایدی **و جمیع دنیا تحت بندہ ایدی قنی ہم و جامی قنی**
 فریدون انامی قنی سدا و شوکتی **قنی قارون قوقی قنی دارود و لیتی قنی**
 فرعون و عزنی **قنی بخت نصر کہ بختی قنی اردو سیر کہ تختی قنی ضرورت**
 بزنی قنی رستم رزمی قنی افراسیاب کہ نکرہ **قنی ہوتا ہلک قناری**
 تولدی ملوک عجم و اندہ کج سہاری **قنی ہند اندہ اول پادشاہری**
 قنی خطا و ختن اقلینو کہ خانہ **قنی مصر سہرنگ سلطانہری قنی روم و االی**
 اولان اقا صرہ قنی جہان حکم ایدن **کاسرہ قنی سنول خلفا اسد جہا قنی اول**
 امراء عالیہا قنی آل عباس و شوکتی **قنی آل مردان و دولتری قنی جنکیر**
 و اولادی انوک **قنی بوجہ انبا و احادی انک قنی ال ساجنی لو خانہری قنی**
 ال عمان و خانہری **قنی سلطان محمد و شوکتی قنی بوجہ عزت و بہت قنی سنول**
 قدرت و قوقی قنی سنول صولت و سطوقی **قنی سیاست و صدا بتلری**
 قنی جلادت و تاج عنتری **آیات**
 قنی بیک در لو تدبیری **جہانہ قنی فکر اندہ کی آمالی آندہ**

۲۰

قنی آیین ملک اچره نظامی
 قنی سلطانی عالمده آنوک
 قنی اول حسن و خلق و طاعت طبعی
 قنی که تغسل علم و کاه شریعت
 قنی که رزم و کاه بی بزم عالی
 قنی کتاب و نقاش کن بلر
 قنی طوب و نفاق و سم و ضری
 نریه واردی بوندر لودی نندی
 فلک شعبده بازی بجه کو
 ججاشی همین مکر و فسوند
 اینچون عافله زندان اولور بو
 نکورب میل ایدر عارف ججهانه
 پنچون عبرت النمايه کچند
 ساه حاله هر اولو سولیر
 ججهالی همان ایچویه بکزر
 الیچک او نیور بیلور نیش
 دوشینه کوره تعبیر کریر
 چو عکس کورنور انکر دوش اچره
 چال نهنه مخالف زحمتی جک
 قنی خلقت قدوغی انتظامی
 قنی حکمی سنه ادمه آنک
 قنی اول هبت و ترتیب وضعی
 قنی که درس و کاه بی پدشا هلی
 قنی که بحث و کجنگ وجدالی
 قنی سازنده کجنگ و ربایر
 قنی سئول وار و کبر و جنک و حوی
 خیالیدی مکر کلدی و کندی
 بوچا دردن برز کومر دی و پوه
 بوکا کوکل ویره غایتده دوندر
 اگر چه جاهله حوش ننگ و حوش بو
 اینچون آلدانه عافل زمانه
 کم اولایک اده و غطلی آلدان
 که باقوب عبرت الفل ای برادر
 کوکل ارتوق ورن صیر ویه بکزر
 کچن حالی همین بر او چو نیش
 خیاله کوره تا ذیلین بوسیر
 بلاچک بونده کیم خبر اوله صکره
 که بود دستک اولا تعبیری کو کچک

کچر کوزون کر زحمت چو مطلق اوین نهنه اولور غایتده احسن
 پنچون غافل سرز چکمايه زحمت که ابد ملکنده بولاغرت و نعمت
 طوتالوم با دسا اولا ججهانه اکانندی بوکاینده زمانه
 دنیا بر سپره زن عجز و زک لباس عابس و خزانده کور نوزر و بر خراب
 ابا و برانه در که منظر ابا دانده کوز کور آنوک ذوق و صفاسی و کاه
 زمان و ابرتاب کابی نابیدار دور و غصه و جفاسی اوراق استیجار اولور
 رمال کبی بی سنار در کرب کبی دوغزو و غن کبیر و کلک کبی تملق آتکن
 اسرر کیمو کلک عصبانندی که کبوز مری و کیمو کلک عقدا تندی که کبوز مری
 کبدر که روز کارک رو اجنی کی کاد و صلا حنی فی فاد و صعودنی فی
 بهبوط و وصولنی فی قنوط و او جنی فی حسیض نازل و سندن فی ستم قائل
 و صلحی بی جنک و جدال و دولتنی بی تغییر و زوال و طلو معنی بی افول و زوال
 نه قنول و سرفنی نه وبال و قدومنی فی ارتحال و فرضنی بی طرح و بدلا
 و مستحنی نه محنت و ابتلا و بقاسنی بی فنا و غنا سنی فی عفا و نعمتی بی عجم
 و لذتی نه الم و سرتبتنی نه زهر و لطفنی نه قهر و عزتی نه منزلت و دو
 نازلت و تلاقنی فی فراق و محبتنی نه نفاق کور مس اولا بو بر او در کیمای
 حباب و املری نایاب و غنتری تحبیر و تقطیر لقیغیر و عرصه آفات
 و منزلت بلایات در هر کیم کاس ججهاند شراب حیوة اجدی عاقبت
 خمار مات کورمه کرک و هر کیم باغ زمانه کل راحت قوقدی البته
 خار زحمتن چکر کرک هر نازک دلقر ستمه مکر آلدان بر خوندر هر طاق

دولت کلنگ زخمند. سرکوند رخنه سرد بالا می آید. در که قوت با دال
بی مجال این دو تا تمسدر و قنغی سگوفه باغ جمال در که سطوات خزان مرگ
وبال انی بره. دو سر همسدر قنغی نقش و گمش و زیبا در که طوقا حد تا آنی
رو و درق زمانه یوب که همسدر. و قنغی عارض کل عفا در که عذار
مدتا بان خار و خاست که حجان فرسوز کتمسدر. و قنغی آسما صفا در که غلام
حادثات کاینات علویه ایله رنگ در و ای کدورت نوال بولمسدر.
و قنغی صورت مایه با در که طربان موانع ککبات سفلیه ایله رونق میبوسی
تغیر و انتقال بولمسدر قنغی جمال مردم دیده عزت در که دیده مردم
حسن و زینت لطفانده خیران ایکن ناکهان با دفنا اسوفاک اجنده. و همسدر
و قنغی قوت دولت جوان بخت. در که پیر و جوان اول صاحب دولت
رکابنده روانگی آخر سیر اجل زور پنجه سید از اتمسدر قنغی سباز
صف در جهان در که کت و عین و کتیده. سب اول ب پور رکن بسته
عقدت نسبت و هم او همسدر. و قنغی مرد میدان زمانه در که سخن کاین دزه
پیکان اولوب کز رکن خسته. زخم دست قهر او همسدر. و بخ خلیفه
عمامة دولتری و اردی که بر کون سر کون اولوب پونله آنو کل بقلدر.
پنجه پاوش پاک که عزتتری و اردی که ناکهان اسپر اولوب بله زنجیر
ایلد. پنجه دلیر مهادر اولور کم قلیچ بله کردنله نه چلیپور و پنجه حال
باد ساه اولور که تدبیر لریله کند و لکنه صنور باغ جهان هیچ کل دولت
و همسدر که خار جفا و محنت انکا لازم اولیه و زنبور زمان هیچ محمد

عزت صونهمسدر که زهر قهر و مشقت انکا ملازم اولیه. قنغی یوسف در
در که زنجاری زمانه دامن چاک اتمس اول. و قنغی سگیم زمانه در که دیو
جھانی طوبت هلاک اتمس اول. پنجه جم کلدی که آنو کت جامی او شمندی. و کیم
دولت و بر لیدی که مدتی دو کندی. دار امداریسه دورانی طومندی.
ورای رایسه جھانی ضبط امدی. داو و نینوک زره لیدی اجل بترنی سوز
و موسی کلچوک عصاسی ترک از دهسن بصدی. نسبت علیله الومی
دفع ادمدی. و نوح عسیرله اجلی منع اید. مدتی عیسی اموات اجبا
اید رکن آخر اوله کر کدر. و موت اور سبی دخی سجاد. بولسه کر کت.
قنغی لاله چمن مساحت در که عاقبت نیول بولدی. و قنغی آفتاب فلک
صباح در که عاقبت افول بولدی. قنغی شهر بار نیک بخت در که دنیا
هو استنگ هواسنده بلر کن بی رخت و بخت قلدی. و قنغی تا چدر حساب
تخت در که جھانسرا نیک سر بر نه آلمت کن فی تاج تخت قلدی قنغی
آمین دولت ساهندر که مندرسن اولوب کچمدر. و قنغی آیت مصحف
خوباندر که منسوخ اولوب کتمسدر. قبه سموات بوسلایه سید آخر منسوخ اولوب
بقله کرک. و روی زمین بو طراوتله عاقبت خراب اولوب بوز کرک.
طافله که کورسن طفله کرک. صور که کورسن صوفله کرک. بلندر که کور
دوسته کرک. و پرو کوک بر بر نقره سنه کرک. هر کار کا. که کورسن
لی کار بار قلدی کرک. و هر جماعت که کورسن تار و مار اوله کرک. خلعت
زندگانی آدمی حوش و بیبایی زیبا یددی اگر دست روز کار روز کار چهره سید

۳۷

دو سال عمر کرانی حوش قامت رعنا بدی اگر تند باد کردش دوز قور میسری
نیچ طفل ناز بنسکه هنوز غنچه کلزار آری جلست و زلف مشکبار جو زلمش
و قشیری یایه قور لمش و شمس را و فی التما ناکا یغیر زمانه اول ناسری
حاکم کلک ایدر و نیچ مجبور کز بنسکه چه جفا او قذولار اری کوکل
کلزار نه بجه و حیوان باغنه زینت و برکن بر کون فتنه دور مال اول مژدول
لرک قورن اول کل بولورک خدرن طراق التند بهجا ایدر بجه طلال
درخت اولور که هنوز بیدر اولور ضوف بولور و نیچ آفتاب اولور که
افتدن قلقدن کسوف بولور و جها باغنه نیچ نه اولور که میسندن کسوف
و روزگار چمنزنده انجری نام اولور که اولور بولور نیچ عمر انجری اولور
که نیچوب منم کن زخم چشم زمانه غذا را رسوب باد فناء عادت
نیچوب دوشور و نیچ زنده کان دوشوری اولور که کوکلاری زمین مستکن
نواب روزگار مکار نیچوب بر کون صرصر مصایب بره آفت ز جها باغبان
بولور کلش کوکب قور بر روزگار دهقانی بولور عادت اولش ایدر کن کورتر
نه حوش ایدی بود هرک بوستانی **۱۰** کراولما ایدی آسب خزان
نیچ دلیران انام و سیران آجام کلش در که اینک بنک تنور لری چینه
شیر جری نیچ و عویله زبون ایدر لردی آفوسا افکوک بر فرج دور
دو بیچوب مست و بی اوش اولور کوکده یکن خاک زمین اوزر مهر اول
اول لزمین وجود لزند زمانه بقض یا دوز باند بر قوری آوقدی
سیما سئل که دوبری حکم فرمانده بدی و حوش و طیبو عیدی پمانده ایدی

دیوان سنک سر لک کت مطبخ جا بهدی بریان ماه بیکر لک الوکب
سپاهیدی مرکبی جواد باد جفته زن کون ماد نقش بند و بنا بر نیچ
کشی صور بدیع فراتش خیمه سحاب نقاش صغیفه اب جلوه مهنده طاقون
برکنده ناموس جواج بوی بر کلبه عطار طلیعه کاروان ناسری
ناجران ختن عاشق دختران حسن یعنی نسیم دوران لری روان صفائش
جانس و جانت م تصرف ارادنده دوست اوت قدرنده بدی دلس
مرکب ایدر زنه تمکین و رب آهسته اطراف سیران ایدر که تجری بر جها
حبت اصحاب و استس بر ساعده یله سوار اولوب بدی اقبلی جول ایدر دینی
که **۱۱** **۱۲** **۱۳** **۱۴** **۱۵** **۱۶** **۱۷** **۱۸** **۱۹** **۲۰** **۲۱** **۲۲** **۲۳** **۲۴** **۲۵** **۲۶** **۲۷** **۲۸** **۲۹** **۳۰**
وزمام انقیاد لکم باوقیف اناالت و رعایتنده بدی صفوف طیبور
صف صف قنقنر آجوب کت بختنوک و سر بر سر و نوک اوزرنده
سایب سعادت بغل لردی آفراجل مصافنوک صغیفه بر خطه طوبیوب
الت و سبانی و اعوان و اصحابی بر غوب نهان اولدی عزیا و تها زید
زمین اجنده نه اولدی دنیا حالی بولور کلش کلش کدر و اجل ازده
بولور اولور تم شو سنده بولد و غن بودر زهری تر یا کله اصلاح اولور
وزحمی علاجه صلاح بولور دنیا سزانه غزور معان سراب الدنخه بکر جها
نکه کوکل و بره کوکل زکلی آجز و دنیا بونیه میل ایلین جاق قوشن طومنز
بور مجلسد که ساقی روزگار اندون زهر نوش بر جامدن سور لور و بوبر
اضفال و هدایت ایچون دوسر و شن بر مقامدن کورنور خطه تاج بودر

۱۳

دخسته سی نالی سرور در سخت خوش نعمت ادبی اگر در هر دو ^{منطق} منقش
 و کنگر خوب از نیت اگر بر سر لک کلوب بوز ما بیدی وصلی با خوش
 صفا بیدی اگر فرقی او لبیدی و عشق مجازی دخی خوش لذتی اگر ایم
 دور بیدی اما هر دنیا و مستنوک فراتی و از هر اجتماعت بر فراتی و از

ابیات

نه مقدار اوله کرا لغت آراده کذا آخر اولور فرقت آراده
 زاندر عاشق و معشوق اولور لر ضروری بر بریدن آبرور لر
 جوس فانی و محبوب اوله فانی نه دلکو اوله اول عشقک زمانی
 کولکل بر کسید و پر کم طوره اول نرس فانی اوله سین و نه خود اول
 مجازی عشق جو نکیم سن نورسن نجه در لذتینی خوش بلورسن
 بونی فکر ایلد کیم نولور بولذت اگر معشوق عشق اوله حقیقت
 خصوصاً کیم تمیث دایم اوله سحر تا ابد اول قائم اوله
 نکور و کیم کولکل ویردک جهانه یا نولرک آله نورسن بوزمانه
 چلیم کیم آخر چون زاد اید سن جهمدن سی آزاد اید سن
 دلوک ربط ایلکل حق حضرتینه دورش ظاهر ده دانی خدمتینه
 اوله کیم بولکسن آخر سعادت دو عالمده کورسن سن سیادت
 اگر سعید بلا شقیقک حالنی و اکیسوکده منانی بلک سترسن فرض ایلد
 کیم بر پاشا عاقل و جهاندار کامل وارادی کم انکار روح القدس در روی
 لک او غلانی کوندردی که داره لر دار غزبنده تحصیل معارف لطیف و وسیل

فضایل شریفه و جمع اخلاق سنیه و اعزاز آداب زکیا اید لر دیده طلیعه
 عز او بدن مرکب بر ناکبری انابک مکرم و عقلی وزیر معظم جوارحی خدمت
 قوای حسنه نمی چکنیکر حمیده طیناخ نی نظیر جگری خون سالار لطیف
 دافعه فرانس لشریف قسطنی کمان کیم سوسنی جو کمان هر مژه سنی بر نیت
 دهر بکنی بر دلغوب دانه چشمنی جناد خونریز و غمزه سینی خنجر تبر لعل مدام
 و زلفنی دام دشمنی کوه هر دهر حاسته سنی بر جوجه دمانی خزینه سنجکم و مزاجی
 کلید محکم طبیعت خازن مکیسن و قواسنی خدام امین حافظ بر غلام
 خزینه دار و خیالی بر جاسوس نقره مصوره نقاش صور محسوسات
 و منکره محارم مانی محمولات ایدوب بوجسب اتباع و اشباع بله لرینه قوت
 دار الملک قدس دار الفناء الله کوندردی بونلر دخی بود باره کله
 بر قی کون کوزلری بغلو طور دلا آخر کوردر که بر ملک اول آرا و بر ستر
 جان فزار و ضمه بهشت کبی صورت دلگشا دهر در لو اسباب لذت
 مهنیا همین بولکامل اندی و بولملک کولکل وردی لذاتنه آندندی و غزوب
 طیندی آنا سنوک دیارن آوندی و قوم قبیل اجنده جندی عقل نصیحت
 اندی اسکدی و فکر سولدکس دکلمدی آنم دخی بکر اغلیدی بنسونه
 زاده لر بی بی نجه انسونل چارنا جار بنوک یا نجه بولید لر و دید کسن
 اویدر کاه کاه بعضی فاده دفع اندیلر اندلرندن کله کچس منع اندیلر
 اول بری هیچ دنیا بهمدی و جهه آلبسته آندی بنجوه کلیدینه آن کوریک
 آردیج و مصلحه بنسب قریمن آردیج اوله آتاسی محبت اجندن کتمدی



د اول د باري اوسمدي دينا مخر فائنه الدنمدي ولدت غورنه طيمندي
فناسن اكلوب كوكل ورمدي وحققتن بلوب التفاتمدي آخر اتاندي
رسول مكمل الموت وايچي ناعي فوت بر يد قايض الارواح وقاصد
مفروق السباح مكنوب موجب حرات ونامنه مادام اللذات كنوروب
ايكسني البتة اتانر نه كدر اولد لر و بو جهانده اول حمانه سفر دار اولد
اول بري كه تحصيل كمال اتمندي و اتانسي ديد وكن اتمندي معرفت اتنه
سوار اولوب و تقواي حقي زا و راه و اعمال حسنه همراه ايدوب ايتانمدي
يانجه و هدايت بدرقه سني او كنج جميع خدم و جملة خستم ايسر و رت دان
و خرم خوامان اتانسي و لاينه قوم قبيله ايجنه واروب اندر دخي بوني معاش
يقينيه ايله محني و اداب دينيه ايله منكي بولوب ستمديت روحانيا و دمار
قدوسيه ايله اذديت و جميله ميميزان دن ايدوب الالرنده مسار ايله باليه
اولوز بركشنده قرار ادر كه نظرتي بي تغير و زوال و بهاري تي تغير و زوال
د بهاري بي تبدل و انتقال و واسي مدام و صفاسي بر دوام نوري نار و
خمر ي تي خمار ساهري تي هيب و حجاب و ساهري تي رحمت رقتا
د اول بري كه بونده لذاته غرق و شهواته مستغرق كاشانه فريله اتمش
ايدوي و سرائ غروره انتمندي آخر كتمكو اولوب كورر كه بو او كرندي خلق
بونده قلوب و بونالوف اولد و غني جماعته اربوز اول اسباب و مائلر
كتمندي و اول سرائلر اولر كه بايمندي اول دوستم كه باينجه كورر
د اول اولر كه او كنج يو كورنر لودي و اول ابناء و نبات كه انلر كورر جانلر لودي

د اول اصل جماعت كه مصاحبه كورنر لودي جمله سي بونده قلوب بولوكور
بولوكور و اتانسن بله كلن نوكر لودي و غني طغلا لر نر اتانك قسته نر بوز له
واروز د بر لر پس كنده و قالور بولوكور بر فرقه كوفته بولور نر نر ادا و اوزنه
مركنته اكلنجك وارونه مصاحب نر سمع وار كه بولس كوره و نر قولاوز
كه بول كوسته كاه بر در ييد و ستر حقه كاه بر بلخه بتر قلمر نر كاه
كه السن الازنه بر بولداش وار كه قلده كاه بيلانله او غر كاه جيانله كاه
قورنله او غر كاه ايسلانله اول اول بكاره چكر باره لر بوسر بكاره
ياره لر بهر لطف اتني قدرده عذاب كاشني طلوا ايجر و هر صاع صحت ايله
ندامت خاكني به سنيه صجر نر بوزي وار كه اتانسي بوزن كوره بله و نر بول
بولر كه به باري واري بله هيس شويله وادي جهاننده و ايله خيران قلوب
و بوادي ضلالتده عاجز و سرگرد اولر الهيس صغله بولداره الهيس
خلاص ايله بولدا و الهيس قوتوكده اساندر الهيس جمله حضرت كنده كنده
هزاران غم بلي و كمت لره هدايتوك فائتوك كمننده بر ذره و كل بوز نيك
بنم صكره از مسله دلالت رحمتوك دكزننده بر قطره كل ايلي جهانك
مقاليدي اولكده و دنيا آخر فوكا كليدي الوكده و لدوك دنيا و بر سر
ولدك اخرت و بر سر دلسك ايكسن و غني و بر سر دولت دلسك بر
كراي ماليت ايدرسن و استسك بر پيشاهي خاكر راه ايدرسن هر دولت
واقبال و رمت الوكده و هر نعمت ك زوالي كنه و لكوكده الهيس ايلن
سكار بر سوز كه جهان ايلن هلفني كيم ديلرسن و بر سر و كيمدن ديلرسن كورن

کاه فرعون لغتی سرور و سرزمین ملک مصر ایدوب موسی کلیمت کله اخوان غریبه
بتدا ایدرسن دکاه کنه اول ملعونی قهرکت دکترینه غرق ایدوب موسی ملک بتدا
ایدرسن کاه یوسف صدقی حسد جاهله و بلا زندانند کرفنا ایدرسن دکاه
کنه جعفر و ب مصر تحسته عزیز نامدار ایدرسن الهی مالک الملک الملک الملک و ایدرسن
که قل اللهم مالک الملک هو کبه در اسک تحت و مملکت ایدرسن توتی الملک من تاشا
هر کیمه در اسک تاج دولت الورین که و نزع الملک من تاشا هر کیمه اسک
در جات غزیه بنشدین و لغز من تاشا و هر کیمه در اسک در کات منند بر غزیه
و نزل من تاشا و هر محتاج جزو سعادت قبض اختیار و بین اراد کنده در
بیدر ایخیز و نواصی کانیات تحت قدر کنده مقهور و ساسل نقره فاکنده ماسوره
انک علی کل شیء قدر یوزظلمت خواتار قدر توک حکمتو کنده در رومی روز منند
منند در کاه عز تو کنده که توج اللیل فی النهار و توج النهار فی اللیل کاه
اولور که بر جسم علم سب یجوری ریش فرعون کبی جوامع زواجر کواکب الیه مرصع با
ایدرسن دکاه اولور که عمود سیمین صبح صبحی عین موسی کبی نور خشنید تا بانکه
یدی بیضا ایدرسن کاه اولور که سواد رو ی سب نجوستی با بین روز منند
دولت فرعون دار مالک مستولی ایدرسن دکاه اولور که بیاض مجسمه روز
سواد شب بلا و تحت اوزر نه موسی صفت غالب و مستعلی ایدرسن کاه اولور که بر
کافر میتوک بلند آرزو عبد الله کبی بر حی عالم جعفر و ب یکی مجانده خلیل
و جیب ایدرسن دکاه اولور که بر حی مالک صلبند فر نوح نجی الله کبی کافر منبت
کتور و ب عالم خور و ذلیل ایدرسن که و نزع الخی من المنبت و نزع المنبت من الخی و ایدرسن

برنامه محتاج ایدوب قبول و زار ایدرسن و دبلکت بر کسبه نعمت و پرو
رزقنی دو عالمه بی شمار ایدرسن که و نزع من تاشا بغیر حساب الهی سن
اول پادشاه سن که جمیع اهل روم و چین و عجم طوائف هند و سقین و سایر
سکان عرصه زمین اختلاف طبقات و بنان در جاهله منزه متجانسه
الفروع و الاصول و طه این متباعدة الابوار و الفصول اوزر نه یکی عملی بوا مره
مضبوع و بیعی بونده معقود و کیم پادشاه پادشاه سن سن کسها بلوک
بدایت یوق و سلطان سلطنت سن سن که سلطان لغو که نهایت یوق جمیع
صنادید عرب و عجم و مملکت ترک و دیلم و اعراب منازره و غفطا و صقالیه غزیه
نامه دولت لر نی سنوک نام سز نیکت ایله مهر نیکین ایدر لر و طغرای فرما
غزنی سنوک اسم کربنکه تغنید و تمکین ایدر لر هر برسی دلتود لجنه سن ذکر
و یاد ایدر لر و هر بری بر آده سکا جا غروب فریاد ایدر لر کیمی تنگری ویز کیم خدا
کیمی الله یوادرنند امردله مقصود سنسن و مهر مقدمه معبود سنسن
هر پادشاه مجازی که جخانه کلدی و هر سلطان عاریتی که بوملکه قدم بصدی
دولتی کند و یله بلکندی و سلطنتی وجود یله محو اولد اگر صحایف تواریخ و اسما
و لطایف دو اوبین اشعار دکولمت اندک آثار ایز کارندن جرابطار و کار
و صفحات لیل و نهار اوزر نه بوا نری قلم دی سن مالک ممالک آسمان
و زمین سن که ملک توک بخوبیل و انتقالدن منزله و مبتدا در که و سن اول پادشاه
قوی مین سن که سلطنتوک بنیدیل و زوالدن مقدس و معزاد رس اول
سلطان قادر مختار سن که کاه اولور عرصه عالمی بر طایفه دن خالی ایدرسن

وکم قضیة من قریه کانت طالمة دکاه کنه اول عرصه برجامه عیله مالی ایدرس و انشاننا
 بعد باقرنا افرین وقت اولور که دوست و اقبال و تورت مالی بربولکن
 الوریس کم کم ترکوانی جناب و عیون و زروع و مقام کریم و نومه کانوا فیها
 فاکسین کنه هزار در لونه نم و انواع خدمت و رسم بر بلوکه داخی و سیرین که کند لکن
 و اورننا باقوما افرین کاه اولور که بر طایفه سروران عالم و مالکان رفیع
 بنی آدم ادب هر کنی اندر وک عظمتند خزان و تخت حکومتند بر سر کرد
 قبضه قدرتمند مقهور و انقیاد امر رنده مجبور خدمت عالمند قائم
 رکاب امانیونند ملازمیم است کن ناکاه نند با و صرصر جدا لوک اسوب اول
 سروری خاکیکه رخت بر تاراج و ناله الموقلین ذلت خو بل غمنا
 مذلت تبدیل دولتون ذلت محاسن این معانته نمن این نفیته و منحنه
 محنت فورتن رنانه ندونان ندامت مالترین ملالت و سعادت
 شفا و نه سبیل ایدوب محکومون حاکم و مملوکلان مالک مامورین امر
 ضعیفان قادر و خادمان مخدوم و مکرر مبدلین امیر مخم ایلوب فرستون
 اتورنار که فرستون او تروپ الکن او بنارک الکن او پدیرین که مخدوم
 یزنده قلوب موجود عبرت الوب بلار کم مالک الملک سنسن که ملک تو که
 زوال یون و پنهان مطلق سنسن که پنهان تو که انتقال یون حاکم سنسن که
 جمیع عالم مطیع فرمانورک سلط سنسن که یکی جهان بنده احسانورک بورن
 سکا یقینور که هر نه استسک ایدرس بکلک سکا برشور که کمی در سکا
 یک ایدرس لطف و جمال سنو کنه که بر کشته ابله عالمی تازه بهار ایدرس قهر و جمال

سنکه

سنکه که بر غمزه جهان باغنی بر مرده خزان ایدرس اینین شامی سکا برشور
 که خوشبختی زین رزموک میدلنوک کم دلاوریدر ارکان پدشاهی سکا
 یقینور که زهره طربک نزموک مجلسورک اونی جینا کریدر و بر یک سنک
 کبی و بر مکت کرک که کیمه و لر سکا بنوت و رسالت بعثت این بخش
 سنک بخشورک کبی کرک که قولایند کز نه ولایت و کرامت بعثت این
 تخت و سریر سکا یقینور که طبقات سموات و ارضین عرش سکا نرد با
 بر بایسی در مال و خزینه سکا برشور که جودک خزان سنک جوهر میاکی
 صحیح خلقنوک سرمایه سی در الهی سن اول حکیم سن که مهندس حکمت برده
 و کو که هر نه تبدیل و تغیر که ایدر سنک تدبیر نکره الهی سن اول مصور سن
 که نقاش طبیعت عالم صورده هر نه تحریر و تصویر که ادر سنوک تقدیر کلا
 بر قاهر سن که اول برده که قدرک لانا منوا ایضا جمیع دلیر تیره و خون اولور
 بر لطیف سن که اول منزله که لطفک لانتظوا دیه جمیع یولدر نم و خوان اولور
 سؤل که رحمتک نسیم ابره خاک اوستی کلزار باک اولور سؤل وقت
 که سطلونک صرصری اسم کلزار ابرجی تیره خاک اولور بر جبارین که قدرک
 الی کیم ارسه فادر کن پست ادر بر رحمان که لطفک بی که است
 عاجز کن قوی دست اولور لطیفه عطاک دوستار و کی که چه محنته ایدر
 دخی صدق در رحمت ایدر انجوبه قضاک دستار و کی که چه عجز تدبیر
 دخی هدف تیر لغت ایدر بر جلیک سن که جلاورک تجلاسی میندن عالمون
 هر زاویسندن نیچیک جان لر و اهر تا به اینین منازل فکله ار کور لر لر بر میل

سن که جالوک مشاهده سی حلا و تندن بجهانک هر کونه سندن هزاران
کو کلاتر و اسنوقا نه داسنی فجامع ملکن کجور رله هر مدد هزار دندنی لطف
و جهانک لذتی مقام وصاله ار کو متکن که اول مدد سلفا جلالک او بچ
سرمایه بی غارت و تاراج ایدر و هر ساعت هیت جلالوک جمل عالمی
بر هم و بچ و ج امتکن که راحت جهانک مرهم و علاج ایدر الهی جلالوک
صفتی نه نیاز لوق الهی جهانک آینی کار سازی کلیموک خوش بلغمی نیاز
نقدن سکت صفت و نابکار اندک بهایم انج کلیم کار ساز لنگه
سیر مردانه غار بار اندک ابلیم بچسز مایه طاعت مفلس و مطر و اندک
آدم نی سرمایه عمل راج و مسعود اندک که بچنی دولت و دولت و بچ
که بچ صاحب دولت و دولت و بچ نی که بچ ناکسی کس ایدرس که بچ
کسی ناکسی ایدرس که برنی بر نانه محتاج ایدرس و که برنی صاحب تحت
و تاج ایدرس برنی غیر وزار ایدرس و برنی غنی و مالدار ایدرس که
بربر و سر چکد رسن بوستاند و که بر سردی سر نکوه ایدرس کورستاند
که سخن کمال لایله نو بهار ایدرس که لباسی کفنی خون دیده ایله لاله
زار ایدرس که بر کسوک چشمنی بید ایدرس که بر کس کور لوری نابینا
ایدرس که برده بخت بر آیدرس که بخت خطمی بره صجسن که موارده
نافروری مسکت از فر ایدرس که کینه مسکن نافروری خاک اغیر ایدرس
که قره طاشتری لعل پاک ایدرس که لعل بلبری ستره خاک ایدرس
که بر قوتک مسکنی مرغ زار ایدرس که کند دامه دو شوب اول مرغ زار ایدرس

کا بر بلی خوش نفس ایدرس و که کنه آنی گرفتار نفس ایدرس که بر طوطی
فصیح کلام ایدرس که اول کلام ایکا دام ایدرس که غز الوک خونینی مسکت
ایدرس که در سن جبر و مسکت ایدرس که بر حیوانه بر خاصه و بر سن
که کند اول خاصه ده هزار غصه و در سن که اول در لر در سچون و که کله تر
بال و پر سچون که دبلر کله سچون که بوغ و لطیمه که کله سچون که لر اغیز سچون
که قرن بر لر قرن سچون که صید ایدر لر بر سچون که کله سچون
ایدر لر حس یوز بور ایدرس که جهانک نظامی یونک اوزر کله سچون و یوز کار کله
انتظامی بویله اولمش که جوع اولور بر کله کمال ایدرس که اول کمال دن آکا
و بال و بر سن نه سچون تمامه بر و اتمس سن در زحمتی رحمته بیس و اتمس
سن در مرث و دیر بر سچون هر غم بر مرهم قورس اتمس اختری پیری
جراغ ایدرس که بر نیک نور بله برنی جوان ایدرس الهی سن اول غمت
تقنند بی بنارس و حرمست شمسید و لنوا زس که که بر فاسق بخانه ایدرس
آه اندور و معینه طاعت دکنورس و که بر زاهدی مغرور راه
ایدوب جهاد معصیت کورس که کله غلته بکن نوره جعفر سن و کله بی نور
ایکن غلته بر عورس که اولور که بر قلوکی دنیا ده شاه و آخرت ملکنده پاد
ایدرس و که اولور که برن بوادده ذلیل و مدود اول اود و درخی محوم
و مطسه و دایدرس و که اولور که بولکنده عاشق اولامردانه لری و محبتکده
صاوق اولافرز اندر آفر عشق ک بیابانده حیران و کربا و چه ک بوادین
واله و عطش جانم الوب قورس معید لر بند کفنار و قورس کله کور

ایرسن سول جمالو که ناظر و ناگسندی طبعه زانما و سول و صالو که محرم لای
دلری لقمه سیران ایرسن الی محبتو کلامه و تازده اولنار و کسب سیرانه کلام
اندازه اولور عشقکه حرم اولنارک کو کلتری غزل اولور و محبت یولنیزه شرف

اولنارک رنج و محنتی بیست اولور بیت

باجر کلک جه لذتی هیچ ایرنه نسیم کیم لذت که غمک اجه نهم و اگیک وار
الهی دنیاغا سقا و ک نصیب دعوت و سودسه سکا متقا اولنارک ایستی ذوق
ونعم و ساز و نعم اوانه سکا طالب اولنارک و فی رنج و الم جفا و غم دنیا سوز
نهم کرک کیم سول سونلر محنت کرک دورت بوزیل فرجه جفا کوریری
آخر جا حسیه و بریدی طغذوغی کوندن موسی ام بلا چکدی صکاره دولکایا یوزدی
نعم دنیا حست و جوی ایدوب کزرقنده برغنی مالداره و ابر جدار وارینه
انکار و محنت و بلا و تک بوی ایدوب میلزده برانقاده و نسیم دیده
سهم سیده اولورسه انی بولور صح کونینه قدم بعضا اول عاقبتدن کوزوب
سلامتدن ال بومن کرک دوست وصالن بولم دین هرف تیر و بلا و غم
سیر تیغ جفا انک کرک استه الناس بلاه الانبیا عمر الامثل فالامل
هرگاه که کت محبت طلیعه سی دل جا سوسنک هر باشندن بلور و لبسته
و هر وقت که سلطان عشق جا و شاری کو کلک سندنده هر جانندن جغرسنه
بر طرفدن فنی کورسک که بردار اولوب اصلن و در جانندن عاقبت
کورسک که جار میجر کوشن سلامتی کورسک که حاد و مازک امتسکد
توای کورسک که تاراج و تالان اولنارک و غم زهدی اسیر ایدوب غم

تک و نامی فی نام و نسی ایلمنار صبر اولر لب بیک باره اولمش فکر تو لب
آواره اولمش راحت سرای تعلیم حضور کسکی تعلیم سرور جاهدی صمنش
عزیز غمی اولمش صفا صفتی بوزلش عزت فتنه سی تعلیم **ان الملک**
اذا دخلوا قریه افندوها و جعلوا اعزاه اهلها اذله و کذلتک بفسلوه
الهی هر کیم که جفا باغنه کو کلک و بریدی اول ایرق کو کلکی بولمز و هر کیم دینا
خوانده هر کیم اولدی ایرق بوب طومیز جفا کلاری بر بلاغ صوت
غودرر دولتک اول که انکا الدنیه دینا نمنی برخوان زهر الودور عاقل اول

انکال صوبنده تمثیل مناس

جفا برکت ساند بر جمنار	ایچی طولو سمنل یا سمنل
اوترمش کلین و سرو ایستاده	چمن صحنه و چچکل فناده
النده ساغر زین لاله	اجر کل عشقنه طور منز بیاله
دبانی غنجه تک ایدر نسیم	انکا فر شواید رلبس تر نغم
دلنده سوسنک ذکر خدا تک	دمی اندن دم باد مهبانک
آچلمش باغ و میسک تیشمش	انجرا هب کالینه ارتمش
نسیم نوبهار و نکست کل	نوی قری و کلبانک بلبل
درلمش باغ ایچینه خلق عالم	طودر هر کوشده بوزدر لو آدم
کیسبل کیسبل طمش غم کل	کیسبل شوریده کیسوی سنبل
قلور کیمینی زنتک لاله کر بان	کمن رچی ایدر بوسبل خیران
کیسبل طوطی سوز کیمینی قمری	هوا سبل کچر هر دیده عمری

کینه خوش کلور صوتی تذر وکت
 کینه خوش کلور آواز لبس
 کیمی امرود است کیمی بی به
 کیمی شفقنا لودر کیمی قیسی
 کیمی حوضه بقر کیم صفت سینه
 کیمی مستغول حسن باغبانه
 کورغز که حسن سبزه دارکت
 دیا خود بردیش خوان شاه
 صنوف اطعمه انده تو نمیش
 اولور اضاف مردم انده حاضر
 کیمی داندر کیمی زرده
 کینک کوکل استر طنکو حلوا
 کیمی بختی در کیمی بریان
 کینک در کوزنده حسن شاه
 دبر کوکلن بونک فکر نه کلی
 دیا بر تهر در کم بر بضاعت
 طلودور در دکا کین و صنایع
 کیمی صراف واه روب جوهر الود
 کیمی مرجانی جابنده خریدار
 کینه شول قدر غناسی سروکت
 کم ایچس باغ اجنده عشقنه مل
 کینه سبب کیندنخی به
 کینه انجرو اوزم قیسی
 اکا بققر که آخر کبره کینه
 کوکل و بر مزو باغ و بوستانه
 طلو کوکلنه نفتش اول نکارکت
 دو ستمه ریش ماه و ماهی
 مرتب هر طعام انده دویش
 دل هر بر نونک بر نوع ناظر
 کیمی چورک در کیمی کرده
 کیمی استیچون ایلدر لوسودا
 کیمی در باکوزنه لفتش نان
 بو تر تب و بو وضع پادشاهی
 اول انمز بر طعمه صیج سبلی
 بولینور انده هر در لوضاعت
 متاع چار بازار طبایع
 کیمی عطاره واروب سکر الود
 کیمی در بچو ایدر دور بازار

کینک کوکلن مغز اندی باقوت
 کیمی دیبا حیر استر بیاسی
 کیندر مستندی و کیمی با بیج
 کیمی دایم در ردگان اجنده
 کیمی او قمر کوز طور مزمارس
 کینک سبلی دایم خانقاه
 حله المش الینه کیمی چنک
 کینک در با بیله بی خوش
 کینک در لنده آب تازی
 کیمی کور سیک سور شطرنجی جانن
 کیمی میرم دیو ایدر حکومت
 کیمی صنایع که شاه اولکه جهان
 کیمی صنایع که عالم در تمام اول
 کیمی خیر امیش دیو کیر قضا به
 کم ایلر علم خدمت دیو تدریس
 کیمی فتوی دیو و بصارت کمال اول
 کیمی طووضر اولور والی اوقاف
 کیمی عاشق در بتسک مجازی
 خوابه دوست مردم اولورست
 کینک جان نقد بیلر بولور فوت
 کیمی اسکچدن الود بلا سی
 کیندر بنا استبد عمر صنایع
 کیندر کنج و ش ویران ایچنده
 کیمی واعظ الوب قیلور مجلس
 کینک عزت و اموال و جاهه
 فلکده زهر بیلور که آهنک
 کند نفی و عود بیلر آتش
 کینک لهوی اولمش مرغ و بازی
 که ماتن فکر ایدوب او صخره انن
 کیمی عاصی اولوب ایلر خصومت
 انده در آنک دور زمانه
 کیمی صنایع که خلقه خوش امام اول
 آنی بلز که او غر اول قضا به
 آنی بلز مایه مکر و تبلیس
 آنی بلز که بونینده و بال اول
 کتور ارتسینه بر کوهی قاف
 عبت سیره چکر زار و نیاز بی
 اکی عالمده قیلر کند بی بیست

کبھی عاشق در روز خدایه
 بو ملکوت مالکیت جان عاشق
 زای دولت که گمشده جهان اول
 فرست اول طرف دنیا آینه
 بلور آخر آنی قویب کدر اول

غزل

جهانک یوقدر جو نکیم بناتی
 نه حوسد رحال سول مجذوب عشق
 طفت بورقمه سطرخی ای دل
 تمنای حیات اتم سن ای جان
 در سکت کم فکاس جرم منزل
 صغین ای جان که نوبند اولاند
 در سکت دو جهان جیفه کو کلان

دلا عشق نثار بیت ملک جان
 حجاب عشق اولن آباد اولور اول
 در سکت سن صفای آب نکت اول
 بوری سن بوشمند کدر قل
 سنگ آیر قدر آرام کاهک
 صدای عشق طوله رحمانی
 غلام عشق اولن آزاد اولور اول
 در سکت نامی سن بی نام نکت اول
 سنگ میروک دکل بودار سفر قل
 او برده در سکت آب کبیا بهک

او برده بی نوا به بولینور کار
 او برده درد آلوب در ما ویر لر
 ایستید طرا او برده کتخذ الوع
 بوکت سینه که نامی زنده کافی
 سکا دوست که او اسن اسنله خواب
 جهانک سادسی غمبند دگر
 ججهانیسی همین بر رنگ سازن
 بوستانده نکم وار نر کس دکل
 نظر فلسک حقیقت کوز کسن
 که خد خور و چشم کلستاندر
 اگر کی خسرو چشمید نامک
 جو وقت کوج اولا اگا هوک اولمز
 بو مال و سکر و فرزند وزن زور
 کبدر بر کیمسه سی قلزمینو کده
 عمل اولور سکت یولدا سکت آنده
 جهانی ترک اید که عاقبتک
 اسیر اولمش دکت بند دین زها
 الوک منما مکر بهمانه عشق
 اولور کده کوه اولوب کلور مردم بنوک بر لکه زوال کتخته

او کتوره کد ایدله بور ریار
 او برده جگ آلوب جان او بر لر
 چوبه صایلمز آنده باو سالیق
 سکا پیت اولیدر باو بانی
 کنا که کتختگی غرق اید کزد
 فو ذوقی اجل همین دگر
 بو حقه اجره ایدر حقه باز لوق
 بو باغ ایجره بولین سر و سبل
 بیسن عبرت آلوب اول نظر دن
 قد محبوب و زلف دلستاندر
 اگر خلق ججهان غدا مک
 بانو که سیر سی همراه اولمز
 سکا حمراه اولور رتالب کور
 سنی فور لر بلو کوز چه سنو کده
 در سن آرترمه یولدا سن بونده
 خلیس سن قوللو فو که کر قلیسک
 درون درد مند و کده و ایت
 قول او رمه مکر افسانه عشق

یون الهی وصلک موجب بری کاہ کاہ قدر کاہ کاہ ارانوک دفعی قاری و
طور مسی یون الهی وصلو کہ یک شکر طکر کرد فرقتک شرایط یون
سراج انکو بران و در فرقت جبریل کرک السنوک و سایر طی یون برعت
کل صحتی انکو ہزار ہزار کرک بر لفظ دوست یوزنہ بتمیز بقیہ آیانی
السنہ خوا کرک الهی محبتک بر بوسن او لسنہ در ماجین و خوف و رجائے
اراستہ الہی مودتک بر کلک اولسنہ صد ہزار ان کلن نا کاملہ پیرستہ
الہی عاشق جاننا زکر کہ وصلوک ہوسندہ اول باش اوینہ الہی طالب
صادق نیاز کرک کہ عشقک یولندہ بر پارہ یوز یویہ الہی عشقک
ہو اسنیک شیفہ لرنی و ادین خیرتہ سن جیقر الہی محبتک اودنک
سوختہ لرنی آتش فرقتن سن قورتر ہر آتش فرقتک آتش قندہ سرد
ار نعمت کہ لطفک بلا اولیہ در الہی سیدی و مولای بن یونکن ناولا محوم
بلور دک و بنی برتدک نہایدہ جکوم بلور دک بن نہ قولہ یا بشا جوم ہوشوہ
یا زشدک و بن نہ یولہ کید جکوم ازلدہ بلمشکر کہ اگر ازلدہ قولت قبول
انک کہ فضل سنکدر بخت بجا و اگر روتوک البیلہ آند و کس عدل سنکدر
حسرت بجا الہی بو تریتب عوالم غیب و شہادت و بوظام حضرات
عزت و جلالت بر سلسلہ در کہ بر او چی لم بزلدہ و بر لوجی لایزالہ
و بر وز بید کہ بر طرفی عیانہ و بر طرفی منالہ مادام کہ اول او جنون
دیر دلہ بر او چی دیر نوز و اگر سبیلہ کہ منالہ شمش اولیہ عیانہ بلور مزہ
الہی برست شرس ازلدہ الہی فرشتہ بنبت اول در ہر بنک بختی

و بد بختی جراید تقدیر قدمہ بزلشد و ہر خلعت کہ است کہ خیاطت
خانہ ازلدہ بچلمندر ہر کسبہ کہ کار کاہ قد مدن سابقہ حسنی قرین حال
و عنایت انلی موافق احوال قلنسن اولاد مر محوم و سعید کی بیگ
افت و عیسا شرا بلہ در جا کمال استقامتدن بردر جہ نقصا کلنہ
و ہر کسبہ کہ دیوان ازلدہ والی محبت نخندہ ولایت جگ و فلا وز ہدایت
بدرق راہ ایما اولمش اول شیطان ملعون طرید کی بر خاطرہ تاخیر بلاتی
بوز بیگ بلق عبادتدن بر وزہ قدر فایزہ کور فر الہی عاصم دک
معصیت قدرت و یان ہر الت قندہ بولر ردی سن قومک و باعاب
لر دک عبادت قوت و طاعت استقامت زدہ بولر ردی سن و
دیر مسک الہی طو تالم اہلس ادمہ زرق اندی اول بغدای آدم کہیم رزق
اندی الہی مقام محمود مرتبہ سن جیبو کہ دیر دک اما شفاعتی کند رضا کہ
موقوف فودک کہ من ذالذی یشفع عنہ الا باذن الہی ہدایت کلید سینی
محمدہ صوندک اما ہابی کہ مشیو کہ تغلیح اندک کہ انک لائتدی من اجبت
ولکن اللہ بہدی من بشاء الہی اگر ہدایت محمد اللہ اولیدی ابو طالب
جہنمہ حریقی اولور دی و اگر فوج دلکو کس شفا ایدہ بلیدی کوزنہ
قرشوا و فلی غریبتمی اولور دی لو طک پیغمبر لنی عورتنہ نہ سعادت و پردی
فرعونک کافر لکی آبسہ بہ نہ شقاوت کتوردی الہی قبول سنکدر
الہی شفاعت سنکدر و سنکدر الہی ہر کسبہ قبول ابد رسک عزیز اسیرن
ہر نہ مقدار حسین اسے و ہر کسبہ رد اسیرن جیقر ایدہ سن ہر نہ مقدار حسین

مطلب

وهر کیمی دلک اختیار ایدرس که در بک بخل مابنا و بخار و هر کیمی دلک خوار
ایدرس که دمن لم یجعل الله له نورا فاله من نور قبولک طاعت و عبادت کوزه کل
ورزوک کنه و معصیه کوره و کل کیمی اعمال بهست ایدر کند و وزح کیمی
افعال اهل و وزح ایدر کند و بهستی سابقه از لده نبار زکته اول اولوز
خاتم عمرده نه فودکته اول کلور بخل اصحاب ربا و عمل سابقه از لده استقبای
و بخل معتکفات و بهل خاتم عمرده سعدان الهی پاک قولر و کسک
ایندوار سه بی پاک قولر و کس هزار کج او مرر و اگر مطیع قولر و کس طاعت نه
ان نور سه عامیل و کس دخی کر موک سیک اولقدر طینور الهی اگر قبول قابلیه
کو ایست قابلیت سنه و اگر در استعداده دایر سه استعداده کمدن الهی قول
عشق مست و حیرانگی عدمن و وجوده همین سرخوش و با دوش
جنت دره و شول محبت آواره و سرگردانی ازل قبلندن همین بی هو
و دستار کس کل کس در شوق سر ایدن که بلبه کردن محبت و غلظ
ان از مودت در ازل کونده هر کیمی ایدر و کس سمدی اول سرخوش و محبت
با دوشند که خیر انکن آدم و آواره سان عالم در است مجلسنه هر کیمی
طد و کس سمدی اول می هوش در الهی مهر نه کلر اند و کس آئی اندوم
الهی الو مهر نه صند و کس آئی طندوم الهی کو کلم اود نه نه بقده و کس اول قوف
الهی وجودم با غیبه سنه نه دکه و کس اول سز الهی طاعت هدایت سز اولوز
هدایت سندن عبادت غایت سز اولوز غایت سندن نجات توفیق سز
اولوز توفیق سنک انعامت استقامت است و سز اولوز استقامت سنک اولوز

الهی

الهی اگر سنی استینه عنایتک بل اول اولوز ان کو هر کیمی عوایتی برودم صبر کج
و اگر ضایع توک انکافین اولوز برگاه قدر مانع فرستوب کلوب یولون بغیر
الهی تکلیف اندوک توفیق بند سن و بر عقل و بردک و هم وسواسه غلظ
ایه عشق و بردک سندن بغیر محبوس ایته الهی سن و بردک کج کج خزینه
ایست الهی سینه و بردک سر و کس دینت ایست کوز و بردک نامحمدن
صقله قولر و بردک مالا یغیندن بکل دل و بردک ذکر کردن ایرمه کولر
و بردک فکرندن ایرمه روح و بردک روحانی قل علم و بردک رحمان
قل ایما و بردک دایم ایله احصا و بردک قایم ایله ورد او کر تکر در دن
و بر سوز او کر تکر سوزن و بر لغت و بر سزین شکر اندر ایله
و بر سزین ذکر اندر بصیرت و بردک عبرت و بر بصیرت و بردک دینت
و بر سشم و بردک رحمت نسیمی توفیق زوق و بردک روح خدا سنی
طنند ال و بردک الو طوط بوک بولکنک بلوم دوت آبن و بردک
ایقده قوما آبن صوندک اینله قومه بوز و بردک بوزم قره ایته کر سیم
اند کوم کوره ایته پیش و بردک بهستم اشغه قله عزتله جا و بردک خور غلظ
اله جگر و بردک عشقک او دینه بریا ایست دیده و بردک استوفک اولوز
کر بان ایست بهوش و بردک است جامندن ال بهوش ایست خود و بردک
محبت قد صندن سرخوش ایست خیال و بردک غیر کردن خال قل در دن
و بردک شوق مال قل قلب و بردک قلب ایته ایما و بردک سلسله ایست
و هم و بردک خناس ایته فکر و بردک دسواس ایته نظر و بردک سینه

اتم علم و بردک کا سدا تم قیاس و بردک عقیم اتم دلیل و بردک سفلیم
 نعو بردک لغت اتم منجی اتم محنت اتم عطا اتمک بلایه و دوند رتم
 صفا و بردک جفایه و دوند رتم حواس و بردک کلال و رتم کوکل و بردک حال
 و برتم مال و برسن مار اتم نور و برسن نار اتم سرور و بردک سرور
 و کسور رتم حضور و بردک نا حضور و کسور رتم جو اول عذب اتمک آخر عذاب
 اتم جو پنا ده ستر اتمک اخونده عتاب اتم مستمع و بردک ستر بیم متین اتم
 دین او کتمک متصل دین اتم عمر و بردک عجب و کورمه حیات و بردک
 جصل و کسور رتم وجود و بردک سنکلی باقی دوت صفا و بردک سنکلی صافی
 دوت خلق و بردک سکا یرا اتم بل و بردک برقرار اتم روح
 و بردک تو حیدک کجنت امین اتم یقین و بردک حضرت تو که یقین اتم
 دل لکونند مجال و بردک وصلوک حرمنه جولان اتمک جان طوطی سبزه
 و بردک عشقک هو اسنید بطران اتمک الهی اگر عزت و نفیر و برکت
 کز سنک و ناس و بر و اگر رحمت و هم اید برکت کز تسلیم و رفاص و بر
 و اگر نیست و برکت نظرم مولی و ن آبرمه و اگر بلا و برکت امینم منلی
 کسه الهی خیر می تضاکند قله الهی رضای رضاکند قله

حق بولنده عالی منزل در رضا
 اهل اولور مجستی و مر تضنا
 هر نه که صندن کله رضای اولور
 کچه کوندز امره ماضی اولور
 که اید برکت سن رضای حق طلب
 حکم و ار رضای اولور روز شب
 درونی در ما بلکل جانو که
 جفا قائل با ردل رجا نو که

چون هر استه سن رضا ک استه سن رضای حکم خدا اولما پس
 ز حرا اولور سه نونش ایت آن لی کله کرجا لکز بونی و کده حوصله
 بول اربنه منزل اعلى در اول سنخای جاهد و افسنا در اول

بر اولور ایدیدی دایم شاد ایدی کوکل کوزی صفا ابا و ایدی
 برکتی صورتی اگا با نه ندن پنج ایدر دوک دیو و بر بو حاکم
 دیدیدی پنج اولیم شادان بن کچه کوندز بی غم و فرح جان
 چون مراد محو و ز هر دم فلک هر نه استرسم آن اشک ملک
 هر کسبدر بنده فر مانوم بنوم اخینارم اوزره دور انم بنوم
 دیدیدی اول مشکله بودر اتفاق بو کچه خیر و شر اول سکا و فاق
 دیدیدی مشکل صند ایکن سن بوسینه وار رضای صفا رضای قل سنی
 هر نه اولور سه رضا ک اولور سنک غنی کلز بس سکا صبح سنک
 حسته اولسک سن رضا ک اولور نکت که رسه هم رضا ک آنده اولور
 اید اولسک کنشی پنجو انجنور هر نه اولسک نه سبیدن کو حضور

برکتی ساحله کیدر کن کورر بر غزیزی بحر و دوتوب طلبور
 چاغوب اگا دیدیدی کلم ای حریق قور ترا بیسی با اولور سن غزین
 دیدیدی هر کز ایکسند دیمز م بن سکا بر بنی تعین اتمز م
 بن مراد اید غمز م هیچ بر نفس ستول که حق دیلر مرادم او و بس

هر کیم تقدیر ادر بلکل خدا پاک و پاکیزه در و بر کل رضا
که چه صورتی که درین روز جمعی بیگ و وار معینه آنک رحمتی
صورت و معینی بلکل سن بتین کیم بری نقش اولور و بری نکیین
الهی نعمت و که غیر بقیم بنی انما مغرور اتمه الی فرقتوک اود نه حرم بقیم بنی ابدی
مبجور اتمه الی نم و ادر سه میل سنک کر مک الی نیه مالک است نعمت
بن ند اولام بنم نم اولور قول کیم کیم سنک انوک اولور مالک الملک است کل
سنوک ملک توک خالق الخلق سن جمده سی تحت قدر توک الی اگر چه بن
مول کیم و قول محتاج اولور انده زیاده دعا آنک حاج اولور اما بنج
ایده بن حاجت کئی سوبلیدر و در آدمی اغلدر و سنک کر مک کنه کماله
سن دکلمه و قبولک مسامحی سا بلای احاجین سنور نه کیم تیج اعظم فمضو
حکایت ایدر بعض اهل الله دن روایت ایدر که بر کون اجتمعت و غنی علمش
اهل حاله لبری کور بن طلمکش اول عزیز ایتش استجاب اتمه بو حال کورب
استغراق اتمه بر سنوک حکمتن کور مک کرک بر معلولک علقن بلک
کرک انچون آجقدر وی که اعلم اول سبدن در و بر وی که اقلیم اگر غلدر
حوش کلید و بر مزدی اگر اقله و کم استمه جنانمزوی الی ایتها با پرو کار
بن سکا نه دریم که سکا که لو اول و بن نه بلد و رم که سکا مخفی اول هر حاله
سن و هر حاله حاضر سن الی خدای بچون و ای قادر کن فیکون سکا
لایق مدعی بن ایدرمزم و سکا مناصب صفات بن دیمزم سن کنه سنی
ننا ایدر بلورسن و سکا نه دمک کرک کنه سن ایدر بلورسن بن هر نه او کیم

عقل حاضر مرد و کج بن هر نه سوبلیدر سم فتم ناقص نیکج
علو کده سنک خدای عالم خیر تده ایت روح اعظم
تسبیح سبحان افداک سبحانک سخن ما غفاک
آدم که خلیف معدا سر کته رتبا ظلمت
احمد که خلاصه در وجوده لا احصی بنای در سجود
انکه که چلیدی کنت و کویه واقع اولادی نار مویه
انلاره که دل طواف کاه در سر کته ولان لاله در
حرفی که درانی اصل تقلید خوسند طبع در نه توجبه
توجبه خدا کنه به صغیر تقریر آنک خطابه صغیر
الهی سیدی و سولایی بر سنک نعمت و کی ایت تین بدک کیم فدا نعم
نفس ما اخص نعم من قره ایتین آخرت نمنه بزم حتره کلمه الی
بر سنک ایلو کرک تین تمام الکلن کم مالا ایتین رات و لا اذن
سمعت ولا خطر علی قلبه جنت ایلو کلید بزمه بشارت ایچون تمند
الهی بر بسته قند نوک که دنیا جناح بعوضه نه قدر طول و عرض اول کم
بر جنته نمودار اول کم عرضها السموات والارض و بر عقل خود به سنک
قدر ادراک و فرض اول که بر خایه کنه الی ایدر بلکه جمع اول اتمه اولین
و آخرین رحمت در یکسندن عالم بر قطره مسجدت هر کئی هنوز تمند
عاجز و سرگردان در و مجنونک جامندن مجتبر بر جود و کده و کیم موجود
هنوز سرگردان مست و خیر اندر عزوک سطواتندن بر سطواتندی

هر ذره و نکت و دور اندی عشق ک آواز استند بر صد ابوری
 جفانی بر دلوله و غوغای اندی کلمات مالاخایه از لنگدن و خوف غیر نشانی
 لایزال بنگدن آلی هر فکله اوان سکر بیک عالمی افزا اندوک و نفوت
 کمانه: البنگدن و اسماء رحمانه جمالی بنگدن بر سلسله جمیع کانیاتی ابراز
 اندوک بنیه کم بوبام و درینا و سقف بقا معلا و مصباح زرین آفتاب
 تابانی مشکوه ز جاجه کشید استمانه باندردک که نور نوزک بر بر نوبی
 و متعاقب بر شعله سید افطار عالم ظاهر دن هر قطره روشن و بر
 ایدر همچنان بوسرای وجودانی و منظر صورت رحمانه جواع شید
 رختان ایمان مشکوه انگب سینه موثمانده او بندر زک که تابنوک
 انواری و ضیاسنوک آمار بیل زو ابایی عالم باطن دن هر زاویه منور
 و بر صفا ایدر متوبله که آفتاب شهب و تی جواع عالم ظاهر صورت اندک آفتاب
 ایما و شهادتی دخی جواع عالم باطن حقیقت ایلدک اگر فضلا مهند سین
 رسیده محاسبه ایدوب بوبله بولورسه که آفتاب ساگره خاک مادون
 بوز آتش اوج اولقدر زباده در علما محققین دخی بصیرتله مکاشفه
 ایدوب بوبله کوردلر که آفتاب ایما تراز و نکت بر کف سنده و جمیع سوا
 وارضین بر کف سنده و سلم ایمان آنز کلمه که لو وضع الایمان فی کف و صفت
 السموات والارضون ومن فیمن لنقل الایمان بیکر آفتاب آسمانه بر قطع
 محاسب نقاب اولوز نور ایمانه عرش و کرسی مجاب اولوز آفتاب آسمانه در و بعد
 و ارتقاء و انحطاط متفاوت اولوز که ظاهر و که زایل اولوز که طالع و که

اقل اولوز دوران کردون هر نام خورشید آینه کونی حجاب ظلاله منواری
 و ستور ایدر و طلیع سپاه طلعتی است که هندوی شبه مقهور ایدر فصل
 زمستانه افقدن ارتفاع مدارای غایتده کم اولوز و حرارت شعاع تابان
 مکتوم حسی نه عدم اولوز سلسله آتش خلقتی کبی سرد و ضیاسی روایی
 روی یتیم زرد اولوز تابستانه بر فند بل بر آتشکی منستانه منقله لاله
 ملی حرارت و تاب تابین پیدا اولوز یازن بر شمع خوش سوزن کین منکر غون
 زینوند که نی نار از یکاد زیتها یعنی ولولم سینه نار اسکار اولوز بر آفتاب
 آسمانی اختلا احوال قابل زباده و نقص اولوز آفتاب ایما است و وزی و دی
 و تیز بیک اولوز جواع آفتاب روز قیامتده بی نور و مکتور اولوز که ادا
 آتش کورست و جواع ایما اول کون دخی روشن و منور اولوز که بوم تر المین
 و المؤمنات یعنی نور هم بین ایدر هم و با ایمانهم آفتاب مجسم است آسمانه کون
 بولوب نور نه زوال اولوز آفتاب ایمان منک وجود انسانده بر قراره طوبی
 تفر حال اولوز آفتاب آسمان او جبهت دوستوب بان کرک آفتاب خلقت کابینه
 اولوز کاه و سیکریت اولوز اما خورشید معرفت هر وقت واسطه فواید
 طاعت و موحباید عبادت اولوز تاب آفتاب جرج کردون چون من سنان
 زیاده تا نبر ایدر برسیا بدن ایدر اما بر تو انوار توحید و ایمان چون دل
 تمام بر ایدر بران و روشن ایدر شمس سما که ذروه دن حقیقت که حقیقت دن
 ذروه بید جفر اما توحید کنتی دایما یوفرد و بر عروج ایدر که ایدر بصیرت الطیب
 و العمل الصالح بر فقه نور آفتاب آسمان سب معرفت وجود مخلوقات حق اولوز

در آفتاب ایان معرفت وجود خالق مطلق اولوز آفتابان افی مژن
ر سینه لامع اولوز آفتابان مژن افی مقدسین طالع اولوز آلی چون بوجی
دلیل و قراین و پیچ و انجی حج و بر احمین الہ بلدرک کہ نور جو آسمان نوب
آفتابان مژن کم اولوز باطنده ارتاب توجید ظاهرده ارتابش آفتابان
محکم اولوز بسنگ دست نور نجس سہلبت دامن ضناک غنا بنگ
بز صغیف خولم و کت کامل مستدعی موز اولوز کم نته کہ آفتاب افداکی
در کجہ مژقون پید ایوب بیدی اقبی نور لہ منور و روشن ایورن
آفتاب معرفت و ادراکی دخی کو کل کو کندن ہوید ایوب سبب صحراکس سوتیل
سستی و کلشن ایونک اول آفتاب ظاهر بل خاک خودہ تربیت و یروب
زر عزیز و شریف ایورن کہ محبوب عالمی و مظلوم آدمیان اولوز صاحب
تاج سر و سلیم بر ایوب زبور اولر امید مژ اولر کم بو آفتاب طبعی دخی بو قره
طبرقہ تربیت ایوب اک صانع و لطیف ایورن کہ مژا لاشده و واقع
قدسه معتول قدرت و مغرب و حایا اولوز اول آفتاب سیر کردانک
سایه حمایتندہ بر بارہ بتره خالی زمین بدخسانده فعل رخشا ایورن
نولاک بو آفتاب تابانوک ظلی غنا تینده دخی بو اوچ جبار ناباکی معدن جبار
جوہر کایه سنی آلی دایما ذکر و کی دلزدن کسنه کہ نام کر بکت دلدارا
آلی یادکی کو کھزدن کہ رنه که یاد ستر نجات کھلر و امید نا آلی کلک
استر سوز دور لکم دون در آلی جمالی کور مژ سوز کور لکوز دندز

چون سجادہ آفتاب اولر عیان چشم اعمی کور مژ سبب نر زبان
کور مژ سن کوز کب ل نور در بوید صنفه طبع قولندن دور در
اولر بزدن در غایت یقین ایننور بو کاسو کم بو لیدی یقین
آلی کوز میدر اولر کہ ہمزتہ دہ سنی کور مہ الحی قولعتیدر اولر کہ صر صدادن
سنی استنبہ بالغ در ویدر لکہ سماع حلال سہر مباح اولر سول سماع در
کہ سعادت ویرہ سول دکلد کہ شقاوت ویرہ و سول سہر کہ اولر شقاوت
ویرہ سول دکلد کہ شقاوت آرتور نته کہ بعض اهل اللہ دن صور در لکہ
سماع نجبہ در آیتدی مستمع کعبہ و ویدیلر کہت ہدنتہ در آیتدی کورن نہ
کسیدر آلی زاہر زہرہ و عبادتہ طینور سہ عارف اولنہ باریتر عابد اولر
جنت و نعیم او مار سہ صوفی اولانہ دیدار بترہ اما صقین ای عزیز صوفی
سول یورین و درویش سول کورن صنفه صوفی سول تن دکلد کہ کاه بکاہ
اچو صوفی اولر بدن دکلد کہ کاه طرور کاه کوزر صوفی سول آب خاک دکلد
کہ ہیولانی اولر صوفی سول ذات پاک دکلد کہ جسمانی اولر صوفی چاد کل
جانک جانی در صوفی ایکی عالمک جاباندر صوفی بر نور در کہ کورن
خیالیدر صوفی بر دور حد کہ پورین مثالیدر صوفی بندرینہ صوفی بلور
بز سوبلد کز سترنہ در درویش اولر کز درویش بلور طرہ دن سولن
بقصد رمد در آلی نکلوم بردہ سنی کورن بنی بدن سہا ایلہ جوہر بن نکلوم
کوریم دیدارنی عبا ایلہ آلی بر کوزلہ ایکی سندن کوز کرسہ ہمز کزنی بکا کور ستر
دبر خانیہ ایکی کتخدا صغیر سہ کو کلم ادینہ بنی کور تہ آلی بن دیکل بو نتر سکت

بکا و درمه الهی قال و قبل بویولده مجابسه سن دورمه الهی اگر عدد
ترک اولورسه آراون سن دفع ایست و اگر مشکک جنبه سی عابن
اولورسه کنسن رفع ایست الهی سنی دور صنور لرا فاجاندن فریبسن
الهی بن ندیم که سرمک ستره رقیبسن الهی سن بزقبسن سن بزکوزند
الهی سن بز و مله بلسن بزلمرز

ای بسته جارمیخ ارکان • بومیدی ساکا بویولده ارکان
کیم آلدیدی سنی بوسورت • بوبعد سکا اولاضورت
اول ساکا بقیندر کوزک بوق • دوسر دوک آرایه پرده لرحت
کوزک آچلیدی سن کور روک • سن سن بند ستمک بلورک
سندن اولور ستمک بولمز • سن قلده غولکی کسنه قلمز
ای کم سته وار سنی طلب قل • سن ساکه کر کلوسک تب قل
کونه نظر اولدی کی صقین سن • کلهادی سنوک کبی عد مدن
اکسیر وکی دززی دست قدرت • الدی اله آب و خاک حکمت
مخور مجمل صبح قدی • شایسته صد فتوح قلدی
ویردی اکا طبیعت کبانه اول • کچه دو جمانه قلدی شاه اول
انده قودی قوت بنا بی • هم وردی حقیقت جایت
ارکان ویروب تمام ترتیب • جسم لطیف قدی ترکیب
بس روح بفتلدی قمتن • جاویردی او جسم حضرتن
بس بر قوی روح راحت افزا • نفس اندی تنوکه اول هویدا

چون نمنه اولدی استنا اول • اولدی بوبلا به مبتلا اول
قلدی آنی بونشایج خاک • بر بنده حل و عقد افلاک
ترک وطن اندی قودی یکبار • بس قلدی بوخطه ده گرفتار
بوحجت آب آتش و باد • اندر مدی روم اهلنی یاد
نفا اولدی بور و حکمت مجابی • اولدر سکا جکد ورن عذابی
هر کردن مده عیده باری • هر دیده معنوده خاری
هر حص و طمع ندیم و باری • هر شهر شهوات آنوک قراری
اولدی دله دایمانا فتن • سلطان و هواییل موافق
هر دل که آجلدی بسته سیدر • هر تن که صحیح حسته سیدر
اول دستن اولیای مرحوم • اول ره زن انبیای معصوم
بلعم که سکت اولدی آخر کار • افسانه نفس او بدی یکبار
نفس اولسدی اراده ملحق • کیمدی دین عجب اناحق
فی الجمل بلای عالم اولدر • سرفتنه خاک آدم اولدر
بر خواجها در در لو تعبیر • بر حرف و بیگ اولانده تغیر
ای دل که کل بر وسن او بید • جانیده آنی اراکه قویب
کیدر نظرن بو آب و خاکک • بوین السن او جا پاکک
که او بوی حیوة جاود الی • اول رهبر آب زنده کاپنی
نفس دتن طبعکتنی رها قل • سندن سنی یعنی کم جذا قل
عالم تو خلقو که حیران • سن غافل او بجزغنه در مان

ای اوله چوایه بو بیل معنور
 هر صورت زشت و خوب سنده
 لوح و قلم عرش و کرسی
 پیدا دنها بود و نابود
 دلدن درسه اگر نشانک
 سعی بیلگتور کور حجابوک
 بسط اوله اگر دکنده بو فوسن
 ای بی خبر جفانی معینه
 دل آتش و زهره نفس بون
 نعلین و عصا در حجابوک
 عقلم سکة بر عقیده در بل
 سن اوله همیشه بو بیل غافل
 افروده دل نظر دمیدر
 باسن آستند خدمت ایت قلم اول
 خدمت ایدن قلم کی وار
 وار لوح فنا ده بر رقم قو
 شافی که بلند اوله بشر سیر
 اولکم نفس وجود ایچنده
 کوه نظر و خیس همت
 جمله سنگید جمله دن دور
 هم دوزخ و بهشت سنده
 اینک ایچنده هر برسی
 بون لوحک ایچنده جمله موجود
 وارنده زمین و آسمانک
 رکسن اوله ماه و آفتابک
 ظاهر اوله استوی علی المرسن
 بنجقلین بیان معینه
 درمان نایدیم که دست بر بون
 کیدر که میت سید عتابوک
 اکلا مکوننده حیل در بل
 اینکده بو خورد و خوابه مانبل
 سندن سکا بر خسر دمیدر
 بسته کر و تنی سنگم اول
 بر حبه زرد و انک خون باز
 کل نام جهان سن علم قو
 یعنی چونکم بنم ددی سکریر
 مشغول زبان و سود ایچنده
 اولردون کون اسیر همت

ای بیل روضه مقدس
 ای مرغ هوای لایزال
 دارا و ج که دکل بویر قراوک
 ای یار فنا ان شکار ایت
 ای جوی دماکه تانی دریا
 ای حسین کز و کده ساحل
 کوه راره و صدف سنگ اول
 بر باره مجرد اول صفتدن
 سندن سنی کل بر وجد ایت
 کر غیر خدای بو بیسن سن
 مقبول اولکسن اول جنابک
 سندن کیدر یس بو کینت
 یوقلوق جو تمام اوله محقق
 بورایه نهایت طریقت
 دیوانه اولور هزار غافل
 ای خام طمع قوهرزه کوی
 کلش کلکبک جمیع خیران
 ای دل بوروار نموش اوترسن
 خرسید کوررمی چشم خاشن
 مردار اولوبن اوله کرکسن
 دل داده دانه خیالی
 اولمز بو هواده سازه کاروک
 پس ساعده سمخده وار قراریت
 چو یکده بیدی دکر هو پدا
 قور و کف اولور الوکده حاصل
 غوامس محیط خویشتن اول
 ال بحر محیط معرقتدن
 بر لحظ سنی رها ایت
 خلق و خدای طویه سن سن
 نبی واسطه ارجی خطابک
 اول دم بدسن ندر معیشت
 سمع اربن فریانهن
 بوراده خلاصه حقیقت
 آسوده در اول کشتی که غافل
 کستاح روی و خیره روی
 سبحانک انکنت و کوبان
 بی چشم و زبان و کون او ترسن
 پنج سخن کزاف و تلماشن

هر پرده که وار خیال بازی
 هر نفس که کور نور مجازیه
 روح دخی بل خیاله بگزر
 که بدر و که هلاله بگزر
 وار قوبو خیال حقه بن سن
 حق نور له قل خیاله سن
 کرس کور بس خیاله حق
 اول حق و کول آنی بلکه مطلق
 کور دم صنوب اوله کی صفت مست
 استار سکت ات خیال مکتب
 در مایه سکا صفتن که هر بار
 فی یکی همیشه خور و فریاد
 قلایه سنی صفتن که مغشور
 بردان بیکی صیبا هر نور
 ای ذره ارم دمه آفتابه
 تکت صبر ایده ارقه تابه
 الهی هر کشتک بر طوری وار
 الهی هر دونک بر نوری وار
 هر کوزک
 بر خلیه وار و هر دلک بر تنسی وار
 هر بصیرتک بر عبرتی وار
 هر هر
 کولکک بر غیرتی وار
 هر سر و ک بر سود اسی وار
 هر سرک بر سود اسی وار
 هر وحک سندن بر خشتی وار
 هر تنک سندن بر بوشی وار
 هر دهک
 سندن بر لذتی وار
 هر لذتوک بر در لونی وار
 هر شجک حقه توک
 بر معرفتی وار
 هر هر یک قدر توکدن بر صفتی وار
 هر بچاره
 هر عکس کولک لطفکدن بر غمخواره وار
 هر بنده نک
 بر یوز دن عزتی وار
 هر دولتک بر در لود و لقی وار
 هر کا هله
 بر نود چالا کلک وار
 هر هر در ده بر یولدن پاکلک وار
 هر صورت بر معنی سزاوار
 هر معنی بر صورت سز بولنم
 صورت که معنی
 اوله آله بگزر
 معنی که صورت سزاوار خیاله بگزر
 الهی هر مکان سندن از واز

انامی مکان سن
 الهی بنه سندن بر سن
 انامی نشاسن
 الهی هر عاشقک
 کوشه جگنده سنک
 جدالک تجلیات سطا سندن
 بر و انوار الهی هر عاشقک
 خانه و لفته سنک
 جمالک سجات اشراق سندن
 بر جواع وار الهی هر موجودک
 نوبی سندن
 هر مکنوک ظهور سندن
 هر عشقک محبوب سن
 هر طالبک
 مطلوب سنسن
 هر صاحبک مسجودی سنسن
 هر عابدک معبودی سنسن
 هر
 قاصدک مقصودی سنسن
 هر حامدک محمودی سنسن
 هر ذاکرک مذکور سنی
 هر شاگردک مشکور سنی سنسن
 سینوک طپو کده
 خرقه بوشان
 سینوک هوسکده
 باد بونستان
 بر سبی طور و ب ایدر مناجات
 طریز برسی کز خرابات
 ایکسی دخی طور و ب سنی استر
 سر چشمه سن اولی بینه استر
 محراب مجودک
 اگر کشت در
 او قودغ آنکده
 سر بنشت دور
 هیند و که به طبر همیشه
 دور مزر سکا بلور همیشه
 ناموک در تمیلستانه
 بود بر و صلیب بر بهانه
 الهی بر کشتی اگر مسجد و محراب
 ذکر و در د سنک
 و اگر میکده و خرابانه
 واره سنوق و در د سنک
 و اگر کلیسا تانسانا
 استر بر بلوک
 جوک خونه
 لری ساردر
 یا نوب یور لرو
 و اگر بست پرستار کور
 مکن استر بر بلوک
 فرقتک آواره لری
 مغالدر
 و جاغوب کز لری
 الهی جمعی جلیس بر بوی بل
 الهی صبیح عالم همین گفت
 و کوی بل
 عز توک
 قد خندن
 کسینه بر جود و ک
 همین تخر سندن
 ستر در
 وجودک
 حقیقتندن
 کسینه
 طوبی در مکن
 همین

صبر

۷۰

بر تو نزل است در آبی و لب لب بر کشته و ای ره نهای هر کشته
 ای غار کنند بهجا بیدارنده بخان ای فرارنده خیمه ستون آبی
 فرمان فرمای دیوان کن فیکون
 ای دیده کشای دور بینان سرمایه ده تهنی نینان
 ای جلو کفی بصر خندان بینا کنی چشم هوشندان
 کوکل باغنی لطفک نیبیل سحر قتل و جا کلاری بی مهرت بود کسبیل بر نور قتل
 دل طفله ازل مکتب خانبنده و بر دکک تسبی و ایما از براتند و جا طوطی
 قوس شکرستاندن طرد و غاک ستاری کر مکن مکر راندن آله است
 مستکنی مدام آیت الهی ملی محمدنی بر دوام آیت الهی عشق جابن
 ظلوصون الهی غرور است این صلوصون الهی نعمت و رد کت کت
 بلاورد کچه بر سندن هر نعمت و بلا سونک فرستادک و هر شک و درضا
 سنگ دادک ابوتک صبرن او کرس صبور سن قولم و کک شکران کرس
 شکور سن منفقین محمد ابر سکت و هاب سن تا بنین مدح کدین
 تو اب سن موصوم ک عصمت او کرسک عاصم سن منقسط
 درک قسطن او کرس فاسم سن الهی هر کیم کیم صبر نصیب اتدوک دولت
 آنک و هر که که فقر مقدر اندک عزت آنک
 مرد ماقبل دایما صابر کرک نفع و ضرده زینت سا کر کرک
 سن شکایتدن بلا و قنده قح صبر آیت الصبر مفتاح الفرج
 صبر کیت نعتی جالب اولوز مرد صابر بنفشه غالب اولوز

صبر اولوز نخست سن برورد کار
 حاصل رنار کم کوره حقدن بلا
 مرد عامی کم اکتن انکاهی بوق
 صبر بل بر شاخدر خندان و تر
 کور که بو نجه اولیا و ابنیا
 صبر ایوب نبی خود تمام
 الضبوری بلکل آنک نامی در
 منظره حقی اول اسکت اولدر
 هر کیم کیم صبر دار در کج آنک
 بو جهانک عادتی بو بلا در
 صبر در وقت همیشه کار اولوز
 دولت انک صبر اولابیت سی
 صبر کرج بو بولک بر مزیا
 خاص فخر صبر قیلر مقصد
 صبر اولوز انله ادنی مقام
 کیمک اولوز صابر در رخ و بدله
 فقر در توحیدک اول مزیا
 فقر اولدر نفسنی تسلیم اید
 اولر اول مکتب فقر و پادشاه
 فقر در پاک ایلین جان و دیله
 راضی اولوب فقره اول تعظیم اید

فقر

فقره خوشنود و هم شکر اولاد . فقره چنده زین ذاکر اید .
 قلبیا کو کلنده فکر شک و نام . بیا اولاد فائده جمل خاص و عام .
 کجی کو ندر عزت اید پیشه اول . بو حیا ندر اولادنی اندیشه اول .
 اختیار ایلایه خلوت کوسه . رتبه قبله توکل توست .
 فقره تک قدرینی بیلد ایم اول . فقره تک او شنده قایم اول .
 فقره بیل که نه جوهر در لطیف . فقره بیل که نه حاصلند نیرین .
 فقره سن کورده اکنده سسری . فقره اولور ایکی جمانوک منجری .
 فقره نفس و فقره ناپودد . فقره حرم سوز هر موجودد .
 فقره اولور بلکل جمال در وینک . فقره اولور بلکل جمال در وینک .
 فقره اول اندیت دنیا و دین . فقره اول حوص بو او کبر و کین .
 فقره جو نیکم حکم امکان ویرز . پس سواد الوجه فی الدارین اولوز .
 برکت او کرسن ایچنده اولواذ . باغ و دله و اذ و ام مراد .
 الهی زاهد لک سندن جنت او مراد عاقل که دینارک پیشه الهی .
 عابد لک سندن بهشت آرز و اریسه عارف که انوارک پیشه الهی نهاد .
 سکا اوج اولور اولور ایدر لر سه بن قولک قولک که مکره صغیرم الهی عبادت .
 عبادت خلد لر سه بن تنصیف عبادت سر رحمتو که طیندم الهی فیضیتد .
 که دو ستم و که ویردک هر که انری بلدی سنی بولدی و هر که سنی بولدی انری .
 بلدی الهی عارف کلک ایباغی الشده جنت بردکندر الهی سنی سونلک نظرانده .
 جهم بر کلنده صوتی اولن بهشت و صورتی نینلر انده بر کوز وار هر بقدرنی .

بهشت ایلر الهی سندی و مولای اوج عظیم آفت وار کیم بنی انردن سن بکل .
 و اوج بیک فتنه وار کیم بنی انردن سن صقله بری و سواس سنیطاکه سکا .
 مغز م سندن و بری بو ای نفسانی که حسن خاص ایلر مکر ندر . و بری .
 غرور نادانی کس صقلیه و بر سکر ندر . الهی خلق ک کربلری حقوق .
 صحبت انس و حدیق او نتر لور و دینا مصاجلری حویق مجلیتس و خلوق .
 خراسان نتر خاس سونک کرم عمیم و خلق کربلکدن که ازل بهاری و قدم .
 مرغزارنده کلک شادس و بوستان انس ایچنده است صحبت کاه و حوت .
 بار کاهنده جلیق بساط قربت و همت سنا هنگام عزت اندوگک .
 قوندر کی حضرت نکر دن بالکلیه مطر و در حمتو که انردن مسعود و صلوات .
 کونیدن تمام دور و جلالک تجلیسند ایدری مهور ابر و ب جهم اننده جریق .
 و هیولا کزنده عزیز قویاسن الهی ای کرم کار ساز . و ای حسیم نیند نواز .
 ای یکنای نادکو و ای دانای نذاکر . و ای توانای نذاکر لطف کلک بن ضعیفک .
 یاد استک نوار الهی نفسک عناد لری جو قدر ضایع سندن . الهی نفسک .
 مدانه لری کسندر هدایت سندن الهی بن اول نادان و کمدن کرم کرم بن .
 درم بلزم بن کرم الهی بر ضعیف افتاده بیم نفس سندن عابض و در مانده بیم .
 نفس و پوسولرم بلزم ک ندر هر کون سندن اغلام خرم بوی که نرسند در .
 نفس

معرفت بولنده اولر سن در . تا که نفسک بلیس سن شخت .
 دید او کیم کلک در بورد صحی . حق شناس او کیم اولان نفس کهی .

نفس در خوابی بر زهر و جفا • لطف حق الوده تفت و عفا •
 نفس در استوب افعال خدا • اذن اولی صبح حالت خدا
 کاه اطاعت کاه عصیان بجز اول • که هدایت کاه طغیان بجز اول
 که لبسین بر شین اول کبر • که خذلون دعوی سینه اول یار •
 کاه عشق دم او در عاشق و کل • که محبت در لور صادق و کل
 ایچون بر جوع مستک اید • کور مدی اول بوقلنی هستک اید •
 خانه طاعتی که بر بار سا • کاه او کور تقاس بازار هوا •
 کاه آماره در نفسک مستک • امین کور حقیقت در لکل آنک •
 نول کول کیم بی روی آماره در • معرفت ایلنده اول آواره در •
 نفس آماره عجب غداره در • بیدی به سلو مار مردم خواره در •
 و صفت ایدیم اگر آماره آنک • که در بسم حال اول مکاره نول •
 سوز اولور لیک دیم مختصر • تا تقاس دایما آذن حسد •
 نفس تقسین خوب چون عاق اولور • نام آماره اگا اطلاق اولور •
 بو قوایی قولتور مهربا کاه اول • حکم ایدر نیجه در سه سا که اول •
 عجب و بخل و خرم و جت جاه مال • بفض و حقد و شتم و غمز و قیل و قال •
 اکل و نوم و افرو هم کبر و کین • داخی اولون منکر و مردان دین •
 هم نشاط و هم بغالت هم بطور • داغ بجه بو بجنابین قل کدر •
 جمیع آماره آنک احوالی در • نفسک بل اول مقامه عالی در •
 لیکه اگا او بو بن معزور اولور • اول ضاعتی خداون دور اولور •

کیم مراد نفسی اول کار ایدر • کلمن طبعن تمامت خار ایدر •
 عجب اولور کیم نفس نوم وزن کور • هر زایش کیم اندر سیه با کور •
 معجزه ایچی طلو باد هوا • مرد مسجبت حسن خاص خدا •
 کبر چون وصف بندگان اوله اول • کبر ایدن خاص کائنات اوله اول •
 حرص جو کیم صنعت موش بید • وجه یوق او مدد حاصل اوله بید •
 حب دنیا مظهر ظلم و فساد • حب دنیا معدن محصل و عباد •
 حب دنیا در قور بخل و امل • حب دنیا در دیر در لوجل •
 منیته هر چه بر کن حالتوک • راستدر هر بر ایز خصصتوک •
 حب دنیا اصل میدان در • خصص کوی و جاه آنوک چو کاندز •
 نفسک بل آنی شرک اصغری • بو حدیث حضرت بیغیر سیه •
 کیم ریا ایدر سه صنه مرد آری • دین بولنده صنه اصل درو آری •
 تاج و خرقه کایر و زناق دین • درد شکر تا جی ترک عالمین •
 عالمی که علم جا هیچون او قر • اول مرای صوفیدن بد شر اولور •
 ایچی طلو کبر و کین در حقه عاق • سوزه کلمه هر سوزی بر طمطراق •
 کاه حکمتی در بیلور اوستاد • بلز اندن الا اول بر قور آد •
 کاه دعوی بی نقاهت ایدر اول • یوق بره خلفه سفاهت ایدر اول •
 حکمت استر سک کول لوجه با • تا که سا کا عقل کل دیره سب •
 نیجه بر دک نخ و صرف اوله آنک • وار بزرگون حقه صرفایت شویک •
 جانی فتح این سکی نفع ایلکل • نفس کسرایت شرانی نفع ایلکل •

۱۱

ماضی مستقبلی قوه حالی کور
 ای گرفتار بجز و لا یجوز
 هبت او در ملک روز قتل نظر
 عرس و کرسی برده گوگده مهره وار
 طولودر آزا دکل اقلیم جان
 جاگو کینک ابرو آبی او زکدر
 هر کسی که اندن یغا ابر بحار
 هر کسی اندن خزان ابره سکا
 قلبیا جاور و منه سینک حضرت
 رو که اول گلشن نامت بر کنی
 عاقبتیک کو کلک بیک غم کلا
 کور مزبیک کرد لو کندن سن اثر
 سعی ایدوب علم او قیدم صفتین
 شول که آنک علم هوا چون اولر
 اول بسیدن کچه کوند زاه و آه
 او قدم باز دم هوا بولنده بن
 عمر یک کجیدی جو غنی ندر سله
 او مر موی باری سندن کرد سن
 لطف جو قدر اول کریم کار ساز
 مهر برنده سن کمالک الی کور
 حالکی کور جو غ اولور علقده سوز
 کم بر و کوکت بیلدا اولر سب
 جمله سنی ستوبله بل کیم سنده وار
 مهر بری کردان کردون ججهان
 ماهتاب و افتابی او زکدر
 جان و دل صراحی اولور سبزه زار
 غالب اولر سنده بل نفس هوا
 باغ دلد هم معارف نصیب
 قید بلب اول کلک تار کنی
 باغ دلدن برورن کر کم کلا
 المزبیک ذوق اندن جز
 ایله اول علمی بل حقه یقین
 آنک ایشی آه و دایله قلو
 ابرم کم عمری قدم بن تبا
 حرف اوقادم خدا بولنده بن
 لیک قال و قبله تلبیس
 ایتمک جز اید بیکد بر سن
 لطف ایدوب سید قفا بنده نواز

بوصفات نغسندن قیلا جزا
 انده فی الحجب بولینور خیر جو
 اولدخی کرجه انکانز دیک تر
 پس بر کز نفسک کما حوش رام اولر
 بر قدم بوزن اگر بالا اولر
 مطینه اولور اول حقه یقین
 محزن اخلاق و اوصاف کمال
 چون کیده اول فیدر تک خاک و آب
 کردار سکت بولین او دون بنیت
 خواب غفلندن سنی بیدار قل
 روز سب در دیک صبح بیلو که خاک
 کوی حقی ایدرک در رخا
 روح مسکینی خودک زندان سن
 وارورن کیم روح آزاد اید سن
 تازما ایچنده سن انقاد سن
 سن غم و شادیدن اتمه جو سکی
 دل که مفتون غم و خندیده در
 شول که مستغول غم و حسنه اولر
 شول که عاشق در بولردن بر تر اول
 اولر سیه باری نوازه قلا
 آنک اهل اولر کین داخی دون
 عاقبتیک قل ایکندن کندر
 آنکه اولدم مله بل نام اولور
 مطینه اولوبن زیبا اولر
 قابل اسرار رب العالمین
 مستفیض فیض انوار جمال
 ایسته حقه خطاب مستطاب
 ایده کور تندیب اخلاق و صفات
 بر زمان وار حجت و جوی بار قل
 دور قلدی سندن اول محبوب پاک
 خان سینی بر ملونت خاکدان
 اول دل بیچاره در ماده سن
 بودلی ویرانی آما دایده سن
 کر زمان ایچو کده اولر آزاده سن
 سر خیال و وهم لاته بو سکی
 صیه آنی که بصیرت دیده در
 اول جهانه مرده و ش زنده اولر
 نی نناد و بی خزان سبزه و تر اول

چینه کور کل بند ایچین ای پسر
 غایب کور یور یور کایت سن قال
 حوش دوشدر اول سراج امتان
 مال دینی دام مرغان ضعیف
 مال مار اولور اخی بر زهر ها
 نفس اولور بل مرکبی جان دولت
 هر کورک تقوی اولور سه رهبری
 کوزن و فرزند سید و شنگ
 اوله غافل و بریر کورکل نونله
 صبی بلر سن برسوزنی
 ملک بجز نیا چه بر شا بسکی اول
 دو جه برسوزنه دکزدی چون
 هفت چرخ کیدی عشق جندی اول
 چو بچه کلزدی کزیند چون جهان
 بنده خاص اولدی حقه چون ایشاه
 حقه کم بنده در رباننده اول
 یکمک نفس قول اول اول خوار اولور
 هر نوزت که دلو کور جاودان
 دوت کرسینک اولد ملک برب سرف

هرزدن کس دا بد سینی جهان
 بجز بری سندن او کدین همچنان
 آخر اندن آنی قلدی اول جزا
 کم کور کلدن چینه اس سن آنی
 کور کلکی بریر و بر کم دایم اول
 یعنی کور کلک سن جهان و بر کل
 عشق صورت قنصل سن بسندگی
 عشق ایچیند چونکه بوی رنگ اولور
 عشق مرد بلکه اولمز باید ار
 کلش کل اولور آخر تبا
 کلش دهری پور سن بر دم اول
 آلد ماسون سینی بور از جهان
 کور اولور سه طلوع خورشید خوب
 بر غلامی که دل محبوب اولور
 شول تن سیمین تیان کلغزار
 بو جه دو عاشقیدر منقطع
 بیج وقت اولور نمازی رهمنون
 یکمک عشق ایچیند بولور زنده کی
 ملک بی مرک اولور اکانا حلال

فرقتدن بینک اول اول زمان
 سیراید و پیر آنو کتید اول همان
 پس سکا بود در نوبی بلکل سنا
 دهر زور بر ابر مادی سنی
 سنو کتید یولده اولاقایم اول
 سن ابد ملکنی آنو بر سکل
 عشق معنی ابلکل اندی سکل
 عشق اولمز عاقبت اول تنک اولور
 سن جمالی حقی قل عشق مداز
 هی کل و کلر دل واحه تبا
 کلش عشق کزت که حرم اول
 بی روا اولمشد بهار صمه جوان
 هم زوال ابر رانکا وقت محاق
 بر قلیله اول کینه مهروب اولور
 روز کار یله اولور بر بره زار
 اهل اول عالم محمد مجتبی
 عشق اهلنک صلوة دایمون
 عزتی معشوق او کتند بنده کی
 برک بی برک اولور اکانا نوال

ظاهرند مرکب باطن زنده اول
 اولکه انکار مردن اول فرسخ تاب
 کبیر اول دل انبسی خار و خروشک
 سن جمال محری کوری ای کوکل
 پرتویدر بر کونک کم ذره سی
 سوز لرم در کوه عمان درد
 جوار سوار حقایق در سوزوم
 محرم ارواح در ویت در
 بر حقیقت اهل دیوان راز
 بر جهاندر معینده بوسه هزار
 کچه بسوز لر بکالین دکل
 هر عبادت ایچره صند حایلی
 لفظ منصورک دلنده نوز اولور
 آنجه کیسی وردنی اسما قلور
 فعلی قولده قلعن نظر
 بن که بر سر کشته و بیچاره ام
 درد مندم نامرادم نی در لم
 بیم امیند اندی بی بی روز سب
 ای خداوند اکرم و کار ساز
 صورتا فانی نمان پاینده اول
 سار عوا اولور انکا دایم خطاب
 جسدایت انکا کیم حق اولامون سوک
 عاشق اولمه کن صغیر انکا اول
 تانبد و میز جھانک زجره سی
 سوز لرم در رجر میدان مرد
 اول آخر سب دقا بقدر سوزم
 مرهم شانی دل ریشان درد
 بو طریقت سالکند دلنواز
 بر عوس خونگی رنگ و نکار
 چون دکل عالم سترم صادق دکل
 کوه خاک دست و عبادت آلتی
 غردیسه آنی بلکه زور اولور
 لیک عیسی اوقه احیا قلور
 سوز نوبع صاحبندن قل کدز
 خیرت ایلینه دوستب آواره ام
 بیخ اولد اولم دیو لایق سلم
 طاهرم خندان و ایچم سوز ویت
 پادشاه قادر بنده نواز

الطیفة

لطفکیندن بزنی آباد قل
 بلد و کفر لطف ایت تحقیق ایت
 مرغ روح و صلواتکه راه ویر
 صغیر دایم بزنی بیگانه قل
 باد عالمی دل اسن دور قل
 شو قکتیندن بزنی بر شور قل
 بی نصیبت قصه درد و کناه
 در کیشک ککلور کیم بود می
 جانی تو مزوام دینی صیدا ایدر
 حقه یار اتمدم هیچ روز کار
 همه اندمه بلورم ناسزا
 علم شوکا کلدی حقدن غافلیم
 سبوه و افسانه دار غور
 آه کیم بو نفس محبوب در غل
 ای شب افروز سحر خیزان راه
 حاله بکتر ربنم صبح نخست
 امی درون دلده اولن نھا اولان
 اهل دلدر در کیندن سادمان
 مجله ساهل ای شوکده بر کده
 بند عمندن جانم آزاد قل
 مصطفی اثر بزنی سن توفیق ایت
 دیده بینا دل انکا ویر
 ذکر و کینه کو کلمه هم خانه قل
 باد کیندن سن آن مسور قل
 عیبرت سن لطف اید و بسور قل
 کیمه دیم قصه می بن آه و داه
 نولیدی اولییدی آدی می
 کو کلمی مستغول عمرو زید ایدر
 غفلت کیمدی بو بخت روز کار
 حق دیو اسناد کم جمله خطا
 دلغریب روز کار باطلیم
 ایلدی بیگانه رب غفور
 اندی جانم حجب محبوب ازل
 سبک اولمشدر کو کلمه سبیه
 بی نبات و خود نما و نادرس
 دو جهانک دردنه درما اولان
 بنده کان خاصک آزاد حجاب
 اهم بلور مزنی نواسندن نواز

سنول کسی کم اوله عشقک محرمی
 عالم چون ایردی جودک قطره ای
 ای که سندن خانه دل بر جواغ
 ای که دلن و صفک ایچره کنک دلال
 کار بار حاله خیران بن
 نه که نیچه جیتی جانم بیلورم
 مضطرب در دوغم بود سبب
 قانی اولم کم خدادلش دایده
 پروره لطف ایلیوب بردازایده
 قورتره بو کلخوکت دودندن اول
 بیلورم جالستدم بن خدمت
 بنده ایسی دایما نقصان اولور
 عفو او موب فضله بن واقفم
 عقل وردی فهم وردی دانش اول
 بوجیبین ضایع اندم بنده بن
 اینیاد اولیا کوندردی اول
 منف اویدم کتدم بن یولنه
 لطفی جو قدر و تله لطفی عماد
 کرجه خلقینه غفران ایلیبه
 نینس نون اولور راحت مرهمی
 رقص اور هر دلمه مهرک ز زین
 ای که سندن دست و صحاباغ و دراع
 اول هواده مزع جانی بر و بال
 بو قصده دنک و سرکردان بن
 بن جیفین نولاجانم بیلورم
 بلزم کم نولر عالم عجب
 بو قصدن بو قوشی آزادایده
 بیلان قدسه دمسازایده
 انده دخی هم مجسم اودندن اول
 یوزی قاره و اریس کم حضرت
 حقلایوق عفو ایوب غفران اولور
 عدل ایدر سه نیجه اداین لایعتم
 سم و بردی ذوق و بر دینش اول
 زبوزیله بن انکا یلواره ییم
 راه حق نیجه در کوشتری اول
 بر ایسم یوق ارته باکا بولنه
 ایلم بن قولده انکا اعتماد
 بحر جودن دن ذننصا ایلیبه

الی بزم حاجنده اسکومز یوق سنک رحمتده الی بزم کنا هد اسکومز یوق
 سنک مغفرتده الی تقوی توسته سنی اغتره داوایت الی بزمی آخرت غصن ندن
 ازادایت الی یوز بیک بزم کبیه رحمت اتکلن نکت اسکوز الی جمیع عالمه
 عذاب اتکلن سکا نولر الی عاصیلر و که معصیت اندر دکک مغفرتک بیلد
 کجوز الی صرجه صنوب تون اولیجه استنادلی بلورنیز سیر قرلب یوز لیجه
 عمارت اولوب یا بلیز صید دامر دوست فور نلیجه صیاد قتی آجیزه آدم معصیت
 ایدوب نیشلمنیجه سبطا کن انجمن الی نزل سحر کانه بزم هنوز خواتم
 پیش قدر مدن بزم لطف ایوب خطاب ایدر دک که یا عبادی و وجودی
 سنده هنوز نمال ضعیفه ظهور بولدن بزچون البصایب ایوب ایدر دک
 که ان عبادی الی بزم مکالمه ایوب امر و منی و وعد و وعید ایدر دک
 هنوز عالم اولدن الی بزچون ملائکه ایلد مباحثه ایدر دک بزم خبر مزونکن
 الی بزم طرفه دن بزمی استینه جابلر و یرر دک بزم اثر مزونکن
 الی مغفرتک خود بر صفت در انکا اثر و جوش کرک عاصی کراولمه اثری
 کده بلور دی الی رحمتک خود بردر در انکا جنس و خودس کرک کنا هکار
 اوله نریه طسه دکلور دی الی نزل تسنندن چون مملایکده عمت
 فضیلت دانیایه خلعت و رسالت و تقا وده بترف عبادت و یرر دک
 وقت عاصیلر دک نصیبتی دخی غفرانکن ایلر دک ابد نعمتده دخی هر طایفه
 علمک مزونی و عبادتوزک اجونی و یرر دک وقت کنا هکار توندو دک
 نعمتی دخی اصا کن ایله الی سنک عطاک موهوب در مکسوب دک الی

سنگ رحمت عنایت دایر در عبادت دکل الهی متقی قوندر که جنس و عتدای
 بیورد که تکلم بجهت الهی نور نمتو هاسن عبادت ما من کا تقیاً صاحب اول
 دخی نومیذ استیوب بیوروب در رسن که لا تقظوا من رحمہ اللہ ان اللہ یغفر
 الذنوب جمیعاً الی نبزی لما عتو کہ حیض ایله اما اعتماد من کل کا ویرت الی
 بزبی عبادت قوی ایله اما توکل بزدن آیرت

توکل

بل توکل مؤمنه عالی مقام • سن توکل دامن طوفان مدام
 کوزله دایم اینک تدبیر له • سن کوزت تدبیر کی تقدیر له
 اختیار کی که کم ترک ان سن • بیک کوردب آنی انده کلمه سن
 کچه کوندر سن غم و فر دای قوت • ارته نه بیرم دیو سودایی قوت
 کون بکون در کربلور سکن سن خبر • ارته بیخون بیمی سن خون جگر
 ارته کی رزقک قوس شوی سن • سندی ویرن ارته ده ویر آنی
 یارنی قوس مکر یارنکی کون • دون دمه الام کر کیم دونام کون
 وقتکی کور صوفی ابن الوقت اولوز • حال بغفل بوقت حالک قوت اولوز
 شولکه یون سواد در قوغل آنی • هر ایستوکه بیل حفاک تقدیرنی
 هر مقامه بر توکل بولنوز • هر برینک که کوره اهل اولوز
 هر بریسی اهلن بر مرتب • اول مقامه که اولوز منقبه
 اول مقامه که بچک اول آنی قور • اول توکل که ادنی کور نوز
 شول توکل بزه کم غایت کلوز • آنی بولمن بر الو حالت کلوز
 شول کسبیم بولدی اول حق البقین • اول انخاست اولوز شرک یقین

این ادهم کید بیکن سیرده • کوردی بر راهب او نور درینزه
 استخان ایدوب ویرای کشته مرد • نزه دن ویر بوند ساکما خوار خورد
 دیدی راهب با که صور مقدر خطا • وار خذایه صور که رزق ویر خدا
 بنده اولن بر بند فرماق اولوز • رزق بلز صاحبی قنده بلور

نیچه بر غافل سن ای غفلت اربی • وار قوغل بوغصه آب و کلی
 ازه چون رزقک سکا بل تیشوز • ایرد کچج بر کون اجله بارشوز
 رزقچو بل سعی نادانن درر • دینوک صوکی بیما نلق درر
 بیکت بیل اولسک وینده جان ودا • آخنده بر نفس قالور همان
 بیره فالور هر نه جمع اندکته کبج • سن حسابده کورین در لورنج
 طو تلوم دنیا به سن سلطه و شاه • بویدی اقلیم سنن باو شاه
 شاه اولنر نیلدی سن بنده سن • غایتی سنده یقون کیده سن
 از قور بیک آن کور اسن غلاب • چون قور بیک چون چکار سن رزق غلاب
 جهده فلفل سن یوکلن بیلده سن • یول اریسن غافل اولم یولده سن
 یول او زندر یول اغرد ریش اول • وار حسابیت باری یوکلن کور اول
 اوش قفا که کلدی سیداب اجل • ارض تنده سن قوما بیج اجل
 شولکه نسنه بوند غایت حوش اولوز • کور اجنده اول کما آتش اولوز
 سنک ایچنده کر تنوکه جا اولوز • کورده کندی آنزک بید اولوز

مشک جان سور کتن دکول سزا
 یکنام می سن زبانه صمغسل
 ذکر او در کیم سن کو کندن اید سن
 کو کلوک ایچی طبطبو الله اول
 ذکر کیم دله اولور بر بقلقه
 ذکر ظاهر سینه کهن اولور
 ذکر باطن بر تو نور خدا
 ذکر دایم عاقوک کاری کرک
 آموک آذ بلغ اندیشه سینه
 شربت حق ساکه در ناحوش کواز
 نسه باطل دایما سیرین کام
 بلکه دنیا دشمنو کز ره ز نوک
 انزل او کدن کم قدا خانک خراب
 رو چکی و واریر قدا خایسن
 بوجهان دن کتلی سن یاد قل
 کیم اولندن فور قز اول جاهل در
 طر ننگدن بر مکندن چاکلور
 بر غیب اوقا ده فالور یا کتوز
 کیم اولمزه انده کاد است بر سن
 مشک اولور بل نام پاک اول خدا
 الله ادینی نش صمغسل
 جان و دلدن صغی سن ذکر اید سن
 روز سب ایچنده دردوا اول
 وار توخه دلدن ایلده سن حقه
 مزبله اوزره کل و سوسن اولور
 ذکر باطن سینی ایدرسندن جنه
 ذکر حق اندیشه و یاری کرک
 باقی در استخوان و ریسه سینه
 باطل اول کام نسه ساز کار
 ایچی کالور رسولی ارحم کلام
 و برمه کی ساقن اناس کزد نوک
 چار غصه خاک مار و باد و آب
 کرم اولور سن صی علا بر او چکت
 سن جهان دن کو کتلی آزاد قل
 جابدن کتلی مشکل در
 چغرس جانوک بندن کوچ اولور
 بر یولا کیدر که یوقدر قولوز
 ایچ ک اولمزه انده همغسل

خیشک و کرد و سنک و ارسه کلور
 هیچ برندن ساکه بریز برمد
 تا مکر اول پادشاهانی نمان
 اول دم اید ساکا العالم صواب
 پس قلا سن سن واتد و کت عمل
 کر سکا اول روضه بر سجا اول
 تا قیامت اولسن ز بر زمین
 کر اولو کر کت سنک بر بیت نار
 یا الهی سن بزده اصا قل
 قولم ایچنده بر بیچاره یعم
 ای کو کل جانندن اولان نی خبر
 قلب غیب در سن آنی اگر ایست
 عاقبت خیرن مقدر قل بزده
 سنک ارتق کک مزویون باله
 عونک اولمزه بزده کرد سیکر
 عوه سندن لطف سندن دایما
 قول سنکدر صمغسل سن ای خدا
 الهی بزنی ما و انمقدن و نا و انمقدن صغله الهی بزنی از غولمقدن و از غولمقدن
 صغله الهی بزنی از باب قول بله ایست الهی بزنی کو کل ار لر بله ایست
 الهی بزوم مجال ستمزی اخوان دین ایلده ایست الهی بزوم مصاحبتی ایست

۷۲

یقین ایله الهی جیامتزدن قلبی خدمت منته صریح الهی عروفت بقیة بین آنم کلمه
خروج ایت دنیا مصاحبه علیه الغموزی سن که زو بونلمه میل اجموزدن
سن بیغفر هر مقدار که جلد حقیر دست مال هر دوون و باقی کویته بون
ایستند مجاورن مصحف کیمیم و مصاحبه کتاب قدیم ایلد مقبل شفا شفاها
و بیج عمل عمده عالی اولار و هر مقدار که آتش صفا در و شش لکله معروف
و حدت و تیز لکله موصوف ایسه چون خاکست معارف اولار و شش لکلی
که در و حدت و حدت بیادته مبتدل اولور که بهینه اولد معاجندن اولور
و آدم هر نه کلور سه صاحبندن کلوز بولدر آدم اولغنی آرزون ایشند
کسیه در لوایش ایدن حدت طالب اولن اهلند قرشس کرک آن استین
اندر و کلر آتش کرک بولدر آتش بولدر آتش اولور بری و دوسرست می
قدر و برینک آنتی برنی امداد ایدر برینوک و ماسندن بری استمد ایدر
دعا که ابرق و لدن اولد و همت که غری کونکدن اولدانا بزنی زیاد بولدر
و اجابتی آرتون کورسدر الهی بن قولکده خاص قولر کدن بر حمت مدد ایت
الهی بو ضعیف و خسته کر مکدن عنایت ایت جمیع سوک خاک باسیم و اول
ایستوکر ادنی که اسیم بوسله آنکجه خلت و بر دم و بوتقر عایته
آنکجه ایلد بلدر دم که ناکا بر عشق ار نه طوش کلمه و بر اغزی قنلویه
شش کلمه نظر ایدوب همت ایدر اسر کنوب رحمت ایدر چون بزدن دعا
دلمیس اولوم جوه فایح طلب آتش او قبالوم دیوب اخلاصه حدت دعا
و در و دن بو فقیر اچوه استمد عا ایدر او مر م که مقبول اولد او مبزم اولد

بقول

بقول اولد حق قولری جواد اولر لرد و در کلر حجت دا اولور رحمت بابنی
سدا تمز لرد و سالی لری ردا تمز لرد هر فتودن استمک کرک آنلر و ک الطغی
س ملدر و هراب کده یلور من کرک آنلر و ک فیضی سابلدر الهی هر اول ایلد
شئی ایت و هر کوی کل بادست هارنه و هم سبطانندن داد جان خاتمه طبیعت
سخته لرد ک ظلمی اندن شکایتلر و روح سلطانلر نه قوی مالک نوک اچور
اندن حکایتلر الهی بوز که داد می الی بوز لرد الهی سن امر ایلد که فریاد
ایر لرد هر نه ایدر لرد سنک تدبیر کلر و هر نه اش لرد سنک تقدیر کلر
الهی باطم خرا طالب هم عمارت الهی بصیر هم معیوب و بصیر هم سلامت الهی
نتم صحیح جان خسته الهی بدیم درست کوی کلم سنک الهی بنده کجه لرد و رب
نماز بون الهی بنده کند ز ادر و ج دو نیا نیاز بون الهی بنده حج و جهاد بون
الهی بنده آفر بون ز ادی بون بنده شهبات و امدن حدی بون بنده طاعت
عبادت نورندن الز بون بنده صلاح سباسی بون بنده اولکن اولتینی
عمر آفر اوللو اولدی اوقت فکری بون اولم قرشور کلک اولد اولم ذکر
بون طاعت ابد هم در و نده سفاسی بلور مرز و در و قرم کوی کلمه جلاسی
بلور مرز الهی بوزم قره در قیو کده الهی سوزم آتفه در حصر کلمه کوی کل خان
سینا غبار قویدم غیر توکنی مقدم دل حرمی ناخو مله دولدر دم حرمی
بکلمدم شول کونک فکر ن اقدم که ناکا هو و ج کبر یایی جناب حو
دقا فخر جبروت مطلق کوی کل ساسته جایگاه و دل حرمه بارگاه ایدر
کوی کل خانده سنده اغیار بی مکن و صدر صفا سنده ناخو مله صد نشین

بولا اما خاست سنگ که مگدن که اول کونده غیرت حتمانه اول خانه خواب
 و ویران و حمت حایمینه اول جو می تاراج و تالان اندر و ب دل نیاندن
 بیت بقتوب و کوکل او زین بقیب اول آشوب و دنی و اول دو دو گت
 نفوذی بیگ آه جگر سوزله کوکل چقرسک کوکل کند و او کدر اغیار
 سن پاک ایدوب آرت. دل کند و هر مو کدر نامو مردن سز قوت
 او استی او بی پاک بولیمجی بقر آرد و ز حرم صاحبی هر بمنه طوار که صفت
 قور در او استی طور رکن او بی قوتی کلک اولمز خانه صاحبی و ارکن او بی
 ابرق کتی صفقر چون کوکل آدم دو کت هواد ز دندن سن صقله چون
 قلب عس ایدندک سلطان مگدن بکله الهی ظاهر کعبه اوم در دو گت
 ایچی طلو بتار کن کند بیت اند در دو گت خاست که بو کوکل کعبه سی که کرجک
 او کدر ز هوا بتار بده مملو یکن سگاز نفقا صیست نه که اول بتجانه اولش ظاهر
 کعبه سی جیبو کوکل صورتی عالمیل پاک و مطر اندک کند بو طوزت اولش
 کوکل کعبه سی آنک باطنی قوتیله ظاهر و منور ایل الهی چون بو جگر غمی قدس
 کلستانه جترو ب غم سهر ستانه بر دو کت کاه کاه وطنی نسیم باری فرج
 و ن دایت الهی چون بو کوکل سلطاننی روح ملکندن طمو طبیعت
 زندانه صلک آفته باری بو زنداندن آزادایت الهی بر خلوت
 ایله که حضور ی اوله الهی بر حضور سز ایله که نوری اوله الهی له بر انظار ویر که
 خلقدن کسه الهی سوز کله بر انقاده ویر که عنقد دنیا جو زله الهی کوکل باغی
 سگاسن ربط ایله الهی دل خانه سینی سبطان سن ضبط ایله اگر چاخته ایله

نورده

تفرقه و کثرت جوع اولور و انقطاعه صفا و وحدت حاصل اولور اما سوزیله
 ده دکدر که هر اختلاط البتده آفت اولور و هر حمل و ایم راحت اولور سوزیله
 کسینه که پای بند صفت اولور اکیسه آفت اولور برنده خلق کورب
 یولندن ار و برنده کند وی کور د کپ آتخا و سز مجید ایدوب اوصافی حقا
 انک کرک و سعی ایدوب اخلاقی نورانی انک کرک ناکاه کاه فر شورده
 کور کی حق اولور و دایما خلوت قدس و حق قلب وجود مطلق اولانسه که
 استاد محقق و فاضل مدقوق جامع انواع علوم مولانا و الدم مرحوم رحمه الله
 بقدرانه و اسکندنی علی عرف جنانه برغز لنگ اولنده بو معنایه کسرت
 ایدر اول غزل بود که مرض موتندن برایکی کون او کدر بخند و میسر
 عشق را بریزد ز هفتاد و دو و نکست در میان جمع و کثرت عاشقار اخلوت
 این نو اوله الهی فی نه از باد هوا زاتش عشق جان در سینه وی فرقت
 شب عشق فرمانی بکذت و سالها چه شبی تو ای شب غم که ترا سحر بنشد
 ساعتی در حجر زلفش چون شب سالها سالها در وصل قدس همجو عمرم غائب
 فکرت بار یک دارد در میان رقیقی نقطه مو هو م راهم از دهانش فکرت
 در درون از سوز خرم سوز خالسی در دفاع از فکر سچایج زلفش چشمت
 نزد قوت سهر و چون کردست لانی چشمت بپوشد دیت صبح را بانه کاه و شب
 نوبت مجنون بدور چند آخوند و با خضر را با عشق تو تار و زخمی بخت
 چون بهانه اید اول مرحومک بوسالده مبارک آدمی الهدی و بو مناسبت
 بو تضرع نامه ده برغزلی با زلدی جمیع حاضر اولن بار لردن و بوسالده

اوقیوب و کلیندون مسؤل و تمنی و مطلوب و مستعدی اولدر که آنوک پاک نریجا
 رو چوچون که دینا ده صناع اولدر فوج اوقات شریفه سنده و ساعا لطیفه سنده
 علوم دینی تک مطالعه سنه چلند بی و احکام شرعی تک جیسند درستی
 اخلاص و درون و لدن دعا ایدوب فاححه اوقیا اکریم حق تبارک و تعالی رسته
 غن و لطفه مستغرق ایدوب عنایتی کنشدن بر ذره سید و مغفرتی
 در یکندن بر قطر سید استیاتی عقد و تقصیر اتنی محو ایدوب ذاتی جنت اعلی
 جلی و روحی ارواح علماء شریعت ایدانینس ایلدیس یارب العالمین الی
 کنه کلدوک کند و در دوزخه بشیلوم اول آه سر و دوزخه آه که ولدن کلیمه
 اول آه صادق اولمز و ناله که جکرون قویب اول ناله عشق اولمز آه که صفا
 اولمیتنی در دوا لوز و ناله کنی در دوا لوز اولور
 قره درون اکر بولا و لوک دو مجانده یک اولسر حاصلوکی
 در دنی در ماکی ایت نوس سن اوله کور در دیله تی بو سن
 جهدا ایداکور در دوا لاسنده معتم تا سکا آخر بودر داولا ندیم
 در دله زنده اولاس نرفنس همه مکه سینه دودر داولا بس
 در عشق کیم بولانیک اختر اول مست جان کیمایی اکبر اول
 مایه سادی عالم در دبی در داروی در ما ایدم دردی در
 ذره اندوه محبوب ای بسر نیک دو عالم لذتندن بسر
 در داکا در لکه جانی باند در آتش اولدر کم جانی باند در
 در دهنه آنی کم بر شوق اولور در داکا در لکه در دونه ذوق اولور

شوق کیم آمده اولور برق وار در دله بل کیم آنک بیک فرقی وار
 همه نیکیم بزه ووشن اغلی در بیان کر حکم الکاک در بلور زبلا در اما نیجه
 اید لوم هیل بیان ده بر ز اغلی لوم امیندر که اول جاره کبر بر جاره
 قدما ایدوب دبی اخلاص قنط قلا افندی ایکن قول کسکلک قنطن اولور
 مولی دایم بنده سی عیب بقض اولمز هر نسی وار سه کند و نکدر اکسوک کلدوک
 آنوک در دلسا اکسوک قویب تمام ایدر دی استه بر کس دیکله تمام
 ایدر دی چون بویله دلدی دیک آنوک نید لوم هر نیجه بیور سه ایدله ایدله لوم
 نبونده ارا و نکلک کلدوک که کنه بوندن اختیار له کینه و زهین بزه واجب
 اول که الدن کلدکجه بیور دغن ایدله و ز باقی آنک آنک ارادته دایر در
 قبول و رد عنایتنه دایر در اگر نقصان تمام دوز سه فضلدر نه دیلوم و اگر کله
 کوره قز سه کنه عدل در نیجه ایدله لوم
 بیزه لازم اعتقاد آنک در هر همه در س انفیاد آنک در ر ز
 باقی سن بزم بزم کند و بلور قول آنکدر نیجه دیله قلو ز
 بونده داخی انده داخی کند و نک مکه کنه و نک نقره کند و نک
 هر ناولور سه بیرونه قایلور ز یادنا مطلق اول بزم قویلور ز
 چون عدمدن بزه اول دردی وجود بر لکن بلور رب اندر دی سجود
 شکر تی بونک قبح آنک که بیز داخی اندن مستلر استایور ز
 بیزه ووشن اولدر در نمایور ز لطف آنکدر جلالا قویلور ز
 لطف اهل عادتین ترک ایلمز بو قدر ایلوک ایدن بویله خور مز

اول گفته اول کبی اگر ام ایدر بونده که انعامی اول تمام ایدر
مان بزه لازم اول اولدر کیم ادبوز قومیان سولک آنک کر میدر آکا
اصول بوز بزه بو عت بزه آنک قول اولوز قولوغی بجز بخت منته
طوره وز قول اولان قولغنده طور من کرک جنس و جسم و مکرک جنس
استنم و ک اگر بی خدمت استم خانلق استم و بهست طلب ایندم و ک جرمی
قولغندن خوب سلطانلق استم خود با نه اندن که قول بجه قولغندن ما و کم
ملک اولامکن دکل که قولغنی ک فقر ممکنه لازم و حاجت ممکنه دایم در کستی
جنه کر ممکنه اولوز اسکی قولدر کنه قول اولوز کدا که انغنی ملک کرک قول
خدمته طوم من کرک بی اول جنس او مر سولار بر کلو خدمتی در و کول کل خدمت
تجرب نه وار بر منظر سطونیدر اگر چه ایکی دخی او مر ب و هر بر بی قولغنی به
هر ایکی خدمت بر اولمز و هر ایکی مرتبه برابر اولمز خدمت که عارف اخر از ایدر
بونی نیت ایلر و روز خدمت که عاقل اجتناب ایچر بونی قصد ایله که بر اغر
قولغندر کم بلا اسوک قدا و بدن ضعیف در تا کا به سیر لیا و هم بستر تیدر
عذاب نیندن نفس انجور پس نا کا قولغی ادر ک مولا سته کوجنور
بوسوز دن بواکلیتیا کم قیامت تکلیف اولمز بلکه بونده که تکلیف ک حکمی
که انده ده سور لور بونده کی اعمالک نتایجیدر که انده ده ظاهر اولوز
بونده کی افعالک صور پیدا در بر بر کوزر بونده که دستوک تعبیری
در که کلمه کرک و دنیا واقعه سنک تا ویدر که اوله کرک اگر چه
انده کی تکلیف اولمز ولی تکلیف آنا رندن قور تلمر حق حضرتک حسن

وعدیل و اول جنابوک صدق معدیل اعمال حسنک تا فی علی التبت کویچک
اوله کرک و اعمال قبیحک بلز نوله کرک منیت الله در و اختیار بند
دلکنه عدل ابوب جردوز و دلکنه فضل ابوب عطا ایدر بزه بلوک
دن نصیب ایدر سه تقدیر آنو کدر و هر نه جماعتن قلوبه تدبیر آنکدر لطفندن
ایندمز اولدر کم خیرن مفذرقدا و کرمندن اولمن اولدر کم سیرن مفذرقدا
کنا هر موزدن کجه لطف عمیل و جرایموز بی عفواید خلق کر سید امین
بارت العالمین الهی من بلورم عاقله دار سرور دکل الهی بلورم عارفه
جمعای حضور دکل بدن بندی دور دقچه جان قوشی طلبنور عن توبه
قند قیل مرغی سلکوز هر کیم دنیا کست نازنده راحتو تخمینی کدی
نی راحتو کور سر هر کیم کول باغنده آرام آقا من و کدی نی رام ملک
بوسر هر فر خدمت غم ایستور و هر محبتن محنت بکشور هر عزتک
ذلتی اولوز هر دولتک منزلتی اولوز هر راحتک آفتی اولوز و هر بلا
راحتی اولوز حسد او کازر بچ اولوز و علم و کمنز کمنز اولوز جا جا
بلا اولوز و قضا خود بر قضا اولوز تدبیر تلبیس اولوز و ریالو شیخ
ابلیس اولوز پری که خود پرست اولوز برابر پرست اولوز و اول
در لن نا کام اولوز نام کوزه دن بدنام اولوز عابد و رکن بی طاقت
اولوز زاهد درین بی عبادت اولوز جود سعادتوک نزد بائیدر
و شجاعت سیادتوک بهبایدر کبر صاحبی خورایدر و کندوی کورمک
کورایدر فراغت درونه حضور ویرر و بناسنت یوزه نور ویرر تواضع

عزتی موجب اولوز و ذلت محبتی مستوجب اولوز و وصول حقه کوره اولوز
 وسیع غیرت کوره اولوز قصورن بلن سود مندا اولوز و کند وی ادکن نامرد
 اولوز رسته و بیلی حیوان اولوز و عقبه او با سبط اولوز جملی اولوز مرده
 اولوز و عشق اولوز زنده اولوز خود رای اولوز کمالی و لغز اولوز
 و کند ذکری او یا نوک ایشی او کفن اولوز اولوز حسن خلقه بلنور و صبح
 و اخی رضای خلقه بلنور و حق استین تو کله اولوز و تن بسلیس اکلده
 اولوز حسن صورت اولوز سیرت کرک و خلق او کرنگه اولوز طینت
 کرک آموک ایچی طاشی پاک کرک و حقدن بزدن بی پاک کرک
 سؤل دل که صفا استر قضایه رضا و یرمک کرک سؤل جا که خدا استر
 کو کله جلا و یرمک کرک طریقت اهلذ اولوز شریعت کرک و حقیقت
 استر او کدین طریقت کرک بوله کدین اوز کرک حق استر قول اولوز کرک
 سلوک استر و سزا اولوز و ارشاد و انقیاد سزا اولوز اراده اخلاص کرک
 و مریدیه اختصاص کرک انکاری عادت اتمک شوم اولوز و انکار
 خاوان محروم اولوز کا زبک و عدی و ملوک عهدی اولوز بی ادب
 دولت اولوز و طغر و سوز طنتلو اولوز حسود کرک راحی اولوز و پول
 ارینوک استراحی اولوز ایمان اولوز عطا اولوز و خوردن بویک خطا
 اولوز نکردن یکت اهدم اولوز و عقندن اوز که محرم اولوز توبه بدن یک
 عبادت اولوز و رضادن کو یک طاعت اولوز طمع اهل ذلیل اولوز و نشان
 کچن قبیل اولوز عبثه جلشنوک کرک لوسی عزت اولوز و عقلمه طومینوک منتهی

موت اولوز حریفین محروم اولوز ذمام مذموم اولوز و فضل حبیب در
 منب دخی انکار بوز اولوز ابراهیم اولوز نیکر که انشی آرز اولوز اصموت
 فکری و لنده اولوز عاقبت لسانی لنده اولوز شکران نعمتی صیدا بیدر
 و کفران بولینی سزا بیدر مهربلاده که صبر اولوز صفایه دوزخ و هر صفا ده
 که غرور اولوز اول جفا بیدر دوزخ الهی هر شادی که یادکتر اولوز اولوز اولوز
 و هر غمده که یادکتر رفیع اولوز اول سرور اولوز مهور و ننده که در دک
 اولوز اول راحت اولوز و هر کو کله که غمک اولوز اولزه اولوز هر
 که شوقک اولوز ذوقی بوقدر دل دکل سنگل فرقی بوقدر الهی نجایه
 که وطن هواسی روحی طبقات علینیه جاکرت صورت زنجیر بله بیولی در کاک
 سحینه صوفیه و اگر هدایت بدرقه سی سعادت بر اقیل طریقی حقه دلالت
 هو استقامت شنوات اتم بله راه نفس صلاحت ابدی الهی بویست دلومی هوا
 بندندن قوز و ب سنگ بند که قل الهی بویست که کولگی نفس عهد سندن
 حفاص ابد و سنگ عهد که قل الهی فکر کله وحدت و یر الهی ایما شمعنی کو کله
 خاز سنده تا ابد باینده ایت الهی توحید سستی الکلمه در و نمره ذوق
 و یر ذکر همین دلاد مک دکلده و توحید قرو نفظله سوبلک دکلده ذکر
 انگ سستی بلک کرک تنی اثبات بند در اکلیم کرک

توحید

توحید	تا بلس هستی معبود سن
هر که حقدن غیر می مقصود کرک درر	تیغ لای چک که معبود کرک درر
لاننگ قلم وحدت درر	لا کلنگ خاز کثرت درر

لا قدا وز در فنا اقلیمین • لا دلیل اولو حقیقت ایلین •
 میقل مرات ایمان لا در • جنس فخر سبطا لا در •
 لا در چاوش سلطان وجود • کیم بولنده اول قومز بنزه وجود •
 لا چو ایره و صده ال اولور • یعنی انده برالف پیدا اولور •
 لام لا در چون آراوه ترجمان • ترک ایت آنی کیم الف قالد هما •
 وز و غنچه بل آراوه ترجمان • ممکن اولمز اوله مفصود ک عیب •
 شوکله الانوک باوکنده لاسی در • بوجه کتر تک غوغا سنی در •
 دفز کدن لا و انای کیدر • تا بو کتر دن قدس سن کدر •
 جهدا یت کیم قدیم سندن نشان • برالف قالا وجود کده •
 حق قد انجیح اگر صدف اید سن • لام خلقی دخی خودک نقط سن •
 کر چه کم حرف الف بر حرف اولور • بیک بر یوز دن کوز تک الف اولور •
 نقش بر در او قاسی سنده در • بیچ او قریک کمالک انده در •
 اردن لامی اگر جز اید سن • نقش الف بر الف او قوی سن •
 کم نظر قله ایکی نقش • بیک بر او ک رمزنی اولور م بیل •
 کرا جیلور سکا سر قدم • علت معلود چک اول قلم •
 نخی اثبات هم کر کدر اهلت • مرد اولور ز تار اول بیل •
 اما صق ای عزیز بونک کبی سوز لردن بکلس الکره و بواصل الفاظ دن •
 بر در لوفتم ایله در ویت لردن بونک کبی سوز لردن اولور و عاقل •
 اغزندن بوجنس کلمات سولیز اگر چه بو سوز لردن بزم حاله دکلدر •
 کل

بزم قالمز دکلدر • اما انده غنا سید و علم شریعت قوت سید • سولندر ز فیم اولور که •
 معناسی اول دکلدر که قاصر انکر لردن و مراد اول دکلدر که معجز لوفتم ایدر لردن •
 بنده خالد مولای غالب اولمز واجب ممکن واجب اولمز کلسا که بر ممکن •
 اولمز و کلسا که بونی اصل انده دیا • حق هر موجود له بلده در اما حصول یوق •
 و کول اللمک خانه سیدر اما نزولی یوق • سکا سندن بقیندر اما محانده •
 و کول صم اول هم آخورد • اما زمانه دکل هر کجی سما و دنیا به انرا اما بنر کله غمز •
 نزول دکل و اهل دله بولسور • اما بز فیم اند و کمز وصول دکل نزول کنی تغیر •
 حال اولور آنی عقیده بلمک محال اولور • وصول که انده انتقال اولمز • آنی •
 اکلخه مجال اولمز بر نزول که صله عزت دن نما اولمز • اصل عقل آنی بجز سنه •
 نزیان اولمز بر وصول که سنز و کتر و بیوندن غیب اولمز اگر آن عقل کلبه •
 زعب اولمز عقلک بر دایره سی و از آنوک ایچنده • جعفر و فکرک بر سبانی •
 و از اندن طشره کده مز • عقله حق استین • چو اغله آفتاب آر • فکرک •
 بلمک دین یلدرله ما هتاپ آر • در ویت لردن بشقه بر دلی اولور •
 آنکچو سوز لرنیک مشکلی اولور کر کدر که بصیرت کوزی آید • که حق نور له •
 حق سچله • بزم کبیر همین انلر دکن سوز لرنی قبول ایدوب انمن کرک •
 و کله مراد لرنی انره قوم ککرک و بوکا افتقاد انک کرک • بنده هر نه قدر •
 جهدا یت سن ولی اولور له اولمز • بیاده هر نه قدر سعی ایدر سن فرزین اولور •
 شاه اولمز الفاظ لاف و طامات مکر اولور سبطانی نده که بویخ و سطح •
 اولور • اما حق و سبحانی شری بوبیت بر سر در که کلس دخی آنوک کنت بزم •
 کل

و حضرت وجود بر وجود در که انبیا دخی حقیقت است سینه علم زیاد اولد فیه
 حیرت آرتیز و جرت زیاد اولد فیه رهشت آرتیز آنکجه ندر که اول فخر عالم
 سید انبیا دایما کاسنده و روی که ز دخی حقیقت آه و زمره کن عارفین عفا
 عجایز او ز نه یوز دیوانصاف ایدر لر و زبده خلاصه و اصلین قصور و
 اعتراف ایدر لر آخر سلوک شویله بل که همین اولنه وار و عفا بهمان بلده و کز
 در که عیان اولد و غایتی علم انسان ایکن رتانی اولور و وجود کونی ایکن حقانی
 اولور و حق دوستندر انما بزرگوزن و دوست بزرگوزن انما بزرگوزن مهر برده
 اول پیدا در بزرده نظریون هر موجوده اول اشکاره در بزرده بصیرت
 معشوق هر قدر عیب اولور سه عاشق کوزی نکران کرک محبوب هر قدر
 جذب ایدر سه بوجانیدن دخی میدان کرک مقصود حاضر همین قاصد جلاک
 کرک مطلوب محبتا همین طالب محبت ناک کرک محبوب پیدا همین محبت
 موافق کرک مصنوع بود پیدا همین عاشق صادق کرک الهی مهر برده سن
 منطوقین همین ناظر کرک و هر صورت سن کوز کورین همین باهر کرک
 ای در بغا کیمسه بوق صبیح تاب و بده لر کور و جهان بر آفتاب
 عقل و فکر ذانکه هیچ راجی بوق کنه و صفتکن آنک کاهمی بوق
 جمود لفرانده اولور زلی لسان انبیا خاک رهوکه جان فشان
 ایکی عالمه اولور سن عیان کینه بوق عالمه هم سندن نش
 کر عیان در لر سه سن غایت نمان کرشها در لر سه خود سن عیان
 هر جکرده در دلکت بر آچی وار ساکه مهر بر ذره نکت بر راجی وار

فکر تو کند

فکر تو کند اسن و جان فروت اولور عقل ضیان عجا دخی بصیرت اولور
 الهی جنیت دد کلری و صالکند و با نسی غر و لذت الهی صم دد کلری فکر کند
 ما عداسی فقدان شخصوات الهی دینارک بله اولمسی عاشق جنیتی ندر الهی نظریله
 اولمسی کونکل اری جعمندن بنه فخر الهی حکمتو کله کر چه هر سنده بر سب خود کز
 اما قدر تو که اسباب آلات کر کفر الهی تدبیر و کله کر چه هر موجود بر علت ربط
 ایدر که اما نقد بر و کله علل و غایت کر کفر سیدنا کر چه صورتک طبیعت
 اراد تو که اولدی موسی بر سهار تله طور غودی تدبیر کر چه میس او کز
 عادتیدر غنا بنو که اردی مریم بر ساعتده ار کردی الهی یقینلق نشنا کر چه
 سنی سو مکر اما علامتی هستنک دن کله زنی کر چه مدام اجمکد لیکن
 مخفایتی مستلکدن کله ز الهی بلورم عاشق اولک همی بست اولمسی کرک
 و ستملق دعویسن ایدن خود پرست اولمسی کرک الهی غنا بوک عفا بندن عجا
 منقلتی ارتقده الهی عذابو که بل سندن سخطو که ذلتی آرتوقدر الهی عمره
 کر چه سکارا رایش اتمم اما دایم نداننده بم الهی صقلوم اغوزی بر ایلو کز
 قز مندم اما بر ساعتده مجالته بم الهی بنم فعدو بو که عاجز و سرگردانم
 الهی بنم مملو نظر اتمه کله و الهی سیر اتمم اگر توبه اتمسه دخی عاشق توبه بی کسی
 سناستوار و اگر عهد اتمسه دخی معشوق فاری عهدی کی ضعیف و نا پایدار
 اگر دعوی محبت ایدر رسم علقنی و اگر لاف عیبو بست ایدر رسم عبادتی و اگر عشق دن
 دم اور رسم در ذنک قنی و اگر شو فرم وار در رسم آه سوزناک قنی اگر اصلود و کاسم
 بخون تکرای قولغنی صاف استمزم و اگر ابله او دیو اسیم بخون دنیا ایسن

کذا فاستلزم انما علمه کرم علم فنی و اگر جاهل بود بخیم بیدن بر دوس و اعلم فنی
 اگر جاهل بنجون حق بولینی جنت و جوی ایلمزم و اگر غایب کسیم بخون اول بیدن
 گفت و کوی کسیم از اهل خبیث اسم خوفه سرم فنی و اگر اهل انابت
 اسم دم سر و اول کرم فنی اگر در و بباره مجسم بنجون بولند بر قدم نمزن
 و اگر اول طایفه بلا کسب اسم بنجون اتل و کت موزن کسب زن الهی بولم برسم
 بیماریه کوز بهشدن یک شراب بولنم و عشق حسنه سینه جگر بر باندن یک کتاب
 بولنم الهی مختوک کشته می بر شهید در که قانی بلورضه الهی هر برده پیداسن
 همین کور جاک کوز کرک الهی هر بوزده هوید اسن همین بقیع بوز کرک
 سنو کل اسناد اول خدایند تنها کرک دوستله نهاد اول عالمه ناپید کرک
 الهی بوز حکمته که بچه کرد در باغون اول مشک صومعه لوز و بچه لرغونوز
 صو کور مدن قنق و ذال الهی بوز قدر تدر که فنا بجزنده هلاک اول لول ابدی
 بقا بولر لوز بوقلق المن زباده کور نام زباده صفا بولوز لر عشق زحمی
 آرتد قوزون صفا و حضور بولر لر محبت دردی کلد که راحت و سرور
 بولوز لر الهی عشق معرفت دگر زدن بر کور هر در که دله شوق و ضیا و پر
 الهی محبت حقیقت معدن بر جوه در که کولکله بوجت بهاد و بر
 عشق آسایش جاندر عشق آرایش هماندر
 عشق نیک و فاد و عشق حدیث اهل صفا و عشق حقیقت هر فنوک
 اخذید و عشق جالشکر نیک مهرتید و عشق بر سله قاهر و تیز در که علم چاک
 بر بر نه اورر وجود له عدم عشق بر بی فزاز و سوز انگیز در که قدم بصحی

بیاد
 عشق صفتی

شور و غوغایه بر غور عالمی عشق بر جوه باک در عرض صفت عشق راحت
 جاندر مرض صفت
 دریه جالوس آنکامرض در استه سوزنی کم اول غرض در
 حدیث عشق عاشق انکار انجون رخ خدرای و امن انکار انجون
 کوز کم کلتان دن الهی بوق کوزنده قامت سر و همی بوق
 بیع عشق سن منصوره صور غل و اراحوال هستی جوره صور غل
 زاهد صور غل نماز و روزه دن عاشق اولان در میخانه صور
 عند لب اول بلور کل حالین بوم و اسن کوشه و برانه صور
 عشق بر مزع در که سلامت خلق انکا بال اولوز عشق برد و لندر که ادبار
 دنیا انکا اقبال اولوز عشق با زارنده جامه دیبای بر جنبه الازله عشق نخل
 ناموسیه نامی بر جنبه صبر لوز عاشق اولنم غیرت و عاری بر غور لر دوست
 استیند اول وفای بر غور لر عاقل ایدر جنبه و دستاری فنی عاشق ایدر خانه
 نماز فنی عاشق دو کوزدن بی نیاز اولوز عاشق صفا ایچنده سرفراز اولوز
 عشق بر کلنک بولاد در که هر وقت و اولوز بناس بقدر عشق برینا
 اسناد در که دایم بوقلق سر این سیر عشق بر در دما فر ز اولوز
 عاشق ایکی جهان دن آزاد اولوز نه وصلته سنا دونه غمه فراری اولوز
 نه دستنده صبر نه باینده فراری اولوز عاشق همی بلا کس اولوز دایم
 ایچنده خوش اولوز عاشق هر دم سوز و سوزده اولوز در و عشق ایچنده
 ذوقده اولوز عاشق غذا بلا اولوز عاشق صفا جفا اولوز عاشق که یوسه

7

مرد اولور برنجی راضی در دا اولور
 عاشق آه و زاری سی در در لودر و دبل ملاز میسر
 رنج عاشق کین ستماری آنک بوقدر رانده اختیار آنک
 اختیاری اختیار محبوبی هر نه اول در سه مطلوبی
 طالب اولور فناء به لعل سنان تا که کور می اول بهای فر اوق
 جان عاشق بساط مضره عشق سحر بند مراد شمس عشق
 آتش ظاهر سوزنده برون اولور آتش عشق سوزنده درون اولور عشق
 که چه جگر سوز اولور و کل سینه بچینه نور افروز اولور دل اهلنک کار بی
 عشق اولور بول ارنیک ستماری عشق اولور عشاق عشق حکمی مذهب بین
 اولور عاشق محبت قانون آیین اولور عشق اهل لذتی ناکامله بولور
 عاشق اولور عزتی بد نامله بولور
 وصف معشوق عز و جباری وصف عاشق مذلت و خوری
 کار آنک غنچه کشته و ناز بونده در سورد و کشتبان و نیاز
 بیزنوک و صفتی آخه مر بو ط بیزنک حال بیره مر بو ط
 ناز هر دم نیاز بلنور سوز هر دم ده ساز له بلنور
 بیری کراولیا فقیر و حقیر اولور اول بیری سی غنی و امیر
 بیر اولیا به چون عزیز و بلند اول بیری اولیه ذلیل و نزنند
 عشق اولور بونک مکر رابطی عشق اولور بر برینه واسطی
 بر طرفه اکر اوله جنبش اسوک اولیه بر طرفه جنبش

بر طرفه کراولیا نام و درست بر طرفه داخلی هر کراولیه است
 بر طرفه کرد لبی صادق اول بر طرفه انکا موافق اول
 عشق بازی و فسانه و کله و عشق اهل قولی بینه و کله و عشق اولمین کله
 لذت اولور عشق اولمین بینه دولت اولور عشق چشیده ارمن
 آب حیات ندر بینه عشق قافه قونین سیخ سنج در اکلمه هر دل که عشق بی
 بساطنده ما اولور قییم عالم اولوب ابدی جتا بولور
 دلکه بوی عشقند بی رنگ اولور اهل دل قاتنده اول و لکن اولور
 دل با فنده که عشق کللی اولور بر بزمه بیزنک علی اولور دل تا خایه سینه
 که عشق شمع یا مین
 بر تار یکد و نکر جراحی او یا مین عشق بچینه اولور عجب الطوار
 گاه اقبال اولور گاه ا د بار گاه اولور در و کماله اولور
 گاه اولور نقص ایروب زواله اولور یک بو ابتدای حالی حال اولور
 عشق نام اچو بو محال اولور عشق اری ابتداء خام اولور
 در عشق اچو نام اولور اکلمه دوستوک کمالی اول
 ضبط اید مزه هنوز حالینه اول
 هلاکا بیزنک کار کور کند و با آن غمگسار اید نور
 بنته کیم قدمه: جمان مجنون ارزیکس محبتی دون کون
 جا بجا طور میوب کردی مدام ناکه بر غزالی اولدی دام

۱۲

گلدی در حال فیو و پردی آید • حرمست امدی و اول کوردی آن
 دیر کوزی سنگه چشم بار دور • کردن کردنی نکار دور
 وجه یوق کیم اگا جفا اید و ز • واجب اول کیم آنی رها اید و ز
 عشق اینه اولور بو حالت دور • بیسی نابلوغ غایت دور
 مرد چون بخت اول اول بسته • صبح غیری کور غیب کوز نه
 سبب اباتی انده دور اولور • بلکه ارنده اول غیور اولور
 کور مز اولور اول بر اصدده جمال • دلبر نیه اول نظیر و مثال
 انسی فکر مجانده کیم بید • الا اول که اکه نسبتید
 متد با سبان هند و س • با خوک ره و سکت کوس
 یا حوزلف و غدار و خطا و خدنی • یا حو چشم و دها سر و قدنی
 جز که عشق آفر اوله بو کمال • طوری عشق ارنده دافنی بو حال
 دوستدن غیر سینی کور مز اولور • دوستوک اولنی ده بلز اولور
 طالب عین اتحا و اولور • ساکت راه انفراد اولور
 زلف رخ فارغ اولوب اردن • پرده اولور اگا حجاب بدن
 عشق قصه و حکایت اولور عشق بازی حدیث و روایت اولور عالم عشق
 عالم دکر در پایه عشق اندن بلند تر دکر که بر مسکن اگا منزل اولو و با آنوک
 مکانی بر اوج کل اولو بر معانی و حدانی در که جذب سی نورانی عشق خلق
 کوزنده دیوانه لوق در عشق کند و جودنه بیگانه لوق دور
 عشق کوه لمانیه بکلی رام • کمتر اندن تعققات تمام

نفس خطن اکر که اتب اول • وصل یاره تمام بولیه اول
 کم که ذاتندن اول جدا اولور • خلعت عشق اگا سزا اولور
 کند و دن کیمکه منخلع اولور • انده بل عشق منطبع اولور
 عشق ازل قد خندن بی هو سلف قدر عشق اکی عالمی فراموش قدر مر که عشق
 قتی تیزر اولور هر زمان اگا منزل نوا اولور هر کیمکه عشق همنه
 اولور منزله اکت اول جفا اولور • دل عشقک سوخته در بر نیسی در کول
 مجنونک بنده کیم دور •
 محبت جان جان عاشقاند • اول آرام درون عاشقاند
 محبت سیم ابوان کول دور • محبت کینج و بران کول دور
 محبت اختری بر جی کول دور • محبت کوه در جی کول دور
 محبت جوهر در پای جاندر • قبای نازک و بالای جاندر
 سونم جام محبتدن ایدر نوش • ایدر دینی و عشقی فراموش
 کول کیم عشق اول استناد دور • اگا اول بخشش و لطف خدادور
 محبتدن سورس کوشش • محبتدن بونی بکل عیان سن
 که اول مرتبه بو آنده ناچار • دلنده بر اولور اغیاری بکارت
 در و ننده بلور محبوب انجوع • قتنده اول اولور مطلوب انجوع
 اکر کله اگا محبوب دیگر • دل آرام و لطیف و خوب فنظیر
 مقید اولیوب بقمز یوزینه • آنی اصدا کتور مز اول کوزینه
 ددی نکر که نور لر اصل اخلاص • محبت کاه عام اولور کیمی خاص

۷۹

کبی دل مهبل ایدر وجه صفاته • کبی جا کمال اولور نور زانده
 بینلور اولینه عام بلکل • ایکنجه نینه خاص نام بلکل
 ولیکن اول قرح حاصل اول اول • می نم خانه اخلاص اول اول
 کبک اول قد حدن بی پوش اولور جا جانان خوش اولور عقل اول را بر کرمز
 و فکر اول یور اید اول مزه عقل معرفتک التی در عشق بقینتک حالتی در عقل
 بر رنگد که انده بوی سزا اولور عشق بر بوی در که انده رنگدن انرا اولور
 عقل رنگ معرفت که نمکی یوق عشق بر رنگت قیفند رنگمی یوق عقل بر رخ
 در هوا بوزنده عشق بر هوا در مرغ اجنده مرغ هوا ده نظاره لون ایدر
 هوا مرغ و ماوار لون ایدر عقل حالنوک حلی قیل و قالله اولور عشق در دردی
 آنوکلر بلکل بحال اولور عقل ایلیمی نی سندا اولور عشقده حسن ار اسنده
 بر نطق و از ازل و ابدی که اول نطقه نطق اولور بیکلی و ابدی کوزالت
 و چونکنک عشق بازارنده بلکل اولور خوبلوق و در شتلق عشق ار نه سینه
 اولور زلف لیکه بر کن و ار که دل مجنون دن غیری اول صفتی کلیمز
 و غدار غدارده بر خط و ار که حیا و امتدن او ز که سی اول خطی او قیر لب
 سینه بر شک و ار که سینه فرما و آنوک حسنه سیدر خجد با زده بر
 خلق و ار که دل محمود آنک سینه سیدر عشقده حرکت حسنه آن کرک
 محبوب اولانه هما اندن نشا کرک حسن محبت اولمن در صباحت اولمن دکل
 کوزلتک کوز کل الموم در صورت ذواتک دکل صباحت همین نقش دیوانه
 بکوز صباحت بر شیوه بخاره بکوز صباحت ملاحت سوزاچ اولور صباحت

صباحت سست کوز کلر اولور سوز اولور که نکت خوش کوار اولور سستیرین
 اولور که گرم و دل آزاد اولور حسن بره و حسن بیاد که عشق کور سینه
 کسبه نقابن آچیز و حب کجین ناپیدا در که عشق کلیمز کسبه قوسن آچیز
 اگر بی عشق اولور رویه محبوب کمال جمالی اولور محبوب عشق مستوفده
 بر آینه اولور که صورت حسن انده معاینه اولور معشوق و مخی کند و
 جانن انده کور و اول سبیدن عاشق عاشق اولور
 نیتکم اول شیخ عالم با یزید • نور چشم روی آدم با یزید
 نقل اولینور کیم دش اصحابنه • اهل دلدن بولتن اجبابنه
 بن صنوردوم بویجه بیلدر عاشقم • طالبیم یاره کوز کلدن صا در قم
 بو تمام اولدی بکا آخر عیان • عاشق و طالب اولیمش بیکمان
 اول همیشه بکجا محبوب بن • طالب اولیمش بنی مطلوب بن
 اولیمش جن ابین بنی آنکا • اولیمش هم قومین بنی بگا
 سؤل کوز کل کیم عاشقده اولور • دل و کول اولور و مجاز شاه اولور
 اولیه اول کوز کل هرگز حجاب • روی معشوق کوره اول بی نقاب
 عاشق کل اولک ای عشاق جزه • حسرت ایچنده قنور شتاق جزه
 نفس جزه که عاشقی غزوی اولور • جزه قجن معشوق کوز وصل اولور
 دور اولور معشوق و بی حاصل قنور • سعی ضایع ز حسنی باطل اولور
 کرد ریسکت بوده کوز وصل اولور • بر برینه ینه و صلت اولور
 بلکه هر جزه دیده و از بر وجه خاص • اول بوزله کوز بولور اختصاص

بر بریل پس ندن بولور وصال **اکثر بوسوزی انا اهل حال**
 عشق بر بی جوهری مثل دهنسار که آنوک وصفی مثل دهنسار عشق بر
 محض ناپیدا در که آنوک تصویر بی مثل که کوسر عشق عاشق و کت دلالتند
 سوز لری اولور که لک اکاب محرم اولور عشق اهلنوک سینه اچنده نفس لری
 اولور که دم انا همدم اولور عاشق معشوق اور سینه بر کفت و کوی
 اولور که زبا حاجیدن غری انا سحر جان اولور جانله جان ارا سینه بر
 و جوی اولور که کوشه جشدن اوز که انا دیده با اولور غمزه معشوقه
 غم زده کان عشق ارا سینه بر کوشه اولور که اگر عیان اولور هزار راه روا
 طریقتنوک تنندن روان اولور عاشق بر ظاهر در که اور تکر عشق بر
 که اچله عاشق کسید کاری اولور آینه عشق زنگاری اولور عشق
 مولاری بنده ایدر عشق سرافاز لری سرافکنده ایدر
 روایتدر که بر کون سنا محمود **روانندن آنوک حق اولور خوشنود**
 دیدی آنا که ای محبوب دلدار **جملوکل کوکل صحرایه کلزار**
 ننددر عشقت اولور چه زیاده **تکلف هم حجاب اتر آرا ده**
 قدیمی انبساطی بولیمار زوز **سوکلا سکی حال کوره مازوز**
 کچه کوندز که ارتقده محبت **بخوه نفس اچنده اوله الفت**
 دیدی آنا که ای شاه جو اچنت **وجود کلا مسرف تاجه تخت**
 بن اول قولدم سن باک سلطان **بچه فلسک الوکده بنده فرمان**
 بوکره عشق شاهه غالب اولور **دل و جانندن بو قوله راغب اولور**

وجودی عشق اچنده زنده اولور **دل بن بنده سینه بنده اولور**
 جو عشق احوالز تحویل ایدی **قدیمی وضع اول تبدیل ایدی**
 بودر عشقه هیت عادت و راه **کس ای قول ایدر و قولی سناه**
 عشق افشا و افسون دکلدز عشق صنعت هر دون دکلدز **عشق دین**
 ایدن عشق اولور **و بر محبتدن دم اورن صادق اولور هر سرده بوسواد**
 اولور **و هر دست یدر بیضا اولور شکر و مکر دمان سینه اولور خسرو**
 و مکر خسرو آیین اولور **هر خلقه که قولنده اولور سوار اولور و هر طفل که**
 قیشت بنه سوار اولور **هر مالک دنیا اولور مالک دنیا اولور و هر سر بی**
 اولور سر بی اولور **هر مشهور معروف اولور و هر رفیق مالوف اولور عشق**
 بر کبج در که بجه جان آنوک او جندن خواب اولور **عشق بر شراب که آنچه**
 جگر اناک دور دندن کباب اولور **عشق بر مستک در که بجه بور کل اولور**
 سودا بلغزق خون اولور **عشق بر شکر در که بجه دله اولور آرزو و نیک**
 مستحق اولور **عشق بر عمل کران بهادر که آنوک اوز که کانی اولور عشق**
 بر در یکانه در که بر در لوتانی اولور **جمع مبارز لر قلب سپاه اور لر**
 عشق بر صغدر که قلبه در **و جمع عیار لر طلع خزانه ده اولور لر عشق**
 بر دلاورد در که خزانه اطله کرد **عشق غواص قلزم در یا**
 عشق بر غواص قلزم در یا **عشق جو یابی لولوی لالا**
 عشق بر غماوان پهلووان در که بر رمزله بیکت میان **وار عشق بر غیب**
 نصیح زبانه در که هر نفسده هزار دستاوار

عشق در غم مایس سودا بدن
عشق در غم غواص در پای وجود
عشق آینه گیتی نما
عشق دلال سرکوی عنا
عشق مستی فروغ ابده مز کفر و ذوق
عشق مستی دایمادلسنا د اولور
عشق مستی عالمه سلطان اولور
عقل ابدی تمبر حکم ابلر تمام
عقل ایدر کل برسان اولور
عقل ایدر فکره استدلالوم
عقل استرکار ساز اولور
عقل استر کم بولا آسوده لک
عقل استر کتخدا لوق انمه
عقل ایدر خلق رسوائ اولور
عقل ایدر فوری مستک در اشرک
عقل ایدر بن بدن سلطانیم
عقل ایدر بن جمال عالم
عقل ایدر بن جهانک زینیم
عقل ایدر کل بر و طو قتل سوزیم

عشق دریرازدن غوغا ابدن
عشق در مناج فکره بخش وجود
عشق اصطرلاب اسرار خدا
عشق هتکام جامی ابدن
عشق اولور غم و شکست یقین
کو کل کوزی جنت آبا د اولور
صورتا کرداله و خیر ان اولور
عقله بخت ایدر اویز اولور
عشق انکار کردنا دان اولور
عشق ایدر فکر الدن قویوم
عشق استر پاک باز اولور
عشق استر کم بولا الود لک
عشق استر بک لوق انمه
عشق ایدر پوری خود زای اولور
عشق ایدر خود پرستک در اشک
عشق در ایکی جهانک خانیم
عشق بجز این کمال آدم
عشق ایدر بن دو کونک زینیم
عشق ایدر مستی بعضی ازوم

عقل ایدر علم بچون خود کتر
عقل ایدر بن بقین اردم خدا
عشق و عشقه قلم چاکت سن ملام
واخی بیخه بوجلابن بخت اولور
عقل وار لند بولور ذوق صفا
ملک عشق اولور و رای کاینا
شمسوار عشق چون لشکر جگر
عشق اولور پیسته بر بلوکوس
ملو عالم کرجه گفت و کوی عشق
الهی هر کسی مرد عشق اولور
معدنی جان اولور عشق بر جوهر در آنک
دکه دکنز دوه بولونمز عشق بر بخود که هر قولنده صلنیز عشق در بر فردی
هر کوزده کورنر عشق بر حضور هر در و زنده بولونمز عشق بر فردی آنک
بسته بدلی وار عشق بر سواد آنک ده آیر و اهر وار عشق بر سواد
آنک ده سیداری وار در عشق بر خود شد آنک ده در پاگوار عشق بر سواد
صاعقه داره بکنز که زایه اغر سه بقر عشق بر پاگوار بهادر در که او خردنی
ملکتی بقیر مهر دل که عشقه خانه اولای تیر بلا به نشانه اولور و هر کوکل که نجبه
مقام اولای محنت انده مدام اولور هر مرتبه دشوار غله حاصل اولور هر عزت
خود غله حاصل اولور هر کیم بلبله عشق در سر اولور نو بلبله

عشق ایدر علم بچون خود کتر
عشق ایدر ارکرام حضرت تا
تا که مستوف اوله قائل السلام
عقل آفر عاجز اولور بن فالور
عشق بو قلنده کور در ایم وفا
اولر آنده فصل و فوغای صفات
عقل فکری یا ننه جگر جگر
عشق عاشق بلور لر کینت پس
بیک بو قدر دکه برده بو عشق
دروه عشق اولور عشق بر کبیا در آنک
مکان کان اولور عشق بر فردی
صلنیز عشق در بر فردی
عشق بر سواد آنک ده آیر و اهر وار عشق بر سواد
عشق بر سواد آنک ده آیر و اهر وار عشق بر سواد
عشق بر سواد آنک ده آیر و اهر وار عشق بر سواد
عشق بر سواد آنک ده آیر و اهر وار عشق بر سواد
عشق بر سواد آنک ده آیر و اهر وار عشق بر سواد

اولم عشق نغمی که دل کس زارنده بگور. و محبت نهالی که چه کوه کلک نشیند
دکلو ز آتاق چشم ننگ و حرارت درون سوزناک ابله نشو تا بگو سینه
تا بدای عشق کجنگرک به سبانی در دیده خونبار محبت قلعه سنگ دیده باز
عشق مجازی اگر چه بود اول و اولی اول دخی جذب صفاد اول و عشق
الفتن اول و عشق حقیقی و صد تن اول اول اول اول اول اول اول اول
اول اول آند هجرت اول اول اول اول اول اول اول اول اول اول اول
بونده بر سنانق جمع اول اول آند ماطولیا اول اول بونده ماطولیا دفع اول اول
دو دامیز اول اول بونک نوری سونق انگیز اول اول آنک مرانده رنگ اول
بونک آینه سنی رنگ اول اول آنک مانی جمان اول اول بونک مالدوسی و حال اول
آنک آه درونک جگر لایق بونک ناله سوزناک کوه جگر اول اول ستری
میتام بازار اول اول بونک ستری فک دقار اول اول اول ای کی نور مستعار اول
کوه سنی ضیاسی برقرار اول اول دوستی سونق آنک برقی محروم اول
دوست دوستی بونک جان مجرب اول اول
بر حکایت کورد عشق بر اول اول جان پاک دو جهانده بختلو
کیم وارایش بر کوزل زیبا بر شهر بنیر ایجره غایت معتبر
درش آنک لطف ایدین ذوق جان حسن خلوص اینجند غایت کمال
رنگ سر و پوست بالاسی آنک آفتاب آسمان لایه آنک
چشم مری ساقی سلط عشق خط خطی آیت برها عشق
واریش بر کیم زاده عاشق جان اول عشق محبت صادق

دور ایدر مش کوی بی مهر و ز سب چشم کربا و دل بر سوز و تب
دیر مش آنک سونق عشق و سوز در آه کرم و آنک سوغ و روئی رود
دل دن هجارت امتش عشق آینه درد مند آوار امتش عشق آینه
هر که یاری کور مش اول اول بر نظر خاک پای سینی قنور کل بصیر
خلق اینجند چون که حالی فاش اول اول بر عشق دیوانه و او بهش اول اول
پند ایدر لر هر یکا دن بار اولن کیمی بند کیمی غنوار اول اول
بعض در آنک کیم ای پاکیزه جان تو بون کیم نامکا اول اول زبان
مرد عاشق زار که در اعلیوب عاشقک آینه اول اول عشق قویب
مخ جان چون که حبس دام اول اول بولن او کردی بری نام اول اول
عشق اول اول اول اول اول اول اول اول اول اول اول
بعض ایدر سن سنی غافل قورک وقت کی ضایع ایدوب جاهل قورک
اول در اولم چون که یاد سوز دلم بو ستر ایکی جهانده حاصلیم
جانده بر بل محبت معرفت بیلور آنی کده اول اول بو صفت
بعض دیر سن دخی اول اول سناکه دو ستر سندی عشق و در سوز
دید که که عشق دوسد دردی او در بل طریقند حقیقت مرد او در
بعض در اول بست در رزک خطا کوه نیکو روی لیکن لی و فا
چون که بدخو اولاد اجم بر جفا ناکهان ایندره سناک خطا
کلدی دیدی قنی اول دولت بکا اولده و یا خوقبلت بکا
کورد لر بونی که لا بعقل در بونی اصلاح امتش شکل در رز

۲۸

جمرد با نیدن کیدوب طاغله بیلر
 شول قدر کیم قلدی اول شید الفی
 صبح اولوب عشق قفسه کلد لر
 قفسه ایدوب بون یازب نقل اول
 اوشدی عالم خلقی جمیل اوسته
 ناکمانی کوردم اول محبوب جان
 کوز لری یاکشیلد و لیش اعلنور
 دیدی ای روی ندر نولدی سکا
 دیدی وار کولکله بر در دم عجب
 شکر تبریز اولی بو بخ زمان
 حسن اچیندی لی نظیرم بیلورم
 سنی کورک دلده قونمز زینکین
 زلفک هر غنسی بر دل کس
 بردشم بیک لولوی مر جا و کور
 حسن کلزارنده بر سر و قدم
 یوسف مصر دلم لی استبتاه
 بو بجه حسن اسبابی وار یوق عاشق
 بس دیدم ای یوسف عیسی نفس
 شهر خلقی جمیل خیر انکدر ر
 کند و کند و طالبیله قور د بلر
 یارایت کنده دورب رسوا یعنی
 اور بید اوب بونی محکم دو کدی بلر
 در که اولدم حاضر بدم انده بن
 کم انا سو کر کم آنی دو کس
 بر بجه کوز لیب طور نهان
 کند و کند و بی طر و بن سویلنور
 اتمه یاکشتر سکا آه و بگا
 کم بکا بو کریدیه اولدر سب
 دیرمدی بر کسه مثلدن نشان
 خولق ملکنده میرم بیلورم
 کل رحم عکسندن آلور نیکین
 بر قلیند دو عجان اولمز بجا
 لعلو مک هر قطره سی یوز جا و کور
 لاله روسنبل خط و شیرین خرم
 بر زلیما یوق بو شیرینز آره آه
 اوشته غدر ایلیک یوق قدر و امق
 بو کده درس و بیز آنی هیچ کس
 جموسی در دکلر کور یا نکدر ر

شکر اچینده کر صغار و کر کبار
 شول طور ندرده سنوک سنیلارکن
 دیدی عاشق در ول با کاد کول
 نغسه عاشق در ریندر سینی
 کوبنی سوسه دیدی بونر تمام
 کر بجه اولدی سورا لری
 سوسلردی کر بولر جاندن بنی
 شول کس کی سوری جاندن اولنی
 عشق اچینده صلح جنک اولم عجب
 عشق اری کم عشق اکه پوست
 عشق که طبعندن کلک انا عشق و مک کی حیوانلق اولور محبت که شهوت
 فیه انا محبت و مک نادانلق اولور عشق که بوی بهارون اولما بهار کجک
 لی بهار اولور عشق که صورت و نکارون اولما صورت بوز لجم لی صفا اولور
 عشق اولدر که منبع در بابی لی با بیان اولما عشق اول دکلدر که مکانی اخو بچار
 بابا اولور عشق اولدر که آنک قبلیکجه جمعت اولیه عشق اولدر که بر سحره مبارکن
 منزه کیم نه شرقی اولانغیزنی اولانغیزنی اولانغیزنی اولانغیزنی عشق اولدر که دایم اولان
 اول سنده محبوب کر که خطاوه اولان کر که خشنده عشق بر جوهر تابناک
 در که آنوک کانانی کان انه ولم یکن معشقی عشق بر حبه سار پاک در آنک
 منبع ومن الماء کل شیء حی عشق بر کر در که فقری از لدر سا حل اید عشق

۱۹

بر دریا در که بجز سی و کناری سمد عشق صغیر بر سر در که اصل فضا اولوز
 و بد قهر می وفا اولوز و عجب تهری بقا اولوز بقا اولوز که کسی فضا دن ارش و در
 اولوز که یوقلی اغنجدن بیت
 عشق اولوز که اول قدیم اولوز جای کامی دل کریم اولوز
 عشق محبت فروغ تاب درر اصل منی فضله تراب درر
 منقانی ذات و اجدال اولوز لاجرم پاک بی زوال اولوز
 عشق عین اولوز در مجاری اثر بر نظره در فضا ده نظریه
 اول عین اولوز که کسی نظره کاه اولوز که مجازه قیل کذو
 خلق دیوانه در و عاشق استیاء عالم خفته بدی اصحاب کف بیدار کرد در سکت
 کیم عالم سلطه اولوز و اگر استرسک باکی مجازه است اولوز بنده عشق لایزال
 اول عاشق و حبت و لا ابالی اول عاشق نغمه ارادت کر که عاشق
 بننده عمارت کر که بقوت مارت اول کر که توجیه مطالب انتم کر که
 هر قدر که انکسار استخال سمر جد بل احوال و صنوف نعمت موجب
 جزایل مقامات اولوز که عاشق و معنی مقام اولوز عجم دلخیز کس کوش و
 کس کا نام اولوز او تکی مقامده که چکلک در مار کبی اولوز کر که بی دست
 وجوده و بی بای تک و بویده اولوز که بی مقامده که بلی مقامده مور کبی اولوز
 کر که که دایما کاروه و بر ساعت قرارده اولوز که بی مقامده که بلی مقامده
 پرواز کبی اولوز کر که که فضا سده و هلاکنه راغب اولوز عاشق درت حرف
 که عین عاره الف او باره سین سفاوه قاف فضاییه رت در عاشق اولوز

فضایه رضایه مک کر که عار عرته او بار دولت سفاوت سعادت
 مبتدل اولوز چون صحن جل و عدا کارگاه بکونیده است درت غضب درت برندی
 عاشق اولوز در فضا کبی ذلیل ماکبی دلبس اولوز بی قرار نار کبی تابدار
 اولوز کر که دایما او جنده باد و چهر سنده تراب او کبی بانوب سو کبی
 یونوب کر که حکم دینویه حکم و آفر نوک حاسلنی و عاجل و
 آجلکث محصولنی ارباب فارخانه عالم تجرید و خلق پاک بازان بساط
 تفرید آسند زمین نیستی و هنگام عشق پرستیده بر فوب اولوز کر که
 کر که الایس وجود و اعتبار و امیرش الوان ایمان دن اجتناب اولوز
 قلندر وار جمیع عالم دن بی پاک و مو می سندن اربوب پاک اولوز کر که
 عشق سلطانه ادیب کر که هم سبطانی قوم کر که
 خنده بلکه زمره عستان اول جاک سونخکان راه خزان
 اول غزبیاں منزل دنیا اول غزیزان حبت الماء وی
 محمان سراج قدیس راه داران جاده مستلی
 زنده جانان مرده عشق یاز مست حال و جان و دل امشیا
 پادشاهان تحت روحانی غوطه خوران بحر نورانی
 جت کیران جرمه بجز بد پاک بازان عالم تو حید
 جافروشی بارگاه عدم خود بوستان خانقاه قدم
 جمله فانی سرفزاره صفا دفتر نقش انتم الفضا

ج

جنت عدن جاسی عشاق توک
 دل و جان خاک پاسی عشاق توک
 جرحی جرحه قوین صفا بیله
 نغمه جوش صداسی عشاق توک
 عقل کل اوله مست لای عقل
 کراولا ما جری عشاق توک
 سب امتداد دور زمان
 اولدی دور بقاسی عشاق توک
 هر صفا بیک وار بو عالمده
 عکس شوق و صفا سی عشاق توک
 ذوق اولد که در عشقکده
 ارته درسون بلاسی عشاق توک
 انجم افزون اندرون در عشق
 علت حکم کافنون در عشق
 قل درون کی تا جانانه عشق
 با قدم لجن بمون خانه عشق
 وصف معشوق و عاشقه صور
 حسن عذرای چشم و امقه صور
 لذت عشق عاشقان اکمل
 پاک بازان جفا کفر اکمل
 عاشقه دایم کر کرد رادب
 روز سب اوله خاک راه طلب
 عشق اری کم سوزی انکس اولور
 عاقبت دار اول معنی اولور
 عشق اچنده ز لاف دعوی کرک
 عشق اینه محبت معنی کرک
 عاشقه سوز و شوق دور کرک
 نفس گرم واه سرد کرک
 عیب اولور شیوه های رنگ آمیز
 عیب اولور کفتمای باد انکیز
 عاشقه چونکه عشق قوت ویرر
 قوتی حی لایموت ویرر
 عشق برشا هر کم عقل آنک که اسی در عشق بر پاشا هر که جفا طو
 صبت و صداسی در عشقکده بر و کواکب بناسی عشقکده در دو جهان توک

بناسی عشقکده در کاینات توک ظهوری عشقکده در موجودات نوری عشقکده
 جهانده ساید در سهم محبت هر پرده و ایر در عشق عالمده روان کبیر تنده
 محبت آمده فان کبیر بدنده
 عشق مغز کاینات اولدی تمام
 عشق ادر صاحب دل صاحب مقام
 جوهر عشق اولدی بیدار و نهان
 جوهر عشق اولدی نور و جهان
 جوهر عشق اولدی در بای عظیم
 جوهر عشق اولدی بر درت شیم
 جوهر عشق اولدی ذات و صف
 اتزان عقل درک و معرفت
 جوهر عشق اولدی خاک نظر
 عشق ایدر جان ره حق عیان
 عشق اچر ساکنانچی رایز نجان
 عاشق اولد ایا ما کیسو اولور
 یک دل بیک قبله و یک ردا اولور
 عاشق اولد رطوبت بر آتش اولور
 گرم و سوزنده و کرس اولور
 در کار افتاده در عشقکده اری
 مردم اواره در عشقکده اری
 عشق بر سبغ در کم دام بوق
 عشقکده آغازی اولور انجام بوق
 عشق ارنیک بشقه بر ذوق اولور
 هر زمانده بر یکی سوتی اولور
 عشقکده در کوکب دوندی عشقکده در بروک طور دغی عشقکده یلدز لری
 سیر اندرن عشقکده اری و کونی دور اندرن عشقکده نباتی سوزن عشقکده
 بچکری کتورن عشقکده کاس نقابین بر ستر ایدن عشقکده دیده نرس
 نیم خاب ایدن عشقکده زمین بو ذنی بر انوار ایدن عشقکده هوای کلب عطار
 ایدن عشقکده باد صبا سی مسیح دم ایدن عشقکده لاله مبارک قدم ایدن

عشق در عروسی چمن زو زو رو برین عشق در جها باغ زینب و فروز
 عشق در بلبلری ایدن عشق در دولا بلری اکلدن عشق در مهر مرغه آواز ایدن
 عشق در مطربله ساز ایدن عشق در کلتری پیدا ایدن عشق در کل
 یوز لولری هویدا ایدن عشق در چمنده ریچانم آجن عشق در زلفی ریچا
 کبی صحن عشق در گلشنه سروی زادا ایدن عشق در سروی بو یلو آدمی زادا
 ایدن عشق در معدنه اجماری لعل باقوت ایدن عشق در لعل نگاری جانانه
 قوت ایدن عشق در عدنه دزله مرچا ایدن عشق در بدنه مرچا دندان
 ایدن عشق در عالی لاله و پاسن ایدن عشق در آستانه سیمین بدن ایدن عشق در
 قشری کمان ایدن عشق در باره یارنی مدام ایدن عشق در خالنی دانه زلفی
 دام ایدن عشق در مزه لری تیر ایلین عشق در الی کوکلی سیر ایلین عشق در
 محبوبه آن ویرن عشق در مرده کوکلی چا ویرن عشق در کوز لری ساتی ایدن
 عشق در کوز کبی باقی ایدن عشق در جمالته زینت ویرن عشق در محبوبی هرغوب
 ایدن عشق در حسن اهلند قند ویرن عشق در دل گلشنه لوز ویرن عشق
 کوکلی کوزن آچدرن عشق در معرفت چچکلن صیدر عشق در دل آباد ایدن
 عشق در دنی سادا ایدن عشق در کوکلی گلشن ایدن عشق در اجماری کل
 روشن ایدن عشق در صفا قوس فتح ایدن عشق در کینه کندوی مدح ایدن
 ای زنده شراب خانه عشق کل دکل زدر ترانه عشق
 انده که طروب قلم چم عشق دار کور که نهر رقم چم عشق
 اول که چم خطی وجود کت پس صکر قبول ایدر سجد کت

بندار وجود ویدر طاعت
 انده که نمازی می رکوعی
 اول قبله برون در جهانک
 عشق اول که جقمینی جقدی
 سبغ عشق کانی ناند
 عشق اولدی بدنه جاری حمل
 یوق نزه که عشق در او خالی
 سوزنده صدر نزار فرخمن
 هر کم دل عشق محرم اولو ر
 حلاج کوا لیدی مرد مطلق
 عاشق اولدی اول ذنارت
 یوق انده اصولی و فروسی
 اول کعبه و راسی کانیاتک
 اول بر جبرئیل بقدی
 قاف قدم آله استباندر
 عشق اولدی جهانه ساری حمل
 اول مهر هوای لایز لیلی
 اول انکا قبله معین
 مایم زده دو عالم اولو ز
 او مرتبه دوی انما حق

سبلی که یکانه جهاندر سه خلقه هموره رواندر مقبول لطائف مشایخ
 علم عمل اچه کوه راسخ اول واقعه حسین منصور قلدی آنی حسته جاج و چور
 اول واقعه انکا جوا بلدی سیر الله لک حاله دیر ای ذات مقدس و تقالی هر دم
 و خیالندن مبرا حلاج نمره سر سیرد احماد بولندن اول بریدر بن سائورم
 آنی که اول شاه مقبول مقربان درگاه کرا بله سید ندر سیاست اول ملحد
 جها سقاوت حق دیدی دلو کنی طوت یوری وار پاداش زببان اولو وار
 چون قصه اصل اندی فرعه اول حتی اولدی زجر شرعه اول دید و سنسن
 بلور هم هر کیمب دکل او سوزه محرم بردر لو کده ملحد اولر پس کم که

۹۲

در آن منفسد اولور هر مرتبه تک کلامی وارد در هر حرفت معانی وار در
 طفل اوقته صرفی انانصاف اکلیز اول دکلمه کتاف ای ذره کور نمز
 افتاب یون چونکه مخلوک اوقاب ای دل اهل محال آینه اولر طلیت خیال آینه
 اولکم دل و حبه نوزاندن اول آجب کوزکی اگر کیم آجمن آنی اولور کیم
 ای عقل اری کر بلوک قیقدر معراج سکا شرمین در آنده که اولور عجب
 سخامات پنجری کم ایدر کرات اولمز بر احد بوستره آگاه نه بیدی نه
 اولابو کوزکا صد فایده میدم رواندر هر عشق اری میر کارواندر
 عشق آدمی مهور ایدن عشق عالمی بر نور ایدن عشق دل خاندن
 پاک اذن عشق رانسا صحیح اورا اذندن عشق دوست یولنده فنا
 و برن عشق کز اول فناده بقا و برن عشق رایگی معانی صلدرن
 عشق رحمن یولنده یلدرن عشق رالست شربندن سر خوش ایدن عشق در
 صفا و ستون و برن عشق راحت و زون و برن عشق خرمی آچی اولر
 عشق مستی آلمیز عشق مینوک خاری اولر حق نور تک ناری اولر عشق
 اری بی سکت اولور و عشق یول سلامت اولور سلامت عشق تمام اولور
 اولکسی ملک خلق در که عاشقی خلقدن ک اولور آند و کله بوست عشقن تجر
 اولور و ایکنی سلامت نفس در که کند وی دوست مناسب کور مرز و نفسی آگاه
 لایق و معجب کور مرز نفسنده بو مراده وصول کلیمه و آنده بوستاده
 حصول کلیمه همین طمع کوزن آنک لطفه و کر منه دکر و امید دید سیه
 فضله بقر بس بو ایکی سلامتده فایده بو اولور و بو ایکی معاصده عاید بو
 قلوب

که خلقدن

که خلقدن ده کند و دن ده کسلور همین جهانده اینجی دوستی کور ز باری اولور
 نظرند که کورن اول اولور بصرنده آما و چنجی مرتبه بسجک و اول دولت بسجک
 که دوستوک جمال و استغناس و عزت کبر باسن کوروب اذن دخی کند و به
 سلامت انکله سوبله که وصلته امیند قلبیه معسوقدن دخی تمام کسلور همین
 نظری عشقده قلوب

بودر اول مقام تجرید و کت ابتدا ظهور توجید و کت
 عشق اولور بو مقامه حاکم میر عشق معسوق عاشق اولر سیر
 عشق اولور کند و سیه اول قایم عشق هم کند و کند و به دایم
 کند و سیه کند و به وصال اولور فرقت اولن انانحال اولور
 عشق چون کور مرز اول غیری اول پس نزن کور مرز بجزنی اول
 عشق چون کور مرز حقیقتهم مجتده اره غایت
 عشق اری اولور عجایب حال کیم خبر و بر آنی قیلده قال
 عارض اولسه کرک طوار عشق برن اور سیر در بو ار عشق نو بر سیر
 عراض عشق قایم بر بونی خواطف عشق چونکه عشق بول افنای صفا
 زاده و بر زفا صواق ذات حاصل اولور فنا و کل وجود الور آنده و آل
 مقصود علمدن آنده بهره در اولور کیک علی بنی خبر اولور عقل عاجز اولور اول
 دراک حش در یلور که عجز درک ادراک عقل خطی حقیقت ک خبری
 بولن عشق آرنده عین اثری وادی عشق بحر سجوری خانه عقل بت
 سموری غایت عشق نادانن آفرمهک عشق و برانن عشق قلوب اولور

اوله آنجا حال کرک عشق و دایتله اوله عاشقه آیت کرک عشق اصولنی آیت
 وصول بلور ارباب فضل الکفر عشق ستره اصحاب کسوف کرک اصحاب عقول الکفر
 بز سولیکر همین سوزم در و بزیم لفظ قر و او یکینه در عشق سکنیکر حلقه
 بر عاشق بهلوان کرک عشق سوزلی قوش دلیدر انکاسی کرک بزیم مقصود
 ذوق اوله آید در و بزیم مراد زار ایت اهلنی قدره در عشق محبوب
 سوزی دخی محبوب اولور عشق برطلوبه برینورون بقدر سگ مرفوع اولور
 عشق فقه سی بریک در مکر آید که دکت اولور عشق نقلی برینقدر جو فکینه
 جوش اولور عشق برکوزلد که لباسی باسی اولور د بقت عشق
 برعوس در که هر نه کید رسک بر شور عشق بر نکار در که نکار استا جین
 نقشه دزلسند عشق برست هر جمیع بنجانه لراک عشق یا بلند
 عشق بر شاد بر که هر بنجانه ده آنک بوی وار عشق بر حدیث در که هر
 صومعه آنک گفت دکوی وار عشق کنشد که هر زره ده عکس و تابی وار
 عشق بر آتش در که هر برده بنقله تابی وار عشق سوزلی بر نغمه عشق
 که هر ساز ده چلنور محبت جز لری سول تر غزلدر که مجموع کرده بز لور
 نی دلوک دلوک اولسندر دخی دکر چنگ سپر اولسندر هنوز اول او آزه
 کسز طنبوره ایکی قلبه نلم سولبر نی بانه و شوب بله الکفر نی بر آوازه در
 غنچه شمش نی بر بیچاره در فرقه دو شمش دشمس لورکی بور کلدر
 طنتش درونی چکر بر بفر نیستانه آید غنچه ناله ایدر یایوب بافتوب
 طور مزا کلدره یا بنجه در دی اولن بیلد یاز سماع ایدر طره بن اهل دلت

ای که اسبدر سن همین نام سماع
 هر سماعی صنفه کیم سنیطانی در
 کیم سماعی اولیا نکت منکر می
 هر سماعی انور دکت قربت در
 اوله زنده سوبله بلکل سن ریا
 هر دق و نی انوره ذاکر در
 اکثر سیک سن دخی کراول دلی
 کر یا بیلد او رسک دست دبا
 بی تکلف چون کله رد انمکل
 بو کدر کیم کور رسن بی خبر
 سن انکامغور اولوب آلد مغفل
 مرد معنی دامنن دوت مرد وار
 بو طربن پاک بازان خندا
 بو موکده بشقت بر مخمومی وار
 عالمی آشفته ایدر سودا سیدر
 حوشن بیلدر در خداوند خال
 جا اولور محبوبس زندان آیدر تن
 نی دل چون مرده جان ایدر

عشق با زارنده همکام سماع
 بل سماع اهل دل رحمانیدر
 راه حنک بلکه اولدر مدبری
 وجد حال و سر سر رحمت در
 بلکه آنور و اصلان کر یا
 بز لود لقا اهلن ظاهر در
 وار سماع او ر شکر عده بی منکلی
 سن اولور سن فاسق راه خدا
 کلمینه داخی هم جسد امکل
 کندوی طور مزقلور زیرو زبیر
 یا کروب اهلنه منکر اول مغفل
 اصل صورت آلد مسون زینهار
 بود کولدر راه چون بی جیا
 بو جوانک آوز که در لونی وار
 دلری جوته ویرن در یا سیدر
 نفس نادانه دکول لومی حلال
 مزع دل اولمش قفص انکا بدن
 جان تنده شوقله جنبان ایدر

در بیان عشق حقیقه

چون دم در دله اول آواز ادره
 اتم سن اندیشه طبع هوا
 عاشقانه ناله لرزیدن است
 فی کبی اول دایمانا لاسن
 بوسماع اولور عامت حالت اول
 نفس اولور بوجالیت سرنکون
 بوسماعی بل ویر نغمه سکون
 حقد و بخل و کین و خرم و حسد
 وافی آدمه اولان او صفا بد
 بوسماع آن کو کله در آریدر
 طور و غنچه سنی انده قور در
 کیمکه بویله اولیبوس قصد ایدر
 بلکه دین اول طرفین نقص ایدر
 عشق کاری بوجوب کار اولور
 عشق بازاری عزیز بازار اولور
 هر که عشق
 خبری اولور یکدن اچکدن خذری اولور
 هر کیم سخن عشق قابل اولور
 اهل دنیا صحبتی که زهر قاتل اولور
 کیمکه دعوی عشق و محبت ایدر قاضی
 وقت اذن الی شاه استر بری دل دایم مسنون زکرنده اولور
 بری کو کله مرام فکرنده اولور
 مادامک شاد لری بولمز سوزنه استماع اولور
 عشق بر چاشند که ربانیدر اغیار بی حق یولندن قور کدر و عشق
 بر جارب سجا نیدر کو کله آونی الله بچون سو پرورد عشق در دل حقد سزوار
 اندر عشق کو کله اگا یرار اندر
 دل خلق این اولور دل عاشق زین
 اولور اول اندر قان آرا سنده بوبین الا صبیحین دل عاشق اول اولور
 یکی عالمده بری اولور بود کول کیم بر کونست منور بی اولو عاشق کو کله

بر سر

بر سر اولور اچی بر لطایف اولور بلکه بر کعبه اولور عالم آنی طایف اولور عاشق
 کو کله عشق اولور ظاهرده برره بیه حوج استین انده بولور هر قند بیه
 اول نقطه که دایره وجوده ظاهر اولور و اول برید که صوابی حد و نده
 سیر اولور دل عاشق صادق اولور و قد انسان کامل اولور روح
 حیوانی دل خوننوک فصد سنوک سیل در روح نفسخ و فی اول خونده
 لغز سنوک سالی در اگر پاک دور ترسک کعبه رحما اولور و اگر زنی پاک
 اولر سگ خانه شیفا اولور نقش اغیار ده اگر پاک اولو تحت دل
 کشف الشبه انده هر مشک انسانه دد کلری دلد بر اوج کل و کول و کلر
 اولور کو کله بونی اکلمین کولدر منور سلطنت اعضا تن دل نامه تحریر نمند
 و برات ایا یوه باوشه بدن آدنه تقریر اولمند و جمع اعضا حیاتی اندن استمداد
 ایدر و جمع قوایه ارواح اول امداد ایدر استراحت اعضا بدن آنک
 حرکت دور و بر قاج کوه بقاء انسان آنک برکت دور دل بر پناه جوارح
 آنک رعیتی کو کله بر سلطانده حجاب طلو ملکتی
 ای اسپر در دنی دریا و دل غرقه در یابی نی پایان دل
 بلکه دلد ر مخزن اسرار حوج اولدر آسینه دینار حوج
 تزنگی کر پاک ایدر سگ بیگانه عکس انوار لزل اولور عیان
 دل ایمن یار کاه محمی دل اسکس کار کاهی آدمی
 روح قدسی همنشین در آنوک عقل کلی با سبایندر آنک
 نفسله جان آره سی اگا مقتر بیریسی مازر در بری بندر

کویا اولش روح آب و نفس خاک • بوکیدن علفش اول فرزند چاک
 کاه آب میل ایدوب لطف اولور • خاک اجندن کاه کنا قنبر بولور
 روز و سب کردان و بی آرام اولور • قلب لفظی اول سبیدن نام اولور
 کاه اش و کاه قرب و کاه عین • چرخ و نس کردنده بین الاصبین
 بر که دل در پسته طالب در ر • صد هزاران در معنی جیغتر
 هر که اکا دل معنی حاصل اولور • اول نمان صدرنده انک دل اولور
 شو که دل مخواسنی نادان اولور • دل دکول اول خانه شیطان اولور
 خانه دل معدن صدق و صفا • منظر انوار ذات کبریا
 دل در بل کاشف اسرار روح • دل در بل قابل امطار روح
 زهد و تقوی قربت و خوف رجا • اجتناب و صدق و احسان و دعا
 توبه و توحید و ایجا و یقین • هم نیت و هم ورع هم مهر و دین
 جمله سی و صاف دل در کرا نی • صاف ادب پاک ایدر سنگ سنی
 دل که دائم ذکر حق کار ایدر • اول آن مستغرق و بیزار ایدر
 دل ندر که آن اهل دل بلور آن بلین حق بلور جوهر شناس که هنوز خام در
 یا قوی صنور که سنگ رخام در
 دل دانه که کله در نشانی • طنز آنکه دانه جستانی
 دل اینجه جمال ساهی • محکوم او امر و نواهی
 هر کیم آجری پرده دل • پیدا اول صد هزاران مشکل
 هر مشکل اچون هزار معنی • هر معنیچون هزار دعوی

هر دو بچون هزار استنک • هر استنک اچون هزار استنک
 هر استنک اچون هزار مخور • اولدی بریسی حسین منصور
 الهی دل قدرنی بلند و ک قدری درختچون • الهی کو کل ار ندر نوک استنک کده
 هرستچون الهی سول عاشق و کک بوزی صوبچون که فضای جبر و تده بادیه
 محبت که دوستین آواره اولوب زلال وصال که مشنون و عطش کوزلر
 و سول مجنر و کک اباغی توریچون که صحای ملکو تده عشق که بریسی اچینه
 بچاره اولوتی تنک جذب سید فانه خیران اولوب بورر • سول بریسی فری و سنی
 جیچون که عشق خراباتنده اونورب اهل دل لطفیل اول حرمی سمور ایدر
 و اول ساتی با این نوک عشقچون که حق بیخانه سنده لعل لب مکسید باوه
 اچن بر نور ایدر الهی اول ساتی • هر نوک مسجون حسن اچینه اچون
 طره سنک عباچون سلم سوزلو و اینچون • سا جلم نوک نیکینچون
 زلفندکی سول خرم اچون کی سوسنده کی در هم اچون قدندنی راستلی اچون
 سوزندکی راستلی اچون که سیمو اله ناز اچون که لطفیل ناز اچون سول
 الهه کی جام عشق اول لعلندکی مدام عشقنه طالب و وصال که راعت اولین
 قولند که عشق بیکه سنده بر کوشده مقام و ازل تمدن بر جود می نام
 نصیب الی کیم تعین جنبه سن جغروب و شخف دستارن کید رب عزت
 نیاس جانک و سنک ملامدن بی بان مست و لا ابالی واره و عاشق بی قرار اول
 کج کوندر اول استانه دولت زیر اولیل و نه راول حرم عزنده مجاور اولر
 بر میدن نوش اندر که سبیل انک حضرت اده و بر قد حدن صون که جام

۹۷

جم انکار شک الله بر میدن ویر که عارض ساقی کبی تا بناک اولاد برقدن
صون که لبیری کبی صافی و پاک اولاد بر میدن ویر که جسم کبی دل انور اولاد
برقدن صون که لبیری و یوزی کبی روشن و خوب اولاد بر میدن ویر که
لفظی کبی عکسار اولاد برقدن صون که لعلی کبی آبرار اولاد بر میدن ویر که
وصلی کبی ترخ ز دای اولاد برقدن صون که جمال کبی فرخ فرای اولاد بر میدن
ویر که خدی کبی آتش دار اولاد برقدن صون که خونبار اولاد بر میدن ویر که
صفاده باقوت اولاد برقدن صون که اجنده جان قوت اولاد بر میدن
ویر که روح راحت و حضور اولاد برقدن صون که اجی طلون اولاد بر میدن
ویر که حیات بخش اولاد برقدن صون که دیده کتاده صفادار اولاد
بر میدن ویر که عصیر خوران بهشت اولاد برقدن صون که جام حیات
سرسنت اولاد بر میدن ویر که قطره سی آب حیوان اولاد برقدن صون
که ساقی حضرت ما اولاد

الای ساقی سیمین بنا کوسن بری صون جام زرین قبله نوم نوشن
کل ای ساقی مری و کل اندام کتور جامی کده دلد سر انجام
صون ای ساقی باقی بیزه ساغ که غم زهرینه سی تر پاک اکبر
چکر مسوم و می تر پاک آنوک حوش اولانی که میدر خاک آنوک
صون ای ساقی سن آب زندگانی که بولاد ز جیات جاودانی
صون ای ساقی بزه سن آب کینه دکونه آتشن آب کینه
شراب روح بخش جام زردن صونی ویر که کجا دز جانوسردن

ساقی نامه

صونی ویر جام جانی زنده اتکل دل از اینی ساکانه اتکل
صون آنی که نبستلر جا اول کهن بری فلور تازه جوان اول
فتی اول می که باقوت رواندر دل قوت و برن قوت رواندر
عجب قانی که اول اک اعظم که برین کبی اریبیه قلبدن غسم
بو غمدن نفس کل بنی سن حرامی صون حلال اولانی سن
صون ای ساقی طلور حیل اقداح که روح روح و راحت و بره اولراج
صون ای ساقی می کل نک کل بو ستوی کیم آدمی ایلم ملک حو
دلوک میراث جمدن در جو جام بخون ایده اول نشوز بر دم آرام
الای ساقی فل جانی معطر صونی ویر بر زلال خون کونر
شراب جام لعل حور عینی عصیره میوه خلد بر سین
الای ساقی صون جام الستی بولاد و دو جمانده تا که رستی
شراب جزبه لطف الهی که بزده قومیه مرکز منا حی
زهی دولت بیار روح و برنج شراب روح بخش و بره رضوان

ابیات

ای سبز ننگ و نامی بنوی بسته هتکام دام معنوی
صمدم آل سن الوکه جام عشق تا اولک سن است و بی آرام عشق
کرمم جان ابروی دوست جان و دل اولاد ای کوی دوست
ساقی کل جام افزوز و بر بلبله سن مزه نوزوز و بر
طلون باغ دلی خیران قل غذی جان سرگردان قل

عشق جانندن ستراب تاب بر
 تا اوله و ز صبر مست بلب
 جمله موزیک رنگ و یک دل اوله
 کز دستنی کو گلدن سلکه وز
 ای کو گل سن منزلی بالای قو
 ای نوامزد بپرستان عشق
 بو عدا بقدن مجر و پاک اول
 کو کبکی بغض کور اسن کوی بی
 دل که اولر سنغرق دینار دو
 تفرقه اول برده بل پیدا اولور
 بر کو گل که ایسی برین نلق اولور
 بر دل و بیگ آرزو مشکدر
 هر که بجز پدایچه اولر اول فرود
 پنج اول سن بنده فکره پای بند
 نولدک ای دل بود ترک دام قیل
 ای کل خندان اجل غل لاله وار
 راه عمدن کل کذر قیل برفسن
 بلبل کسبله وار هر از اول
 که کف حیات امیزی کور

کم سنون

کم سنونی بون مجندن بری
 سنون داروخانه اصل فنا
 سنون اولور عشق اهلکناک ناه
 عشق ب سنون اولور بولر اول کمال
 چون نسبی اول کلوک پیدا اولور
 لعل سنون قدن سنوکم برجام اولور
 هر کیموک کم طلوع جوهر معدنی
 هر محبت نظمی اجره ره بولور
 بو سعادت هر کیمی دو بیز اولور
 تیغ وحدت دار یعنی باره لر
 نسبی جولان کیمی اهل دلوک
 دیدی اولکم بو بولکندر فاضلی
 طالب اولور نهایت ناروا
 طالبی سالکان ره روان
 هر برسی عرسه بیلوسن ویر
 اهل قربت شوقنی ارتق بلور
 سابقای ویر که بوانه در
 الی عشقک میکنه بنده او تور ندرک
 اچندرک سدا سنون الی عشق خراباتنه بیتان افتاده لرای چون

منها

الهی محبت بریده سنده و دوشن پیاده رای چون الهی عاشق و دگت چکد کفری مبارک
الهی سنی سونه اینده کوک ابتلا رای چون الهی عشق اهلنک اواره لعینون
الهی در اهلنک بیچاره لعینون الهی عشق مستان نرک خیر لعینون الهی
محبت سیدارینک سرکردان لعینون الهی نفس غازی نرک پهلوان مقربا
حقیقون الهی دل بکس اهلنک سلطان مقربا حقیقون الهی وصلت اهلنک
امن و خلاصی حقیقون الهی ارادت قولنر و نکر اخلاصی حقیقون الهی سؤل
از می جانم و ک طهارت رای چون الهی سؤل بقن کو کلام و ک عازم رای چون الهی
جواهر مجرده نکر تجریدی حقیقون الهی ارواح مقدسه نکر تحمید لری
حقیقون الهی بنوس ذکبه نکر ذکا جبلت لری ایچون الهی ذوات
طیبه نکر صفا و طبعتم رای چون الهی حمد عشق قولنر رای چون الهی مدائیکه
فکرک سطون لری ایچون الهی جبریلوک امانتی حقیقون الهی عزرا اهلنک
اطاعتی حقیقون الهی بیگایک عدل لری مضموری حقیقون الهی اسرافینک
نفع صوری حقیقون الهی سؤل معنکفان صوامع برین و ستاج جامع
علیتین و ستر زمره بیت سمور و حوزه سرای بر نور و ساکن
رواق و نه طاق و مقیمان تقاسیم از اوق عمارت کنان کینه خضر
و صفا داد کان بسیط عبرا و کار گزاران فالمتما حد مت لری حقیقون
الهی زمره انبیا به اندک تقظیم حقیقون الهی جمله اولیا به اندک کونکر حقیقون
الهی سؤل سلطی دیوان رسالت و اول لیجان دیوان مهامت قافلای سلاطین
کاروان تحیق و اول چاپک سوار میدان توفیق و اول خواجه کسور کایت

اول دیباجه دفتر موجود ذات حضرت رسالتنوک روح مطهر نوک صفا
اول جناب جدانوک روان منور نوک صفا ایچون سنع ابر سنده چکد ک
زمن حقیقون و تبلیغ امرنده کوردک محنت حقیقون اول ذات مکر نوک
کرامیم کرامایچون و اول رسول عظموک بجز ایچون سؤل التنده غی نوزینتی
ایچون سؤل ارتنده غی خاتم فتوحون ستر عینده بوزین احکام ربانیه
شریه حقیقون و طریقتنده حاصل اول کلمات انسانیه لطینه حقیقون
چار بار نوک هر ستر ایچون و جمیع انوک و اصحابنک عزتم رای چون الکا
نازل اول فران حقیقون و اول قران اول ایچون بوالک قولنر نکر
ایمانی کرمکن در ستر کجور و بوجوب یوغ اول اخلاص لری لطیفک همه کجور
کجور انعام اند و کت ایمان لطیف اید و بن دایم ایله و نیاده اند و کت
اصانده و اخی قائم ایله ارباب و کت هر وقت کول کوز لری سوسن ایله
و اصحاب یقینوک هر سؤل خانه لری کلتن ایله مردم و مارینی دموکلر
زند طوط و هر نفس وجود لری وجود کله تا بنده طوط هر طفا و لرون
در دنگ صفا ده قتل و دایما ذات لری فنادن صکره بقاده قتل الهی بویغ
بنده لره وقت سندن الهی بوحه کولکله صحت سندن الهی بو آدم
او غلنی مسکین بیچر اسوک کما و غلامغه هنوز بستک لیکنک اسه
منکک بپر لک اسه سستک و اگر ارج اولا دیوانه اولور و اگر طوق
اولا بیگانه اولور و اگر ابرسه بر جیفه و مرار اولور و اگر اویوق
اولور بجز و بی مقدار اولور بجز همی قریبی صنف دایم مقارنی

- و اگر معرفت چنانچه خطاب کاور که
- و اگر عبادت دور است نه اندر که
- و اگر شفاعت طینت فداغه بتینور که
- و اگر صبح مقید اولسه تندید اولور که
- و اگر زن استرسه دنور که
- و اگر کور ملک استسه عتاب اولور که
- و اگر ملک استسه خطاب اولور که

فی الجملة آدم او غلبتک منعیف بیچاره لکنی ملک استینه عبرت سحر نه مسخر
اولو کرک که کم آدمک زار یعنی کوره و عشق کوبه قدم بصن کرک که
نوحک نوحسن اینده خلت اقلینه خلیل اولو کرک که ابراهیم کرک
اکله و سن الکلیه و حضرت ملکته والی اولو کرک که یعقوبک اغلغن
دکلیه صد جاهنه و بزار نداننه کرفقار اولو کرک که یوسف نه چکده غن
بله امر مودف و نهی منکر خد متنده قابم اولو کرک که زکریا و عیسی نه
کور دکن کوره نفر غن نه غز انک کرک موسی ناک بداسی معلوم
و هم وجود نه عداوت انک کرک که عیسایک ابتداسی مفهوم اولانفس
بتنی صنق کرک که محمد م نه چکده و کن بلاسن کوکل کعبسن ارمق
کرک که احمد ز کور دکن کوره سن الی بزوم و لزرک نه طاقنی و اگر
سنک و صفک دیو بلادون الی بزوم بلوزک نه مرتبی وار که سنک
زانکرک ملی بدوز الی سن اولی بنارسن که هزاران هزار عاریق

اسرارنا الحق عشقک شخه سی منصور وارفا فاسنده بدوارنه
اصمدر و صد هزاران عاشق جمال مطلق سقوقک جنادی مجرم صفت
انتظار ز نداننده حشر تیغ بلندن چکدر ای پنج مسالک سلکونه
سالک اولو دیوانه و ش کوکل که فیو دسلسل تمنای وصالو کلمه
بغنیف دره ای پنج انوار لاهوتی طالب اولو پروانه صفت جانکر که
سقله استیناق سنج جالو کله یا مندر در ای جمال که جلالو ک عاشقی
جمالک ای ذوالجمال که جالو ک مندرج جلالو ک ای مطلوب که کنه
سن طالب کمالک ای محبوب که کنه سن محبت جلالو ک ای معشوق که
کنه سن عاشق انوار ذاتو ک و ای معقود که کنه سن قاصد اظهار
ای معبود که بزه قوللق اندرن که کنه سن ای مجود که بزنی سجوده
کتورن کنه سنس ای مذکور که ذکر و ک اندرن کنه سنس ای
مشکور که شکر و ک اندرن کنه سنس الی کوکل سهرنده و محبت
افق اعدا و سن با با ایلد الی دل صحر سنده مودت برقی اجتنیدن
سن در صفا ایلد صفا بخورنی جان مجر سنده سن تیز و در الی وفا
بیشینی محبت شجره سندن سن بتندر الی سنک عرشک کوکل کلمات
جنت بوستانی و کول الی سنک سرایت دل خانه سیدر بهست
ایوانی و کل الی کوکل ملکته غزیم نه یار و نه غمخوار الی دل اقلیمده و ا
نه مولس نه دلدار الی شول عاشق و کل هر مستجون که ز ولیده مویا کرد
آود اولوب صحای ضیر تدبه بی خود و ضیران کز لرزه و شول مجنورک غزینجه

که ز رویان غنم اند و داو لوب بوادی استیفاقه مد اوس سر کرد
 اولوب یوردره سول عابد لوبک سعادتی بچون که ساد مد سحر کن
 سحری کوزلر ز چار و سول زاهد لوبک که امتیاز بچون که لیل و نهار نهمانی
 قهر ایلیون مراد لردن کچوردره لوم ال ستم که خیرت دکننده غنم بقیوم مد
 ایت که غیرت او دود و بقیوم بلغم نیلیم ز چاره قلم ماک لیبس جیاتنی باره
 باره قلم الی بنم در و نه نهایت یوق الی بنم اعلمه غایت یوق
 الی بکا چاره ایت بیچاره قدم الی بکا مد و ایت آواره قدم یاری
 ای مونس غمخواره کان چاره ایت ای بیچاره بیچاره الی قیو کده غیری
 وار جفوم یوق الی سندن غیری یور جفوم یوق الی نوم و قنده لوم
 طوت الی طینا جوی برده قولوم دوت الی عاقبت و قنده خوش حال
 ایت الی روحی ذکر و کلام الی کللی فکر و کلام الی اول و مدده و سیه
 یول و برمه الی اول خینه کولکله ریاضت کوزمه الی نزع و قنده ایما
 اینس ایت الی قورق و منزه اما فی جلیس الی آخر نفعه قرانی
 قرین ایت الی منکر و نیکر بلا سندن امین ایت الی اول و مدده جندی
 بندن ارمنه الی سول و مدده که سمدون بر دم قله الی سول و قنده
 که آفت بر قدم قله سول سعادت که نفس نرسون بر نفس قلم و سول
 لحظ که مزعج جا قفسندن او جمع اوس قله سبط سلطوک منظر سندن
 سن صفت و ابلیب بلیدک تلبسات لموه سندن سن بکله سول و قنده
 کسرا بچنج در حواس تند با و تبا هی قوت ایله منزله و طاهر

طاق سرای وجوده صواعق سکر ات مفر زاید متخائل اول عقل و زان اول کندن
 قلوب خیره اوله و بصیرت فکر کور مکن قلوب تیره اوله جمیع باران هم
 یار یلقدن و نمبله حریف محرم غمخوار لردن قلوب عاجز اولار سن لطفکدن
 مدد ارسند و کر مکن غنایت یسند و توفیقک رفیق ایله و غنایتونک
 سفینق ایله هدایتونک بدرقه سنی دلایل و رحمتونک زلالی سبیل ایت الی سول
 زمان که سببها جان رک بخت قلبا استایدوب تفرق ایدن سندن
 مغزول و سلا خطه احوال اخرویتیه مسفول اولان خاتم ایمانی نوشته قدرتونک
 و نکلین حکمتونک در دست دیولین و تفرق سبطان رحیم دن سن صبا
 ایت الی اول نسنده ایمانی بندن ابرمه الی تصدیق سنی حکم ایت
 الی ایمانم خانه سنی مستحکم ایت الی جانومی چنا بو که خوش و عدا بقدن پاک
 ایت الی روحی حضرتونک خوب اعتقاد و صحیح ادراک ایت

مناجات

الا ای نام بخش نامداران • کدای در کهو کدر سته باران
 جها مستغفون در یای جودک • دو عالم صورت و معنی وجودک
 خداوند زمین و آسمان سن • تن و جان آفرین و انس و جان سن
 جواغ آسمان سندن منور • دماغ روح لطفکله معطر
 رفیق و همدم در استکان سن • سفینق و مرهم دلخشان سن
 غم و دنا دینی عالم جلد سندن • جها ریند مرم هم جلد سندن
 اقور مددزه دایم محمد ولی عهد • لک الت سبیح و التقدیس و الحمد
 کر که صنعتکله هیچ الت و ساز • کلامکده بولنم حرف و آواز

نه ساکنان و خورشید و سپهرند
 نه ساکنان و خورشید و سپهرند
 جفای سن بر تکرار کرم
 جفای سن بر تکرار کرم
 اگر بر موره و بر سنگ ملک چشمند
 اگر بر موره و بر سنگ ملک چشمند
 اگر بر ماره و بر سنگ کبج قارون
 اگر بر ماره و بر سنگ کبج قارون
 نولابن تو که اشک غایت
 نولابن تو که اشک غایت
 نه نفق عینه مملکت بنا کت
 نه نفق عینه مملکت بنا کت
 بن اول محروم و مسکین و ضعیفم
 بن اول محروم و مسکین و ضعیفم
 دن و کون در دوران سبتم
 دن و کون در دوران سبتم
 بلوم غایت اوزاق بن سبتم
 بلوم غایت اوزاق بن سبتم
 جیح بر نور و جیح اولدی نارمک
 جیح بر نور و جیح اولدی نارمک
 اکونده آینه نور بصر یون
 اکونده آینه نور بصر یون
 مشام بسته و عالم طلوسک
 مشام بسته و عالم طلوسک
 هوا فرمان ده دل لی کفایت
 هوا فرمان ده دل لی کفایت
 کورنم حاصلم ال اندامت
 کورنم حاصلم ال اندامت
 بوغ امدا بنده طاعت دن بضا
 بوغ امدا بنده طاعت دن بضا
 بن اول کلم که حاشا که دکنز
 بن اول کلم که حاشا که دکنز
 بن اول میستم که غفلت جانم
 بن اول میستم که غفلت جانم
 ایا دانای اسرار نما بر
 ایا دانای اسرار نما بر
 خردیار نیناز اشک ریزان
 خردیار نیناز اشک ریزان

نه ساکنان در روز مندان
 نه ساکنان در روز مندان
 کرم قتل جا کوزی آچی ویر کل
 کرم قتل جا کوزی آچی ویر کل
 بنی سرمه الهی سن چتو کندن
 بنی سرمه الهی سن چتو کندن
 بکا هر نه قتلور سکت بن سزاوار
 بکا هر نه قتلور سکت بن سزاوار
 وجود و مک منالی نی چون اول
 وجود و مک منالی نی چون اول
 قودک کجینت عرفان دلومه
 قودک کجینت عرفان دلومه
 غنایت ایلیوب اندک مقدر
 غنایت ایلیوب اندک مقدر
 سنک لطفکدن ابدون بن آتیز
 سنک لطفکدن ابدون بن آتیز
 جوس ویردک چراغ عقله نور
 جوس ویردک چراغ عقله نور
 چراغ عقله بقدرک چونک سالف
 چراغ عقله بقدرک چونک سالف
 اولانا بنده اولد قی صیامت
 اولانا بنده اولد قی صیامت
 هوای دل چو طوزه کردنومی
 هوای دل چو طوزه کردنومی
 الهی یا مینه عسر بلندایت
 الهی یا مینه عسر بلندایت
 بنی سن حضرتو کت قتل بکانه
 بنی سن حضرتو کت قتل بکانه
 بنی سبیرانه نفس روز مندایت
 بنی سبیرانه نفس روز مندایت
 بکا بول کوسته بو بر یولده قلم
 بکا بول کوسته بو بر یولده قلم
 بنی تشنه اندی بو تیب سلاهی
 بنی تشنه اندی بو تیب سلاهی
 بنی بو نشیندن جدا قتل
 بنی بو نشیندن جدا قتل
 دیار قدس ایچینده خانه ویر کل
 دیار قدس ایچینده خانه ویر کل

دوا فریبی در دستندان
 دوا فریبی در دستندان
 کرم قتل رحمت ابن ساجی ویر کل
 کرم قتل رحمت ابن ساجی ویر کل
 بنی ردا تته باریب حضرت کندن
 بنی ردا تته باریب حضرت کندن
 ولی لطفو که کوره ایلیسن کار
 ولی لطفو که کوره ایلیسن کار
 کرم تو قیصیل اندک سبیل
 کرم تو قیصیل اندک سبیل
 کلید کبج ایمانی الویده
 کلید کبج ایمانی الویده
 که تو صیدک دله اولدی سیر
 که تو صیدک دله اولدی سیر
 که انما یس آخر بنی نو میزند
 که انما یس آخر بنی نو میزند
 که بندن عطا کی ایله مردور
 که بندن عطا کی ایله مردور
 سفن کم ایرمیه باد مخالف
 سفن کم ایرمیه باد مخالف
 که روشن ایله راه بخاتم
 که روشن ایله راه بخاتم
 بکا عون ایت توانا ایت تنومی
 بکا عون ایت توانا ایت تنومی
 دل و جا خلفه سنی سا که بندایت
 دل و جا خلفه سنی سا که بندایت
 بنی بندن اراغ ایت جاودانه
 بنی بندن اراغ ایت جاودانه
 بنم بیخنده اول کلیدی کزندایت
 بنم بیخنده اول کلیدی کزندایت
 الوم ال کم بنوم در مانده قلم
 الوم ال کم بنوم در مانده قلم
 صونویر آب دریای الاهی
 صونویر آب دریای الاهی
 دل و جا کلینده احسن قتل
 دل و جا کلینده احسن قتل
 اول اقلیمه بکا کسانه ویر کل
 اول اقلیمه بکا کسانه ویر کل

اگر مستم و کره ستمیارم . الهی لطف که انبند و ارم .
 دلومی قلعه خرسیدین آیت . روانم تو کلب برج یقین آیت .
 گلونی محرم اسرار ایله . وجودم مشرق انوارک ایله .
 قناعته تنومی زنده دل طوط . مزاجم طاعتکله معتدل طوط .
 حقیقت خار سندن کوشه دیر کل . طریقت آرزندن نونه دیر کل .
 چراغم یوق که تاریک اولدی راحم . الوم طوطقل که غرق اندی کنایم .
 درونم نور کیم روشن ایله . دلومی ذکر کتیب کلشن ایله .
 و کسدر کل بو اخلاق و صفاتی . یوغل دلدن بونقش کانیاتی .
 الهی واقف اسرار سنسن . شفا بخش دل بیمار سنسن .
 الهی اولدن توفیق سندن . بوجان ایرلندن تحقیق سندن .
 سزده نفع سندن که قاله برهه . ارشد رحمتکدن با که بر مو .
 الهی بوا مینه سن و نفاقل . بنی سن حضرت تو که آشنا قل .
 هدایت شمعنی کوکلده یاندر . بو غفلت ایچو سندن سن او یاندر .
 ذله ذکر و کله طبیعت قیل و عاوت . که آفر دمه اولم بن سعادت .
 شفا و تده ز با نم سن روان آیت . بدن ایر یلجی زنده روان آیت .
 هدایت نورنی جان و دلیل آیت . غنایت رهبرن هادی السبیل آیت .
 کوکل ویر کم اولا ذکر کله معمور . درون ویر کم اولا سئو قنکله پر نور .
 دماغ درد مند و دوا آیت . دوامی خاک پای مصطفی آیت .
 نه عذر ایدم که بی حد و کنا هم . هر کیم لطفک اولا عذر خواهم .

کوک

کوک که وار غنایتدن براتی . بلور غوغای مستوده نجاتی .
 چوس سگدک بنم اولده خاکم . چوس نوح ابلدک بوروح باکم .
 کده لطفیله الغل حضرت نو که . کده طهارت هم سن قوتو که .

بعد تسبیح ذوالجمال . و تقدیس لایزال . و حمد حضرت واجب الوجود و نثار .
 جناب قابض ایچر و وجود . بعد قطرات غمام . و اناس نام . و وقایع حاکمات .
 فکلی و عقودت سبحات ملکی . و تقداد خصوصیت ذرات . و تقاضا صیقل اشخاص .
 موجودات . صد هزاران هزار شریف صلوة صلوات طیبات که آنک .
 برسته رایحه سی مایه بخش رواج عبز بویان . و لطائف تحفه تحیات نایبات .
 ذکایات که آنوک طیب نفیسی قوت دل و قوت جان اولا و ضیوف .
 جواهر زو اهرن سلیمات که نغور صبح کاملانی دین کبی خندان و ظهور بتایم .
 سادمان یقین کبی تابان رای عافیت کبی صافی و روشن . و الفاظ دلبران .
 کبی موزون و مزین اولا . و الواف غزدر . و دعوات که آنک اخلاصی .
 دز نکر مسالکند کز دریا و بوی تکلف ابر شمس اولا . و صفات مشابیه کله .
 مشابعه خاشاک نفاق و شبایه لغت قشمت اولا . جمیع انبیا و مرسلین .
 و زمره اصحاب نواب امین اولین و آخرین یعنی حاکمیان حرم جلال . و حرمات .
 حرم وصال عند لیسان باغ سبوحی . و طهارت چمن قدوسی سکنای .
 نبوت و سر مست شرب خلقت . سالیحا بیبای قدمم نوش کنان در بایکم .
 حقه بوش صبغه الله باده نوش فطره الله . عارفان معارف بانی .

صبح در عالم صلی الله علیه
 و سلم

خازنان اسرار سبحانی طائفه سنگ ذوات مظنه وارواح مقدره لرزه نثار
 و قدی اولکم هر بری بنوت صد رنگ مخری و رسالت سر برنگ سرور
 اولوب یتیم صندالند پنج از ستری بولادالالت ایدوب و بولادی بخت
 آنج بلزای حقه هدایت التشر در هر بری جان ولایتونک شاهی و کولکل
 کونک ماهی عشق خانه سنوک چراغی و صفا نفا سنوک باغی اولغی
 جصل طلسنوک صفا سی دل سنک صفا سی صدر صند سنک صفا سی سینه
 سر برنگ شناسی حقیقت بزرگ در پی طریقت خاتنک مخری بخت
 عالک نوری توفیق بهار نونک نوری حکمت میثم نیک آفتاب
 معرفت چچک نیک ماهتابی دین اهلنک طریق عالم خلقنک شفیق بخت
 بولنک دلیل حقه کید نونک سبیل محبت سلطانک یعنی عصمت خزان
 سنک امینی علم کوهر نیک معدنی و می جوهر نیک محرنی حقایق دوه
 طوطسی و قایق چشونک طوبی سی سعادت جبه سنک درازی سیادت
 سر برنگ سر فرازی کولکل و جاقوش نیک شهبازی جوهر خلقنک
 کار سازی شفاعت اوینوک دیواری امین سهر نیک حصار غزاقینک
 شاهی و دولت ملکونک پادشاهی یکی عالمک سلطان یکی جهانک کارانی
 در صلوات الله و سلامه علیهم

خصوصاً بجز نده سول بدی ارباب شریعت ظاهره و اصحاب طریقت باجه
 هفت آسمان عالم رسالت و هفت ستاره آسمان جلالت هفت دریای توحید
 و هفت دریای توحید و هفت آندیم تفرید هفت بحر آشنایی و هفت

چینه آشنایی هفت بلبل کلت سرع دین هفت طوطی بوستا علم یقین هفت
 صفت صدق و صفا و هفت آسمان مخری و هفت خبر دار اخبار ملکوت
 و هفت رسالت دار عالم جبروت هفت مقننای عالم و هفت مرضا شی
 آدم هفت دلیل راه کم کردگان و هفت قلا و زقلا فلکهای مانده کان
 هفت شمع کینه خضرا و هفت چراغ بزمگاه معدن
 از لکسی ابوالبت اصل سلسله دانست بنیاد بنا آدین
 مسجد مدینه مقربین مصیبت لغات اولین و آخرین تابع سر بر عالم آسمان
 موفق بدرقه جامع مکارم مکر تات واضع محاسن سه مشرف شریف
 فاتح ابواب توبه جالسین ساطق فریه
 مبتدایه چاه توبه منظر صورت رحمان باعت لغت سبطا منظر بدایع
 معتم صنایع بانی بنی شریعت رهبر کاروان طریقت سب تکلیف تکلفین
 واسطه وجود رحمة للعالمین اذل نبی حضرت آدم صنی صلی الله علیه و آله
 زوجه و اولاده و اصفا و الصالحین

تا ابد اعجوبه عالم او در ر • اصل کرمنای آدم او در ر •
 مرکز دنیا و دین مطلق او در ر • نقطه عالم صنی صوح او در ر •
 برده کوه جبهه لشم آنک جسم و جان خود و کل یک آنک
 آدم در که عالمه محبت بناسی او ر لادن و مودت
 قاعده سی دو سندن ناکا با دین بیدای خاک و زاویه مقاسره
 تقالیدن بر عاشق بیاده رووک دوه روی و بر محبت پار هفت

بیست ارم علیه السلام

و آستفته موی مه اندام آدم نام وجود کلوب محبت است حکم و شوق
 قاعده سنی است حکم ابوب ارواح ملاء اعلا به ولوله و ساکنان بست
 بالا به خلفه بر غروب هر جانبدن اعداء و هر طرفدن رقبا بلورب محبت
 علمی و عشق سلطانک خدم و خشنی طاهر اولوب آدم آراوه محبت عاشق
 و بار صادق بی خانه و خانان آواره و سرگردان اولوب کز روی
 اگر عشقه ترک ملک کر که سکر جننی بر جوه مندی و اگر محبت مجلیک
 کر که لب بوی حوری قصور عیال طوتدی کردوست بی قرار کر که بهشت
 کردی کون دو نمذین چندی اگر عشق اری بی سر و بار وان کر که
 اوچ یوزیل شرق و غرب میاق کز روی و اگر محبت مردنه کوز باشی روان
 کر که اوچ یوزیل بر یوزنده طور مدی اعدای محبت بر با با صلح
 که اون سکر بیک مالک مری شسته بر ذره در و عشقه بر جوش
 و بر روی که جمیع جهان عالمک محبتی آنک عشقی جانندن بر قطره در چون قطره
 یوز پاشنه اردی حو امر به عمر آخر اولدی حو جل و عدا تا حشره دکن مهر
 و وصلته و نیاز نمشوک و فرقه عشق لذت شوک سکر توانی آنک روی
 روانه و اصل قلوب تا قیامت دکن مهر عشق اهلک اناس آه التودعه در بجه مهر
 در داهلنوک آه جگر سوزی صفتی صدوات و طبقات و تسکیم نامیات زکیات
 که در اوچ عبیری و عجز بهشت کبی مسک بود و معجزه و فواج نسیم عجز بهشت
 سرست کبی خوش طبع اوله اوله و ابلاغ ابده
 الحی می صاحب المعراج و المقامات و صدر نشین سر بر

معنی درسی علی
 السلام

سموات متفنن قوانین دین واضح معالم یقین بانی سراسر معجزه
 فرخ بنحنه مدینه قدس کتخدای خانه اسن حد قدس سبیا امیر و کز بیان
 امام حکمت علمی و عملی استاد و معارف حقیقی و جدل سالک معراج سقا
 مقیم سما سیادت رسم شریعت و بینیه معلم علوم یقین واضح قوا
 هیت نجوم رامنر جنابای غرائب علوم محرم اسرار ربانی مطلع انوار
 سبحی مستکف بیت معمور و مجاور حرم سرور منظر حکم و معدن تدریس
 حضرت نبی الله در بس صلی الله علیه و علی آله و اصحابه
 در بس که پنجه بیلدر عالم ظاهره بدن بیوب اجوب بور یوب کزوب خلف
 تعلیم دین و ارسا و یقین ایدر کن عالم باطنده روحی بدن لباسی کدروب
 و تن پیکانی جعفر ابوح ملاء اعلا به و زمره مدانکه علی الممهور و معمور
 و دار سرور در سر و اولوب بر پنجه مدت ظاهره برده باطنده کز کده
 صورتده زمینده معینه آسمانده اولوب آخر که اوچ یوز سک و زنت
 ابروی و دنیا دن تمام اوصندی بدن دخی روضه فرین و تن و فی جنت
 اعلا ده مکن ایدوب تا ساعده دکن حیوانده و روز قیامت دکن صحنده
 اولوب بالفعل فرق سما و نمکن و عرسن حوارنده ساکن یکدن و اچکدن
 یکشن یورکدن و کز مکن طور مش سبب تبت صفاتن کد رمش و نفس مینانده
 آرمش بو عالم صورتی بر قش و بصورت کبانی جعفر مش لیل و نهار ارواح
 مقدسه تقدیس و تجیدده و هر لحظه نفوس سماویه ابله تسبیح و تحمیدده
 حق تعالی تسبیحده دایم و تحمیدنده مدام ایدوب تسبیح بر کائنات انواری

براهنه شامل و تجید ما ربیک فیضی بو عالم غنا صرہ سائیل اول
 او جینجی آدم نامی شیخ الانبیاء و قدوة
 الاصفیاء الباطنیة فی دعوة الدین و الجهاد فی اعلام الیقین المتصدق علیها الرقیب
 والمقام فی علل الطریقه معراج بر حیدر کتیباً در یابی تغزیدہ بنجاسفینہ
 نجات سازندہ کتبی حیات سبب اصیلاح خلق عالم واسطه بقا نسل آدم
 قره عین نجاح و عزه صنایح فلاح و افغ باران بلا رافع طوفی ابتداء مقبول
 استاذ حضرت و نجی جناب رب عزت صاحب المکاشفات والفتوح حضرت
 الله نوح صلی الله علیه وآله واصحابه
 فوح در که آنوک دعا بیل
 مدت دنیا و کندی و آنک وجود بیل نسل آدم کسمدی آنوک حیات بیل
 عالم بیل حیات و بر لیدی آنک بقا سید جهان بیل برات و بر لیدی نظام عالم
 آنوک بیل بقا بولدی باغ معراج وجود بیل بخت و ضیا بولدی بویج انبیا و
 اولیا آنوک وجود بولدی و بر بخت فطرتک طاعت سجود بولدی سب اولدی حق
 بولدی حد بلا جکدی دین بولنده نهایت سز جفا جکدی اول جکدی و کی رضی
 امتدنی کس جکدی اول کور کی محنتی قومندن کس کور مدی طغوز بوالقی
 بیل قومی اچنده طور دی اولقد کیم او مدی مع هذا که حکمتک موصوف
 و مع فک معروف ایری انبیا تک حکما سندن و بر سبب کس حکما سندن ایری
 احوکه عمری بیک درت یوزه اردی اجل انما دخی نیشدی حق جل و علا
 زحمت کوره اجر فی و بکسند کوره صفاسنی سیر ایدوب بقا سبب اولدی
 نسل آدمک عبادان عدد بوی و انتظامه باعت اولدی فی نظام عالمک حس

نوح علیه السلام

صاحب

صاحب آنوک اعمال دیوانه اولقد ر منوبات و آنوک محاسنی صحیفه اولقد
 حیات منصف قدا
 درو جی نیکس رابع و معدن نور ساطع صدر صنف نبوت و متنن
 قوانین فنون ابوالرسل العظام و جد الانبیا و الکرام نور کلستان
 سر دیوستان

مفتیای هر امت و مقبول هر ملت سالک مسالک تو حید مالک
 مالک تغزید مجاور حرم رحمانی محرم حرم سبحا مضاف صنف غیب
 کتبی خانی خانه لاریب بانی بناء صفا شرف دور و صفا مصطفی مخزن اسرار
 احمدی منبع انوار محمدی و افصح اسس قبله الاسلام عاصم خانه نبوت
 معتکف کعبه مدوت ساعی ساعی فنون سارب زمزم اخلاص جالس سباط
 خاص انخاص رافع برده ضلالت کاشف اسرار جلال متبنت خلق
 ارادت متمسک جبل سعادت خوان سالار خوان ربانی قسماً اذنا
 صدای مبتلای با بنی ان اری فی المنام انی اذ بکات فانظر ما اتری مبشر
 بنات الهی ابراهیم قد صنف الرزونا مکر تکرم کرامیم کرامات مشرف
 شریف بذا ایات بنات حلیم الذات کرم الصفات شریف الخلق رحیم
 الخلق عزیز الوجود منبع سما وجود واجب التمجیل و التکریم داعی انا دعوة
 ابراهیم محبوب الاولین و الاخرین فخر خاتم الانبیا و المرسلین جلیل الرحمن
 جلیل البرکات مظهر عزت و تعظیم بنی الله حضرت ابراهیم صلی الله علیه و علی آله
 واصحابه افضل الصلوات واکمل التحیات

ابراهیم علیه السلام

ابراهیم در که عالم تبلر طولی کن و جهان شکر قبلت کن هر دیر تبلر که سخن
و عالی و هر کلیب صملمه مزین و خالی هر طایفه بر بت معبود و هر قوم بر شی
مسجود بر امت برلات و غزنی و هر ملت بر سبل اعلیٰ اذ نوب
جهان یوزنی ظلمت ضلالت و عالم اجیبی فسادت جهالت و دوشکن
ناگاه نمیش روح عالم اراسی و مهر و جور جهان زیبا سی توحید افقندن
ظالم و قدس مطلقند لامع اولوب عالمه یکی صفا و جمانه بهجت و نیا
و یروب عالم یوزنی حرم خندان و جهان کنه تازه کلک است ایدوب معرفت
چچکرا آیدوب و حکمت پیشانی بنوب جا روضه سی مزین و کوکل حرم
باغ گلشن اولوب دل خانه سینی هوا تبلر نزن آردوب و کوکل حرم سینی نخواست
صملمه نزن تور دوب عالمه توحید سلوک ذاتی پیدا دارست و تبدیل صفای
هویز ایلدوب دنیای توحید نورنی صجدی و جهان هدایت قفلنی آیدوب
بنوت کجمن معدن اولدی فتوت کوه هرنه محزون اولدی غیب سافه لر نه
برضیافت خانه دزدی که اولین و آخرین اول خوانوک نوا استنک
کداسی در و دین اهلنه بر عبادت خانه پیدی که تا حشر دکن جهان فغانده
آنوک صیت و صدانی در چون عمر یوز طقتن یا سینه بتدی و زنی
جوارنه رحمت اندی صحتی اجونی منکوره و عدلن ما جور ایدوب تا قیامت
دکن کعبورن جماعتی هر قلی صفتی صلوات نامبیا که طیب نایج ازهار
قدسیا و فواج رواج رو جانبل حوش بو اولا و اول حرمده اولاقربا
هر توبی عد و کج تحیات زکات که بهجت و بهاء کلک روضه صفا و همس فایله

مملو اولانک روح مملونه و روان منورنه و اصل و متواصل اولا

موسی علیه السلام

بسنجشی منقر الانبیاء و سیدالصفیاء و صاحب
الشریفة العا هرة و مبین الطریقه الباهره معدن عجایب معجزات و منبع غایب
کرامات مظهر اول کتب اربعه و مظهر آیات مستور شده مقتدای جمیع انبیاء
عظام و متبوع زمره اولیاء کرام غالب فرعون ظاهر و باطن مالک قبطیا
پیدا و کامن قاید کور و حاینا محضر عسکر اسرائیلیا مهدی مادی نور مخصوص
خطاب طوره متاض ریاضت خانه توحید مختار میقات معانی تجرید سالک
مسالک یقین شیخ خلوت خانه اربعین صدر نشین سر بر جدالت
مادی جبار ای تبه ضلالت مطلع لوا مع انوار مطلع غواص اسرار
جامع علم و تقوی مشرف من سلوی جسته زلال تحقیق رفیق حفر
طریق مجمع طرایق مذاهب منبع دوازده مشارب کلیم الرحمن حضرت
موسی بن عمران صلوات الله و سلامه علیه و علی آله و اصحابه
موسی که دلقه مصر نده نفس فرعون سلطه و کوکل سهنده هوانبیطیری
نکبت اولوب روح عسکری بنی اسرائیل دار اول فرعونه مقهور و جالسکری
قوم موسی کبی اول مجبور اولوب دل تحکامی مقرب سبیطین و کوکل بارکاهی
نزل مداین جان صحراستی ظلمات غوایت دوش و سینه قضا سینه
قضاوت جهالت دولمش ناگاه بنجره و محبتدن عشق ناری بلورب
و نده سب خبر تده رحمت اناری کوز کوب صحتی جل و عل بر زات
و بر روح منورنی که کوی شجیع قدسیا و تهریه قوم روحانیانده برینجه طایفه

تربیت بولش اولاد عالمک اصدا می و جهانک خلقک توفیق و دینوک
 تحقیق چون خطاب تکرم الکریم و خلعت رسالت معظم طغزایات
 قاهره و نتیجه دانی مجرات ظاهره ایله مؤتید ایدوب عالم بر آفتاب صمدی
 که بیخه بلخه بوزن هدایت نور لر بله منور اندی و جلال بر ما هتاب بر قوی
 که ساهان تربیت کلت نانی حکمت ججکری اللمنور اندی دل خانه سنی کلن
 و کونل صحیحی روشن جان شهرینی مهور و روح عسکر منصور اندی
 بر بنی اولد که بیخه بیک انبیا اکامت اولدی و بر دین کتوردی که بیخه بیک
 شرع و ملت اولدی چون یوز کریم اوج بهنشدی دار فنادن مغرب قایه
 کندی صونع جمیع اکامت اولنر صغینو شریف صلوة که ازهار حدایع
 باغ انس کج او جدل اوجه حسن بها اولد انک روح لطیف و جاشرفینه
 و اصل قلوب تا قیامت دکن اربعین موسی ده خلوت ادن اهل الله حقم کتوردی
 از کار بی عد و بجز سلام و انفاس تقدا دج تعظیم و اکرام جنت فرود
 انکا احسان و انعام اید

کتاب التوحید

عیسی علیه السلام

التوحید بنی معظم و رسول معظم فخر نفس رحمانی و مظهر الطاف سبحانی
 زبده ارباب تجرید و صفا عمده اصحاب توحید فنا و افصح معالم شریعت
 مرشد مسالک طریقت با لانتین فلک اقبال صدرتین آسمان جلال
 کل کلزار نبوت سکونده باغ فتوت صحیح کنند مومنانی منقالت
 حیوة بخشنده اموات جهالت بلبل سیرین زبان و سخن بشهد طوطی نفس
 طولیت و محمد مستراحمده و مصدق موسی مشرف شریف ان سلسله

قلب

قلب دایره فلک تجرید محو منطقه اسم تفرید روح الله مکرم حضرت
 عیسی بن مریم علیه و علی له حواره و اصحاب شریف الصلوة و کرام التختات
 عیسی در که جهانی ظلمت کفر و دین شکن و عالمه شریعت
 موسی سستین مسکن خلق طربوح صدق عدول و عالم وادی جهاننده قبول
 اعلام شرع منکس و آثار دین مندرس تم توفیق کسوف و بدر تحقیق
 شمع هدایت منطقی و شرع موسی فخرت اولوب منقالت مرضی فراط ایدوب
 و غوایط فساد لری حدون استوب جهالت المری جهان طوبت و فسادت
 و المری قبلیوب خلق صورت اصحابه مرضی و زنی اصحابه موتی اولمشکن
 ناکا رحمت نسبی اسوب و عنایت هادسی اروب صون جلال از عظم
 سلطان کند و لطف عظیم و خلق کریمیدن بد قدرت و عین حکمت امر استیجا
 و فخر سبحانی واسط سبله رحم بر بدن انا سوز بردات مکرم و بر روح
 محترم وجوده کتوردی کیم هر نفسی نفس صون و هر قول حکم مطلق عواقب
 بد نیدن مغز او عدایع هیولانندن مبراتن صفاتندن خالی و جوامع فیل
 مالی دمی حیوة بخشنده دستی صحیح کنند هم جهل و هم طبیعت مشرانی
 محیی و اولد ایکندن اولان مرضلورن مینجی کند و سی طیب القلوب
 و اکشاج و شرعی حیاة النورس و الارواح اولوب بر بیخه بلخه بر یوزنده
 هدایت و بیخه مدت از مسکری حقه دلالت اندی عالم بزمردی یکی نوبهار
 و جهان کمنه تازه لاله زار اندی قلوب صفا و بر دی ابدانه شفا و بر دی
 آخر روحی بد نندن غالب اولد و جانی سماه طالب اولد پس قدرت لایزاله

وحکمت ذوالجمال له بدن دخی بلالیدی و تنی دخی اویدردی شدی برین
 علاده در تنیله سماوه در هنوز او لمشدر قیامت دکن اولمز و پوسوک
 مفاصلی بلندن بفری اکثره و کنه قیامتدن اوک بو شریعت او زر نه انکه کت
 و شریعت احمده و لالت انکه کرک و دجال لعین اولدرسه کرک و عالی
 عدله دولدرسه کرک صلیبهری نسه کرک و کاسار بقسه کرک بر یوزنده
 دینی براتسه کرک و جمیع شریعتی بر کدرسه کرک حق تبارک و تعالی انک
 اولده و آخوره سعینوک اوجون و عملنوک تزید چون قیامت دکن کلن نفوس
 عددی صلوات شریفه که طیب نسیم شراب ارغوانی جنات کبی حوشن بوی
 و جافز اولاد و حسن سماع نغمت ارغوانی سماوات کبی طرب بخش و دل کتا
 اولاد و هر برینوک انفس صابنجی جنات لطیفه که لذت ترقح بهو نسیم
 استجاب بخت کبی روح افزا و حیوة داد و ذوق تصوع نغمت ازهار غیر
 سرست کبی صفا بخش و دل ابا و اولاد نسنده آنوک رودنه و اصل قدا
 و قیامت دکن آنوک وجودی بر کاتنوک آثارنی و روحی اشراقانوک انوارنی
 سکان ارضین و اقالیم روی زمین او زرنده اکسوک امیتوب دایما
 ارباب تو صید مددندن استمداد و اصحاب بجزید همشندن استمداد متوال
 قابض اولاد بحرمه محمد واله واصحابه

حضرت فاطمه علیها السلام
 و علیها السلام

بدیجنتی فاطمه الانبیا و المرسلین و سید الاولین و الاخرین اول سول
 کونین بیستوای نعلین خورشید سپهر سعادت ماه فلک سیادت
 مشتری چرخه دولت قطب کردون عزت شکوفه بهار جا کل خضا

ان سید ممالک خواجه مساکت محتره و بهتر و عالم سرور و بنی آدم
 مصلح هر فساد و کلید هر ادراد و مجاب مطیع و عاصی رضای دان و قاصی
 مفتی ارمیان رحمت عالمی سپاه ارباب دولت دین پشت و پناه اهل
 اشک و زمین نطق دایره وحدت نمره شجره حکمت عارف خیر حقایق
 کونی و الهی نایق بصیر ازنا انبیا کماهی رسول مجتبی بنی مرتضی خلدنه
 موجودات منزه مخلوقا در بای نی با یا دی قیاس آفتاب جلال نور انبیا
 فی الناس سلطان منصور لولای و عز زوده و نفروه قهر ما صاحب طغرائی
 ما تا که الرسول نخذوه زبیده طغمت خلق نه الماء عالی خطر بلند نطق قدر
 نری نغمت و حکمت انسا ساکن حلویت سزای تم الذیل الا قلبی
 هزار دستا ای سزای و در تل القرآن ترتیل رافع اعلام دان چند نا
 هم الغالبون و اضع اقدم و لا تحطأ یمنیک اذا آلتا کتاب المبطون مخزن
 اسرار سجا انذی سزای و اسلمه و مار ملک قیصر و کسری خازن آردو
 مداین حقایق کاسف زبیر سراز و فایق اول شاه سر بر آفرینش اول
 ماه مهر منبر سپهر نبوت اول کوهر در بای هستی بدرد طریقه خدایستی
 های هر سزای غنای قاف لامکان مفتاح فزانه وجود مصباح آسمان
 وجود جا بجا صفا جفا و فاف

سه سالار نزدیکان در کاه
 جواع بزمکان لی مع انند
 مراد کن فکان مقصود کونین
 کمان ابروی کان قاپ قونین
 جنبیت ران میدان طریقت
 شقایق چین بست حقیقت

چمن پیرای بلوغ لایزالیه
 هزارادای کلزار معالیه
 شمع خواجه ارباب جنابت
 چراغ افروز منکوه هدایت
 خطیب کنان مهکت بجزید
 دلیل رهبران کوی تو حید
 نه نه منظر و انجم موکب
 غبار موکبی کحل کوکب
 حدیثی کو هر درج رسالت
 جبینی اختر برج جلاله
 کل خوش منظرستان عالم
 تن بی سایه سید رجاء عالم
 دل پر جوش در دریا بی موج
 رخ خشنود سی خسته و تاج
 طراز عرش زینبی کبریا
 قبا بی افس کلمی رودایه
 پیچ او لیس در غبار بی
 سب معراج رکیسوی تاری
 براتینوک نشانی مرقه فائده
 نیابینه طراز اولی منظره
 قدس شمع ندن المشرق دانه
 قدم ملکنده در سحر سیانه
 قدم بصیرت شکم وارکن فکانه
 قدم حکیمین کل السرف جانانه
 اساس شمع ندن نفس شمش
 ستون جار طاق طبعی شمش
 عبادت خانه سید رحمت موز
 طناب بارگاه کیسوی حوز
 بتیر و عده اهل بقیع او
 کنکار امتیاز هم شفیق او
 مقیم خانه کوی قفس اول
 ولی خشنوده تاج و سر بر اول
 فقط کاسه سرای روح جاننده
 تماشای کا بهی مانع لامکاندر
 فک و دلیز قدر اجتناب
 مهکت موسی باغ اصطفا سی
 اول شاه بارگاه دین اول شمع ندن
 بعین درج و نامی کو کتب ج آبی

مقدماتی

مقدماتی حوامن الهی کتخای ملکیت
 پادشاهی مبین او امر و نواهی قاهره
 منزه امیر و مصلح یعنی اول دارای
 دار الملک جان خاک باسی قبله خلق
 آفتاب شمع و دریا ی یقین نور عالم
 رحمة للعالمین محضین بجزین انبیا
 رضای اصغیا و اولیا مهدی اسلام
 و باو کی سبیل منفی غیب و اعجاز
 کل حواجه اولاد آدم اولدر
 شمع جمع ایکی عالم اولدر
 بر تو حید منظره عکس
 ملک هفت آسمان بر سر
 جان پیکان خاک جان پاکیزه
 جانی تو کم آفرینش
 کبیر آسمان بر خلقه سید
 مویونک خرقه پوش خانقاه کوکب
 عقل کلان خلوتت راهی یق
 جبر شکر و فتنه کاهی یوق
 دیده جانده لباسی
 سدر ایکی عالمه رضای سدر
 در روی در روی کوکب
 مهر در نور جانم عکس فرجه
 در مانعش هر دو عالم نور در
 سبیل اسنادن مقدم نور در
 اول نگاه اول غیب غیب نور پاکیزه
 آنک نی شک و ریب نگاه اولدی
 نور و کدی علم اولدی عرش و کرس
 لوح و قلم ماه و مهر و جرح
 سبب اختران اول علم اولدی
 عجب بل عجب بر اولدی
 روح عالمی بر علمدن
 داخلی اولدی آدمی سبب عالم اولدی
 آنک انتی عجب عالم اولدی
 آنوک حوسه چین حمتی چون
 لسان حق لسان پند
 آنک بهتری دوروک زمانه
 در آنک روز محشر ده که دلت
 طولور سولیکه همین بر اول
 قلوب اخت اولمن کندی
 موسی انجا عیسی دانی
 بی دعا اتی بوکا موسی
 باطنده اولدی بورام عیسی
 یه ظاهر در داغ بو شام
 اول منجش و جوان بخت
 قرناج ذکرت زمین و قار

و سائر حرف جری کان و سحر هدی مکنی مکن مدنی توطن نور صدقه نبوت
و نور حدیقه نبوت

الا ای مطلع خرمید سابع
سن اولدک مهر برج عالم دل
سن اولدک روح پوار واج جسمک
سختن شاه فلک کتر غلامک
کواکب خاسته روبر استانوک
ز خل جو بک زن هندوی بویک
جمال کعب نور افزای رویک
ستون سایه بانک ستاخ طوبی
چراگاه بر اقوک باغ رضوان
فلک منعل فروز خانقاهک
درای نه فلک در چار طاقک
سفیج نوح اولد رآب رویک
سپه تخی فاکده سنک باد
کلیوک نوری بر لبو بوز کدن
فلک قطب در رطلوت نشینک
گذرگاهک هوای لامکاندر
زمانکدر زمان لی زمانه

سر بر عرش در بنلو ک سنک تاج امین و می صاحب ستر معراج
اول سنه صدر سعادت و اول سرور بر سیادت در تصدی اقبال
و دزی سماه جدال غواص بحر معانی معدن سبع منانی محبط انوار برزاق
منبع اسرار صمدانی سیرغ کوه ملکوت شهباز هوای جبروت بلبل
کل از قدس طوطی سبزه زار آنس خطیب بلبل جمع فدوس بیان
عذیب فصیح زبان محفل کرد بیان

سینه کاینات و شمع رسل
شمع بطی چراغ بیت حرم
بنی هاستی رسول خدا
بخت حق خلاصه کونین
جم انجم سر بر و کردون جشن
طبیب طیب خضر و بزرگ
کار پرواز کار نامه غیب
پادشاه دیار جو در جو
حافظ صفت معانی دل
ساکن خانقاه او ارباب
بلبل گلستان ما اویج
اولدی واللیل شرح کبوس
ذات در عالمه کلید نجات

مخبر انبیا امام سبیل
صدر و بدر جها جها کرم
منع دستا سرای هر دو سرا
رحمت خلق هادی نقلین
مشعل افروز دود ماقرین
والی در سرف و شمع مغرب
خازن کنج خانه لاریب
مقصد عالم و عالم مقصود
جسمه آب زندگانی دل
ساکت شهاب راه ارسلناه
شمع جرح والذی اسری
والفهی وصف روی نیکوب
هم جیات جها هم آب حیات

کوه کل غار از خزان عشق • دل در مرغ اسباز عشق
 آمد و نهی بر دین موصوف • نهی در منکر امر در معروف
 اسکت پر دین کلاب بر قدر • آسمان استان معبد در
 عقل غنقای قاف قدرت در • چشم سر در ان تربت در
 عارض لاله برک باغ بهشت • مجره می ز سر ای بسین تخت
 کریمیم اید اول جناب کریم • ارتوغ اولور بهای دز بیتم
 اول ترجمان بارگاه قدم اول فصیح عرب • بسم اول معدن علم و کرم
 اول شمشاه بی طبل و علم
 یعنی اول خاقان ملک شریع ابن • اول رسول خاص رب العالمین
 دولت هر دو بجهت در کا هدر • انبیا به قبل خلوت کا هدر
 حاجی عیب آدم نامی در • ایکی عالم جره خوار جامی در
 مطلع انوار حق مقصود کل • پیشوای عشق و سلطه رسل
 اول ماه آسمان جلال شاه • دشکاه کمال دز نخر احضر مضر و سر ج
 روی بهشت ال اسود و الاحمر جاد کنشای الم شرح ز بهنمای انا فصیح
 عنصرک محض زبده فطرت • مدحتوک نقش تحت فکر
 ذره التاج کن نکان شپوک • قره العین اسر و جالبوک
 سید کل نسل آدم سن • سبب است دو عالم سن
 صدق در معرفت زانوگ • مظهر نور حق در آیاتوک

جرخ در خاک رو ب میدانوگ • عیسی و پهبان ابوانوگ
 ظلمت حضرت جعد بر تابوگ • آب جوان عین سیر ابوک
 خلقت داران جرخ کلی پوست • اولد لردر کمونده خلقه بکوش
 ز ملک خرف سنج تخت کن • فلک راست کار و راست سخن
 هر سوگ آستان فوج ملک • ملک آفتاب برج فلک
 مرد به زینت و صفاسندن • رونق مکار اصطفا سندن
 پایه قدرت آسمان بیو ند • مایه نوزک آفتاب بلند
 سطر طایر کبوتر جرموک • اطلس جرح سفق ملک
 کل عالم طفیل سن مقصود • سن محمد رسالتوک محمود
 سن برج مطلع لولال • سن تقدیر و کل سن افلاک سن اول مرع
 مقدس و اول ذات معلوم بر آدوک • عقل اول بر آدوک قلم اعلی سن
 اول نبی سن که هنوز سب خلوتگاه • عددن صادق وجود عالم
 و آدم بپور سوب طور ردی • و هنوز ولایت اقلیم امکان بریدنی
 انسا کلید طور ردی • هنوز مسعود ستاره کا بسید افلاک جهانینا
 و پیمندی • و هنوز مسعود ستاره کان چار سوی بازار زمانه فوغا نیشی
 هنوز طبایع اربعه مضاده بر برید ترکیب و الفتن بولمشدی • و هنوز کارکا
 و اسقطات برار اربع اولوب مزاج • و وحدت بولمشدی • و هنوز
 خاک برت ربه البلیعین بخور انمشدی • و هنوز با دانقان و خزان
 چشم شت شداد عادی متهور انمشدی • و هنوز بند معاقده جوشن

اول خلق فرعون بسته او کشیدی و هنوز برین ضعیف ولی تا باین
تخت نمرود خسته او کشیدی هنوز جنین جن رحم ما ذر قدم کل کشیدی
و انیس آنس برده غیب عدمن جشم کشیدی که خلعت دیبای نبوت و قبا
زیبای فتوت حق تبارک و تعالی سنی کزیم کشیدی که کنت نبیا و آدمین
الاء و الطین و سن اول رسولین که هنوز نه ماه واروی فراز سادو
و نه ماهی واروی منب شرادو نه خوان واروی ز نور و ز ندوی
واروی نه نور ز رنگ زر کانون تانی زمین بو زنی بکنک انگلیون
سزیم صیغه الله اجمشیدی و نه زر کر شترین اول افتا ز روز یورینی
صحن جنبه صیغه بی نه سلعد ز ما اجمن فصل سارده به کل عرایس خندان
بمشو ایگانه باغ حمانه آرایش کشیدی و نه عطار بو سنا مجر آتشین لاله
زاروه صفاء روایح بخور عزیزین ایلم نام دل و جانه آسین کشیدی
نه دیده زک واری نه بنا کوش مرز نکوش نه عقیده عقل واروی بطنید
خود و پوش نه صومعه آسمانه طاق و القم قدرنا منازل حتی عادی العرجون
القدیم جگمشیدی و نه زاویه زمین ده سجاد و جلاله یارض مسجد اول نور
آچل کشیدی که حق تبارک و تعالی طاق سرای جلاله بساط سیرالین
اوزنده سنی نطق کشیدی که بس و القرآن حکیم انکلسن لم سلسین
سن اول نمذ لب سخن سر اسن که غیب کلاری اجنده ازل حو کا بندن
قل هو الله احد او یقوب تمجید ایدر کن سببی عالم مهیک و ملکوت مینوز جویب
عدمن بهش قدر محبوب سکن کشیدی و سن اول خطیب جوشن آواز سن

که قربت

که قربت اقلینده قدس جامع سنده لاله الا الله و بوب توحید ایدر کن عید
مقر بان حضرت جبروت هنوز عدم اقلیندن طسره جمعیت بوسه سنا سکر
سن قول ملکنده سنا ایکن بو کار کا هده نه علف ملکله واروی نه در
سماک سن الت کوننده وحدت شرابندن مست ایکن نه هسبار وارو
نه مست سن غزب سراد قاتنده بالای مفت جرح و صدر نشین ایکن نه
بالا واروی نه پست سن اول کونسن سن که هنوز تقاض قدر بو تقس لانه
وروی تقوش صور کو کبیر تصویر و هویدا آمدن و هنوز مهران قضا
بو چار طاق غصا صری بو ترتیب اسباب اوزر نه بنا و پیدا آمدن و هنوز
فراتان نسیم با صحن زمین اوزر نه زمردین دو کشیدن و خادما
ریا صحن به باغنه زیب و یرمدن غیب عالمینده روح سرفردن طالع ادوکت
و قدس کلزارنده جا مطلعندن لامع ادوک سن اول دریای کرم سن
که کز انکس بون سن اول اوزان برسن که با بانوک بون سن اول برسن
که دکز و ک حقیقت درسن اول جوهر سن که معدنوک نریت درسن اول
زات سن که وجود کز حقیقت درسن اول وجود سن که انکس حقیقت
سن اول عاشق سن که محبوب کنه سنسن سن اول مملوک سن که مملوک
کنه سنسن سن اول ای سن که طولی نر سن سن اول سمع سن که سوزن سن
سن اول آفتاب سن که کسوفی بون سن اول ماهتاب سن که خسوفی بون سن
اول کل سن که کلزار ملکوت سنو کل سنو سن اول مساک سن که ممالک
عالم سنو کل موط سن اول ملک سن که رقاب مملوک و حجار بقس

طاعت که بسته و افاده و سن اول بهانه سن که ارکان و اجزاء و ما او را
 نواهی که متغیر و و کردن نهاد و دوران فکرت موافق فرمان تو که بساط
 آسمان میدان جولان تو که انجمن صبح و او هم سبب یکی جنبت کن چنانکه
 نوسن چرخ هر که در جمیع فصل رکاب تو که خاک جناب عزیز که تو نیای بد
 کیوان فصل سینه بشیر که سوار کوش اختران فکرت اعظم بلند منطفه
 بر وجه طاعت تو که نظایر بختش نفس کل لوحه قلم علی ابد مدحت تو که قضای
 بزمش زخمل در با ایوان قصر عز تو که اولس بر جیس داعی و مداح صد فتن تو که
 اولس بهرام اعداک قهر چون صخری بلند آفتاب اولیا که نصرت چون بتی اللذ
 ناهید بزنجون مجلس و جانانده مطهره میر که ایدر عطار و حکما چون
 دیوان تصاده او تر من کاتب سر که ایدر ماه مهر که سوزنده دور و زوز
 ابر عشق تو که او دندن بر اثر کو که کوب جدا لیک چون بر رخدم تو که کلمات
 صورت تو که سخن سندن بر رقم آتش سوز تو که جوارنی دوست چون اسباب و که
 هوا باندن دم آورد و چون محو اسرار اول که ابر لعل تو که زلالی فرسود
 حیوة جوان اول که خاک خلوت او یکند بی ماده موالید و تر آنک بیان اول که
 قضای تو که افکار ابر سدی محو که و بی قرار اندی جوید و سو که ز سینه دو که
 ساکن و صاحب و قار اندی روز کار علم در تربیت وجود که مشرقید نو بهار اول که
 عود معارف طریقت سوز که ز یوریل بر حسن و نکار اول که شریعت صحیح آرا اول که
 عالم ز یوریل و سبب است ملک پیر ایک جهان زیب و فروردی و بعد
 ایستو که آتشی دود ما انوسر و ان دوده و یردی مجازده ملک سول تیری

اقلمی

اقلیمی بر بر نور دی شریعت بوزی که ز بی جو بیار تیغ سینه زار که
 لاله زار و هدایت سیفی زلال بسند سار معارف نو کله ابد و ظلم لوامی
 عدالت معایت منک و طبع لکری شرف که زایت دیند سن آسمان
 استو که قاتنه بر زمین خیره آفتاب رای میر که او کند بیره سن اول مدح
 سن که قلم او صاف تو که مخزینده خیران و سن اول محمود سن که عقل مناب تو که
 تقریرنده سر کردان سن اول نور سن که جهمان د کول سن اول روح
 که هیولان دکل سن اول ادب سن که معجزات جبرائیل امین سن اول انبی سن
 که او قدح کتب مبین سن اول رسول سن که جندوانه رسالت تو که عالم
 و سن اول نبی سن که دایره وجود نبوت تو که تمام

شمشیر مسند هفت اختران • ختم رسل خاتم پیغمبران •
 مستعمل افروز زین خاکیان • شمع سار برده ارفدا کبان •
 کف بس مبط روح الامین • روح ملک و حنینه حوسنه چین •
 دزیم صدق اصطفا • واسطه عقد رسل مصطفی •
 ستمک جستن و جهان جود دور • شمع جهانات فک و دود دور •
 کوشن صحیح خلق کس مبین در • ایکی جهان خلف تسلیم در •
 خاک در می و وضه جان تو که • کرد روی جا و جهان را تو که •
 همه کس مطیع فضل خلیل • مرغ حرم حرم جبرئیل •
 حضرت در خاتم پیغمبران • در کهیدر بوسه کبی اختران •
 ضرر و اقلیم رسالت او در • صف شکن اهل ضلالت او در •

چارمک بلبل بوستاندز هفت فنک سخن شستا بندز
 راحت ادواح سبک بوی در آب جفر خاک سرکوی در
 پیت رمی قافله پیسین مردمک دیده عین البقین
 اول سید سادات اول منبع سعادت واسطه قفاده جواهر
 کانیات خلاصه سلسله زواهر موجودات خرسند زحمت روز اقبال
 صاحب قران و عرض المؤمنین علی التمثال باز بلند پرواز ساعد سعادت
 های راههای استیلاست پیوسته ای حواس صلواتا رایتونی رهنمای بی ارتباب
 قل ان کنتم تحبون الله فاتبعون بکانه دستگاه هفت کعبه مینا نشانه راه
 والذی جاء به و اقبنا مروءة مردت کعبه صفا حضرت رسول الله محمد مصطفی
 علیه الصلوة از کبها و من التحيات اسماها اول ضم پیغمبران مرسل منوره
 صون وجوده اول اول حاکم کشور رسالت فرمانده لشکر ولایت دارند
 محبت الهی دانند راز صبحکای شاهنشاه کتبت استیلا خواننده محنت
 تنهایی سلطنت مالک هدایت طفرای صمیمه غنایت سرکوب مخالفان ابر
 تن بوس برهنگام محبت صاحب نظر ولایت مقصود جفا جفا مقصود
 مجوعه خلاصه معانی سرچشمه آب زنده کانی اول سوار میدان بل
 اول قافله سار لار کاروان رسل اول سرور عالم که صبح روز عید سعادت
 عزة دل ربای در دست قدس سید طره عفر ساسی در اول ظهور بار
 مانده کجا با رجالت اول بنیاد در مانده کجا کز فتنه فصلالت اول
 دست گیرنده غزب بجا قلم ستم ستموات اول بظمان کننده با ستم مرتع لذات

مصداق

اول روح قالب عزت اول قالب روح دولت
 ای هنر لئوک و رای افداک قدر کز شک بو خاک و خاشاک
 نقش صنجات رایونک در لولاک ما خلقت الافلاک
 سلطنت سر بر کانیات سن شاهنشاه کتور حیات سن
 خالوکو سرشته روی آدم بود کده جواع یکی عالم
 زمین و فنک در غبار رهوک ازل تا ابد در تماشای کتوک
 دلوک در در بای رحمت نشان کتوک در سنوک ابر در یافتن
 زخل مندی بهسبان دروک در پیکر در و اله پیکر و کت
 سن اول طاموس شریعت سن که جولا نکا هوک بو سنا و سن اول تیر
 حقیقت سن که سیر انکا هوک صحرا یقین سن اول طولی کلر آرتو جسد
 که دایماندگار شکر سنا رباض قدس کلور و سن اول بلبل باغ نزهت
 سن که طرافک همیشه کلمت سبزه زار ارانده اول سن اول حقیقت سن
 که هر ستر بد کورن مختلف از مغز سندن ستر و سن اول کوه علم سن
 که هر منهدبه نماها اول زلال معرفت سندن جعفر سن اول آسمان سخا سن که هر
 کوکب اول آسمان بر آفتاب و سن او در بای وجود سن که آفتاب اول با
 بر جباب سن بر ذات مکرّم سن که جبهه ملائکه آورده سنوک عزت تو که سجده کلمت
 و سن بر روح محترم سن که جمیع ارواح عالم سنک محبت که وجود کلمت
 بر جحا مطهر سن که صفا وجود کدن زمره قدس سبزه صفا سور بر روان

مصداق

متورسن که نورک بر تو بدن سرفه و غر بضا ایر بر سبوح خلق سن که جمیع ارواح
 انبیا آنرا کرد در پهنیدن هر بری بر قطر. بر قدوس و صفین که جمیع انوار
 اولیا جالوک آفتابنده هر بری بر ذره دم آدم رو حکن فنوح نوح حکن
 در سن ادب کتا بو کدن کلام کلیم خطا بو کدن عزت اسماعیل جلا کتجو
 خلت خلیل عالم کتجو. نخت عیسی نفسو کدر جبرای حضرت سو کله حسن بو
 یوزدن حدیث شیت سوز کدن
 قبله روی صوفیا بار که صفاسی در سره جسم سبک خاک در سر اسبی
 اول شمع انوار تحقیق. اول مطلع انوار توفیق. اول دو حه در باض قدم اول شوه
 بر باضین کرم آینه مالک استای جام جفا نای پشای. محرم انوار رحمانی
 محرم کعب سبحانی. حبیب حق بنی مطلق. تدبیم خاص لم بزل حضرت
 بنی الله احمد رسول علیه شرایف الصلوة. ولطایف التحیات. حق تبارک و
 تعالی نه که آنوک دینی مؤید. و سرعنی مخلص. و ملتی حسرتک دایم. و اشقی
 قیامت دکن قایم ابدی که آنوک همت روحانیه سنک غیابتی اعدا بد
 و انار نورانیه سنوک بر کمال اعدا بد تا حسرت و کن اشوک عارفی کو کلان
 معارف یقینیه سید محلی. و عابدی علفنی دینیه سید زکی ایدوب آنوک
 اول تلایون هیولانیه دن پاک و مظهر روح سنوک صفاسیل و انوار قدسیله
 رو سن و منور و انوک صفاسیله ارباب قلوب خواطری محمور و اصحاب
 کسوف سر بر بر فور سینه لر صفازی ستر یعنی صفاسنک بسطی سا طار بلو مرن
 و کو کلانی خانه لری طریقی جواغنونک دلگیری اسف سید روشن اول

ذات شریفی ذوات جوهر مجرود. بله عالم بحر بر اجند. منازل انس و پیری تا کوش
 و سرور نفس سیدی زمره ارواح مقدسید مجت تقدیس اجند. خطا برود
 و ایما بر صفا و بر حضوره اوله احکام شرعیته سنک متفرغانی و فروع دینیه
 سنک جزئیاتی صغنیحه صلوات طبقات که آنوک نسیم نفحات خیریه
 و نسیم نسمات جهریه سی اول حضرت نوک اخلاطینه دکنه. و محاسن کرمیه
 سینه سی که مجت باغنی معطره و آنوک صفاسی اسف سنک انواری و خلوص
 علامت آنوک اناری اول جابوک ظاهر ستر یقینوک صفاسی و باطل و ظنون
 صفاسی کبی عالم اجسینی منور ایدیه و سیکمانا میات که اصول تجرید شریقی
 و اعراق دوحه و منصف سی حدیقه باغ فراد و روضه حاشی و زلال پاک ایما
 و منبع جنود اصا ندن ترتیب بولوب هوای محرو و ولاده و عالم صدق و صفا
 بن تکلف تصنع و ریادوی ساینه مدا همنه و مدارا رابع لوانخ خلوص لیت
 و برکات نسیم صفا دینیت بر لست و تا بولش اوله و اول ذات کرموک رو
 مطهر ذلیل و نهار و اصل متواصل اوله

مدام من العالم احیا کم	علی روضه المصطفی الهاسینی
بزاران درود جمعا آفرین	نثار در سید المرسلین
منفیع امم خاتم انبیا	بمهر رسالت سته اصغیا
فرستاده خاص پروردگار	رساننده بخت استوار
کلید در کنج رب جلیل	امام هدی در درج طلیل
سنة الحما قد سبار جیس	مه پاستی آفتاب قریش

او در بیت معموری معمور ایدین . او در سقف مرفوع بر نور ایدین
 صفاتند . خبره توای عقل . تا که ایلمنر ننا سبن نقل .
 خود کیم را بیا به وصفن آنوک . ندر اول کاد . بیل مدحن آنوک .
 کسینک که مداح اند اول . بزه سوزده انده بخن راه اول .
 همین بو قدر تقریر دین و تحویر دین و فی امینم اولدر که بو قدر کولنده قلمش
 کو کلم خاند سنی بر زذکری نور بیا رسوخ بو خواب اولش وجودم با نچه سنی
 بر باره و وصفی نسیم کلمش ادبوت بو بجه عذر که دلی عبت انسا کرده خرج
 اتم و بجه مدت که کو کلم بون هوا رود صرف اتم بر زانی کلمه مکانات
 و بر زذکردن اتمکلا مجازات ادم که لطف عمیم و خلق کریندن ساعت
 ساعتده و روز قیامتده هوا بر بودی میرنده شفا عتی بخندن بر قطره غایت
 نسینک بر ذره بو بن ضعیف قولندن در بیغ اتمه کم الرجه اگالابن
 خدمتم و اتمکلمه مناسب فصلتم بو غشه دخی اتم زنده کجدی جمله عمرم
 بو امینده که من شته قومانو منم
 ای زمین و آسمان خاک دروک . عشق و کرمی عکس نور کو هر دوک .
 انبیا و صفکده در خیر انلر . سرشنا ساسنده سر کرد انلر .
 اهل دلقر و سنکه جو خاک پاک . جمله عالم کلمی اولسه خاک خاک .
 یار رسول انده قتی در مانده بیم . نفس اندن عاج اولب مانده بیم .
 بر نظر اید بون غمخواره . به . چاره ایت بو بنده بیچاره .
 تا که بنده جا اولاو زنده ام . قولر و کاک قولنده بر بنده ام .

و در اول دایم ناک اولاسنوک . نقد جا هر دم و ناک اولاسنوک .
 در که هو که بی بصاحت کلمشم . و انق لطف شفاعت کلمشم .
 چون وجودن رحمت اولده خلقه حشک . با که رحم ایت کلمدی جانم خلقه اوسن .
 خوف شیطان بنی مائون قیل . روحی بس ایمانلا بیرون قیل .
 چون الکنده جان سن جایده سن . لطف ایدوبن در ده در کما اید سن .
 پس بر فن ایت چاوش ایمان پاک . جا اولاد خنده تن اولر سه خاک .
 قاره کوره چون کرم ای تسخیرین . بر قلوک بتر بکا جبل المتین .
 بچه اولمست غفلت ای امیر . سن مد و فن با که اولغلر استیکر .
 هر ز دکلوکب ادم معنی دین . خیر کب انکل سن ای کسری دین .
 هر عمل کیم ستم کب ایدوم . بی توایم جبرتی جز ایدوم .
 هر شکستوک کسری چون دایم اولور . کسری خودنید که جود ارم اولور .
 بر نظرایت کارمی انکل تمام . باقی لطفکده زنده بیم و السلام .
 ددخی عقول سلیمه و لباع مستقیمه فائده . مقرر در کم مصاحبت ابرار کرام .
 و مجالس اخبار عظام . که کو کل بوست اقبال و نسیم شبت ابال و ربی .
 چمن روح و صفاح خرابین فتوح . و واسطه عقد کال و نکین خاتم حلال .
 در الکر میجک متفصای عقل کریم و موجب ذهن قدیم اولدر که بر زوای .
 تحوسنه متالری ذکر بیا و جالبی خیالنه حضالری شریله نمکین کلی .
 شاد و برانه دل با دایوب جا کوزنه سوز تو تیا سبیله بر نور .
 و دل مجلنه سخن ساقیتیله بر باره سرور حاصل اولاد جراج بصیرت برز .

فروزنده و بلوغ سر برت بر پاره آرا بنده چمن روح معطر و باغبان فروع
 سوز اولوب بر زجا کولتری آبله و صفا چچکری صاحب کولکل اوی روشن
 و دل خانی مزیل جان باغی حرم و روح خسته مریم نیست و مادام که کوی
 فراید محمد و مدحیات در برابر و بوجوه صنوف دعوات اخلاص سفار
 کردن و کوشش روزگار و اغنا و صد و کردش دوازدهمین حالی و
 بونقش الفاظ ریشقه اوصاف صنوف موجودات و بوضوح زکیه اینقبه
 صفات خلد مخلوق تا در صفت انام و لیلی و اوراق سمور و اعوام متوالی
 منتقش و مالی اولوب بوسخت اقدام و قطرات دریا با کلام که با کلمات
 و لطافت و رنگ انک سما بر و صفا در قنده غیزت جام شراب در
 یعنی شول عبارات مستغذبه فرح فرای و استعارات مستغذبه ترخ زردی
 الکریم حق حضرت توک نفوس کریمه سنگ فم ناقص است کج اولون
 استارنده و اول جناب ذوالجلالک خلوص دروند و نلس نظر عاتنده
 و اول ذوات عالیه مصطفین اخبار و اول نفوس مقدسه ابرار و ک
 اوصاف کریمه برنده و نلس در که شو ملا که معناسونک فیضی هر خفته
 لایح و مدلولنک صفاسی هر اسمنده واضح اول ارواح مطهره تک انوار
 با هر هی هر کسمنده لامع و اول سعادات کوشن نوک اشرفات ساطعه
 بر لفظندن طالع در اگر چه باد فصاحت انشا قضا یافت عرب عباد و
 پرواز و طیران ایدر و طادوس حقیقت و مجاز بیایا اهل مجاز ده
 حوی و زیبا جولا در و بوضیفونک دخی اولدن انسم اول بانو و قد بعدن

ترکیب اول کاندادی لیکن کوردم مطالعه اسرار لطائف غریبه اول لده
 و که دله حاصل و سینه اولمز و مسنده انوار تکت عجیبه اول لغته چون
 کتیب نصیب و معتدز اولمز بیخه طوطی جانم اول باغده صامت اول لولر و
 هزاران هزار دستاظم اول کلشنده ساکت اولور لر پس ضروری حمد ثنا
 حتی و ثنا حضرت جناب مالک مطلق و صلوات انبیا المرسلین و دعوات
 اولیا و صالحین بر دله ترکیب و بر سنده ترتیب ایلدم که اول حضرت
 عنایتیل و اول جناب بوک هدایتیل اول نفوس مقدس نوک همت نورانی
 قوتیل و سعادت و حایتی لری معونیتل عام النفع اولوب هر کیم اوچه و
 بر نوع حظ و ذوق و بر یولدن صفا و شوق حاصل اولمندن خال اولیه

سوزمد روشن غزلت کز نیان	صدیم همدم صحبت نشینان
سوزمدن تیشم جان بیک جا	تمامت قضا صاحب نیازان
رفیق پاک بازان طریقه	انیس و نوازان حقیقت
بوفلم و شری کم ترتیب قدم	بوالعاطی که بن ترکیب قدم
تضرع نامه صاحب دل و در	که مقبول روان مقبول و در
کلب نماند که روشن چمنلر	طلوایحی کلب با سمنلر
اگر رشک شکر در رسم بر اثر	اگر در کوه در رسم بر اثر
بودر تنم شبستان زمانه	کل خوش بوی بستان زمانه
کوکله خانه سپدر روشن اندن	حراب اباد عالم کلشن اندن

معانی بجزه خواص اولو پد ر • دل هلی زمند ر قاص اول پد ر
 عباراتی دلالاتند واضح • اولو لفظند جمیع لایح
 ضیاء عکس انوار الاهی • و رالفاطین شوق گامی
 و بر آفتاب لذت لسانه • بزلیور سوز لرم اوراق جانه
 این در دستان در سخن بل • جلیب ستمندان در سخن بل
 سخن سانی به مخموران عشق • سخن جداب ربخوران عشق
 سخن جسم جهانک اولدی جان • سخن مانع دلوک آب روانی
 سخن باران کن ابر مطریک • سخن لولوی در باسی ضمیرک
 سخن آرایشی دلدار عقلوک • سخن نوبادوه می کلر ارغلوک
 سخن بر سراسر الاهی • سخن بر در درج باد ساهی
 سخن تشریف رب العالمین دو • رسول تحفه روح الامین دو
 مادام که بو الفاظ شریفه و عبارات لطیفه دن هر وقت
 لذت و سرور و هر دکلمای صفا و حضوره هر مجلس اهل سماعدن ذوق و
 اهل حاله ذکر یا شوق حاصل اولوب حسن نظام الفاظوک حسن بلاغت
 و عباراتوک زیور رضا جمل محفوظ و مسرور و حاشه باطن معانیوک
 مطالعه می ده و لولای تک ملاحظه سبیل بر صفا و پر نور اوله اوقیندن
 و دکلیتدن و استنددن و اکلیتدن بوضعف دل خسته و بویفیر کت
 کاه کاه دعا جزیله حسن یار و فاتحه اخلاصه دلشادانه کلامی بجز بودمانه
 غمکن دل بر کاه دعواته امداد و بویچاره اولمش کو کلامت رحالکدن استمداد

بشوب

بشوب دنیا و صناع بولمورسم علایق ادبیطاطات قوای جسمانیه دن سادیس
 تمویهات او هام شیطانیه دن قورتمنه توفیق و آخره کتمش اولور جسم
 ظلمانیه اوصاف دنیا و بدن و آثار هیات رویه بدنیه دن خلاص
 طریق منبر اولمش اوله بار رب العالمین

بعد الضلوات و استقام علی سیدنا امام الوف صحابف محاسن
 تحیات عزیز نسیم که نقوش صفا فواد و آثار حسن اعتقاد و هر بر و فنوک
 یوزنده واضح دلایح اوله و صنوف و سایل کرامت سبکها که رنگ چهره و
 و بوی نغحه صفا هر بر طریقت اجندن لامع و فایح اوله قافیه قدسیان
 و برید روحانیا ایلد زمره ال کرامتوک و جمیع اصحاب فطامتوک مراقبه
 لدره ایصال اولنوب جناب رب عزه و کبریا و حضرته و ن الیادی و الال
 جل شانده و عظم سلطانه عواطف ربانیه و عنایت سبحانه سندن
 مستدام و مانول و متضرعا و منول اولد ر کم صد هزاران هزار انار روح
 در بیجا و کل دست بسته رضوان یعنی نیجات مراضی رحمان و نجات ازهار
 جنان هر دمه روحلر نه واصل و هر نفسده روانه متواصل اولاکم

قوامصحاب ارباب هدایت • کدایان در پی صاحب ولایت
 جمعیسی کافیان دین بنی • و حامیان ملة عربی
 حافظان شریعت محمدی • و ناصران طریقت احمدی
 ناقدان کلام قدیم • و راویان حدیث کریم
 ناشران آثار دینی • و هادبان عقاید یقینیه

رافعان اعلام ایمان • ودافعان لشکر طغیان •
 باغبان باغ نبوت • ورازداران اسرار قوت •
 بوابان سرای رسالت • دکاستفان رموز جلال •
 رہنمایان عالم ملکوت • بیستوبان عصه مسالک جبروت •
 اینیان وحی ربانی • و خزینہ دارکنوز روحانی •
 نجوم نجوم مرده سناطین صلا • و کواکب نوابی بودی جمالت •
 فداخان مزرع علم حکمت • مذاخان کشتی بحر وحدت •
 تاجران بضاعت طاعت • مسافران مسالک ریاضت •
 جوهر فروسجا درر حقایق • صرافان بازار دقایق •
 نتایج ابواب هدایت • و مصابیح ظلمات غوایت •
 و ایمان اعلام اسلام لرد •
 جو غواصان دریای صفا • بلبلان باغ شرع مصطفا •
 رضوان اللہ علیہم اجمعین •
 حضور ما سؤل مشرہ مستر • و ارواح مطہرہ دہ شمع ابوالاحمدی • و دہ •
 فتیلہ چراغ محمدی • دہ سروران صفا • و دہ غیب •
 بوستان وفا • و دہ طوطی سکرستان رسالت • و دہ طوبی انما جمالت •
 دہ مزرع مرغزار کلزار معانی • و دہ بلبل سبز زار سبع منافی •
 درودی اول چاربار صادق • و اول چهارموسس موافق •
 چاربابہ تخت نزعیت • و چاررکن طاق طریقت •

چار سووی بازار تخمین • و چار حاکم مصر تند قبوح •
 چار عنصر دین • و چهار دست پای یقین •
 چهار صفت صفا • و چهار قبتہ و فا •
 چار در یک فضای قدس • و چهار روزنہ حریم اش •
 چار طاق سرای شرع • و چهار دیوار بناء فروع •
 چار کلزار بلغ معانی • و چهار جوی باغ لایزال •
 چار وزیر کسور ہدایت • و چار حکیم امراض جمالت •
 چار کوشہ فائدہ نبوت • و چهار دروازہ مدینہ قوت •
 چار بحر در حقیقت • و چهار منقطک طریقت •
 ہر چہ چار آفتاب چرخ اہم بحر مدون و جہاد عدل و کرم •

اول کسی امیر المؤمنین سید اصحاب اکملین صیب جیب • اینس رسول اللہ •
 منبع معارف اللاحی • معدن لطائف صبحکامی • راز دار اسرار احمدی •
 حوزینہ دار کتبہ محمدی • مجمع محسن شمائل • مجموعہ مکارم خصائل مہبط •
 انوار سبحانی مخلوق اخلاق رحمانی •
 مخزن ستر حضرت نبوی • عاشق نوز روی مصطفوی •
 مشرق آفتاب صدق دل • اثر لطف ایند اب کل •
 بیشتر و رسالہ عنایت • قافلہ روان ارباب ہدایت •
 سرخلقہ جمع مجاہدین و انصار • مخصوص نفس اذہما فی الفارہ •

حضرت ابوبکر الصدیق رضی اللہ
 عنہ

اول قد املح مدح ذابنه • آخر والتبيل است صفائنه •
 اول محرم راز اسم • اول محرم كعبه امان •
 اول اهدم خاص نانی انبیین • اول خوجه جبار سویی کویین •
 صدیق طریق استقامت • سالوک معارج کرامت •
 صاحب قدم مقام بحسبید • سر دفتر تبس اهل توجید •
 اول اول مؤمنات امت • اول صدر خلیفهای ملت •
 قائل المردین قاص البخره و المیزدین • عتیق نار بار غار •
 ابوبکر کینت و صدیق لقب • امیر المؤمنین عبدالله ابن ابی قحافه ابن عامر
 ابن عمر بن کعب •
 صدر دین صدیق اکبر قطب حق • هر صفت ایتش اصحاب سبع •
 رضی الله عنه وارضاه • وجعل فی اعلی عرف اجنان سواه •
 اول اول ابوبکر در که کعبه بجی بنام بر طولت کن • و محمد عزالی شکر طولت کن •
 مکه حضرت لاری و قریش سرور لاری • و عرب اول لاری • و حجاز بلقوری مجل •
 بست پرستار دینوک • تا نبید نده و عبادت الصنم اینوک تا کینده •
 ابا مع جد اول دین اچنده • و کند و لری بلقوا اول آیین اچنده • اولوب •
 شریعت ندر بلزار • و طریقت ندر اکملار • کتالیه کورد کلری یون •
 و خطاب اسم است کلری یون • تو حید کشتی طغره • و معرفت یدرز لری کونیز •
 ظلم و ضلالت اجارن طاشن المش و قساوت جمالت ظاهر لرین • کتالین •
 قتلش ابوبکر حضرت دخی انارک برسی • و بو باطل دینوک • ریشی بو نکر •

ابجد • بو یوب • و بو نکر کلر بیوب ایچوب روز کاری بو حال او ز کجوب •
 و عسری بو سوال او زره کده یور رکن ناکا جناب رب عزت عالی •
 حضرت جنس نه و عظم سلطان حضرت نونک کرنی بحری چونه و غیاتی •
 دکزنی خروسته کلوب عالم رحمت و جهان رحمت ادوب دنیا صلاح •
 و عالم خلقه اصلاح از مشر • هدایت و حق یولنه دلالت انگیزه کند •
 اوی خلقه زیاده اص و امتنان و کونتر و عالم حجت و برها کونتر یچون •
 کنعرب ایچنده و قریش نسلدن حضرت رسالتی اصطفی و محمدی مصطفی •
 ادوب رسالت کوندر کونتر وقت اچ کینه طاعت و بر احد طاعت اتیوب •
 هر بری استنزا و انواع در لو انزال را ادوب حضرت رسالت سوبلد کج •
 انر کولوب زیاده سوبلر سه سوبلر کاه محمد کولوا کده کند وی بلرز و سوبلر کون •
 انکر و کاه سحر یله خلقی الدامن استر و جاذولق ابله عالمی انند رمن استر •
 دبوب کلام معنی سخن و تجسید و وحی الهی حدیث نفس • و سوبلر حمل ایدو •
 اما مزون دوه مزون کور مد و کمره او بنرزه • و سندی دکن استند و کمره •
 انان مزو دبوب اسکی ضلالت لری • و قدیمی جمالت لری او زرنه مصر اولوب •
 طور رکن ابوبکر حضرت سفزده ایدی کلدی قریش اولولری کولدی •
 استنزا ایل بیغیر می انذیلر و سخره لغه حکایتش انذیلر • همین بو باک استند حک •
 تصدیق اندی و و نلنج تحقیق اندی خلقته • ایمان بناسی محکم ایدی و •
 جبلتند • سعادت بنیادی سحر کم ایدی • همین واروب بیغیر بولدی •
 نفسی و مالنی اول بولده ترک اندی • و تا اولنج دینه جالندی • اهلنی و •

و میان آنوقت بولند ترک اندی مادام که حضرت رسالت دنیا دیدی
و بدنی قید جبهه ده بدی کجی کند ز آنوقت همدم ابدی و جمیع اسرار نه
محم ابدی دایماند و نیک جلیس دی و اصحاب نوک رسیده جمیع اصحاب
اگان تقیلم ابدی و بملی اگان تکرم ابدی و وفاتندن سوکزه دخی
دینی اجبا اندی و سربقینی ابعا اندی و اصحاب آرا سنده تفرقه اول دفع
اندی و دین الواری اورتندن اختداف اول رفع اندی مرتد لری
هلاک اندی و مستمر دلری اهلک اندی سربقیت خویش نظام و پروری
و دین اهلن انظام و پروری خدافتده بردرک در لدی که قلی بهانه بولند
و عدله بر طرف سلوک اندی که استقامتدن ذرخه ابرمدی حق استقامت
سجینی مشکور و اجونی موفور جنت اعلا ده در جانی فردوس معلا ده
منزلتی از دیاده قله

حضرت محمد رضی الله عنه

الکلیه امیر المؤمنین خلیف رسول رب العالمین معادن اسلام طهر السین
معلن معالم ملت رافع اعلام امت بانی مانی جدالت معنی مقصود
عدالت کاسر کسری و غالب فیصر فایح مصر و غازی بجز بر فتح کننده
مالک اسلام احکام کننده سراج و احکام کننده مداین نیما کننده
خزاین عامر دیا راهل ابا مادم بیا و شرک طیف مقنن قوانین العز
و اجماع محمد مواید العدا لقی البداد و اضع قواعد الاحساب معدل میزان
العدل و احسان مکمل العلم والعمل منادی با استقامت اجمالی
بیستوی ملک ملت مقننای عقل وین مظهر فضل کمال و معدن علم البقین

امیر المؤمنین

امیر المؤمنین عمر بن الخطاب بن نفیل بن عبد العزی شکر الله مساعده فی الدین
و نواده مکانه فی ابعلی علیین

مکمل عدلک میر سلطان عسمر دین حاکم سیف برهانی عسمر
فضل و دانش جسته نیک منعی لطف وجودک معنی کانی عسمر
کلدی که مؤمنین جوی امیر اچلندن آنلر کانی عسمر
نشر اول عمر در که اسلام دینی ظهور بولون ظهور اولدی و سلال اولدی
آنوقت صورت بولم اول کلیتی اصحاب رسول اشکاره بور یوزدی و اول
اولیچ چون سلال دینی پیدا اتمزدی اول کلیتی اشکاره اذا اوفندی و اول
دینت کیر میجه ارکان دین بلورمدی بر سلالی بهلوان سربقیت ابدی که عدل
کر زنی حکمی انده سبطانک نذر عی و اردی که سوسه بار زنده طرارون
ابده بل ان الشیطان یفر من عدل عسمر بر مرد میدان طریقت ادا که اگر

حضرت رسالتدن فیزی اول عسمر و پیغمبر اول اول اولوردی که **تو لم ابق**
بسیقت عسمر بر مبارک قدم ابدی که نته که اول سلال اولیچ اعلام دین
لی اهل اولوب ملت اسلام صورت و شوکت طوقدی کنه اول خلیف اولیچ
اطراف ممالک فتح اولوب امت محمد علیه السلام تمام کثرت بولمدی بر حق کوبدی
که هیچ مداهنه و مدارا کوز لزدی بر یک روی ابدی که هیچ نفاق و مراآت
بلزدی اجای مکنده وقت ابدوب قلی اسوک و قوزدی امضا سمر
تصلیب ابد اولو کجی فرق اتمزدی سیاست سربقیت تمام ابدی و احکام
دینیه هب انما ابدی امر دینده هیچ مساعده اتمزدی حکم سمرده هیچ

بلزدي قوانين عدل جهانده اول قودي و بساط عدلت عالم اول دوستدي بونجه
 خلافت اچنده ايکن کننده براسکی بلاسيدي اول بونلو اولج کيد و کي عاريتيه
 بيسدي بنوک برله مهاجتي عالمي طوتش ايدې و سجا ايتي قبلندي سلاطين هم
 و عجز خوندن دررودي خسروان ترک و ديگم نامندن قوقودي ظاهرده دروش
 و ميبندي سلطاندي صورتده فقير و حقيقتده خان ايدې خلافت مصلحتدي
 نوک چوغني کنده سي ايدردې و امارت امر لرونک اکثرن اليا اسلاردي طول
 و تيماي ايامار عايت ايدردې و نعمت ايدردې و مملکت اوجنده فقراي
 هر وقت تفقد ايدردې کيچ ايله فقير لره ارتقا اودن طسوردي دوله
 قريلر دستيد صورتوردي خلافتده بر دلاک درلدي ککنه انجلاش کدي
 عدالته بر طرفه سلوک ايدې ککنه اثر بجه کردې حق بجا بر نيک
 عوض و مساوات و برابريلو ککنه نزار مساوات اوب جنت فردوسه زمزه ايتيه
 جلب و منزل قدسه ارواح مقدسه ايتيه ايد. **نعت امير المؤمنين عمار**
رضي الله عنه اچنجه امير المؤمنين عمار مختار سنه التوردي باجماع المسلمين
 رابع اربعه في الاسلام واقف بيتر روم على احواس والعوام امام موصوم شهيد
 مرحوم قدوة اصحاب حيا قبله ارباب سخا کاتب وحي جناب حضرت امين
 کلام رب عزت بلبل بوستان قرآن کل کتاب اجماع محرم خاندان نبوت
 جامع مکارم فنون مجمع محاسن نسيم محرز فضائل ام مقبول محضه النبوت
 عماد الشرة المصطفوية محبوب الذات مرضى القنات نور صدقه شهدا
 ونور صدقه سعوا زين اخلفاء الراشدین فخر الهداة المحمدين **بيت**

پناه

پناه مملکت و روحان در اول محزون اسرار رحمانی در اول
المعتصم بحبل الله المعتمد على كتاب الله ذوالحجین جامع القرآن
 ذوالنورین امير المؤمنين ابو عمر و عثمان بن عفان قدس الله سره روضه
 وزاد في اعلى عرف الجنان فتوح اول اول عثمان در که کلام قدیمه اول اعلى
 ککنه ايدې و آنوک حقه بر کاتنده قرانده اختلاف اولمدي دینوک کاتنده
 نصير اوله و سر يعقوب ککنا سنده ظهير اوله اسلام آيينه زينت و يردې
 و خلافت تحت اهنهت و يردې صحابه کراموک بختو سبدي و دينا و اوق
 دولتو سبدي دایما بيجرک مصاحبدي و نبوت مصاطحه صاحبدي
 جاسدن ملايکه اوتوردي اوندن بيغیر بوج مزدي حق بولنده بنسني
 و عالمي قومندي و دين مصلحتون کندی برقتدي خلافت امرنده کتولو
 ايدې امارت سرتيننده زينتلو ايدې خلافت اول ترتیب نظام اول يردې
 و امارت امرنه انظام اول يردې خلافت طورن کویک طومندې
 و شريعت قولنه محکم بستمدي عدالت طرفينده ذرجه طسره مجردي
 و شريعت ايکن بر باره النذل قومزدي جود و سخا نوک مبعدي و کس
 خصلاک مجعدي عبادت ايتينوک خابندي و زهد اهلنک سلطاندي
 معرفت در نوک بجز يدي و حقيقت دکزنیک در يدي جلالکرنیک
 سرور يدي و روح عسکرنیک مهز يدي کول کولکينک ماهي ايدې اول
 ايتينک شهبدي حق حضرتوک حق حضرتن موصوم ايدې اولومدي
 مرحوم ايدې شهيد لرونک اوکوسيدي شهيد لرونک ککوسيدي حق جل

وعلما ندن خوشنود اولاد و من فائده مود و اولاد جسته رضوان متنان
 بولایو لداشی رسول الله اولاد **در نعت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب**
رضی الله عنه در پنجسی امیر المؤمنین خزان طه و یسین سرور مطلبی ابن عم
 نبی و صبی بزوح رسول بتول پسر ابی طالب پند هر طالب مهر و بهتر
 فاتح خبیر صاحب انراة بدیع الایة عامل ایت نجوی سالک مسالک
 مصطفی گوهر کان لافتی سلطان سریر بلقی لعمانی نسن رستم توانش
 بهرام زورنا هید نور مشتری سعادت عطار و فطرت قرسعت با بفتح
 انا مدینه العلم بحر سخا کان کرم کوه حکم بیستوای صحاب زهد و عبادت
 رهتای مسافران راه ریاضت شمای سلسله مشایخ شتقدین و مشایخ
 مقتدای زمره اولیا اولین و آخوس اصل سحره ولایت فرع ثمره نهایت
 قطب و ابره توحید و محور عالم تفرید خیر همه جمیع منار ابی طالب
 فذکره دفاتر جمیع اصحاب تحقیق کل کلار لطائف سر و سینه زار معارف
 جوی بار بار کرامت نشانه راه استقامت منقذ العذب کاشف الغیب
 عالم ظاهر سز بقیت عارف باطن طریقت سر عارف و قایق رموز الوهیت
 و سرور کاشفان اسرار ربوبیت کامل علم لدنی و ارت سترانت منی
 منبع تفسیر قران عظیم معدن تاویل کتاب کریم مطلق تلواحر نصوص
 قران هندی بواطن نصوص فرقان سیر عزیز دین الله مشرف شریف
 بزکنت مولاه قدوه اولیا زبده اصفا
 سردار دین احمد و امین جمع فضل سالار اهل ملت و سلطان انبیا

اول حاجی شمالت و حامی شرح دین اول والی ولایت جانشاه اولیا
 روح امین اعانتی ایدر اندن اقباس روح قدسی آنو کله بلور زینت و بهار
 ملاک نقش غیبی بن جمال حق مصداق آیت کرم و معدن سخا
 جریح کمال عزت و جستم مجاهد نور چراغ دولت و شمع خورشید علی
 سرور فرجامت ارباب فضل و علم مجموعه جمیع کمالات اصفا
 کیم که ارزوی شاهی ملک رضا ایدر اولسون همت پند در کاره قضا
 یعنی ابوالرحمان سید الله الغالب الشهدا السعید امیر المؤمنین
 علی بن ابی طالب کرم الله وجهه اول اول علی در که او ان طفولتین خاندان
 بنوده و زمان صبا و نده خانه فتوحه یوبوب فطره الله اصلا تبدیل
 ایتوب و جبلت اسلامه تفر و بر یوب عمر نده ترک دائر سز قدیم یوب
 و کفر حوالسند جکر ینوب کند وی بلدن دین اسلام و شریعت محمدیم
 اوزرنه ایدی و ایما حضرت رسالتوک شفقتل و کیمه کونزرت سبیل
 اولمش ایدی هر دم رموز باطنده هر ازی و اسرار بی توحید و دم سار
 ایدی نفود و قایق وحیه محزون ایدی و جواهر حقایق حقه معدن اید
 نفس صفا منی کدر مشدی و بدن همتا شدن ارشدی تمام توحید ذات
 و ارش ایدی و بالکلیه تبدیل صفات امتشدی بقاسی بقا روح ایدی
 و وجودی فانی مطلق ایدی عجایب کرامت منبع ایدی و انواع سعادات
 مجمع ایدی خلق خلق رحمان ادی و علم علم سبحا ایدی سجا عت وجود
 آنک حقه انمشدی و صفاء عدالت آنده تمام اولمشدی روح بولنده

مالدن و جانندن کجاست ایدی و درین مصیبت چون دین بر نفس ایدی اید و دنیا
فکره فرستد ایدی اکثر اوقات حضور خلوتند ایدی و کجی کوندز تو چه
و حدت ایدی معارف دگر نه غرق اولستدی و حقایق بحر مستغرق اولستدی
اسرار الهی مظهر ایدی و انوار نامتناهی مظهر ایدی مبیات انبیا و اوقف
ایدی و حوادث آیتیه عارف ایدی قواعد جفری اول جمع ایدی و جداول
استخراجی اول وضع ایدی و پنجه دخی غزای علییه اسارت ایدی و انچه دخی
اسرار معارف و دلالت ایدی حکمت کلجیلرنده لغمان ایدی و معرفت
دگر لرنده غامذی علم بلا غنچه سنج ایدی و فنی عربیتی اول فودی سوزر
جوامع کلام ایدی و هر لفظند هزاره لوی حکمدی محبوب العارفين سلطان
العالمین ایدی حق استنوک مدیه سیدی توحید ملکون مالکیدی
تقریب ملکون ساکت ایدی قدس هو اسکت طایردی ملکوت
ملکونک سا بروی کریم الذات ایدی متبول الضمات ایدی اول اول
علی در که معرفت چشمه لرنیک منبعی انده و هر علم خزان لرنیک منبعی
النده و هر مالک اکمل انده و هر صفات افضل انده و در زایل
ان سیدان متبرادر و فضایل قدسیه ایلد محلی در انوار لا هو تیب مطلق
و اسرار جبروتیه فجم و در جمیع ارباب قلوب خالصتک توجیهی اکادد
و جمل اصحاب مکاشفات صادقانک کشف آنوکلور در درو سیتکت
سلسله لرنیک منتهمی در سلوک اهلنوکت انتهای در جمیع اولیا
کرانکت مشایق اندر و زمزمه مسایح عظامک استانی کا در هر یک

ایشادی انکت هتید و در سالکوک رشادی آنوک تربیتک در حق
جل و علا انکت غنایتی سبحانی دایما ریاض قلوب عارفینده مظهر و برتی
النجاری هر دم حدایق ارواح سالکین و در منزه الیوب روح مظهر نوک
اناری بر کاتبه ارباب قلوب کولکری دایما معور و روان منوریک
انوار اسرار قاتیل اصحاب کتوف سازنی هر وقت بر نور ایدوب ذات
شریفی هر دم ذوات منزه سید و بار قدسه انیس و وجود لطیفی لفظ
ارواح مجردیه منازل مجرداتده جلیس ایل **نفت امیر المؤمنین**
الحسن بن علی بن ابی طالب رضی الله تعالی عنهما خصوصاً اول نورین از هر بن
و انورین صدف النبوة و پنجه فک الفتنه قره عین الرساله و عزنی
وجه اجلاله و شمسی سما السیما و بردی عالم النقی و ردی رؤیه
الکمال و ریجی بو سنا اجلال سیدی شنان اهل اجنه **نفت امیر**
المؤمنین حسن بن علی بن ابی طالب برسی امیر المؤمنین نور حدقه سید اکملین
کوه علم معدن علم بحر سخا کان صفا در یابی جود شرف الوجود صاحب القیامه
احضاد فی اجنه قائم خلفاء الراشدین فصیح اللسان بلنح الیجا جری اجنه
عظیم الشان جلی البرهان توفی السلطان مصلح الفرقین مؤلف الفیتن سبب
صلحاء المده المحمدیه مشایخ اجماع الامه الا حمدیه استبانه اس بحمد النبی
و افضل الخلق بعد ایه الوصی خلیفه ابن الخلیفه السید الشهدی الامین
الزاهد الجاسن و المناقب ابو محمد الحسن بن علی بن ابی طالب رجب اندر
بالروح و انرجی دسکتنی اعلی غرف اجنه اول اول حسن در که پیغمبرک

گاه او کند گاه روزنه و گاه اندوه و گاه او مرزده نبوت در صند و رسالت و مینه
نشو نما بولسندی قره عین نبوت ایدی و غزه و جبه فتوت ایدی محرفی و سقا
ادی و ماه اسما سید ایدی صورتده بیستلو ایدی و نظرده صاحبلو ایدی
حلی غایتده ایدی بیگزک مجوبیدی و اهل کلمه عربیدی و جاکلمه ارنوک طوطی
و جنت کلتا نونک طوطی سیدی ازا اهل زاهد ایدی خدای کندی بر قدری تفرقه
ذمعه ندی راینده ایو کوزکدی و اجتهاد دی که تبتدی که انت محمد ک
اصلاحی و دوسی وینک صدای کند و خلافت امرن بر مقدمه در واکار
امرندن و از کلمه در حسین هر نه قدر که جلیدی وین راضی دکولم دیو
چکندی حسن ایدی بن صانعکن سکا و دستر که سویلیس و بدنگر
بجی بلور سکا ایلیس بکا و مدون حکایت ایدر لکه و ایستندم روایت
ایدر لکه بنوجون در سن و بنی کور جک سویلر سن که بو اولم سید امتدن
ایک لمانده بر سنه کرک و بونک او جبه مسلمان دن ایکی جماعت کور سنه کرک انتم
آراسندن اختلاف ذمعه اینه کرک و دین امرندن احتمال ذمعه اینه کرک
باین دو دم دوی کی فینه در دوی بر دخی بوقت در دیوب خلافت برده
و معاویه بل بر سیدی اول سیدن اجماع امنوک سعادتی و احادیث صحیح
دلا ایتله حق جل شانزه و عظم سلفی دینا خدای بر نه آخر شاه لغنی
و بوجها بکلکی بدلی اول جها باوستاه یعنی متبراید و تاحضردکن روحی
ارواح متد سیدل هر ز و نفس نوس قد سیدله مسا ز ایلدی بو ما بنو ما سقا
در جاقصا عدده و مراتب ترا ایدره اولان **نعت امیر المؤمنین حسین رضی الله**

المنج

النجسی سید ابن سید ابوالسنا و الکرام امام بن الامام ابوالابته العظام اجدول
النبی و استیج اولاد مصطفوی جمیل الذات کریم القنات مقبول الاصل
و انحصار رضی الاوصاف و انشمال محبوب قلوب العارفين مطلوب نوس
العاشقین سید السادات و مجمع السعادات نور حدقه ال اعمدی و نور حدیقه
بان محمدی کل کل ارضفا نور دیده مصطفی صاحب النبوة الطاهره و ایچنه سید
التهدای با جماع الامته اهل السنه التمهید الطیب مجمع الطرایق و شیخ المشارب
ابو عبدالله حسین بن علی بن ابی طالب روح الله روح و زاد فتوح اول
اول حسین در که اول قرادسی کی بیگزک فریخته قولتو غنمه و اقر سنده
قوجنده بیوب سرای رسالت ده و خانه جلالتده اول سیدی اصدق
صنه و صفات مستحسنة مکارم فضائل و محاسن ثما بلبله راسته و مزین
ایدی سخاوت جوهر نونک کائیدی کرم بحر نونک غایتدی سیادت تحننک
سلطانیدی و سعادت تحننک کادماندی تمذیب اخلاق اتمیدی و
تبدیل صفات ایلندی علم شریفیده در بابیدی و معرفت طریقیده بیوایدی
بحر تو حیده سیاح و جهات تفرید و سیاح ایدی فنادر سینه غرق اولمش
ایدی و تجلیات انوار مستغرق اولمشدی طوقه زائمه کرامت نبی انین
ایدی و جمیع سادات خلافت انتسابی انجا ایدی زماننده خدای آنوک
ایدی خطا مخالفت ایدر نونک ایدی امارته اول سیدی ایدی و اول دعویده
مخون ایدی آنک اجتهادی انده بدی که عالموک فصل بونده بدی که خلیفه
اول اول جمانی عدله و ولیده واقع دخی ایله بدی کور کلوسی بو یل ایدی قائل

لا غیدی عاصی اولاد باغیدی جذی بلندی استبوسوزی دویش ایدی
 که بریزوار بسته غایتده یوچ اولاد غلوم اکابر شتر تهنید و لیبجه اول اجدن
 آخر نهادن سینه اولدی و اجماع اول سعادت سینه اولدی حق تو انک تملین
 و ایم و سلسله سنی قایم اید و اولاد کز اما توک مکرمان انا رنگ بر کاتبه
 و انباء ساداتک سعادت اول انوار رنگ اضا تهنید جفا جفی معور و عالم یوزنی
 بر نور نظام شریعتی منتظم و ارباب طریقتی معتزم قدا
 و خصوصاً اول غنی مکر مین و پدین منورین
 سیدال بنی و قدوتی دین مصطفوی کو کبی فکر جلال و کجی سها جمال
 عزیزان مکرمان متبولان مظلومان

بیست و هفت هفت
 رضی الله عنه

برسی سدا نه و اسد رسول الله محمد حضرت
 احمد و معز دین محمد سباع مقدم فارس خیر عام مشهور عرب و عجم متبول ترک
 و دیلم رئیس لشکر کرم التعداد مرد میدان مزوت شیرینکام قوت
 ببریت بخاربه بلنگ کوه مضاربه روان جسم بچار سر و مرغز او
 کار زاره کل باغ بسوزی چراغ داغ جوی سوزی نور حقه و روزوب
 نور حقیقه شمشیر و حزب محبوب جناب سالت و متبول حضرت جلاله
 ابوالنخاس و المکارم ابو عماره حمزه بن عبدالمطلب بن هشام رضه اول اول حمزه
 و زکریا بیبرک رضه بیدی و علم نیک بلخی بی اچلرندن غایت سود کویدی
 و اولرندن تمام استند و که ایدی التمنک سیدانی ایدی و اسلامک پہلو ایدی
 ایگادینه و عزت و بر شندی و اسلام اسلامه شوکت و بر شندی و وجودی کفر

زینت

زینت ایدی هر کسی اعد اید هیبت ایدی محمد عرب و جسم در لوب انک
 شجاعتن و صف اید و مزله و جمیع ترک و بلجم جمع اولوب انک بهادر لغنه
 مبالغه الیمیز هر دله انک شجاعتی مشهور اولمش در و نور و هر مجلسه انک
 اسالی قصه اولمش در سو یلنور بهادر لنی انک اسالی صوب سو یلر و نجاشته
 بیک در لومباله کوستر لر اول شیر فرعام و برینکام در که بچه بل شکر
 نصیر اولد و شریعتی ظهیر اولد اسلامه صورت اولد و پیغمبره قوت اولدی
 اصحابونک زینیدی و دین انک کو بندی اول اولمش علی بهادر لنی نامی
 و کندی و اول کر سبجه شجاعته حضرت بولدی اول اولد که پیغمبر قی انجمنش
 ایدی اول کتد و کتد غایت اجمنش ایدی حق شکر انک هر ز علی به قوت و پر
 و انوک بل انک هیبت و بروی اولد انی لغت اید اولدی و انوک بر نر عرب
 مشاع اولدی قرینک سرور بیدی و و بکت مشرک بیدی بیبر انک نهاده
 نهاده اندی و احادیث صحیح سعادته دلالت ایدی حق تو سیدانار لند
 اعلای مقاماتی و سعادت اینه اسعد کراماتی سید ایدوب ذکر مجلسین نامی
 جزین علی تر کد هور و ان غصا و تعاقب الازما و اولاد وار متوالی و
 مستدام اید

ابکی سانی اکیچ و مستنزل الفطر الانام و سید سادات قریشی
 اجمالیه و الاسلام ابو خلفا، النظام و جد الامراء الکرام المعزز الکرم للنعم
 الموقر فی المجلس الاکابر الکرمین المتقدم فی الصدر علی الصحابه اجمعین نعم
 التبی و صفوا بیه محترم الناس ابو الفضل عباس رضه اول اول عباس

که جا به پندیده این تریب سوز او کوسیدی و سلا مده و فی اصحابک کر کلوسیدی
پیغمبر الهی که عت اید روی و صحابه و فی اول یولدن حمت اید روی
اول مجله کلمه بیخیزم او بن ارتور روی و اول بل اوله سوبلر کن یوج نردی
آنک قاتنه قنی سوبلر روی جبرائیل کا بوبله روی دردی اوله فی پیغمبری بود
عزت بیک او قدر اید روی بیخیز کر عزتی انکا غور و پروردی آنک تعظیمه
باو تب یولدن ایرلمدی اول آنک کر مبدربن بنی بلورم اول آنک کر مبدرب
بن بن بلورم اول آنک او بیدربن نکسبم دیدی منبعل الذات
ایدی کریم الصفات ایدی مشهور لافاق ایدی مرضی الانصاف ایدی خلفا
رکسین فنده اندن عزت یوغیدی و جمیع اصحاب آر سنده اندن خوشلو
یوغیدی ابن عباس کی حرکت اتاسی دی و بویچه خلفا و عظامک دود پی
صیحا آنک اولاد آنک اعلامی اعلام دینده سلی اید کونک اجوی نوا سجنه
واعلان معالم یقین ده اهل لریبک نزدی حسابجه آنک روحه مشوبان
و آنک روانه حشا ابصال اید

واند فکرة باقی آل نبی نکت و عتره سواد آنک و جمیع ازواج طینبات
طاهر آنک و باقی صحابه اخبار نکت و اصحاب ابرار آنک نفوس طاهره
و ازواج مطهره لریزه اول قدر شریف صلوات که رضاب خودانی بهشت
کی مطهره و مصنف و اول مقدار لطائف دعوات که نجات نسیم ارد بهشت
کچی معطر و مرقی اول ابعاد و ابصال اول نور که عد نکت صابنی اندن غیری
کسب طیبیه و اند فکرة جمیع تابعینک و تبع تابعین دکن و علماء شریعت

تحمید

تحمید نکت و فضل ملت احمد نکت و ایزد کرامت و فقهاء عظام مکت
نفوس طیبیه و ارواح زکیه لریزه بیک کز بیک تحف تحیات طینبات و بچ یوز
بیک صنوف تینما نایب که حسن انام صبا و طیبیم صبا و لذت سبانه اما
و زینت ازها رکلت کبکی نازه و منزه و کس اولاد اصل و متواصل
فصوصا اول رت صاحب منزه
چار رکن اسلام و چهار راه احکام چار مانم مطهره و چار چراغ منور چاروز
دریای نبوت و چهار جوه کافوت چار کوب سما امامت و چهار بخش
استقامت چار بحر صفا و چار کوه و فاجار دلیل کراهان چهار بنا چار
کجا چار بنا ملت و چار عماد امت چهار سوی شریعت و چهار دیوار حقیقت
چار حافظ سرای شرع و چهار امین خوانده فرع چار منبع ایوان هدایت و
چار مصباح خاندان عنایت چار چشمه زلال معارف و چهار بلبل سبزه
زار لطائف چار سر بایع برالت و چهار سرور صدر جمالت

بررسی سنی مجتهدین وارث علوم الانبیا
و المرسلین سلطه الشریعه برهما الطریقه عارف اسرار قرآن کاشف رموز
فرمان شمع الائمة سراج الهدی فخر باب العبادة شیخ الاتفاضة الابعاد
الوارع المتشع من علمه بالعمل النافع علم الفتوی و عالم التقوی منبع المعارف
الربانیة و معدن اللطائف السجانیة مصبب الانوار القدسیة مجمع کلمات
الانسیة جامع زهد و علم و محمود کرم و حلم صاحب الذهن الوفا و الفکر
الصائب و التزای التاقب حافظ قرارة القرآن الکریم و ضابط روابط

بیت امام اعظم رحمة واسعه

سنة الرسول عبد افضل التسليم عالم العقول والنفوس امام الفروع والادب
 مستخرج قواعد الاحكام وما بني على اساس شمع انوار اجتهاد ودرخشاخ خانه
 استنباط امام المسلمين حجة الحق على الخلق اجمعين امام اعظم ومقتداي
 معظم مولانا ابو حنيفه كوفي نغان بن ثابت بن روطي رضي الله عنه وعنه
 المجتهد بن واصل حذير ابيه الدين ومنه في مذهبه من المؤمنين اول اول امام بر
 كه احكام بناسني اول محكم اندي واستنباط اساسني اول مستحکم اندي قياس
 ركن اول تشييد اندي وفروع احكامني اول ضبط اندي دين اوله زينب
 ويزدي وشريع باغنه بهجت ويزدي عالم خلقه نظام ويزدي وشريعت
 محمدية انتظام ويزدي المشنة سراب اولدي بشارة تاج اولدي جهان
 اول مقتدي اولدي جهان انظر هدي اولدي جهل امواته صيات ويزدي
 اول صفة لانه نجات ويزدي علوم دينية احيا اندي وقوانين شريعت
 اجراء اندي جار وصدقه صفاد يروي وسينه فضاه صفا ويزدي طاهره
 صراط مستقيم قودي واستينر طربح قويم قودي فقه ملك دينر
 قواعد قودي واحكام او كرمك استينر صواب قودي استنه طلب نيل
 نجه مسائل اسارت اندي واستخراج استينر چون اجتهاد لا يذ دلالت اندي
 جهانده بر مذهب قودي كه دين اهلنوك الكثرني انكا متابعت اولر عالمده
 بر قانون قودي وضع اندي كه اجتهاد سلاطيس كردن كشت انكا الهام اولر
 حق مذهب كرن استنوك ما غنجه صنات وطريقة سلوك اذن ملتوك
 عبادان حبا بنجه مشروبات آنوك روح معظمه وردان مكرمه واصل قلوب

تا دنيا طور و قبح مذهبين و ايم و قباست قويمه طريقي قايم عليه بنه و لطفه
 الكشي امام ثاني بحر معاني سني
 غايات بديع الايات كشف مسكلات القرآن العظيم حلال معتقدات
 الكتاب الكريم ناصب رايات التنبيل كاشف قناع محذارات المعاني
 بالتحفة والتأويل علم الهدى علاء الدين اليزدي وحيد عصره وفريد دهره
 امام المسلمين محي الدنيا والدين امام معظم ومقتداي مكرم ابو عبد الله
 مولانا محمد بن ادريس الشافعي رحمه اول اول امام در كيه بويجه مجتهد اولدي
 ظهير اولدي وشريعنوك احبسنه اولداني نصير اولدي احكام دينيه
 تائيد اولدي ومسائل اجتهاديه بجدد اندي دين امره اول داني قبي جاندي
 واحكامك احكامه محكم دورسدي دنيا نك اولداني بر كندي و جهانك
 اولده بر زيبندي شريعت عالمه صفا ويزدي وعلم كل ارده بهجت ويزدي
 اصول باغني اولده احيا اندي وسرع القواني اولده اجراء اندي دنيا
 اولده بر نور يدي و جهان كلستاننوك بر نور يدي جهانده اول داني بر
 مذهب قودي كه كا داني بويجه مشايخ و اوليا اقتدي انديله و عالمده اولدي
 بر طريقة سلوك اندي كه اني داني نجه كمن اصفياء اندي حق مع انك
 داني اجرتي موفور وسعيني مشكور ايدوب همتي بر كاتوك انوار يدي
 اولان عالمه و كوك كوك نري خانه سني منوره و غنا بيتي نسيمنوك انار يدي
 طريقته اوله عالمه و كوك دل و جاري و ماغني موطر ابله بلطفه و كرمه
 او صبحي امام الدينيه

امام شافعي رحمه وسو

وصاحب الكنية سيد الفقهاء والمحدثين واستا والائمة المتقدمين صاحب الحق
ومنتصب الحق معزز السلاطين العظام مرجع الخلفاء الكرام زبدة ارباب
تقوى وقدره اصحاب فتوى امام المسلمين برهان التبعة والدين ابو
عبادة مولانا مالك بن انس بن ابى عامر الصباحي رضي الله عنه اول مالك
که ملک دین مالک ابدی و سالک سرمد سالک ابدی علم حدیثه
اولویبیدی و علوم دینی و بلیبیدی سنوکه صحیحند غایت اقدامی
واردی اول که کتاب که حدیثه معتبر اولان آنوک صحیحیدی و سؤل اسناد
که زمانده مقبول اولان آنوک تصحیحیدی که مجتهد نیک استادیبیدی و امام
س فی نیک اصل آنوک بنیادیدی هم عالم و هم زاهد ابدی هم عارف هم
ابدی سلاطین جهان مقهور ابدی و امیران زمان ما سوریدی و صاحب
علم ابدی و مرشد بنی آدم ابدی محمد افاقدی مذهب الانصاری
حق تو آنک دین امرنده سعید کوره اخونده جزال و اول یولده ز جنتینه
کوره جنته صفایر میر ایدوب و ایما علماء شریعت روحندن امداد
وصفاء باطن اهلته روانندن استمداد السوکه اقیه بینه و کرم
در و نجسی امام رابع و عالم و اربع فخر المحدثین
وسید الفقهاء والمحدثین فخر ارباب صفا و قدوة اصحاب و فاجامع
مکارم الاخلاق و مرضی السائلین في الافاق منبع المکارم و المناثر و مجمع
المعالی و النفاخر امام المسلمین و خمس الدنيا و الدین ابو عبدالله مولانا
احمد بن حنبل رضي الله عنه اول اول امام در که فضیلت و معرفتی کمال بهر بله

وص علی ذبورید علی بن ابی ایدوب دین امرند افرا طله متصل و حق یولده
الی حد منقص شرح بنوی ابو اسنده غایت جوی و حکم شرعی امضا سنده
حدیثه قوی ادی بر علمنده و ایم عزیمت کشریدی و هر استنده البتة اولی
سن کوزلردی رخصت رخصت و بریزدی خلقه فتوی ویرس کند و امرودی
قران خاندردیو جبر اندیلر و بو یولده هزار در لوز جراتند هر اندیلر
ممكن اولوب دیدی ضرورتده رخصت و ارکن سو یلیدی اول سببک فیلی
بلا چکدی و اول او جودن الی حد جفا کوردی قصه سی تواریخده مذکور در
و تفصیلی حکایتده مشهور در حق قیامتده زحمتی مقابله سنده راضی و
جفا سی جو اسنده صفایر میر ایدوب جنت اعلا ده تجلی جمالیله مسرور و معظم
و خطاب نکر میسر شرف و مکرتم ایلیه بلطفه و کرم

واند نصیحه باقی اصحاب اجتهاد و ارواح تنبها کت
ارواح مطهر لرنه هزاران هزاره ابا نجبات و رردیه التبتا و غیر النقی
و دین باینده سعید کوره اضعاف مضاعف حسنت و اصل اول و حبله
علماء احادیث بنویه و اصحاب سنن مصطفویه و ناقول اخبار و راویان
انارک ارواح مقدساری انوار الفاظ در باره محمدیه بله منور و نجبات
نفحات اناس احمدیه بله معطر اول

خصوصا اهل نذین سؤل ایکی مصباح منکوه سنت
والیکی چراغ خاندان امت الکی منبع ایوان صفا و الکی کوب نور مصطفی الکی
معدن جواهر کلمات بنوی و الکی منبع زلال معارف مصطفوی الکی جامع

اعمال شامی رحمه واسعه

شریعت و مقبول ارباب طریقت در بحر جواهر رسالت و دوری سماء عالم جلالت
صاحب الفصحی الثانی امام کامل و شیخ فاضل ابو الحسن مولانا مسلم الحجاج بن
المسلم القشیری النیابوری روضه اول اول شیخ حدیث در که جامع بخاری
صکره کتاب همین آنوک صحیح روای باب حدیث آراسته بخاری بدن
بلجک معتبر آنوک تصحیح خود اول ادنی حدیثه ابو جلیت مشهور و صحیح الکسک
قومسود دور شمس و احادیث تصحیح انکه و سنن تفتیح انکه و اسانید
افراج انکه و دوای استخراج انکه اتمام سزاظن کوز لستد و هر نه
کرک اشکند اول سبب در که آنوک صحیح دخی محبوب اولد و آنوک
کتاب دخی مرغوب اولدی شیخونک بری اولدی و جمیع قلوب بری اولدی
حق شیخ آنوک سعینه دخی هر نه هزار ابلک لوله مقابله و زحمت چون اخذ
بیک در لوسن معامله ایوب کتاب کریمونک بر کاتق انارنی و تجلیات
انوارنی قلوب اهل ایمان قیامت دکن کسوک ائمه
واندن صکره باقی اصحاب حدیث و سنت
و علماء دین و ملت و شیخ طریقت و فضل شریعتونک ارواح شریفه
هزاران محبت و انواع تکریم رحمت واصل اولد
خصوصاً ظاهراً که دل ملکونک است باهری
و درون ولایتونک باهری سینه سر بر نوک سرور لری و روح علمونک
سرت کوی جان حسنه سنوک طیب لری و خرد و طفلونک ادیب لری ظاهر
صورتک بری لری و معنی عالمتک منبر لری حق استینار و کت رهبر لری

کتاب منسوخ و فاضل
سر الکونز

طریقت اهلونک معجز لری عشق جانونک سر خوش لری دوست جانونک
بیشتر لری است سرانونک مستلری بنسنتک عالونک مستلری جانم کونک
ساقی لری فنا ملکونک باقیر لری کوکل حواسونک خیر لری عشق سبک لری
سلطان لری حق خرابانونک معور لری دوست غفنه شک سرور لری خوش
باغک نشا بهر لری کوکل کعبه سنک عابد لری ملکوت اقلونک سار لری
جبروت هو سنک طایر لری قدرت ملکونک مسافر لری عزت حوسونک
مجاور لری ملک لرحوفک اینست لری فکر تحت تک طیس لری سما بر نوک
سرافز لری و سعادت ساعدونک نشا باکم صفا کلتانک کل لری وفا
بوستانونک بلبل لری حقیقت بحرینک سینه لری طریقت برینک بنای
حق جو غنک دل لری و یولدن آزانو کت دلیل لری شریعت بولونک
ناصر لری و حقیقت یوز نوک ناظر لری تفرید کوکونک بلد لری و یوز
سرتونک دسوز لری دل و ضد سنک طوطی لری و جنت چمن نیک
طوبی لری معرفت کچنونک و بران لری و علم نونک خاند لری وحدت
دکتر تک غواصکم و مالک الملک حنونک خاص لری قدم اقلونک ستاری
و حدوت ملکونک طیار لری حکمت نکلونک افتاب لری و قدرت سمانونک
عاهت بلری صدر صف سنوک صدر لری و دل کلشونک نور لری جا سابقونک
۴ و بلری و تن نافه لری نوک هادی لری کوکل خان سنوک چراغ لری و عشق
چو غنوک باغ لری عقل نونک یا غما جیدی و چراغ براتونک تخا جیدی و دل
منشورنک منشی لری و کوکل کتابونک محشی لری عزم مید انک فاسی لری

و حرم صحرا سنک کما لری هفت تو سنک را لری و عبرت کما سنک کما لری
جدا تو ک را کباری صی منزلتک کما لری عشق در پستانک در دانه لری
و سوز او و تو ک پروانه لری محبت در دلوک آواره لری و مودت
یولون بیچاره لری یوقلن سرانیک نکبانه لری و عدم سخنک کما لری
غم بازارک خرد دار لری دوست یولنک سبک بار لری علم کوم
خرا لری یقین اسرارک کت فدی معارف جوهر کر نیک معدنی
عارف کجی سنک مخزن لری لطایف جسد لریک تبصری و حقایق
دگر لریک مجمع لری ریاضت کومه سنک خلوتی لری بوکزه عالمک
و حدیثی وجود لریک تاراجی لری وازل بطخوک استیجی لری دل
خاز سنک خاد لری و تن لذتک عدم لری صی عزتک حامل لری
دین اصلک خامل لری اولوب هر بری بر کونه عزتده ظاهر و فقر و
معینه عزت اولوب کول سر این تختگاه و جا صمدنه بارگاه ازیوب
روح مشکینی بنی اسرائیل و ارضدم و عقل قواسی قوم موسی کجی خشم
ایلیوب نفس فرعوننی مقهور و قلب موسی منصور ضلالت ممانتی
ذلیل و ما بکار هدایت ماروننی وزیر کامکار ایدوب و ساکن نفس
کمرنی قبلی دار و اوام شیطانیه عسکرن مطرود و خوار فنا نجرنده غرق
و عدم دگر ز مستغرق قلوب متواقبل ان تموتوا احلیب قوی حیوانی
اولدوب و مرد نفسانیه مسکدوب سخوات آرزو لری قوی و طول
امل ایلرنی اوزب غیب قبیلن اتوب و صد طمر لری کسوب طمع کوزنی

یوسوب و عدوت الی یوب هو اوسونن اجوب و دنیا فضلندن کجی عزت
سراخی یوب سید و روب وجود بناسنی یوب یو و روب دنیا سر اینه
ایتموب لذت سر اینه الی یوب نفس غرورن طینیوب بدن سرورن
کونیوب بصورت آرا یتموب یوطا صرا آیتنه آفتیوب حرص
یولنه یلیوب نفس دید و کله او یلیوب عمره بقا صنیوب دنیا به ال یلیوب
همین کنده ی اولسن یوب اموات بر نه تنزیل و تصویر ایدوب و بو عابک
همین کنده ی بر زح بر نه فرض و تقدیر ایدوب یتدخی بری کوز و کوز
کوز حیاتی ممت وجودنی فوادینی تراب اعضاسنی جواب قواسنی
ساقط قوتنی فاقد صدرنی خبر سینه سنی بین فکر ایدوب هر کول کول
آچوب و عشق جامندن اچوب جان باغنی روشن و دل مجلسنی کلشن
کول اولنی فرج و شان و روح ملکنی معمر و آبادان ایدوب دل تختگاهی
نی پاک و بدن جیسی جاک ایدوب حق عزیز سنی سوب غیرن ولدن سرب
کونین فعل و اراتوب الی معانی صی صوب تن طوره تجلی به چتوب
کول صواسته ناسایله و ایدوب قدس مکنه جولان ایدوب غیب عالمی
سیران ایدوب سیرغ الی بر اچوب عتقا کجی اچوب جابلغای ینلیق
ایدوب جابلغای قسلا قلوب ظاهر کوز ده صورت کوزوب معنی یوزنده
غیب آقیمنده بولنوب رجال غیب ایلد همراز و نفوس قدسیله مساز اولوب
ظاهرده فقرا باطنده ساهم صورتده رعایا معینه پادشاه
بورس فرزان کوناه دست بزرگ خود و بلند ان دست

بولار نامداران کم کرده نام
 بولار نامداران بی بخت و خست
 بولار نامداران بی تاج و تخت
 بولار نامداران عزت کزین
 سلاطین نشانی خلوت نشین
 اقا کیم کبریا عزت کزین
 سنازل شناس راه عدم
 ترتم نوازان بزم قدم
 دلین کراه راه خدا
 چراغان نور دل مصطفی
 عارت کنان سرای صفا
 ولایت کنان جبه و فاه
 صفا داده کان کلک دین
 از این کنان جمال یقین
 کواکب شناس برج امل
 جواهر فروغ درج امل
 صبوحی کنان شراب الست
 امیران نامور و هشاروست
 قدس اند اسرار هم و افاض علی العالمین انوار هم و
 متع المسلمین بزباده اعیانهم و امواتهم و ادام علی الانام بركات محاسن
 بناتهم حق تبارک و تعالی دینا در درجه آنرا و کرمیت لری انار لری عالمی
 محمود و روحانی لری انوار بله ایچینی بر نور و نظایری سبیل بری لکی
 منظره و عالمی بر کاتب آدنی منقش وجود لری نعمت جبه طلو نیت
 و ذات لری سکر قبله عالم خلفه رحمت ایدوب آنرا و ک سبیل مردم
 مواهب رعایه و آنرا و ک واسطه سبیل هر نفس عواطف سجایه آنرا و ک
 بندن و ابا امداد روحانیه و آنرا استکندن هر وقت فیوض ربانیه
 نوع از نون اکسوک و اولیوب ارباب قلوب قبله نزه صفا باطن نندن صفا
 و اصحاب کتوف سر لری نور ایت روان نندن صفا لری نجلی اولمش کوه کلاه

آینه بجهان ناز نندن نفوس غیب و زکی اولمش خاطر لری ارواح مطهره لری
 علوم لاری مستجاب تر و متوالی فال فیض اول
 متع الله المسلمین بوجوده التریف خصوصاً ایچیز نندن سول
 ذات مطهره که زمانه قطب اولمش نمک قلبی الهه و سول روان سوز
 که دو کونی تمام ایدر و جرح طوبی او کنده سول وجود شریف
 جها باغنه زب و فری سول عنصر لطیف که عالم عناصره زبور و سول
 سول روح پاک که تن علقی از لمتش سول قلبی صاف که نفس صفاتی
 آرتش سول بس که بشر نندن فنا بولمش سول فانی که حق بقا بولمش سول
 مرد پهلوان که شموات زنجیر لری اوزمش سول سیر مردان که نفس زده
 سن بولمش سول خلیل خلقت که فتوت اقلینده ساه اولمش سول سف
 سیرت که کوکل مصر نه پناه اولمش سول موسی صفت که نفس فرعون بی حق
 انمش سول کلیم حسی که طبیعت عجبی حق انمش سول مسیح دم که مردم
 جعل امواتی اعیان ایدر سول عیسی نفس که و ایم کوکل مفضل نه شفا ادر سول
 مصطفی صو که لطفی عالمه رسن سول محمد خلق که خلق خلفه طومش سول
 با نیرید وقت که عارفه سر و اولمش سول جنید زمان که زده اهلنه
 مستر اولمش سول عارف ربانی که علم همین علم حق اولمش سول سالک
 نورانی که آینه وجود مطلق اولمش سول عاشق که و صادق که معشوق
 رضا سول رضا اولمش سول محب موافق که محبت بولنده فنا بولمش سول
 عالم عامل که شریعت تحت سلطه اولمش سول شیخ مرشد که طریقه اهلنه

جامع اولسن نول صوفی صافی که صفا بجزه عرف اولسن نول زاهد و عابد که
 عبادت نوره مستغرق اولسن اعنی شیخ فاضل و مرشد کامل منبع معارف
 الهی و محرم راز صبحکامی مجمع صفایین و مجمع وقایع معدن العلوم و حیات
 و بیوع الاسرار التجانیة المنسلیح عن الصبا کل التا سوتیه و المتوصل الی
 السموات الاموتیه مصحیط الانوار القدسیة و جامع الکمال الانسیة مخز
 المحققین و زبد المذققین سلف العارفين بر بیان العاشقین محی
 السنه قاصع البدعة الداعی الی الحق محمد الله علی الخلق مدافع المعصیات
 الذنیة حلال المشکلات البقیة امام علم الشریعة و الطريقة کاشف
 غوامض اسرار الحقیقة قره عین اولیا و غزوة روی اصفا نوستند
 کاسه عربی پوستند لباس غفران وارو او در معارف فارو اندیشه
 لطائف سوخته سموات جلال آموخته تجلیات جمال مظهر ولایت محمدی
 وارث علوم اهل بنویه ستمسها تخمین و مهر آسمان فین سرور اهل بیات
 سلطان سریر ولایت مقتدای سالک مسالک دین بیسوی مالکان ممالک
 یقین چشم کلمه اشریعت باران سبز زار طریقت اول کعب عمل
 و علم اول قبله و رع و علم اول صاحب یقین بی کمان اول خلوت نین
 بی نسی اول شمع محافل عاشقان اول صبح شبت صادق اول مبارز میدا
 مجاهدت اول محاضر ابوان مشاهدت اول کامل بارگاه عنایت اول سنج
 بادیه تفریده اول سنج بحر توحید کوه تراج و دین و دیانت زوینار
 علم و امانت مشرق انوار الهی و مخزن اسرار نامتناهی محبوب ارباب

قلوب

قلوب محرم خلوت خانه غیب دین کو کونک ما حنی سراج اقلینوک شامی سراج
 عالمک نوری کو کل مهار نوزک نوری شریعت باغ نوزک باغبانی و حقیقت
 سفر نوزک پاسبانی جاستینوک جانی جاملکنک خان شیخ ربانی
 و عالم صدانی صاحب الذوق و الصفاء حضرت شیخ ابو الوفا البرقی
 لازالت الدنيا معمورة بسرکات اناره والاخری مغرورة بافاضة انواره
 شیخ عالم آفتاب اولیا مرشد حق مقتدای اصفا
 شیخ هفت اقدیم و قطب العالمین و اصل حضرت جمال العارفين
 قدوة ارباب تکلیف و بقا زبده اصحاب تجرید فنا
 دلنواز طالب جان کوزاز و اصفا اسرار شریعت نیازه
 کعبه تخمین و قدس اصطفی رکن اولدر مقامنده رضا
 نحصوار عرصه میدان راز ظاهر و معنی یوزنده سر فرار
 رحمت عالم دل انکا حد روح بولنده استقامت راه در
 سالکان دینه استادا اولسن اول قدوة ابدال و اوتاد اولسن اول
 آب حیوان قطرة البحر دلی خفوش علم لدنی حاصیل
 چون سند همتی جولان او رده ده جی او کنده بر میدان اولور
 اول محمد سیرت و عیسی قدم مالک دین ایجره امیر محترم
 جان باکی معدن صدق صفا شمع ابوان الهیدی ابن الوفا
 ای کوز لری نوری و ای کوز کلر و کوز سرور
 به شکر تاجی اهل دلک معراجی کوز کل خانه سنک ضیاسی دل خسته

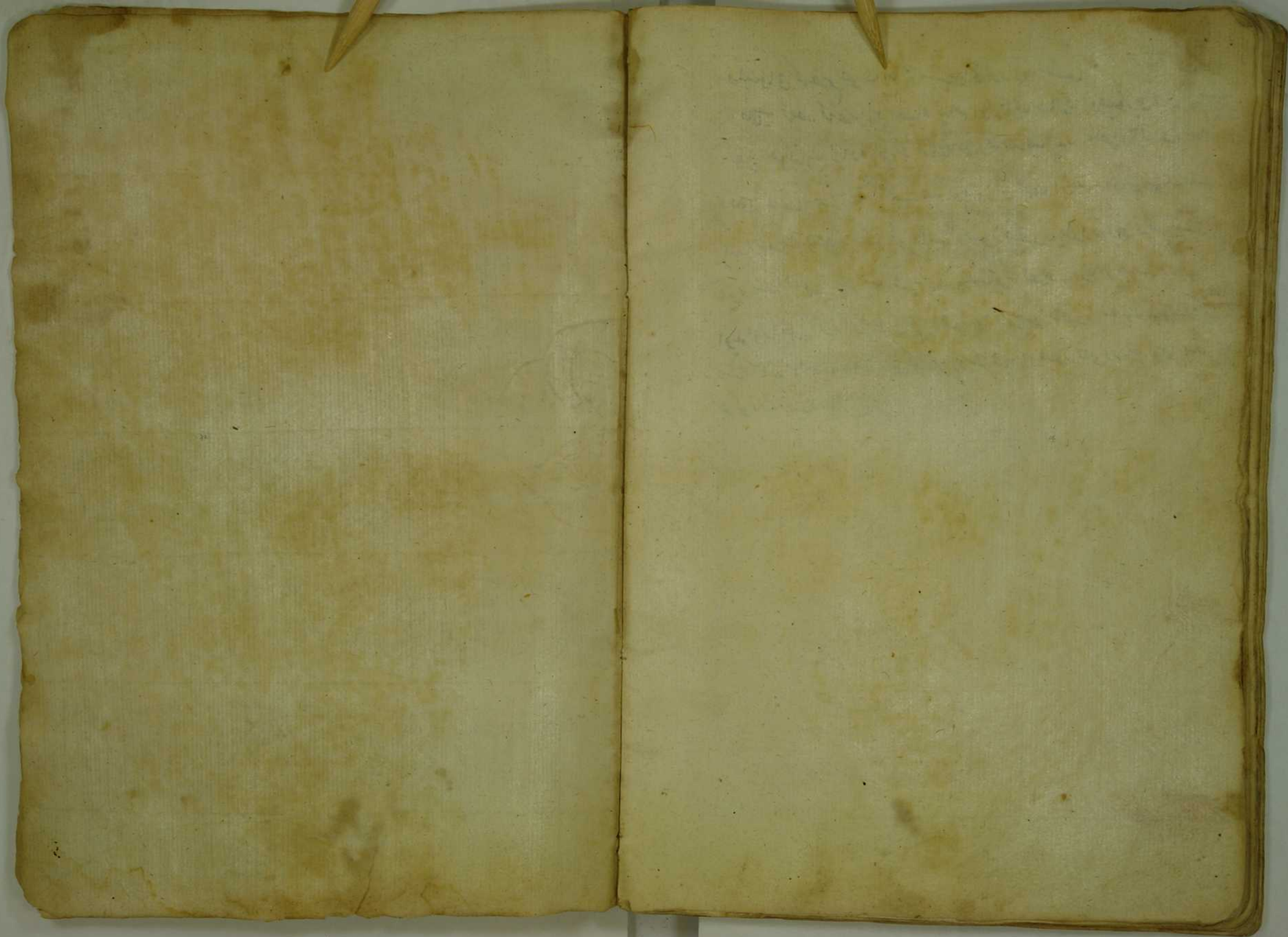
۱۲۲

شفاشی در دوا هلوک اینی عشق اوار سنوک جلیبی بول استنوک و لیسی
هدایت جوائفک دلیلی دل تختک خان و سینه سر بزنگ سلطه جان
اقلیموک بناهی کوکل سهندک سهندهای خیرت دکنه عنق اولند و ک
الن ایچی صفا لک و او بسند قفانی قلد و رچی از منکر بول کو ستر بچی
طابری ارکو رچی استمدین بولد رچی سنج دینه ایر سنجی دوست
دینه سنجی بلینه بلدی رچی کورینه کورد و رچی طوبینی طوبیور رچی باجینی قلد و رچی
حق سرانیک قبو سنجی کوکل اولوک با پوجینی ای منندای ججهان ای مقبول
اش و جان ای سنج عالم ای سر سندی آدم خیرت دکنه عنق اولدوم
بنی اندن سن قورتره دینا لایسته مسترق اولدم ایچدن آن سن صیقر نهوا
ظلماتی اجوم دانوم الدی دنیا هواسنی ظاهر م باطنم طوتدی ایچده بر او دار
ارقن کوررم گاه اسلر گاه سوسیز یورکده بردرد و ارب بر جفده
طومس گاه نیز گاه سوسیز نه بنی بیقوب قام افنا ایدر و نه برغوب با جلیه
ترک ایدر هر بیل او مر م که کلاسی بیل اصلاصه کلمه تم عابقی فکر ایدر م
که بوکیده جات اصلاصه کلمه انا عمر آرتد غنجه عالم بدتر اولدی کوکل کجه
عواقب ارتراولدی بیکلکده هو آرتوغنه عشق دخی جو غدی بیکلکده
شخصوات اکسوک کاهلک و ارتوق اولدی بر نفس کفرین بیل راحة او کره
قبن ریافته رضا و یرر بر کوکل که اچی طاشی هوا یله طوله قبن خلوتده صفا
بولور صیج بلزم که نیلین صیج فکر ادمزم که بنجا دین بکامد ایت اوار
قدم بکاجاره ایت بچاره قلد م بر غنابت سبجا ایره دیواد مرهم

اگر ایزد بر وقت توفیق ربانی بشه اصنورم آه اگر تیشتره
وای نوم حاله اگر بو حالده قلم طریق بلد و کومه اگر قالد قالم اگر سندن
مدد ایزد ایتسم بند بی اگر لطفک دستگیر اولدوسه یوکم تندی
بر مسیح دم سن که حاله حیوة و یررس دمی درین قلوکه دخی بر کت
ارینه بر عیسی نفس سن که نه خسته بجات و یررس و قدر که بن خسته
نفسو کدن ارنه سردن بقیه وارکن تیش بکا بو حالده اولمدن ارس
بکا جودک دکنری ججهان اقدی نوله بن کتمه بر قسط ایتسم محرم
کینی شی عالمی طوتدی نوله بن ذریه بر شعله تیش مقصود محبت او شده
کوکل قنوکده مراد ارادته اراد نوم الوکده اگر بکا ریاضت کرکه
ریاضه نامت و اگر بنده استعداد استریک استعداده مدد
ایت اگر کوکلده جدا کرکه کوکل با سنی سن آج و اگر قلبه صفا
کرکه صفا قبوس سن آج اگر دینای ترک کرکه سن بنی ترک
ایته اگر کوکل اوی پاک کرکه سن کوکلده کتمه کوکل معارس بقین
کوکل سنی یا پ اختیار م سکا و یردم هوا قبوس باب دل خسته
سبب علای سنک قنوکده کوکل مجوجیم مرهمی حضرت نوکده مرض
نقد راسکی سبب طیب طایق اولجی شفا بولور در دقدر اولدوسه
حکیم استاد اولجی دو ابلور دیدر نامت کرک شاد غنابت
اردی اولد و قنده اقدام کرک بهند هدایت تیشدی اوله
دم لره ک و ارا که بر دم او بسکت دله و کت ادر سن قنوکده

وار که بر نفس اشک است و کوک است و کوه نوله برود مکه بوبن بندگی
یا و اشک زوار بر نفسه بو کو کلی آباد اشک
رحیم سن خلق رحمان سنو کوه کریم سن لطف ربانی سنو کوه
مرض جانم شفا سندن کتب بخله کبی با بکده ن
فتح باب استن جناب کندن
ای ذنوبی عبادی عمواید جن نامه سنات محواید بجن
ور جن حضرت نو که نی چاره
ایست شفیع آن بن کنه کاره

و بشنوا فی کفهم غلاش مائة سنین و ارداروا تسعا
اصحاب کف کف کف زبانه اویار حضرت علی رضی الله عنه ایدر الصل کتاب عند سده
اصحاب کف کف کف سنه شمیه ایله او صیوریل لبث انیلر اما که حق تعالی
اندک مدت لبثی سنه فی ایله او صیور طقوز بلور و بلور کرا ایتدی
اوی سنه شمیه ایله سنه قریه بینه تفاوت لاهیور سنه اوج سنه در
اویله اوله شمیه تک او صیور بیای قریه دن او صیور طقوز سی اولور دیندر تک
سنه شمیه او صیور الیمش لبثی کوندر و سنه قریه او صیور الی روت کون ایله
به کونک نلیدور



19167000

که در کتب قدما در فضیلت آن جای داده اند
که بی زحمت کبر است بول کر مسجود و بر آن

ادل آهن باطن ظاهره خی نصف اولان با طبع با طریقه مستند
فولح مسکینه ده مذکور در که باب ششمین عبد السلام مذکور اولان
تا بوقت نورانی از بیاعبد السلام امر حمله بجایه نظیر به ده
دشن ایروب قیامت قریب مهدی صدف فرج حق تعالی
اوتابوئی و زبور داودی طبره دن بفریب حضرت مهدی
ایضا ابته کوکر (حضرت بدون عبد السلام عرضی
بفقیه بدون بها کتور دیوب بر حضرت وقت ظهور در کتوره
دیوب نیز استرم دیده قول اصح اوزره صدیقین اولان
وزیرای اصف بن برضا اسم اعظم که یاسی یا یسوم یا
اَللّٰهُمَّ وَاللّٰهُ عَلٰی سَمِیْعٍ وَاَللّٰهُ اَعْلَمُ بِالْاَسْمَاءِ
اجلال والا کرام یا نور یا الله یا رحمن در او نور فرج طریقه
العین ده ایما ابلق بولان برالندن به السدن مسعود کتور
مردن طفره جعفر بن عبد السلام صحابه هم فراوان لهذا من نفس
بارج مراتب نهانی